

روان شناسی و دین

سال هشتم، شماره چهارم، پیاپی ۳۲، زمستان ۱۳۹۴



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

فصل نامه «روان شناسی و دین» به استناد ماده واحده مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس نامه شماره ۱۰۴/الف مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۱ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی وابسته به شورای عالی حوزه های علمیه، از شماره ۹ حائز رتبه «علمی - پژوهشی» گردید.

مدیر مسئول

محمدناصر سقای بی ریا

سر دبیر

محمد رضا احمدی

مدیر اجرایی

سجاد سلگی

صفحه آرا

مهدی دهقان

ناظر چاپ

حمید خانی

سامانه ارسال و پیگیری مقالات

Nashriyat.ir/SendArticle

اعضای هیئت تحریریه

محمد رضا احمدی

استاد یار روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علی رضا اعرافی

دانشیار علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

غلامعلی افروز

استاد روان شناسی دانشگاه تهران

محمد کریم خداپناهی

استاد روان شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

محمد جواد زارعان

استاد یار علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمیه

محمد ناصر سقای بی ریا

استاد یار علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

عباسعلی شاملی

استاد یار علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمیه

سید محمد غروی

استاد یار روان شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

علی فتحی آشتیانی

استاد روان شناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی طبقه چهارم، اداره کل نشریات تخصصی

تحریریه ۳۲۱۱۳۴۷۹ - مشترکان ۳۲۱۱۳۴۷۴ - دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

صندوق پستی ۱۸۶-۳۷۱۶۵

یپاک: ۱۰۰۰۲۵۳۲۱۱۳۴۷۳

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir

http://eshop.iki.ac.ir: فروشگاه اینترنتی

نمایه در:

sid.ir & isc.gov.ir & magiran.com & noormags.ir

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط WORD با پسوند Doc از طریق وبگاه نشریه به <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مآخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
 ۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.

۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:

الف - ارائه‌کننده نظریه و یافته جدید علمی؛

ب - ارائه‌کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛

ج - ارائه‌کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛

د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.

۵. نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مآخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله بر اساس شیوه زیر آورده می‌شود:

نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.

نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.

۷. آدرس‌دهی باید بین متنی باشد: (نام نویسنده، سال نشر، صفحه)

ج. یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از چهار ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

ساخت و اعتباریابی آزمون اولیه باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی / ۵

کـه علی صادقی سرشت / محمدرضا احمدی / رحیم میردریکوندی

بررسی مراحل تحول بر اساس منابع اسلامی / ۲۳

کـه محمدرضا قائمی مقدم / محمود نوذری / محمد داوودی / مسعود آذربایجانی

جایگاه ثروت و زیبایی در انتخاب همسر از نگاه اسلام و ارتباط آن با رضامندی زناشویی / ۴۳

کـه عباس پالوج / هادی حسین خانی / غلامرضا جندقی / فاطمه کیانی فر

بررسی اثربخشی رویکرد گروه درمانی معنوی بر افزایش میزان تاب آوری دانش آموزان ... / ۶۱

عزت الله قدم پور / کـه طاهره رحیمی پور / حسین سلیمی

اثربخشی معنویت درمانی گروهی بر افزایش تاب آوری / ۸۱

کـه فاطمه دهقان / مرضیه پیری کامرانی / جهانگیر کرمی

کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی در کاهش اضطراب وجودی / ۹۳

زهره زینی وند / کـه لیلا امینی جاوید / جهانگیر کرمی

بررسی التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک های اداره تعارض زناشویی ... / ۱۰۷

کـه رضوانه طلائیان / کیانوش زهرا کار

رابطه جهت گیری مذهبی و هوش معنوی با میزان تاب آوری دانشجویان / ۱۰۷

کـه فریبرز صدیقی ارفعی / علی حسین زاده / مریم نادی راوندی

نمایه الفبایی مقالات و پدیدآورندگان سال ششم (شماره های ۲۹-۳۲) / ۱۴۵

ملخص المقالات / ۱۵۱

ساخت و اعتباریابی آزمون اولیه باورهای منطقی زوجین بر اساس منابع اسلامی

علی صادقی سرشت / کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ sad13566@gmail.com
 محمدرضا احمدی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ m.r.Ahmadi313@Gmail.com
 رحیم میردیریکوندی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ mirderikvandi@qabas.net
 دریافت: ۱۳۹۳/۹/۶ - پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۳

چکیده

این پژوهش با هدف ساخت آزمون اولیه باورهای منطقی زوجین، بر اساس مبانی نظری اسلامی انجام گرفت. برای مطالعه منابع اسلامی، از روش تحلیل محتوا و برای ارزیابی روایی و اعتبار آزمون، از روش پیمایشی با انتخاب تصادفی طبقه‌ای، نمونه ۱۰۰ نفری از میان دانش‌پژوهان و طلاب علوم دینی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ بهره گرفته شد. ساختار برداشت‌شده از منابع اسلامی، برای باورهای منطقی زوجین معیشتی، جنسی، ارتباطی، حل تعارض و حمایتی است. موافقت ۹۵/۵ و ۹۴/۵ درصدی خبرگان، نسبت به مؤلفه‌ها و گویه‌ها، روایی محتوای این آزمون را نشان داد. همبستگی مثبت و معنادار این آزمون ($r=0/26$ ، $p>0/01$)، با آزمون باورهای ارتباطی زوجین، گویای روایی ملاکی این آزمون بود. همبستگی بالا بین مؤلفه‌ها با کل آزمون همچنین بین گویه‌ها نشان‌دهنده روایی سازه بود. اعتبار آزمون، به واسطه بررسی همسانی درونی پرسش‌نامه با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد. در دونیمه‌سازی، ضریب آلفای نیمه اول ۰/۸۶ و نیمه دوم ۰/۸۹ به دست آمد و نیز ضریب همبستگی بین دو نیمه ۰/۷۷ و ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۶ به دست آمد. بنابراین، این آزمون از اعتبار و روایی مناسب برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: باورهای منطقی، زوجین، ساخت، آزمون، روایی و اعتبار.

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین راه‌های استقرار و استمرار ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه، تقویت و تحکیم نهاد خانواده است (محمدی‌ری‌شهری و پسندیده، ۱۳۸۹، ص ۳۷۷)؛ چراکه خانواده، نخستین و اساسی‌ترین عامل رشد شخصیت، ارزش‌ها و نگرش‌های انسان است (گانت، ۲۰۰۶؛ آمانو، ۲۰۰۰؛ سپهریان آذر و قلاوندی، ۱۳۹۰؛ سادوک و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۶). این کهن‌ترین نهاد بشری، متشکل از حداقل دو نفر با توانایی‌ها و استعدادهای متفاوت و با نیازها و علایق مختلف است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰، ص ۱۰) که مشتمل بر نظام پیچیده‌ای از تعامل عوامل مختلف است که تفاهم و تضاد را بین زوجین پیش‌بینی می‌کند (گاتمن، ۲۰۰۲، ص ۱۴۸). تقریباً تمامی زوجها در ابتدای زندگی زناشویی، سطح بالایی از رضایت را گزارش می‌کنند (مارکمن و هالوگ، ۱۹۹۳، ص ۲۹). اما معمولاً این رضایت به مرور زمان کاهش می‌یابد تا جایی که مشکلات زوجها و خانواده‌ها تقریباً نیمی از همه مراجعات به مراکز روان‌درمانی را شامل می‌شود (داتیلیو، ۲۰۱۰، ص ۱۳). معتبرترین شاخص این عدم رضایت و آشفتگی نیز طلاق است (رزن‌گران‌دن و همکاران، ۲۰۰۴). قابل توجه آنکه، بین ۸۵ تا ۹۱ درصد از افرادی که در آستانه طلاق قرار دارند، در ابتدا، عقاید مثبتی درباره رابطه زناشویی داشته‌اند و بر این باور بوده‌اند که احتمال طلاق برای آنها صفر است (فاورز و همکاران، ۱۹۹۶).

در این میان، *الیس* تقریباً ۵۰ سال پیش به نقش مهمی که شناخت در مسائل زناشویی دارد، اشاره کرده است (داتیلیو، ۲۰۱۰، ص ۲). از یک‌سو، محققان و نظریه‌پردازان بسیاری (مؤمن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴) نیز معتقدند که باورهای غیرمنطقی، علت اصلی اختلاف‌ها در روابط اجتماعی، بخصوص در روابط زوجین می‌باشد. *آدیس و برنارد* (۲۰۰۲) معتقد به وجود رابطه مستقیم بین باورهای غیرمنطقی زوجین، با ناسازگاری و نارضایتی زناشویی است. *مولر و وندرمرو* (۱۹۹۷) و *همامسی* (۲۰۰۵) نیز زندگی زوجینی را که باورهای غیرمنطقی در مورد اهمیت ارتباط، روش‌های مؤثر حل تعارض، اهمیت خانواده و نقش‌های جنسیتی دارند، در مقایسه با زوجینی که این باورها را ندارند، در معرض فروپاشی بیشتری می‌دانند. از سوی دیگر، *پیورکوسکی* معتقد است: افکار متعادل و منطقی، یکی از مهم‌ترین عوامل رضایت زناشویی می‌باشد (*پیورکوسکی*، ۲۰۰۸، ص ۲۸).

سیاوشی و نوایی‌نژاد (۱۳۸۴) و *نجارپور/استادی و همکاران* (۱۳۸۹)، بیان می‌کنند که باورهای منطقی، احساس‌های مثبتی همچون شادی و آرامش را به دنبال دارد و باورهای غیرمنطقی، مولد هیجان‌های نامناسبی مانند افسردگی، اضطراب، احساس حقارت، تجربه خشم به دلیل نرسیدن به

اهداف خود و سایر احساس‌های منفی بیمارگونه هستند؛ باورهای منطقی مبتنی بر تمایلات یا ترجیح‌های سالم هستند، ولی باورهای غیرمنطقی متکی به مطالبات جزم‌اندیشانه ناسالم بوده (تراورس و درایدن، ۱۹۹۵، ص ۴۸) و باورهای اغراق‌آمیز، انعطاف‌ناپذیر، مطلق‌گرا و غیرواقعی هستند (مؤمن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). این باورها جلوی تحقق اهداف را گرفته و عمدتاً ما را ناراحت می‌کنند و ناراحت نگه می‌دارند (نینان، ۲۰۰۶، ص ۱۵) و بر الزام، اجبار، جزم‌اندیشی و اجحاف تأکید دارند و مانع سلامت فکر و روان و سالم‌سازی محیط فردی و اجتماعی می‌شوند (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۷۳، ص ۱۲۶). پیامدهای ناشی از این‌گونه باورها، تولید رفتارها و عواطف مخرب و بیمارگون هستند که بقا و سلامت روانی و عاطفی فرد را تهدید می‌کنند (الیس و گریگر، ۱۹۷۷، ص ۳۸۴). بنابراین، باورهای منطقی در حقیقت باورهایی انعطاف‌پذیرند که سبب می‌شوند شدت احساسات منفی انسان دربارهٔ رویدادهای نامطلوب کم شود.

الیس، در یک توسعه مفهومی باورهای غیرمنطقی را به هر نوع فکر، هیجان یا رفتاری که موجب تخریب نفس و از بین رفتن خود می‌شود، اطلاق می‌کند. پیامدهای مهم آن، اختلال در خوشحالی، شادمانی و تندرستی است (رشیدی و همکاران، ۱۳۸۹). در مورد تعداد باورهای غیرمنطقی، الیس و برنارد نیز اظهار می‌دارند: باورهای غیرمنطقی قابل شمارش نمی‌باشند و شاید به هزار مورد نیز برسد، اما می‌توان آنها را در انواع و دسته‌های گوناگونی ارائه کرد (آیینه‌چی، ۱۳۹۰، ص ۶۱). در این میان، فری بر این نکته تأکید می‌کند که این قبیل باورها به‌طور منطقی از واقعیت‌های همراه با اتفاق تبعیت نمی‌کند (فری، ۱۹۹۹، ص ۳۶).

تحقیقات نشان داده‌اند که رابطه مثبتی بین باورهای غیرمنطقی و افسردگی (نوابی‌نژاد و ملک، ۱۳۸۹)، استفاده از روش‌های غیرمؤثر حل تعارض خانوادگی (مولر و وندرمرو، ۱۹۹۷، ص ۲۷۳؛ همامسی، ۲۰۰۵)، بروز مشکلات ارتباطی و رفتاری در حوزهٔ زناشویی (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۶، ص ۳۳۲-۳۳۳؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۱)، ناسازگاری زناشویی (نوابی‌نژاد و ملک، ۱۳۸۹)، پاسخ‌های مخرب فعال شامل تفکر نسبت به ترک رابطه، تهدید به ترک، ترک یا تخریب عملی روابط (متز و کاپاچ، ۱۹۹۰) و نیز سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا (بشارت و همکاران، ۱۳۹۱) وجود دارد. البته بشارت و همکاران (۱۳۹۱)، نشان دادند که رابطه همبستگی مثبت بین باورهای غیرمنطقی، با مشکلات زناشویی یک رابطه خطی ساده نیست و سبک‌های دلبستگی به عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده، این رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

همچنین، تحقیقات نشان از رابطه منفی بین باورهای غیرمنطقی زوجین، با روابط عاشقانه (آدیس و برنارد، ۲۰۰۰؛ استاکرت و بورسیک، ۲۰۰۳؛ دی‌بورد و همکاران، ۱۹۹۶؛ مولر و وندرمر، ۱۹۹۷) و رضایت و سازگاری زناشویی (مولر و همکاران، ۲۰۰۱؛ مولر و وندرمر، ۱۹۹۷؛ همامسی، ۲۰۰۵؛ نوابی‌نژاد و ملک، ۱۳۸۹) و سبک دلبستگی ایمن دارد (بشارت و همکاران، ۱۳۹۱).

برخی تحقیقات نیز منطقی‌تر بودن مردان، نسبت به زنان را مورد تأیید قرار داده‌اند (سیاوشی و نوابی‌نژاد، ۱۳۸۴؛ نجارپور استادی و همکاران، ۱۳۸۹؛ قاسمی، ۱۳۷۵، ص ۸۳). هرچند برخی تحقیقات دیگر (مانند شمس، ۱۳۸۲، ص ۳)، به تفاوت معناداری در این مورد دست نیافتند. /زخوش و عسگری (۱۳۸۶)، بین سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان با باورهای غیرمنطقی رابطه‌ای به دست نیاوردند. در تحلیل نتایج پژوهش مؤمن‌زاده و همکاران (۱۳۸۴)، مشخص شد باورهای غیرمنطقی واکنش به ناکامی، نگرانی توأم با اضطراب و وابستگی در زنان و مردان تفاوت معنادار دارند؛ بدین معنا که زنان در این سه نوع تفکر غیرمنطقی، میانگین بالاتری نسبت به مردان دارند، ولی در سایر باورهای غیرمنطقی، تفاوت معناداری در زنان و مردان به دست نیامد.

جونز و چائو (۱۹۹۷)، ضمن آنکه بیان می‌کنند جوامع و خانواده‌ها از نظر گرایش به ایجاد انواع باورهای منطقی و غیرمنطقی با یکدیگر متفاوتند، بر این نکته نیز تأکید دارند که ارزیابی‌های حاصل از بافت فرهنگی، که در آن استانداردهای رابطه مطرح و تقویت می‌شوند، از اهمیت زیادی برخوردارند. زوج‌هایی که از نظر زمینه فرهنگی، قومی و نژادی با هم تفاوت دارند، از لحاظ انتظارات و باورهای روابط زناشویی نیز با یکدیگر تفاوت دارند.

همچنین در سال‌های اخیر، «دین» به عنوان یکی از عمده‌ترین متغیرهای مؤثر بر رفتار و حالات روانی افراد، مورد توجه بسیاری از متخصصان علوم رفتاری قرار گرفته است، تا جایی که برخی دین را عامل اساسی در بهداشت فردی و اجتماعی معرفی کرده‌اند (سهرابی و سامانی، ۱۳۸۰، ص ۸۰). هراتیان، در تحقیقی به رابطه معنادار بین باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی در سطوح مختلف پابندی مذهبی دست یافت (هراتیان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹). آیت‌الله مصباح نیز دین را اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورالعمل‌های متناسب با این عقاید می‌داند (مصباح، ۱۳۶۵، ص ۲۸).

نگرش فرد به خدا به عنوان اساسی‌ترین بینش در دین اسلام، بر بسیاری از نگرش‌های رده بعد، مانند نگرش درباره معنی، هدف و فراز و نشیب‌های زندگی تأثیر مستقیم و جدی دارد. اینها به نوبه خود، نگرش‌های فرد درباره شغل، ازدواج، تحصیل، الگوهای زندگی و نظایر آنها را جهت می‌دهند.

(کجباف و نوری، ۱۳۸۷) و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، بر ابعاد گوناگون شخصیت فرد، مانند ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی و جنبه‌های جزئی‌تر، مانند تفریحات، علایق و ترجیحات رفتاری در زندگی تأثیرگذار است (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۵۰). ازاین‌رو، باور دینی امری نیست که بُعدی از وجود آدمی را پر کند و سایر ابعاد را خالی بگذارد؛ ایمان و باور دینی زمانی خود را نمایان می‌سازد که در سراسر زندگی انسان حضور داشته باشد (پورشهریاری و شعاع کاظمی، ۱۳۸۳)؛ انسانی که برای تأمین هدف خاصی پا به این عالم نهاده و هدفش با رفتار و اراده خود او حاصل می‌شود. هر فکر، اعتقاد و رفتاری، حتی تصور ذهنی، اثر خارجی و واقعی دارد که آدمی را به سویی می‌برد (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹). از سوی دیگر، بدون پرتوافکنی وحی، عقل او، نمی‌تواند حسن و قبح همه اموری را که لازم دارد، دریابد و ساختار معرفت اخلاقی بشر، تنها با داده‌های وحیانی سامان می‌یابد (پورشهریاری و شعاع کاظمی، ۱۳۸۳). بنابراین، شناسایی باورهایی که مطلوب دین در حوزه مسائل مختلف زندگی، از جمله حوزه مسائل گوناگون زوجین می‌باشد و نیز التزام فکری به این باورها، ضمن تقویت ایمان، بر احساس و رفتار زوج دیندار تأثیر مثبت داشته و آنها را در مسیر تکامل قرار می‌دهد، لازم به نظر می‌رسد.

برای سنجش باورهای منطقی و غیرمنطقی، آزمون‌های متعددی تدوین شده‌اند که می‌توان آنها را در دو دسته تقسیم‌بندی کرد: دسته اول. آزمون‌هایی که به بررسی باورهای منطقی و غیرمنطقی، بدون اختصاص به حوزه زوجین پرداخته است. دسته دوم، آزمون‌های باورهای منطقی و غیرمنطقی که خاص حوزه زوجین ساخته شده است. در مورد آزمون‌های دسته اول، می‌توان به چندین آزمون مهم اشاره کرد: از جمله آزمون باورهای غیرمنطقی جونز (IBT) (جونز، ۱۹۶۹)، که یک پرسش‌نامه خودسنجی است و براساس ده نوع تفکر غیرمنطقی، در نظریه/لیس ساخته شده و شامل ۱۰۰ گویه و ۱۰ زیر مقیاس است که نمره‌گذاری آن در مقیاس چهار امتیازی لیکرت توسعه یافته است. نمره کلی IBT در دامنه بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ قرار دارد. به‌گونه‌ای که نمره بالا، بیانگر باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد است (بریدجز و ساندرومن، ۲۰۰۲). جونز (۱۹۶۹)، روایی IBT را از طریق تحلیل عاملی و نیز همبستگی زیرمقیاس‌های آن، با برخی از مقیاس‌های بالینی، مانند پرسش‌نامه ۱۶ عاملی کنترل نشان داده است. همبستگی بالای این مقیاس، با پرسش‌نامه افسردگی (نلسون، ۱۹۷۷)، و طرز تلقی ناکارآمد از ازدوج (ایدلسون و اپشتاین، ۱۹۸۲)، شواهد معتبری برای روایی همگرا فراهم آورده است. همچنین نیز نتایج مطالعات لهر و بونگ (۱۹۸۲)، درباره‌ی روایی عاملی IBT ساختار عاملی باورهای غیرمنطقی را بر

پایه نسخه اصلی تأیید کردند (ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶). نتایج بررسی ویکر و همکاران (۱۹۸۵) نیز نشان دادند که بین نمره IBT و مشکلات هیجانی، رابطه مثبت وجود دارد (ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶). همچنین می‌توان به مقیاس ارزیابی باورهای شخصی (دماریا و همکاران، ۱۹۸۹) اشاره کرد که یک آزمون ۵۰ گویه‌ای است و باورهای شخصی افراد را در شش درجه لیکرت (از کاملاً موافق=۱ تا کاملاً مخالف=۶)، بر حسب پنج زیرمقیاس شامل فاجعه‌نمایی (AW)، بایدهای خویشتن‌محور (SDS)، بایدهای دیگرمحور (ODS)، تحمل پایین ناکامی (LFT) و خودارزش‌گذاری (SW) می‌سنجد. از مجموع نمره پنج زیرمقیاس آزمون، نمره کل فرد، در خصوص باورهای شخصی محاسبه می‌شود. حداقل و حداکثر نمره کل باورهای شخصی بین ۵۰ و ۳۰۰ خواهد بود. همچنین می‌توان به فهرست رفتار منطقی (RBI) (شورکی و وایتمن، ۱۹۷۷) اشاره نمود که یک آزمون ۳۷ گزینه‌ای است که با در نظر گرفتن افکار غیرمنطقی مورد اشاره/لیس، ساخته شده است. نمره‌گذاری آن در مقیاس پنج امتیازی لیکرت توسعه یافته است. مؤلفان این مقیاس، نمراتی برای هر گزینه تعیین کرده‌اند که به اصطلاح نمرات «حد» نامیده می‌شود. اگر نمره‌ای که شرکت‌کننده به گزینه می‌دهد، با نمره حد برابر یا بیشتر باشد، ۱ امتیاز به آن می‌دهند و اگر کمتر باشد، امتیاز صفر می‌دهند. کسانی که در این مقیاس، نتایج بالایی به دست می‌آورند، نسبت به دنیا دید منطقی و عاقلانه دارند. کسانی که نمره پایینی کسب می‌کنند، از همان گام اول نسبت به دیگران عقاید متفاوت نشان می‌دهند (گنجی، ۱۳۸۱، ص ۳۶). ابزارهای دیگری ساخته شده است که مربوط به دسته اول می‌باشد. از جمله مقیاس باورهای ناکارآمد (DAS) (وایزمن، ۱۹۷۹)، فهرست باورهای غیرمنطقی (IBI) (کوپمنز و همکاران، ۱۹۹۴؛ ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶)، مقیاس باورهای منطقی (RBS) (دانن باوم-داوین و هوران، ۱۹۹۹)، آزمون باورهای غیرمنطقی ژاپنی (JIBT) (ماتسومورا، ۱۹۹۱)، مقیاس باورهای ارزیابی‌کننده (EBSY) (چادویک و همکاران، ۱۹۹۹)، و مقیاس باورهای زنان (کترراس و همکاران، ۲۰۱۰).

همان‌گونه که اشاره شد، در این میان برخی از آزمون‌ها به‌طور خاص، برای سنجش باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی تهیه شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: پرسش‌نامه باروهای ارتباطی (RBQ) (رومنس و دی‌بورد، ۱۹۵۵)، که یکی از مقیاس‌های نسبتاً پرکاربرد در اندازه‌گیری افکار و باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد زناشویی است و به منظور پی‌بردن به روابط زوج‌ها، بررسی جایگاه میانجی‌گری‌های شناختی در واکنش‌های عاطفی و رفتاری هریک از زوجین، در روابط زناشویی و نیز درک ماهیت و معنای تعامل‌های آنها توسعه یافته است. مطالعات متعدد (رومنس و دی‌بورد، ۱۹۹۵؛

دی‌بورد و همکاران، ۱۹۶۶)، به منظور بررسی روایی RBQ، به‌ویژه از طریق تحلیل عاملی نشان دادند که مقیاس دارای ۹ عامل است: ۱. کاملاً صادق و پذیرا بودن یکدیگر در همه مواقع؛ ۲. خواندن افکار یکدیگر؛ ۳. انجام همه کارها با یکدیگر؛ ۴. ارضا کردن همه نیازها؛ ۵. توانایی و تمایل به تغییر دادن خود به خاطر دیگری؛ ۶. کامل و عالی بودن، همه چیز در روابط زناشویی؛ ۷. آسان بودن حفظ روابط خوب زناشویی؛ ۸. خوب و کامل بودن روابط عاشقانه؛ ۹. رمانتیک‌گرایی. این پرسش‌نامه، به‌عنوان مقیاس باورهای غیرمنطقی مختص روابط از نظریه عقلانی - عاطفی (ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶) نیز حمایت می‌کند و از توان لازم برای مطالعه باورهای غیرمنطقی، در روابط زناشویی و اندازه‌گیری این باورها، به‌ویژه در مراکز مشاوره و درمانگری برخوردار است که نسخه استانداردشده این ابزار در ایران، توسط ازخوش و عسگری (۱۳۸۶) تهیه شده است.

فهرست باورهای ارتباطی (RBI) (ایدلسون و اپشتاین، ۱۹۸۲)، نمونه دیگری از آزمون‌های دسته دوم می‌باشد. این مقیاس ۶۰ گزینه‌ای، پنج عامل تخریب‌کنندگی، مخالفت، توقع ذهن‌خوانی، عدم تغییرپذیری همسر، کمال‌گرایی در روابط جنسی و تفاوت شخصیت و نیازهای ارتباطی دو جنس را اندازه‌گیری می‌کند.

پاسخ‌نامه فهرست باورهای ارتباطی با طیف لیکرت، شامل «کاملاً غلط» تا «کاملاً درست» می‌باشد. در این پاسخ‌نامه، نمره بالا نشان‌دهنده داشتن باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی است. نسخه فارسی این ابزار، توسط مظاهری و پوراعتماد تهیه شده است (شهرستانی و همکاران، ۱۳۹۱).

با توجه به اهمیت موضوع باورهای منطقی زوجین، فقدان یک آزمون بومی در این زمینه و ظرفیت منابع اسلامی در رابطه با تشخیص مؤلفه‌های باورهای منطقی زوجین، مسئله اساسی این پژوهش عبارت است از: ساخت پرسش‌نامه اولیه باورهای منطقی زوجین، براساس منابع اسلامی و بررسی روایی و اعتبار آن. از این رو، این سؤال‌ها در مورد این پرسش‌نامه بررسی شده است: در منابع اسلامی، چه ساختاری برای باورهای منطقی زوجین برداشت می‌شود؟ ویژگی‌های روایی و اعتبار این پرسش‌نامه، به چه صورت است؟

روش پژوهش

این پژوهش، با توجه به هدف تحقیق، از نوع تحقیقات بنیادی و نظری به حساب می‌آید (دلور، ۱۳۸۴، ص ۴۸) و از روش تحلیل محتوا، که برای بررسی، توصیف، دسته‌بندی، مقایسه، و تجزیه و تحلیل مفاهیم

محتوای آشکار پیام‌های موجود در متون (شریعت‌مداری، ۱۳۸۸، ص ۷۷) از جمله متون دینی مرتبط با «باورهای منطقی زوجین» است، به کار گرفته شده است. از سوی دیگر، از آنجاکه هدف نهایی این پژوهش، ساخت آزمون است، مستلزم ارزیابی روایی و اعتبار آن به صورت میدانی است، بنابراین روش تحقیق در بخش دوم پژوهش، «زمینه‌یابی» «پیمایشی» خواهد بود (دلاور، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳-۱۷۵).

علاوه بر این، برای بررسی روایی و اعتبار سازه باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی، از خبرگان علوم اسلامی و برای تحلیل نظرات آنها از شاخص‌های آمار توصیفی و روش همبستگی استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش را دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی[®] در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ و نیز طلاب مشغول به درس حوزوی شیفت صبح این مؤسسه، در سال تحصیلی ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهند. حجم این جامعه به‌طور تقریبی برابر ۲۱۵۲ نفر است. با توجه به اینکه این تحقیق، مراحل ابتدایی ساخت آزمون باورهای منطقی زوجین را پیگیری می‌کند و اساس روش تحلیل داده‌های این تحقیق، بر همبستگی است. چنانچه لیندمن و همکاران بیان کرده‌اند، برای پژوهش‌های همبستگی، ۱۰۰ نفر کفایت می‌کند (هومن، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹؛ همو، ۱۳۸۵، ص ۶۸). این تعداد آزمودنی به شکل تصادفی طبقه‌ای، با میانگین سنی ۲۶/۱۴ و انحراف استاندارد ۴/۱۶۵ در تحقیق شرکت کردند.

ابزار پژوهش در این تحقیق، آزمون محقق‌ساخته‌ای است که در فرایند تحقیق اعتبار و روایی آن محاسبه می‌شود.

علاوه بر این، برای محاسبه روایی ملاک برای این آزمون، از نسخه استاندارد شده پرسش‌نامه باورهای ارتباطی زوجین رومنس و دی‌بورد (۱۹۹۵)، توسط /ازخوش و عسگری (۱۳۸۶) نیز استفاده شد. نسخه استاندارد شده این آزمون، توسط /ازخوش و عسگری (۱۳۸۶) با آزمون همتای باورهای غیرمنطقی جونز اجرا شد. نتیجه این تحقیق، روایی همگرای آن را تأیید کرده است ($r=0/32$ و $P<0/01$). در آن تحقیق، مشخص شد که دو جنس از لحاظ باورهای ناکارآمد زناشویی تفاوت نداشتند و افراد با تحصیلات غیردانشگاهی، باورهای ناکارآمد بیشتری نسبت به افراد با تحصیلات دانشگاهی داشتند و بین سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان، با باورهای ارتباطی رابطه‌ای به دست نیامد (ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶).

/ازخوش و عسگری (۱۳۸۶)، برای استانداردسازی آزمون رومنس و دی‌بورد (۱۹۵۵)، آن را در گروه نمونه‌ای به حجم ۵۳۵ نفر متأهل (۲۹۱ زن، ۲۴۴ مرد) در شهر تهران اجرا کردند. پس از

حذف ۱۳ گویه، به دلیل قدرت تشخیص و بار عاملی ضعیف، اعتبار ۵۸ گویه باقی مانده، که با مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای تشکیل شده است و شامل هفت عامل (کامل بودن همه چیز در روابط زناشویی، وابستگی متقابل، انحصارطلبی در روابط، فداکردن خود برای دیگری، منطقی بودن و پذیرش متقابل، خواندن افکار یکدیگر، آگاهی از افکار و احساس‌ها و نیازهای گذشته همسر) می‌باشد، از طریق تحلیل عاملی اکتشافی به دست آمده است. پس از استانداردسازی در داخل کشور، مشخص شد که ۹ عامل موجود در اصل پرسش‌نامه به ۷ عامل تقلیل می‌یابد و اعتبار آن از ۰/۹۳ به دست آمد (ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶). در این مقیاس، نمرهٔ بیشتر به معنای باورهای کارآمدتر و منطقی‌تر در روابط زناشویی است (همان).

برای گردآوری اطلاعات، ابتدا به شیوه توصیفی - تحلیلی در منابع اسلامی، به تشکیل پرونده علمی اقدام شد. به دلیل اهمیت و نو بودن موضوع در بخش اسلامی و نیاز به تحلیل مبنایی این سازه، با بررسی آیات، روایات و تفاسیر موجود، منابع دینی در مورد باورهای منطقی زوجین مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گرفت و به صورت جامع ملاحظه و خانواده قرآنی - حدیثی تشکیل، سپس با استفاده از روش‌های تفسیری و اجتهادی، مورد بررسی و تحلیل و پردازش قرار گرفت. براساس مستندات منابع دینی و در پاسخ به پرسش اول پژوهش، مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌های زیر برای باورهای منطقی زوجین تدوین شد.

جدول ۱. فهرست مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌های باورهای منطقی زوجین براساس آیات و روایات

شماره	مؤلفه	خرده‌مؤلفه
۱	معیشی	بستگی
		وسعت‌بخشی
		رجحان‌بخشی (رجحان دادن همسر توسط شوهر)
		خودداری از تصرف عدوانی
		واگذارندگی (اینکه همسر تولید درآمد را به شوهر واگذارد)
		توان‌پذیری/ موجودپذیری
۲	جنسی	آراستگی
		پاسخ‌دهی (پاسخ به نیازهای جنسی همسر)
		ثواب‌اندوزی
		عفت‌ورزی
		آداب‌آموزی

شماره	مؤلفه	خرده مؤلفه
۳	ارتباطی	خوش‌زبانی
		مهرورزی
		خوش‌رویی
		نرم‌خویی
		عیب‌پوشی
		همنشینی
		سپاس‌گزاری
		امانت‌داری
		سرپرستی
		اطاعت‌پذیری
		احترام‌گذاری
		رازداری
۴	حل تعارض	مدارا
		بخشش‌گری
		صبوری
		عذرخواهی و عذرپذیری
		موعظه، هجر، زدن (به صورت سلسله‌مرایی)
		صلح
		حکم‌گزینی
۵	حمایتی	حمایت‌گری از جانب همسر
		حمایت‌گری از جانب شوهر

در مجموع، ۵ مؤلفه و ۳۲ زیرمؤلفه به دست آمد. برای سنجش درستی تنظیم مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها و همخوانی با مستندات این قسمت، به همراه گویه‌ها برای ارزیابی به ده کارشناس علوم اسلامی و روان‌شناسی ارسال شد، تا نظر خود را در دو قسمت اعلام نمایند: الف. مطابقت مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها با مستندات؛ ب. مطابقت گویه‌ها با مستندات بیان‌شده در یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای.

یافته‌های پژوهش

هدف این پژوهش، ساخت آزمونی است که به‌صورت کمی بتواند باورهای منطقی زوجین را براساس معیارهای مستفاد از منابع اسلامی اندازه‌گیری نماید. برای بررسی روایی آزمون، از سه روش روایی محتوا، روایی وابسته به ملاک و روایی سازه استفاده شده است. برای بررسی اعتبار آزمون، از روش همسانی درونی و روش دونیمه‌سازی بهره گرفته شد.

ارزیابی کارشناسان برای سنجش روایی صوری- محتوایی این پرسش‌نامه، در قسمت اول طبق ساختار لیکرت با میانگین کل $3/82$ ($94/8\%$)، و با انحراف استاندارد $0/057$ نشان داد که از نظر کارشناسان، مؤلفه‌های نظری باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی، در حد «خیلی زیاد» با مستندات دینی مطابقت دارد. ضریب تطابق کندال $0/303$ ، با مقدار مجذور کای $93/939$ ، با معناداری $P < 0/01$ بیانگر توافق مناسب نظرات کارشناسان، در مورد موافقت مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها با مستندات اسلامی است.

میانگین نمرات کارشناسان برای قسمت دوم، یعنی مطابقت گویه‌ها با مستندات برابر با $3/78$ ($94/5\%$) محاسبه شد، با انحراف استاندارد $0/079$. بنابراین، این گویه‌ها از نظر کارشناسان در حد «خیلی زیاد» با مستندات مطابقت دارند. ضریب کندال، برای این گویه‌ها $0/134$ و مقدار خی دو $76/24$ و معناداری $P < 0/05$ بیانگر روایی محتوای گویه‌های آزمون است.

برای بررسی روایی وابسته به ملاک، از آزمون باورهای ارتباطی (RBQ) رومنس و دی‌بورد (۱۹۵۵) استفاده شد. با اجرای همزمان این آزمون، با آزمون محقق ساخته، به بررسی میزان همبستگی بین دو آزمون اقدام شد. نتایج نشان از همبستگی معنادار این دو آزمون دارد ($r = 0/26$ و $P < 0/01$).

برای برآورد روایی سازه، از روش محاسبه همبستگی بین آزمون و مؤلفه‌ها استفاده شد. به لحاظ نظری، آزمون باید با مؤلفه‌ها همبستگی بالایی داشته باشد و مؤلفه‌ها با هم همبستگی اندکی داشته باشند (ابراهیمی و بهرامی احسان، ۱۳۹۱). همان گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، این شرط در حد قابل قبولی تأمین شده است.

جدول ۲. محاسبه ضریب همبستگی بین آزمون و مؤلفه‌ها

۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					۱	کل آزمون
				۱	$0/636^{**}$	مؤلفه معیشتی
			۱	$0/407^{**}$	$0/634^{**}$	مؤلفه جنسی
		۱	$0/482^{**}$	$0/329^{**}$	$0/893^{**}$	مؤلفه ارتباطی
	۱	$0/663^{**}$	$0/48^{**}$	$0/38^{**}$	$0/887^{**}$	مؤلفه حل تعارض
۱	$0/648^{**}$	$0/551^{**}$	$0/584^{**}$	$0/394^{**}$	$0/758^{**}$	مؤلفه حمایتی

$**p < 0/01$

نتایج جدول فوق بیانگر رابطه قابل قبول مؤلفه‌ها با کل آزمون است. همبستگی مؤلفه‌ها با یکدیگر، نسبتاً کم است که بیانگر استقلال مؤلفه‌ها از یکدیگر و اعتبار آزمون است. برای سنجش اعتبار آزمون، از روش همسانی درونی استفاده شد. برای برآورد همسانی درونی در این پژوهش، از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. جدول ۳، نتایج ضرایب آلفای کرونباخ آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب آلفای کرونباخ برای آزمون باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی

آزمون و مؤلفه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
کل آزمون (۵۸ گویه)	۰/۹۲۵
مؤلفه معیشتی (۶ گویه)	۰/۴۱
مؤلفه جنسی (۹ گویه)	۰/۶۲
مؤلفه ارتباطی (۲۴ گویه)	۰/۸۶
مؤلفه حل تعارض (۱۴ گویه)	۰/۸۳
مؤلفه حمایتی (۵ گویه)	۰/۸۱

همان‌گونه که در جدول فوق ارائه شد، آلفای کرونباخ آزمون، ۰/۹۲۵ به دست آمد که با پیشنهاد حذف ۵ گویه (که عبارتند از ۳، ۴، ۸، ۲۴، ۲۸)، مقدار آلفای کرونباخ تا میزان ۰/۹۳۱ بالا می‌رود. روش دیگر برای محاسبه اعتبار این آزمون، استفاده از روش دونیمه‌سازی/اسپیرمن-براون و گاتمن بود که در جدول زیر مقادیر به دست آمده نشان داده شده است.

جدول ۴. نمرات دونیمه‌سازی آزمون باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی

آلفای کرونباخ	نیمه اول	مقدار	۰/۵۶۶
		تعداد گویه‌ها	۲۷
	نیمه دوم	مقدار	۰/۸۹۴
		تعداد گویه‌ها	۲۶
	مجموع تعداد گویه‌ها		۵۳
	همبستگی بین دو فرم		
ضریب اسپیرمن - براون	تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۸۷۲
	عدم تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۸۷۲
ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن			۰/۸۶۸

همچنین در این تحقیق، آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه باورهای ارتباطی رومنس و دی‌بورد ۰/۹۱ به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه «باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی» بود. نتایج سنجش روایی محتوا، ملاکی و سازه نشان داد که این آزمون، روایی لازم را برای سنجش باورهای منطقی زوجین، مطابق با آنچه از اسلام برداشت شده، را داراست. اعتبار آزمون نیز با روش همسانی درونی یا ضریب آلفای کرونباخ و روش دونیمه‌سازی مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج فوق نشان داد که پرسش‌نامه از اعتبار بالایی برخوردار است. به عبارت دیگر، ثبات، پایایی و قابلیت پیش‌بینی

و دقت آزمون مورد تأیید است. یعنی این آزمون برای استنباط نمره باورهای منطقی زوجین در مورد پاسخ‌دهندگان ابزاری مفید، بامعنا و مناسب به حساب می‌آید.

باور منطقی هم در روان‌شناسی و هم در تحقیق حاضر، به عنوان یک ویژگی مثبت و مورد قبول در حوزه «شناخت» مطرح است. شباهت موجود بین پرسش‌نامه اسلامی، با پرسش‌نامه باورهای ارتباطی رومنس و دی‌بورد (۱۹۹۵) از آن جهت است که در هر دو، به باورهای منطقی از منظر «روابط زوجین» پرداخته شده است. همچنین برخی از بخش‌های روابط زوجین، که در هر دو پرسش‌نامه (از حیث باور منطقی مربوط به آن) مورد ارزیابی قرار گرفته است، مشترک است که عبارتند از: محبت‌ورزی همسران، رازداری، رابطه جنسی، سازگاری، ترجیح خواسته همسر، همنشینی با همسر، خوش‌رویی. البته لازم به یادآوری است که این موارد اشتراکی و نیز موارد اختلافی که در قالب مؤلفه‌های معیشتی، جنسی، ارتباطی و حل تعارض در پرسش‌نامه اسلامی به دست آمده است، در پرسش‌نامه باورهای رومنس به شکلی پراکنده مطرح شده است.

در بررسی تفاوت این دو پرسش‌نامه، به یک تفاوت مبنایی و یک تفاوت در ساختار می‌توان اشاره کرد. مهم‌ترین تفاوت بین دو پرسش‌نامه، همان تفاوت مبنایی است که ناشی از تفاوت مبنایی بین روان‌شناسی معاصر و منابع مورد استناد در پرسش‌نامه اسلامی می‌باشد. آن اینکه اصولاً، باورهای منطقی در دین اسلام، در رابطه انسان با خداوند و آخرت معنا می‌یابد؛ چراکه همه مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن، مرتبط با بحث‌های توحیدی و معاد و مباحث انسان‌شناختی و هستی‌شناختی دینی است. درحالی‌که در مورد باورهای منطقی در روان‌شناسی، ارتباطی با خالق و معاد در نظر گرفته نمی‌شود؛ زیرا روان‌شناسان باوری را منطقی می‌دانند که مطلق‌گرا و غیرواقعی نباشد (مؤمن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴) و در آن بر الزام، اجبار و جزم‌اندیشی تأکید نشده باشد (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۷۳، ص ۱۲۶). این نوع نگاه به باور منطقی، در بین روان‌شناسان شناختی، احتمالاً از آن جهت است که تحت تأثیر فلاسفه‌ای همچون /سپینوزا/ (فیروزبخت، ۱۳۸۳، ص ۴۴) قرار دارند که معتقد است: ملاک‌های عمومی خیر و شر، ذهنی است و واژه‌های خیر و شر، نه از یک جهت، بلکه از بسیاری جهات نسبی است (هریس، ۱۳۸۹، ص ۳۰). در همین زمینه، می‌توان به کلام /الیس اشاره کرد که معتقد است: «دین‌داری، نوعی باور مطلق است که مبنای حقیقی ندارد» (فیروزبخت، ۱۳۸۳، ص ۴۵). در حالی‌که از نگاه اسلام، هدف رفتارها، تقرب به خدا و هدف نهایی از زندگی دنیا، رسیدن به سعادت اخروی

است و این اهداف عالی بر زندگی تأثیر بسزایی دارند (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۶، ص ۴۸۸). همچنین بررسی متون دینی نشان می‌دهد که دین مشتمل بر وجوب و الزام‌هایی است که البته ریشه در وحی دارند و از منشأ حقیقی برخوردارند.

تفاوت بعدی بین این دو پرسش‌نامه، تفاوت در ساختار می‌باشد. البته تفاوت در ساختار نیز به تفاوت این دو پرسش‌نامه از حیث مبنا برمی‌گردد. در ساخت پرسش‌نامه باورهای منطقی زوجین، برای رسیدن به مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های این پرسش‌نامه، مجموعه آیات و روایات مرتبط با حوزه زوجین بررسی و طبقه‌بندی شده و آن‌گاه پنج مؤلفه که مشتمل بر سی و دو زیرمؤلفه می‌باشد، به دست آمد. بنابراین، ساختار موجود در این پرسش‌نامه، براساس آموزه‌های وحیانی موجود در این زمینه بوده است. اما ساختار پرسش‌نامه باورهای ارتباطی رومنس و دی‌بورد، که مشتمل بر هفت مؤلفه می‌باشد، براساس مبانی روان‌شناسی معاصر ساخته شده است و مبتنی بر برداشت‌های تجربی و یافته‌های عینی و مبتنی بر مبانی فلسفی و معرفتی خاص خود است. مؤلفه‌های اصلی در پرسش‌نامه اسلامی عبارتند از: معیشتی، جنسی، ارتباطی، حل تعارض و حمایتی.

مؤلفه معیشتی، منعکس‌کننده میزان باورهای منطقی زوجین در زمینه درآمد و مصرف است. در این مؤلفه، به بررسی باورهای زوجین مربوط به نقش قناعت‌ورزی در رسیدن به آرامش در زندگی زوجین، وظیفه شوهر در صورت پیشرفت مالی، فرد ارجح در تعیین نوع مصرف اقتصادی در زندگی زوجین، نحوه استفاده مالی مرد از اموال زن، مسئول تأمین مالی زندگی و میزان مطالبه مالی همسر از شوهر پرداخته می‌شود. باور منطقی در این موارد، باوری است که با مستندات دینی مطابقت داشته باشد.

مؤلفه جنسی، باورهای زوجین را در زمینه مسائل جنسی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مؤلفه، به بررسی باورهای زوجین درباره حدود آراستگی مرد و زن، رابطه آراستگی با غفت‌ورزی در زوجین، نحوه پاسخ‌دهی زوجین به نیازهای جنسی همدیگر، رابطه فعالیت‌های جنسی با ثواب‌اندوزی برای آخرت، و لذت جنسی مجاز و غیرمجاز پرداخته می‌شود. باور منطقی در این موارد، باوری است که با مستندات دینی مطابقت داشته باشد.

مؤلفه ارتباطی، منعکس‌کننده باورهایی است که در زمینه ارتباطی بین زوجین مطرح است. این مؤلفه، بیشترین گویه‌ها را به خود اختصاص داده است. در این مؤلفه، به بررسی باورهای زوجین درباره رابطه رضایت زناشویی با خوش‌زبانی، نقش بد زبان در کاهش صمیمیت، رابطه بین افزایش ایمان و افزایش محبت به همسر، مهربانی و اظهار محبت کلامی زوجین نسبت به یکدیگر، حق خوش‌رویی

زوجین با یکدیگر، رابطه خوش‌رویی با کینه‌زدایی، نقش نرم‌خویی در زندگی، عیب‌گویی و عیب‌پوشی زوجین، سپاسگذاری زوجین و حد و حدود آن، امانت‌نگه‌داری زوجین در قبال همدیگر و احترام متقابل و رازداری بین زوجین پرداخته می‌شود. باور منطقی در این موارد، باوری است که با مستندات دینی مطابقت داشته باشد.

در مؤلفه حل تعارض، باورهای مرتبط با زمینه‌های حل تعارض بین زوجین بررسی می‌شود. در این مؤلفه، به باورهایی در زمینه عدم مدارای همسران با همدیگر، گذشت یا عدم گذشت و یا کم‌گذشتی زوجین در قبال همدیگر، صبر کردن در برابر بداخلاقی یکدیگر، عذرخواهی زوجین از اشتباهاتشان، راهکارهای مرحله‌ای در مقابله با نافرمانی همسر، صلح و حکم‌گزینی در هنگام بروز اختلافات پرداخته شده است. باور منطقی در این موارد، باوری است که با مستندات دینی مطابقت داشته باشد.

مؤلفه حمایتی، باورهای مرتبط با زمینه‌های حمایت‌گری زوجین از یکدیگر را بررسی می‌کند. در این مؤلفه، که کمترین گویه‌ها را دربردارد، به باورهایی در زمینه حمایت‌گری دنیوی و آخرتی هریک از زوجین نسبت به یکدیگر پرداخته می‌شود. باور منطقی در این موارد، باوری است که با مستندات دینی مطابقت داشته باشد.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت: برای کشف مؤلفه‌های یک سازه روان‌شناختی از آموزه‌های وحیانی می‌توان استفاده کرد و عقل تجربه‌ای روان‌شناختی به تنهایی کافی نیست.

از محدودیت‌های این پژوهش، عدم امکان بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون در نمونه گسترده‌تر با جامعه آماری متفاوت، جهت غنای ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون و سنجش عامل‌های آن، در فرایند تحلیل عاملی تأییدی بود.

پیشنهاد می‌شود با افزودن بر اجرای پرسش‌نامه، در حجم بزرگتری از آزمودنی‌ها، به گونه‌ای که بررسی تحلیل عاملی باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی، بر مبنای روش‌های آماری میسر گردد، به پژوهش‌های مداخله‌ای پیرامون باورهای منطقی زوجین با توجه به مؤلفه‌هایی که اسلام برای آن معرفی کرده و مقایسه تأثیرات پیش و پس از مداخله با یکدیگر اقدام صورت گیرد، و همچنین در پژوهش‌های بعدی، راه‌ها و تکنیک‌های علمی و عملی برای افزایش میزان باورهای منطقی زوجین در افراد و جامعه بررسی و استخراج گردد.

منابع

- آیین‌چی، عباس، ۱۳۹۰، *رابطه سبک‌های والدینی و باورهای غیرمنطقی والدین و تأثیر آن بر پابندی مذهبی فرزندان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ابراهیمی، ابوالفضل و هادی بهرامی احسان، ۱۳۹۱، «تهیه و اعتباریابی مقیاس سنجش آخرت‌نگری؛ یک مطالعه مقدماتی»، *روان‌شناسی و دین*، سال پنجم، ش ۴، ص ۵۳-۷۰.
- ازخوش، منوچهر و علی عسگری، ۱۳۸۶، «اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی: استانداردسازی پرسش‌نامه باورهای ارتباطی» *روان‌شناسان ایرانی*، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۱۳۷-۱۵۳.
- بشارت، محمدعلی و همکاران، ۱۳۹۱، «نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی»، *مشاوره کاربردی*، ش ۲، ص ۲۹-۴۴.
- بیرامی منصور و همکاران، ۱۳۹۳، *آزمون‌های روان‌شناختی دینداری*، تهران، آوای نور.
- پورشریاری، مه‌سیما و مهرانگیز شعاع‌کاظمی، ۱۳۸۳، «بررسی نگرش مذهبی دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران»، *معرفت*، ش ۸۱، ص ۷۱-۸۰.
- دلور، علی، ۱۳۸۴، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران، رشد.
- رشیدی، فرنگیس و همکاران، ۱۳۸۹، «نقش باورهای غیرمنطقی بر سلامت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران»، *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۴۹-۶۵.
- سپهریان آذر، فیروزه و حسن قلاوندی، ۱۳۹۰، «تأثیر آموزش تیپ‌های شخصیت انیگرم بر کاهش تعارضات زناشویی»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال اول، ش ۲، ص ۱۶۱-۱۷۰.
- سهرابی، نادره و سیامک سامانی، ۱۳۸۰، *بررسی میزان تأثیر نگرش مذهبی بر بهداشت روانی نوجوانان*، در: چکیده مقالات نقش دین و بهداشت روانی؛ اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، تهران، دانشگاه علوم پزشکی.
- سیاوشی، حسین و شکوه نوایی‌نژاد، ۱۳۸۴، «رابطه بین الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی دبیران دبیرستان‌های ملایر»، *پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، ش ۴ (۱۵)، ص ۹-۳۴.
- شریعتمداری، مهدی، ۱۳۸۸، *تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری*، تهران، کوهسار.
- شفیع‌آبادی، عبدالله و غلامرضا ناصری، ۱۳۷۳، *نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- شمسی، علی، ۱۳۸۲، *رابطه بین رضایت شغلی، سلامت روان و باور منطقی معلمان کلاس سوم راهنمایی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان آنان در شهر خمین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم تربیتی، تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تربیت معلم.
- شهرستانی، ملیحه و همکاران، ۱۳۹۱، «پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد»، *زن و فرهنگ*، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۱۹-۴۱.
- صافی، احمد، ۱۳۸۸، *مدیریت و اقتصاد در خانواده*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- فیروزیخت، مهرداد، ۱۳۸۳، *آلبرت الیس: پنجاه سال رفتاردرمانی عقلانی هیجانی*، تهران، دانژه.
- قاسمی، جواد، ۱۳۷۵، *بررسی میزان کارایی مشاوران و دبیران راهنما در حل مشکلات دانش‌آموزان نظام جدید آموزش و پرورش متوسطه بندر ماهشهر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی.
- کجباف، محمدباقر و همکاران، ۱۳۸۷، «مقایسه نگرش مذهبی و شدت ایمان مذهبی در دانش‌آموزان و دانشجویان دختر شهر اصفهان»، *مطالعات اسلامی و روان‌شناسی*، ش ۲، ص ۹۷-۱۱۲.
- گلدنبرگ، ایرنه و هربرت گلدنبرگ، ۱۳۸۶، *خانواده درمانی*، ترجمه حسین شاهی‌برواتی و همکاران، تهران، روان.
- گنجی، حمزه، ۱۳۸۱، *ارزشیابی شخصیت*، تهران، ساوالان.

- مؤمن زاده، فرید و همکاران، ۱۳۸۴، «ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی»، *خانواده پژوهی*، سال اول، ش ۴، ص ۳۶۹-۳۷۴.
- محمدری شهری، محمد و عباس پسندیده، ۱۳۸۹، *تحکیم خانواده*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث.
- مصباح، محمد تقی، ۱۳۶۵، *آموزش عقاید*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
- نجارپور استادی، سعید و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و باورهای غیرمنطقی با رضایت شغلی در بین کارکنان شرکت سهامی خاص مخابرات استان آذربایجان شرقی»، *فراسوی مدیریت*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۳۹-۵۸.
- نوابی‌نژاد، شکوه و انیسه ملک، ۱۳۸۹، «اثربخشی آموزش مقابله با تفکر قطعی‌نگر بر بهبود روابط زناشویی زنان»، *اندیشه و رفتار*، دوره چهارم، ش ۱۶، ص ۷-۱۶.
- هراتیان، عباس علی، ۱۳۹۲، *رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی با توجه به بایندی مذهبی زوجین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هریس، ارول ای، ۱۹۹۲، *طرح اجمالی فلسفه اسپینوزا*، ترجمه مصطفی شهرآیینی، تهران، نی.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۸۵، *تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری*، چ دوم، تهران، پیک فرهنگ.
- _____، ۱۳۸۶، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، تهران، سمت.
- Addis, J. & Bernard, M, 2002, Marital adjustment and irrational beliefs, *Journal of Rational – Emotive and Cognitive Behavior Therapy*, v. 20, p. 3-13.
- Amato, P. R, 2000, The consequences of divorce for adult and children, *Journal of Marriage & Family*, v. 62 (4), p. 19-26.
- Bridges, R.K, & Sanderman, R, 2002, The Irrational Beliefs Inventory: cross cultural comparisons between American and Dutch samples, *Journal of Rational-Emotive & Cognitive Therapy*, v. 20, p. 237-343.
- Chadwick, P, & et al, 1999, Measuring negative person evaluations: The Evaluative Beliefs Scale, *Cognitive Therapy and Research*, v. 23, p. 549-559.
- Contreras, H.A, & et al, 2010, Preliminary factor analysis of the O'Kelly women beliefs Scale in a US sample, *Universitas Psychologica*, v. 2, p. 611-617.
- Dannenbaum-Daubne S.M, & Horan, J. J, 1999, *The effects of internet-based cognitive restructuring on adolescent self-esteem*, Paper presented at the Annual Meeting of the American Psychological Association, Boston, August 23, Internet Cognitive Restructuring.
- Dottilio, F.M, 2010, *Cognitive-Behavioral therapy with couples and families: a comprehensive guide for clinicians*, New York: Guilford Press.
- DeBord, J, & et al, 1996, Predicting dyadic adjustment from general and relationship-specific beliefs, *Journal of Psychology*, v. 130, p. 263-280.
- Demaria, T, & et al, 1989, Psychometric properties of the Survey of Rational Beliefs: a rational-emotive measure of irrational thinking, *Journal of Personality Assessment*, v. 53, p. 329-341.
- Eidelson, R, J, & Epstein, N, 1982, Cognitive and relationship of adjustment, Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, v. 50, p. 715-720.
- Ellis, A, & Grieger, R.M, 1977, *Handbook of rational- emotive therapy*, New York: Springer Publishing Co.
- Fowers, B.J, & et al, 1996, Positive illusions about marriage: Self enhancement or relationship enhancement? *Journal of Family Psychology*, v. 10, p. 192-208.
- Fincham, F.D, & et al, 2000, The longitudinal association between attributions and marital satisfaction, *Journal of Family Psychology*, v. 14 (2), p. 267-285.

- Free, M.L, 1999, *Cognitive Therapy in Groups: Guidelines and resources for practice*, Chichester, England: John Wiley & Sons Ltd.
- Goldenberg, I, & Goldenberg, H, 2000, *Family Therapy, An overview*, California: Brooks/ Cole Publishing.
- Gottman, J.M, 2002, Marital research the 21th century, *Journal of Family Process*, v. 41 (2), p. 97-159.
- Gunt, R, 2006, Couple similarity and marital satisfaction: Are similar spouses happier, *Journal of Personality*, v. 74, p. 5-10.
- Hamamci, Z, 2005, Dysfunctional relationship beliefs in marital conflict, *Journal of Rational Emotive & Cognitive Behavior Therapy*, v. 23, p. 245-260.
- Jones, R.G, 1969, A factored measure of Ellis's irrational beliefs system, with personality and maladjustment correlates, *Dissertation Abstracts International*, v. 29, p. 4379-4380.
- Jones, A.C, & Chao, C.M, 1997, *Racial, ethnic and cultural issues in couples therapy*, I W, K, Halford and H, J, Markamn (Ed) Clinical handbook of marriage and couples intervention, chichester, U, K, Wiley, p. 157-178.
- Koopmans, P.C, & et al, 1994, The Irrational Beliefs Inventory (IBI): development and psychometric evaluation. European, *Journal of Psychological Assessment*, v. 10, p. 15-27.
- Markman, H. J, & Hahlweg, K, 1993, The prediction and prevention of marital distress: An international perspective, *Clinical Psychology Review*, v. 13, p. 29-43.
- Matsumora, C, 1991, The development of the Japanese irrational belief test, *Japanese Journal of Psychology*, v. 62, p. 106-113.
- Metts, S, & Cupach, W.R, 1990, The influence of relation beliefs and problem solving responses on satisfaction in romantic relationships, *Human Communication Research*, v. 17, p. 170-185.
- Moller, A. T, & et al, 2001, Dysfunctional beliefs and marital conflict in distressed and non-distressed married individuals, *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, v. 19, p. 259- 270.
- Moller, A.T, & Van der Merwe, J.D, 1997, Irrational beliefs, interpersonal perception and marital adjustment, *Journal of Rational Emotive and Cognitive Behavioral Therapy*, v. 15, p. 260-290.
- Neenan, M, 2006, *Cognitive therapy in a nutshell*, London: Whurr.
- Nelson, R.E, 1977, Irrational beliefs in depression, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, v. 45, p. 1190-1199.
- Piorkowski, J.K, 2008, *Adult children of divorce, confused love seekers*, London: Greenwood Publishing Groupe.
- Romans, J.C, & DeBord, J, 1995, Development of the Relationship Beliefs Questionnaire, *Psychological Report*, v. 76, p. 1248-1250.
- Rosen-Grandon, J.R, & et al, 2004, The relationship between marital characteristics marital interaction processes, and marital satisfaction, *Journal of Counseling and Development*, v. 82 (1), p. 58-68.
- Shorkey, C.T, & Whiteman, V. L, 1977, Development of the Rational Behavior Inventory: Initial validity and reliability, *Educational and Psychological Measurement*, v. 37, p. 527-534.
- Sadock, B.J.MD, & et al, 2003, *Synopsis of psychiatry behavioral sciences and clinical psychiatry*, 9th edition, John Wiley and sons, New York.
- Stackert, R. A, & Bursik, K, 2003, Why am I unsatisfied? Adult attachment style, gendered irrational relationship beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction, *Journal of Personality and Individual Differences*, v. 34, p. 1419-1429.
- Traverse, J, & Drayden, W, 1995, *Rational emotive behavior therapy: a client's guide*, London: Whurr.
- Weissman, A.N, 1979, The Dysfunctional Attitude Scale: A validation study, *Dissertation Abstract International*, v. 40, p. 1389-1390.
- Wicker, F.W, & et al, 1985, Differential correlates of irrational beliefs, *Journal of Personality Assessment*, v. 49, p. 161-167.

بررسی مراحل تحول بر اساس منابع اسلامی

ک. محمد رضا قائمی مقدم / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

mnnowzari@rihu.ac.ir

محمود نوذری / استادیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

mdavoudi@rihu.ac.ir

محمد داوودی / استادیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Mazarbayejani110@yahoo.com

مسعود آذربایجانی / دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۶

چکیده

رشد و تحول انسان تدریجی و دارای مراحل است. در هریک از این مراحل، ساختار روانی، ویژگی‌ها و رفتار انسان متفاوت از مرحله قبل است. شناخت این مراحل از این جهت اهمیت دارد که به مدد همین مراحل می‌توان انواع مشخصی از تربیت را تعریف و طراحی کرده، اصول و شیوه‌های مختلفی را برای تربیت به کار برد. بسیاری از دانشمندان نیز تحقیقات خود را به بررسی و شناسایی این مراحل معطوف داشته‌اند. از این رو جست‌وجوی این موضوع در متون دینی و شناسایی مراحل رشد و تحول انسان از منظر دین، برای جامعه علمی و دینی بسیار حائز اهمیت است. سؤال این است که متون دینی، عمر و زندگی را چگونه تقسیم، مرحله‌بندی و توصیف کرده است؟ روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و توصیفی-استنباطی است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که دین، عمر انسان را به سه مرحله کلی و نه زیر مرحله تقسیم می‌کند. دوران ضعف اولیه، شامل مراحل حمل، رضاع، قبل از تمیز و مرحله تمیز است. دوران قوت، شامل مراحل نوجوانی، شباب و کهولت و دوران ضعف ثانویه، شامل مراحل شیخوخیت و ارذل العمر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: رشد، تحول، عمر، مرحله، ضعف، قوت، طفل، بلوغ، شباب، شیخ، ارذل العمر.

۱. مقدمه

آدمی از آن هنگام که پا به عرصه حیات می‌گذارد، تا هنگامی که به درجه کمال می‌رسد، مراحل متوالی و به هم پیوسته‌ای از رشد را طی می‌کند. این مراحل، اگرچه به ظاهر متوالی، مستمر و یکنواخت هستند، ولی در حقیقت، هر مرحله از مرحله دیگر متفاوت است. در هریک از این مراحل، انسان دارای ساختمان روانی خاصی است که در رفتار او متبلور است. اهمیت مراحل از این جهت است که به کمک آن می‌توان انواع مشخصی از تربیت را تعریف و طراحی نموده، اصول و شیوه‌های مختلفی را برای تربیت به کار برد. تربیت هنگامی صحیح و ثمربخش خواهد بود که بر اساس مراحل رشد و تحول، بخصوص رشد شناختی، و هماهنگ با اقتضائات هر دوره و مرحله صورت پذیرد.

از آنجاکه انسان دارای ابعاد گوناگون، و نگاه‌ها به انسان نیز متفاوت است، تقسیمات مختلفی در خصوص مراحل عمر انسان مطرح شده است. برای نمونه، پیائزه رشد و تحول شناختی انسان را در چهار مرحله می‌داند: الف. حسی - حرکتی (تولد تا ۲ سالگی)؛ ب. پیش عملیاتی (۲ تا ۶ سالگی)؛ ج. عملیات عینی (۷ تا ۱۱ سالگی)؛ د. عملیات صوری (۱۲ تا ۱۶ سالگی) (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۰، ص ۹۶). اریکسون، رشد روانی - اجتماعی انسان از تولد تا پایان عمر را در هشت مرحله مطرح می‌کند: ۱. اعتماد در برابر بی‌اعتمادی (تولد تا یک سالگی)؛ ۲. تکیه به خود در برابر شک و تردید (۱ تا ۳ سالگی)؛ ۳. ابتکار در برابر احساس گناه (۳ تا ۵ سالگی)؛ ۴. کارایی در برابر حقارت (۶ تا ۱۱ سالگی)؛ ۵. هویت در برابر گم‌گشتگی هویت (۱۲ تا ۱۸ سالگی)؛ ۶. صمیمیت در برابر تنهایی (۱۹ تا ۳۵ سالگی)؛ ۷. بارآوری در برابر رکود و بی‌حاصلی (۳۵ تا ۶۰ سالگی)؛ ۸. کمالیابی در برابر نومیدی (۶۰ سالگی به بعد) (همان، ص ۱۳۲-۱۴۲). موریس دبس، دوران تربیت را بر مبنای رغبت‌های درونی و استعداد انسان برای آموزش و پرورش، به پنج مرحله تقسیم می‌کند: ۱. دوره پرستاری از کودک؛ ۲. دوره کودکستانی؛ ۳. دوره دبستانی؛ ۴. دوره نگرانی بلوغ؛ ۵. دوره جوش و خروش جوانی (دبس، ۱۳۶۸، ص ۱۹؛ شعاری‌نژاد، ۱۳۶۸، ص ۲۲-۲۴).

اما آنچه مهم است، اینکه دین و آموزه‌های دینی را در خصوص عمر و مراحل آن، بدانیم؟ آن را چگونه تقسیم و توصیف کرده است؟ و برای هریک از مراحل رشد و تحول، چه دستورالعملی بیان کرده است؟ بررسی عبارات، اصطلاحات و واژه‌های ناظر بر مراحل عمر در متون دینی، و به عبارتی، مرحله‌بندی عمر بر اساس منابع اسلامی، هدف بررسی این مقاله است. پیش از بررسی موضوع، لازم است مفهوم «مرحله» تبیین گردد.

۲. مفهوم‌شناسی مرحله

«مرحله» در لغت به معنای فرود آمدن‌گاه، منزل، منزلگاه، مسافتی که مسافر در یک روز طی می‌کند، جای فرود آمدن و جای کوچ کردن به کار رفته است (معین، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۹۹۸). به اعتبار معنای لغوی، می‌توان گفت: مرحله به جایی که محل فرود، و آغازی برای حرکت است، اطلاق می‌شود. بنابراین، مرحله‌بندی مستلزم حداقل فرض تقطیع در یک زمینه خاص است (شعبانی ورکی، ۱۳۷۷).

«مرحله» از نظر روان‌شناسی تحولی نیز بسیار حائز اهمیت است. مرحله به عنوان زیرمجموعه تحول به دوره سنی خاص اطلاق می‌شود که ویژگی‌های معینی از موضوع مورد مطالعه، برجسته می‌شود. روان‌شناسان تحولی برای پدید آمدن یک مرحله، وجود ویژگی‌هایی را در آن مرحله ضروری شمرده‌اند. از جمله:

۱. در طول تحول، محل و موقعیت ثابتی داشته باشد؛ یعنی یک مرحله مفروض همیشه پس از مرحله معینی بیاید و مرحله معین دیگری را در پی داشته باشد. ۲. هر مرحله واجد صفت توحیدی باشد و حالت یکپارچه شدن در خصوصیات آن باشد. ۳. هر مرحله، یک کل ساختارمند را شکل می‌دهد (هر مرحله متمایز از مرحله دیگر است). ۴. زمینه تهیه بسیاری از خصوصیات یک مرحله وسیع‌تر از چارچوب کنونی آن است و ریشه در مراحل قبلی دارد (منصور، ۱۳۷۳، ص ۵۰).
- به هر حال، در تعیین مراحل خصوصیات لازم است که هر مرحله را از مرحله قبلی جدا سازد. در عین حال، در ساختار کلی، ادامه مرحله قبلی باشد.

۳. دوره‌ها و مراحل تحول در گزاره‌های دینی

مسئله عمر و زندگی در دنیا، یکی از مسائل بسیار مهم و قابل توجه در منابع دینی است. اهمیت توجه به فرصت زندگی در دنیا و مغتنم شمردن لحظه‌های آن در منابع دینی، به تفصیل مطرح شده و در آیات و روایات زیادی بر آن تأکید شده و راه کارهایی برای چگونگی عبور از هریک از مراحل عمر بیان شده است. طرح آن مجال خاصی دیگر می‌طلبد. در عین حال، بحث مرحله‌بندی فرایند عمر و رشد انسان، موضوعی است که از منظر تعلیم و تربیت، بررسی آن لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه برنامه‌ریزی‌های دقیق تربیتی، مبتنی بر شناخت این مراحل و خصوصیات و امکانات و شرایط آنهاست. اگرچه نمی‌توان ادعا کرد که گزاره‌های دینی، با صراحت به تقسیم و تبیین تفصیلی مراحل عمر پرداخته‌اند، ولی به نظر می‌رسد از بررسی و تحلیل مفاهیم و اصطلاحات و گزاره‌های مختلفی که در منابع دینی به دست می‌آید، بتوان به طرحواره و چارچوبی در این باره دست پیدا کرد.

گزاره‌های دینی در این خصوص، به دو صورت مطرح شده است: برخی از گزاره‌ها، واژه‌محور بوده و حاوی عناوین و اصطلاحاتی هستند که به نوعی به مراحل عمر اشاره دارند. برخی دیگر، سن‌محورند و با بهره‌گیری از اعداد و ارقام به بیان مقاطعی از عمر پرداخته‌اند.

در قرآن کریم، اغلب آیات با عبارات و کلیدواژه‌های خاصی، به مقاطع عمر انسان اشاره دارند و اعداد و ارقام در این خصوص کمتر دیده می‌شود. این آیات چند دسته‌اند:

۱. آیاتی که به اصل خلقت انسان از خاک و سپس، تداوم نسل او از طریق نطفه و مراحل رشد او در رحم اشاره دارند. مانند: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۲-۱۴).

۲. آیاتی که به مقاطع زندگی انسان پس از تولد اشاره کرده و با تعبیرات خاصی آن را به سه مقطع کلی تقسیم می‌کند. مانند:

الف. «... ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبَلَّغُوا أَشْدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يَتَوَفَّى وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدِّ إِلَى أَزْوَاجٍ الْأَعْمَرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا» (حج: ۵)؛

ب. «... ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبَلَّغُوا أَشْدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا...» (غافر: ۶۷)؛

ج. «اللَّهُ الَّذِى خَلَقَكُمْ مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِّن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً...» (روم: ۵۴).

چنان‌که مشاهده می‌شود، هریک از این سه آیه، به سه مقطع از عمر انسان اشاره نموده‌اند. تعبیر دو آیه نخست از این سه مقطع، طفولیت، کمال قوت و در پایان پیری است. حال آنکه تعبیر آیه سوم، به کلی متفاوت می‌شود و از دو مرحله ضعف و یک مرحله قوت یاد می‌گردد. در عین حال، به نظر می‌رسد منافاتی با آیات قبل ندارد؛ چراکه طفولیت با «ضعف اولیه» و قوت، با «بلوغ اشد»، و دوران پیری با «ضعف ثانویه» سازگار و قابل جمع است.

۳. آیاتی که تنها به دو یا یک مرحله اشاره نموده‌اند؛ مانند آیه شریفه «وَبِكَلِمَةٍ الْإِنْسَانَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا» (آل‌عمران: ۴۶). این آیه از دو مقطع طفولیت و میان‌سالگی سخن می‌گوید. آیه «قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ» (انبیاء: ۶۰). این آیه نیز با تعبیر «فتی» به مقطع جوانی اشاره دارد.

در روایات نیز گزاره‌های متعددی ناظر به مراحل عمر و رشد آدمی آمده است. با این تفاوت که در این گزاره‌ها، به جزئیات بیشتری از مقاطع سنی اشاره شده است. به عبارت دیگر، برخلاف آیات، که

بیشتر کلی و با بهره‌گیری از عناوین و واژه‌ها به مقاطع عمر اشاره دارند، روایات بیشتر به صورت جزئی، و با اشاره به مرحله و سن خاصی از عمر، به موضوع پرداخته و دستورالعمل‌های تربیتی لازم و متناسب را توصیه کرده‌اند. این روایات چند دسته‌اند:

۱. روایات سه هفت سال. از آنجاکه دوران مهم رشد و تربیت انسان، دوران کودکی و نوجوانی است، احادیث قابل توجهی با مضامینی مشابه، بر ۲۱ سال اول زندگی انسان تمرکز کرده، از تولد تا ۲۱ سالگی را به سه، هفت سال، تقسیم کرده (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۳، ۴۷۵ و ۴۷۶)، و ویژگی‌هایی را برای رشد و تربیت در هر دوره یادآور شده است.

۲. برخی از روایات به ارقام و مقاطع خاصی از سن انسان اشاره کرده و آن را توصیف نموده، به رهنمودهایی آموزشی و تربیتی در خصوص آن، پرداخته‌اند (همان، ص ۴۷۴).

۳. روایات اخلاقی و عرفانی هستند که بیشتر ناظر به خودسازی و توجه دادن و هوشیار کردن افراد نسبت به گذر عمر و از دست رفتن آن، و غنیمت شمردن فرصت باقی‌مانده است. این روایات، معمولاً عمر را از بیست تا صد سالگی، به مقاطع ده ساله تقسیم و توصیف می‌کند (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۷).

۴. برخی از روایات نیز سن محور نیستند، ولی به مفاهیم و خصوصیات اشاره دارند که با مرحله‌ای از عمر انسان قابل تطبیق است. مثل روایاتی که مفاهیم صباوت، تمیز، راهقه، بلوغ، شاب، کهولت، ضعف، سیادت، لعب، عبد بودن، تأدیب، وزارت و غیره را به کار برده‌اند. این مفاهیم، برای توضیح و توصیف مراحل و تبیین‌های روان‌شناختی از آنها، می‌تواند راهنما و کارگشا باشد.

به نظر می‌رسد در مجموع، اگرچه نمی‌توان بر اساس سن تقویمی، مرزبندی دقیقی از مقاطع زندگی و رشد آدمی ارائه داد، ولی بر اساس آیات قرآن، می‌توان دوران عمر را به سه دوره کلی ضعف اولیه، دوران قوت و دوران ضعف ثانویه، و بر اساس روایات به چندین مرحله جزئی‌تر تقسیم کرد. اساس این تقسیم، آیه ۵۴ سوره روم است که بیان می‌کند: «خداست آن کس که شما را ابتدا ناتوان آفرید، آن‌گاه پس از ناتوانی قوت بخشید، سپس بعد از قوت، ناتوانی و پیری داد». مفسران این آیه را به سه دوره کودکی، جوانی و پیری تفسیر کرده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۰۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۱۶۱؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۶؛ سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۷۷). علاوه بر اینکه، آیه ۵ سوره حج و ۶۷ سوره غافر نیز با عبارت «طفل»، «بلوغ اشد»، «شیخ» و «ارذل العمر» بر این سه دوره تصریح دارند. در کتاب **طب الرضا** نیز مطلبی بیان شده است که بر اساس آن، امام رضا^ع، مراحل طبیعی عمر انسان را بر مبنای غلبه هریک از اخلاط اربعه

بدن (خون، بلغم، صفراء و سوداء)، به چهار مرحله تقسیم نموده‌اند که به نوعی می‌تواند مؤید این تقسیم باشد: حالت اول: پانزده سال است که جوانی و خوبی و طراوت او در این دوره از عمر است. در این مدت، خون در مزاج او بر سایر اخلاط غالب است. حالت دوم: از پانزده سالگی است تا به سی و پنج سالگی، در این قسمت از عمر غلبه با صفراء است که به نهایت شدت و قوت می‌رسد. حالت سوم: این حالت از سی و پنج سالگی شروع می‌شود و به شصت سالگی ختم می‌گردد. در این دوره از عمر، سایر اخلاط مغلوب مره سوداء است. حالت چهارم: چون وارد مرحله چهارم حیات (۶۰ سالگی به بعد) بشویم، بلغم بر سایر اخلاط غلبه پیدا می‌کند. این همان حالتی است که به چیزی بر نمی‌گردد، مگر پیری و ناتوانی به سوی تلخی عیش، لاغری، کم شدن نیرو و فساد زندگی. نشانه این حالت این است که نسیان بر فکر و حافظه او مسلط می‌شود؛ چیزها و کسانی را که با آن مربوط بوده، نمی‌شناسد (طب‌الرضا، ۱۳۸۱، ص ۶۱)؛ چراکه مرحله اول در این تقسیم‌بندی با دوران ضعف اولیه، مرحله دوم و سوم با دوران قوت و مرحله چهارم با دوران ضعف ثانویه هماهنگی دارد.

شاخص و معیار این تقسیم، قوت و ضعف عمومی انسان در این دوره‌هاست. البته در مقایسه افراد با یکدیگر متفاوت خواهد بود. به گفته علامه طباطبائی نکره آوردن «ضَعْف» و «قُوَّة» در آیه، برای اشاره به ابهام در مقدار ضعف و قوت افراد است؛ زیرا افراد در آن با یکدیگر تفاوت دارند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۰۵). با عنایت به آیات و روایات مذکور، و با بررسی واژه‌ها و تعبیراتی که بخصوص در قرآن دربارهٔ عمر آمده است، در ذیل به توصیف و تبیین دوران‌ها و مراحل عمر می‌پردازیم:

۱-۳. دوران ضعف اولیه (کودکی) – تولد تا بلوغ

اولین دوره از عمر انسان، دوران ضعف اولیه است که تعبیر «خَلَقَكُمْ مِّنْ ضَعْفٍ» (روم: ۵۴)، اشاره به این مقطع داشته است. بر اساس تفاسیر، این ضعف هم می‌تواند ناظر به ماده اولیه انسان، یعنی نطفه و مراحل تحول آن پیش از تولد باشد، و هم می‌تواند ناظر به دوران کودکی و طفولیت باشد (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۷۷). شاهد دیگر آیه «وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا» (نساء: ۲۸) می‌باشد که به طفولیت تفسیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۷۳). همچنین قرآن کریم از این مقطع با واژگانی چون «طفل» (حج: ۵؛ غافر: ۶۷؛ نور: ۳۱ و ۵۹)، «صبی» (مریم: ۱۲ و ۲۹) و نیز واژه «غلام» (آل عمران: ۴۰؛ یوسف: ۱۹؛ حجر: ۵۳؛ کهف: ۷۴ و ۸۰ و ۸۲؛ مریم: ۷ و ۸ و ۱۹ و ۲۰؛ صافات: ۱۰۱؛ ذاریات: ۲۸) در سوره‌های مختلفی یاد نموده است. بررسی این واژه‌ها، می‌تواند به شناسایی این دوران و مراحل آن کمک نماید.

طفل: «طفل» در لغت به معنای مولود صغیر (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۱۳)، یا فرزند کوچک انسان و چهارپا است. به عقیده برخی، این دوران تا اوان تمییز ادامه می‌یابد. پس از آن دوران صبیّ، حذور، یافع، مراهق و بالغ آغاز می‌شود (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷۴). برخی دیگر، طفولیت را تا شش سالگی و پس از آن را دوران صبايت تا حد بلوغ می‌دانند. از بررسی آیات، چنین به نظر می‌رسد که تمایز چندانی در ادبیات قرآنی میان این مراحل وجود ندارد؛ زیرا قرآن کریم برای تمام این مقاطع از واژه «طفل» بهره گرفته است. طفولیت از ابتدای تولد تا پیش از بلوغ را شامل می‌شود (فاکر، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲). برای نمونه، در قرآن به نوزاد آن‌گاه که زاده می‌شود، واژه «طفل» اطلاق گردیده است: «ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا» (حج: ۵). همچنین بر کودک تا وقتی که مسائل جنسی را متوجه نشده و به سن تمیز نرسیده است، طفل اطلاق شده است: «أَوِ الطِّفْلِ الَّذِي لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ»؛ (نور: ۳۱). در جای دیگر، دامنه طفولیت را تا اوان بلوغ و احتلام می‌کشاند: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا»؛ (نور: ۵۹). بنابراین، در فرهنگ قرآن گستره مفهوم طفل، شامل تولد تا بلوغ می‌شود (فاکر، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲).

صبی: «صبو» و «صَبَوَة» در لغت به معنای جهالت پیشگی و گرایش به لهو است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۶۸). واژه «صبی»، بر مقطع کودکی تا پیش از بلوغ اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۵). برخی نیز آن را در مقطع پس از تولد تا باز گرفته شدن از شیر اطلاق کرده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۵۰). این واژه در قرآن کریم، دربارهٔ کودکی دو پیامبر بزرگ خداوند عیسی علیه السلام و یحیی علیه السلام به کار رفته است (مریم: ۱۲ و ۲۹).

غلام: واژه «غلام» نیز از جمله واژگانی است که علی‌رغم تفسیر آن به مقطع بروز شهوت جنسی در کودک (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۳۹)، که با علائمی چون بروز آثار اولیه بلوغ همچون روییدن مو بر پشت لب همراه است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۸۷)، در قرآن کریم به صورت مطلق به کار رفته است و شامل بدو تولد به بعد می‌شود. چنان‌که در بشارت فرزند به ابراهیم و زکریا آمده است (ذاریات: ۲۸؛ صافات: ۱۰۱؛ حجر: ۵۳). همچنان‌که دربارهٔ حضرت یوسف آن‌گاه که از چاه بیرون کشیده شد نیز به کار رفته است: «قَالَ يَبُشْرِي هَذَا غُلَامًا» (یوسف: ۱۹).

این واژه‌ها در روایات نیز به صورت عام و در محدوده سنی تولد تا بلوغ استعمال شده است. برای نمونه، در روایات، هم از کودک در گهواره با واژه «صبی» تعبیر شده است: «فإن هذا عیسی بن مریم یزعمون أنه تکلم فی المهد صبیا» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۸)، و هم از کودکی، که قدرت تشخیص و توصیف دارد، با عبارت «صبی» یاد شده است: «ایاک و الجماع حیث یراک صبی یحسن ان یصف

حالك» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۳۴)، و حتی تا زمان بلوغ نیز این عبارت به کار رفته است: قال الصادق: «علی الصبی اذا احتلم الصیام...» (همان، ج ۴، ص ۴۱۰). واژه «طفل» و «غلام» نیز چنین هستند. با توجه به آنچه گذشت، نمی‌توان گفت: مقطع کودکی از نظر آیات و روایات، با تقسیم‌بندی خاصی بر اساس نوع انتخاب کلمات برخوردار است؛ زیرا هر سه واژه در کل مقطع کودکی جاری بوده است. ولی با عنایت به آیات و روایات دیگر، می‌توان مقطع کودکی را به سه مرحله تقسیم نمود:

۱-۳. مرحله اول: مرحله رضاع و شیرخوارگی

مرحله اول دوران شیرخوارگی است که تولد تا دوسالگی است که در سه آیه از قرآن، با صراحت به آن اشاره شده است. بر اساس آیه ۲۳۳ سوره بقره، شامل دوره کامل شیردهی برای کسی که می‌خواهد کاملاً آن را رعایت کند، دو سال تمام (حولین کاملین) است. آیه ۱۴ سوره لقمان نیز با تأکید بر زمان از شیر گرفتن، آن را پایان دو سالگی می‌داند. اما با استنباط از آیه ۱۵ سوره احقاف، حداقل مدت شیردهی برای کودکی که ۹ ماه زندگی جنینی را پشت سر گذاشته، ۲۱ ماه است. روشن است حداقل شیردهی، به هر مقدار که از طول مدت بارداری کم شده باشد، افزایش خواهد یافت. این مرحله را با الهام از عبارت «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ»، می‌توان مرحله «رضاع» نام نهاد. شاخصه این مرحله، همراهی و پیوستگی فیزیکی، جسمی و روانی و وابستگی شدید کودک به مادر است. به گونه‌ای که قرآن کریم پایان این مرحله را با عبارت «فصال» یعنی جدا شدن تعبیر می‌کند.

۲-۳. مرحله دوم: مرحله قبل از تمیز

مرحله دوم، دوره قبل از تمیز است که بر اساس روایات سه هفت سال، می‌توان آن را «مرحله» بازی نامید. شاخصه این دوره، بازی گوشی و کنجکاوای کودک برای شناسایی محیط و اتفاقاتی است که در اطراف او رخ می‌دهد. کودک تلاش می‌کند که از همه چیز سر در آورد و قدرت تشخیص پیدا کند. این مرحله را شاید بتوان از آیه ۳۱ سوره نور استنباط کرد؛ چراکه زنان را به رعایت حجاب، جز در برابر عده‌ای خاص، از جمله کودکانی که هنوز به تشخیص خوب و بد نرسیده‌اند: «الطِّفْلِ الَّذِینَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلَی عَوْرَاتِ النِّسَاءِ»، توصیه می‌کند که به‌طور طبیعی، حدود ۷ سالگی است.

۳-۳. مرحله سوم: مرحله تمیز

مرحله سوم، دوران تمیز است که تا پیش از بلوغ و احتلام ادامه می‌یابد. این مرحله نیز از آیه شریفه ۵۸ سوره نور استنباط می‌شود؛ زیرا دستور می‌دهد فرزندان که هنوز به سن بلوغ و احتلام نرسیده‌اند، در سه وعده، که زمان خلوت والدین است، باید اجازه ورود بگیرند: «بِأَیْهَا الَّذِینَ آمَنُوا

لَيْسَتْ أَذُنُكُمْ الَّذِينَ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَلْبُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»، که در تفاسیر به کودکان ممیز تفسیر شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۶۳). البته کودک ممیز، سن خاص و مشخصی ندارد. بر اساس شرایط و تفاوت‌های فردی در کودکان متفاوت است. بر اساس روایات، سه هفت سال نیز این مرحله، زمان آموزش و تادیب است.

۲-۳. دوران قوت - بلوغ تا حدود ۶۰ سالگی

بر اساس آیات قرآن، دومین دوره از زندگی آدمی، دوران قوت است. این دوران، با رسیدن به بلوغ آغاز می‌شود و تا مرحله میان‌سالی ادامه می‌یابد؛ زیرا همان‌گونه که در مفهوم‌شناسی طفولیت و کودکی بیان شد، در آیات قرآن کریم از ابتدای تولد تا رسیدن به بلوغ شرعی، که همان زمان احتلام است، دورانی است که بر آن کودکی اطلاق می‌شود و کودکی با ضعف اولیه تقارن دارد؛ ضعفی که هر لحظه از آن کاسته می‌شود و در جهت قدرت و قوت پیش می‌رود. بنابراین، آغاز دوران قوت و جوانی، زمان بلوغ شرعی است. قرآن کریم با واژه‌های قوت، بلوغ، فتی، بلوغ اشد و کهل از این دوران می‌کند.

«قوت»، عبارت عامی است که به این دوران اشاره دارد. در آیه ۵۴ سوره روم آمده است: «ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً»؛ یعنی خداوند همان کسی است که شما را پس از این ضعف و ناتوانی، قوت و قدرت بخشید. در تفاسیر از این عبارت، به دوران جوانی و شکوفایی (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۷۹) و بلوغ اشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۰۵) تفسیر شده است. به نظر می‌رسد، «قوت» واژه عامی است که شامل همه دوران توانمندی انسان از شروع تا نقطه اوج و پختگی میان‌سالی است. این دوران، شامل سه مرحله است که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۲-۳. مرحله بلوغ و نوجوانی

نوجوانی که شامل محدوده تقریبی ۱۳، ۱۴ تا ۱۸ سالگی است (آذربایجانی و شجاعی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۹)، به پلی بین کودکی و بزرگسالی تشبیه شده است که فرد برای یافتن جایگاه خود به عنوان بزرگسال رشد یافته، ناگزیر از عبور از آن است (همان). در آیات و روایات با عباراتی مثل بلوغ، راهقه، یافع (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۳۵۱) و حدث (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۱)، به این مرحله از عمر اشاره شده است.

بلوغ: یکی از عباراتی که در مورد دوران قوت، بخصوص اوایل آن به کار رفته است، بلوغ است. بلوغ به معنای رسیدن به مراد، رسیدن یا نزدیک شدن به انتهای امر، یا پایان مقصد زمانی، مکانی یا جز اینها (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۴)، کامل و رسیده شدن میوه، ادراک و رسیدن کودک به سن

رشد و بالندگی است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۸۶). در کاربرد رایج، مراد از بلوغ، آغاز مرحله‌ای طبیعی در زندگی کودک است که در آن، با پیدایی و شکوفایی غریزه جنسی و پدید آمدن برخی دگرگونی‌های جسمی و روانی و رشد عقلی و ادراکی، وی به مرتبه مردان یا زنان نایل می‌شود (نجفی، ۱۳۹۴ق، ج ۲۶، ص ۵). در اصطلاح فقهی، بلوغ پایان مرحله صغیر بودن و داخل شدن در مرحله تکلیف است (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۹۴).

در قرآن کریم سه تعبیر درباره بلوغ بیان‌شده که به معنای اصطلاحی بلوغ مربوط است: بلوغِ نکاح، بلوغِ حُلُم، و بلوغِ اَشَدّ.

بلوغِ نکاح: این تعبیر، یک بار در قرآن به کار رفته است: «وَابْتََلُوا الْيَتِمَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» (نساء: ۶) که برخی مفسران (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۶)، همانند برخی از احادیث (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۲۴ و ۱۲۵) مراد از این تعبیر را احتلام بیان کرده‌اند. بدین معنا که کودک با فعلیت یافتن احتلام به مرحله بلوغ وارد می‌شود. ولی برخی دیگر، مراد از آن را رسیدن به سنی دانسته‌اند که در آن توانایی نکاح و زناشویی پیدا می‌شود، حتی اگر بالفعل احتلام صورت نگیرد (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۶).

بلوغِ حُلُم: این تعبیر دو بار در قرآن آمده است: «...وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ... وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ...» (نور: ۵۸ و ۵۹). ماده «حُلُم»، در لغت به معانی بردباری، عقل، خواب دیدن و جز اینها به کار رفته است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۸). واژه «حُلُم»، به معنای خواب دیدن و آمیزش در خواب است (حسینی‌زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۶۷). به نظر می‌رسد، مراد از تعبیر قرآنی «بلوغِ حُلُم»، رسیدن به بلوغ جنسی از طریق احتلام است. برخی فقها، مراد از آن را هرگونه بیرون آمدن منی دانسته‌اند، در خواب باشد یا در بیداری (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ص ۹). به نوشته راغب اصفهانی، زمان بلوغ از آن جهت بلوغِ حُلُم نامیده شده که انسان بالغ توانایی حِلْم یعنی نگاهداری خود را از خشم دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۳)؛ یعنی رشد جسمی و جنسی او به نوعی با توانایی عقلی او هماهنگ و همزمان است. به همین دلیل، قدرت کنترل خود را دارد، و شرط اصلی وجود تکلیف برای او نیز همین است.

بلوغِ اشدّ: یکی دیگر از تعبیراتی که در سوره‌های متعددی به چشم می‌خورد، و با مقطع نوجوانی و جوانی ارتباط می‌یابد، تعبیر بلوغِ اشدّ است. این تعبیر هشت بار (انعام: ۱۵۲؛ یوسف: ۲۲؛ اسراء: ۳۴؛ کهف: ۸۲؛ حج: ۵؛ غافر: ۶۷؛ قصص: ۱۴؛ احقاف: ۱۵) در قرآن کریم آمده و تفاسیر گوناگونی از آن

شده است. درباره واژه «أُشْدُّ»، چند نظر مطرح شده است: برخی آن را جمع کلمه شَدَّ به معنی توانا و غالب شدن (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۳۱۸)، برخی آن را جمع شِدَّة به معنی توانایی، استواری و صلابت، و شماری نیز آن را جمع شِدَّ به معنای شِدَّت دانسته‌اند. برخی هم این کلمه را مفرد می‌دانند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۸۰).

در این باره که بلوغ اشدّ مربوط به چه مقطع و سنی است، میان مفسران اختلاف وجود دارد: برخی برای بلوغ اشدّ، سنین خاصی از جمله ۱۸، ۳۰ و ۴۰ سالگی را بیان کرده‌اند (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۳۱۸). از جمله مستندات قول به ۴۰ سالگی را آیه ۱۵ احقاف دانسته‌اند که در آن رسیدن به این سن، تصریح شده است: «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۳۰). برخی مفسران، «بلوغ اشدّ» را نه یک مقطع سنی خاص، بلکه دوره‌ای از زندگی انسان شمرده‌اند؛ مانند فاصله میان ۱۸ تا ۳۰ سالگی، یا فاصله بلوغ تا ۴۰ سالگی (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۲۳۴). در میان فقهای شیعه نیز این مسئله مورد اختلاف است. به باور برخی، مراد از بلوغ اشدّ، تکمیل شدن قوای عقلانی و حسی است (کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۱۴۱). حال آنکه، برخی دیگر با استناد به پاره‌ای روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۶۸ و ۶۹)، آن را تنها بلوغ جنسی دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۹۴ق، ج ۲۶، ص ۱۰). در عین حال، برخی با استشهاد به آیه ۱۵ سوره احقاف، بلوغ اشدّ را رسیدن به نیرویی می‌دانند که مبدأ آن احتلام و انتهای آن ۴۰ سالگی است (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴).

به نظر می‌رسد، با مقایسه آیات با هم، نظر اخیر تأیید می‌گردد و به این نتیجه می‌رسیم که بلوغ اشدّ، از بلوغ شرعی آغاز می‌گردد و به طور عادی تا حدود چهل سالگی استمرار می‌یابد؛ زیرا در آیه «وَابْتَئُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء: ۶)، سخن از بلوغ نکاح یا همان مقطعی است که انسان شرایط جنسی لازم را برای ازدواج دارا می‌باشد. یتیم در این مقطع، مشروط بر آنکه سفیه نباشد، واجد صلاحیت‌های لازم برای عهده‌دار شدن امور مالی خود می‌باشد. آیه «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ» (انعام: ۱۵۲) از دریچه دیگری به احکام مربوط به دارایی‌های یتیم می‌پردازد. از مقارنه میان این دو آیه، استفاده می‌شود که سرآغاز بلوغ اشدّ، همان بلوغ نکاح است؛ زیرا در این مقطع فرد توانایی‌های بایسته برای مدیریت امور مالی خود را به‌طور طبیعی دارا می‌باشد، گرچه ممکن است در مواردی هنوز به این سطح از توانایی‌ها دست نیافته باشد. در این صورت، بلوغ اشدّ تحقق‌پذیرفته است. این معنا در حالی است که آیه شریفه «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ

أَرْبَعِينَ سَنَةً» (احقاف: ۱۵)، سخن از بلوغ اشدّ و رسیدن به چهل سالگی به میان آورده است که بیانگر این است که بلوغ اشدّ، در یک مقطع زمانی وسیع صورت می‌پذیرد و بلوغ شرعی تنها می‌تواند شروع آن باشد؛ همان مقطعی که در برخی آیات به‌عنوان مرحله قوت یاد گردیده است. در برخی دیگر نیز بین دو مقطع طفولیت و پیری قرار گرفته است. شاهد این برداشت دو روایت از امام صادق علیه السلام است که در یکی بلوغ اشد را به احتلام تفسیر کرده و فرموده‌اند: «بلغ اشدّه» یعنی احتلام و ۱۳ سالگی (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۹۲)، و در روایت دیگر، به نهایت بلوغ اشد اشاره کرده و فرموده‌اند: اگر فرد به ۳۳ سالگی برسد، به بالاترین حد رشد خود رسیده است و اگر به ۴۰ سالگی برسد، به نهایت و کمال رشد دست پیدا کرده است و از ۴۱ سالگی به بعد، رو به نقصان می‌رود (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۴۵).

به هر حال، گستره سنی بلوغ اشد بر اساس روایات مذکور، از ابتدای بلوغ و نوجوانی تا انتهای جوانی، بلکه اوایل میان‌سالی یعنی ۴۰ سالگی را شامل می‌شود.

۲-۳. مرحله جوانی

مرحله بعدی دوران قوت، جوانی است. در آیات و روایات واژه‌های متعددی به این مرحله اشاره کرده‌اند. یکی از واژه‌ها، «بلوغ اشد» است که بیان گردید. واژه‌های دیگری مثل «فتی» و «شاب» نیز در این مورد به‌کار رفته است.

فتی: یکی دیگر از تعبیرات قرآن در مورد جوانی، عبارت «فتی» به معنای جوان است. قرآن کریم این واژه را در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام (انبیاء: ۶۰)، اصحاب کهف (کهف: ۱۰ و نیز ۱۳)، زنان مؤمنه (نساء: ۲۵)، حضرت یوسف علیه السلام و خدمت‌کاران ایشان (یوسف: آیات ۳۰، ۳۶ و ۶۲)، همراه و شاگرد حضرت موسی علیه السلام (کهف: ۶۰ و ۶۲)، و کنیزان جوان (نور: ۳۳) به‌کار برده است. بنابراین، «فتی» هم به معنی جوان است و هم به معنی کنیز و غلام و خدمتگزار (طیب، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۱۹۲). شاید بتوان گفت: «فتی» در کاربرد عرفی خود بر جوان اطلاق می‌گردد و از آنجاکه جوانان معمولاً به خدمتگزاری بزرگترها مشغول هستند، بر خدمتگزار نیز اطلاق شده است. بعید نیست که واژه «فتی» در سایر موارد نیز به همین معنای «جوان خدمتگزار» باشد (همان، ص ۱۸۴).

شاب: یکی دیگر از واژگانی که در مورد جوانی به‌کار رفته است، «شاب» است. «شاب» در لغت به معنی رشد و نمای شیء همراه با قوت و حرارت و نشاط است. در مورد انسان به معنای رشد و نمو جسمی و قدرت بدنی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۷۷) که به‌دوران پیش از کهولت گفته

می‌شود (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۲). این واژه، اگرچه در قرآن نیست ولی در روایات زیاد به کار رفته است. شاید از مقایسه چند روایت بتوان محدوده سنی شاب را تعیین کرد. در روایتی در مورد امام جواد^{علیه السلام} آمده است: «و مات^{علیه السلام} و هو شاب ابن خمس و عشرين سنه» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۳، ص ۵۹۶). در روایتی آمده است که امام زمان^{علیه السلام} در صورت جوانی کمتر از ۴۰ ساله ظهور می‌کند: «ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابِ ابْنِ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۱۳۲). علامه مجلسی نیز به نقل از *سرالادب* بیان می‌کند که وقتی ریش نوجوان کامل شد، و به سن ۳۰ الی ۴۰ سالگی رسید، به او شاب می‌گویند (همان، ج ۵۷، ص ۳۵۱). از مجموع این کاربردها، می‌توان بیان کرد که «شاب» واژه‌ای است که در محدوده سنی بلوغ و نوجوانی تا ۴۰ سالگی را شامل می‌شود.

۳-۲-۳. مرحله کهولت و میان‌سالی

آخرین مرحله از دوران قوت، که پلی میان جوانی و پیری است، مرحله کهولت و میان‌سالی است. «کهل»، عبارتی است که در قرآن آمده و با اواخر دوران جوانی و اوایل پیری سازگار است. لغت‌شناسان «کهل» را به معنای مقطع ظهور علائم اولیه پیری دانسته‌اند که مقارن با انتهای جوانی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۷۸). *ابن فارس*، معنای اصلی این واژه را قوت در چیزی دانسته است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۴۴). به لحاظ زمانی، برخی آن را پس از سی سالگی (جوهری، ۱۹۹۰، ج ۵، ص ۱۸۱۳) و برخی نیز آن را مقطع بین سی و چهل سالگی (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۴۳) دانسته‌اند. این واژه، در دو جای قرآن در وصف حضرت عیسی^{علیه السلام} به کار رفته است: «وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران: ۴۶). همچنین: «تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا» (مائده: ۱۱۰). به گفته مرحوم *بلاغی*، «چنین معروف است که عیسی در سی سالگی به رسالت برانگیخته شد و سه سال بعد به آسمان‌ها عروج نمود» (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۸۴). همچنان‌که *ابن شهر آشوب* *مازندرانی* در *مشابه القرآن و مختلفه* به همین نکته اشاره کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۵۸). بنابراین، طبق این تفسیر محدوده سنی برای کهولت، حدود ۳۰ سالگی به بعد است. این مطلب، با روایت امام صادق^{علیه السلام} که فرمود: «إِذَا زَادَ الرَّجُلُ عَلَى الثَّلَاثِينَ فَهُوَ كَهْلٌ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۷۰) تأیید می‌شود. البته لغت‌شناسان، محدوده آن را کمی بیشتر می‌دانند. *ابن اثیر* در *النهايه*، کهولت را بین ۳۰ تا ۴۰ و یا ۳۳ تا ۵۰ سالگی می‌داند (ابن اثیر جزی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۱۳) و *ثعالبی* در *فقه اللغة*، محدوده ۴۰ تا ۶۰ سالگی را برای سنین کهولت تعیین می‌کند (ثعالبی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۴). علامه مجلسی، به نقل از *سرالادب* نیز همین معنی را برای «کهل» بیان می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۳۵۱).

به نظر می‌رسد، در جمع‌بندی از اقوال فوق، می‌توان مطلب را این‌گونه تصویر کرد که آغاز کهولت از سی سالگی به بعد است و تا ۶۰ سالگی ادامه دارد. این برداشت، با روایتی که در **طب‌الرضا** آمده است، تطابق دارد. بر اساس آن روایت، حالت سوم انسان، که همان مقطع میان‌سالی است، از سی‌وپنج سالگی شروع می‌شود و به شصت سالگی ختم می‌گردد (طب‌الرضا، ۱۳۸۱، ص ۶۱). بر اساس برخی روایات، قدرت و قوت انسان، بخصوص قوت عقلی، همچنان تا ۶۰ سالگی ادامه دارد و بعد از آن، رو به افول می‌رود: **قَالَ الصَّادِقُ (ع): «يَزِيدُ عَقْلُ الرَّجُلِ بَعْدَ الْأَرْبَعِينَ إِلَى خَمْسِينَ وَسِتِّينَ ثُمَّ يَنْقُصُ عَقْلُهُ بَعْدَ ذَلِكَ»** (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۴).

۳-۳. دوران ضعف ثانویه – دوران پیری

دوره سوم عمر انسان، دوران ضعف ثانویه است که با دوران پیری یعنی ۶۰ سالگی به بعد انسان مطابقت دارد. قرآن کریم از این دوران با عبارت‌های مختلفی یاد می‌نماید:

ضعف: اولین واژه در این خصوص «ضعف» است. ضعف، در لغت برخلاف قوت است. **ضَعْفٌ** ضَعَفَ، دو تعبیری است که به باور برخی لغت‌شناسان، اولی به ضعف جسمانی و دومی در معنای ضَعَف در رأی و عقل به کار می‌رود. گرچه برخی دیگر این دو واژه را به یک معنا دانسته‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۰۳). این واژه در دو جای قرآن به معنای پیری به کار رفته است. در آیه نخست، تعبیر عام **«لَيْسَ عَلَى الضَّعَفَاءِ... حَرَجٌ»** (توبه: ۹۱) آمده که به قرینه ذکر آن در کنار بیماران، مراد از آن کسانی است که به دلیل اقتضای طبع از شرکت در جنگ معذور هستند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۶۲)؛ یعنی ناظر بر زمین‌گیران و پیران است. در آیه دوم، **«ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً»** (روم: ۵۴)؛ نیز به دوران پیری که دوران افول قدرت و به نوعی بازگشت به همان ضعف اولیه است، اشاره می‌کند.

شیخ: «شیخ» واژه دیگری است که به دوران پیری اشاره دارد. «شیخ» در لغت، به مردی که سن او زیاد باشد یا از پنجاه تا هشتاد سالگی عمر کند، و به صورت کلی آنکه در چهره او آثار پیری هویدا شود، اطلاق می‌گردد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۵۴). به معنای مرحله‌ای بالاتر از کهولت است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۹). به نظر **مصطفوی**، شیخ صفتی است که بر هر انسان مسنی که وقار و بزرگی در نزد قوم و اهلس دارد، اطلاق می‌شود. موارد استعمال آن در قرآن نیز همین وقار و شخصیت را نشان می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۱۶۳). این تعبیر در قرآن، در آیات مختلفی (هود: ۷۲؛ یوسف: ۷۸؛ قصص: ۲۳؛ غافر: ۶۷) به کار رفته است که به معنی پیری است و گاه با وصف «کبیر» مقرون گردیده است که اشاره به شدت پیری و یا بزرگی و منزلت او دارد. در برخی روایات آمده است

که عبور از ۴۰ سالگی، ورود در مقطع پیری است: «...وَإِذَا زَادَ عَلَى الْأَرْبَعِينَ فَهُوَ شَيْخٌ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۷۰). البته بر اساس روایت *طب الرضا*، حال چهارم انسان یا همان مقطع پیری، از ۶۰ سالگی به بعد است (طب الرضا، ۱۳۸۱، ص ۶۱).

شیب: از واژه‌هایی که در مورد پیری به کار رفته است، «شیب» است. «شیب» در لغت، دلالت بر اختلاط چیزی به چیز دیگر می‌کند. این معنی در روایت به کار رفته و از اختلاط علم با حلم تحسین شده است: «مَا شَيْبَ شَيْءٌ بِشَيْءٍ أَحْسَنَ مِنْ حِلْمٍ بِعِلْمٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹۲). گاهی به معنی آلوده شدن آمده است: «وَإِذَا شَيْبَ الْقَلْبُ الصَّافِيَ بِنَغْذِيَتِهِ بِالْعَفْلَةِ وَالْكَدْرِ صِلَ بِمِصْقَلَةِ التَّوْبَةِ» (امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۱۲۴). چه بسا در مورد انسان، مراد از شیب اختلاط موهای سفید با موهای سیاه باشد. در این صورت، مرحله‌ای جوان‌تر از شیخ را شامل می‌گردد. اما از تقارن آن با ضعف در آیه «ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً» (روم: ۵۴)، و نیز همراهی آن با سستی استخوان، در آیه ۴ سوره مریم «قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا»، به دست می‌آید که این مرحله، به عنوان وصف پیری بر دوره پایانی آن اطلاق می‌شود. از این رو، می‌توان گفت: مراد از اختلاط، همان اختلاط در اندیشه‌ها و رفتارها و مزاج انسان و حرکات ارادی و غیرارادی آدمی است. بر این اساس، *مصطفوی*، اختلاط مذکور را در مزاج دانسته و می‌آورد: «مشیب، دوره پیدایش اختلاط در مزاج و خروج آن از صفاء و خالص بودن است که لازمه آن تغییر رنگ و شکل و سفیدی موی است» (مصطفوی، ۱۳۳۸، ج ۶، ص ۱۶۱).

عجوز: «عجوز» تعبیر دیگری است که در متون دینی در مورد بزرگسالی به کار رفته است. «عجوز» در لغت، از عجز به معنای ضعف است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۳۲). این واژه در وصف زن و مرد به کار رفته و مترادف شیخ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۵)، یا شیخ بسیار سالخورده تلقی گردیده است. ولی در *قاموس القرآن* به نقل از *اقرب الموارد* آمده است که عجوز وصف خاص پیرزن است که جمع آن عَجُزٌ و عَجَازٌ است؛ چراکه این تعبیر، چهار بار در قرآن آمده که دو مورد درباره همسر ابراهیم علیه السلام (هود: ۷۲؛ ذاریات: ۲۹)، و دو بار در خصوص همسر لوط علیه السلام (شعراء: ۱۷۱؛ صافات: ۱۳۵)، به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۹۴). عجوز را بدان جهت عجوز نامیده‌اند که در بسیاری از کارها ناتوان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۴۸).

به هر حال، اگرچه در گوناگونی این تعبیر در مورد پیری حتماً رمز و رازی نهفته، و جهاتی لحاظ گردیده است، ولی به لحاظ سنی، نمی‌توان مرز دقیقی را بین واژه‌های فوق بیان کرد. در مقایسه بین این تعبیر، *مصطفوی* بر این باور است که در استعمال «شیخ» برای وقار و احترام نهفته است. حال آنکه در

تعبیر «شیب» یا «کهل» یا «عجوز» و «مسن» چنین نیست؛ زیرا در «شیب» جهت اختلاط و تغییر لحاظ می‌گردد و در «عجوز» جهت عجز وی، و در «مسن» زیادی سن او، و در «کهل» جهت تمامیت و رشد و نمو او مورد عنایت است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۱۶۳).

ارذل‌العمر: «ارذل» در لغت به معنای هر چیز پست و بی‌ارزش است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۸۰). منظور از «أَرْذَلَ الْعُمُرُ»، سنین بسیار بالاست که ناتوانی و نسیان وجود انسان را فرا می‌گیرد، به حدی که قادر به انجام حوائج ابتدایی خود نیست. به همین دلیل، قرآن آن را سال‌های نامطلوب عمر شمرده است (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۱۰). این واژه در دو سوره به کار رفته است که به دوران پیری انسان اشاره دارد (نحل: ۷۲؛ حج: ۵). در سوره نحل، پس از ذکر این واژه تعبیر «لَكِي لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا» آمده تا به این نکته اشاره کند که در این مقطع، قوای عقلانی، ادراکی و حافظه انسان به سرعت رو به تحلیل می‌رود. به هر حال، از آنجاکه در این مرحله، نیروی جسمی و حواس بدنی ضعیف شده و رو به تحلیل می‌رود، برخی لغت‌شناسان «ارذل‌العمر» را آخرین مرحله از زندگی انسان می‌دانند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۱۴). این مقطع در روایات تفسیری، از ۷۵ تا ۱۰۰ سالگی تفسیر شده است. در روایتی، امام علی علیه السلام ارذل‌العمر را ۷۵ سالگی می‌داند (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۳۷). در برخی از تفاسیر، به ۹۰ سالگی (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۱۰) و در جایی دیگر، به ۹۵ سالگی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۲۶۱) تفسیر شده است. در نهایت، در **تفسیر قمی** از قول امام صادق علیه السلام آمده است که ارذل‌العمر در ۱۰۰ سالگی است: «إِذَا بَلَغَ الْعَبْدُ مِائَةَ سَنَةٍ فَذَلِكَ أَرْذَلُ الْعُمُرِ» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۷۹).

این مقطع به لحاظ شناختی، با مرحله کودکی اول یعنی حدود ۷ سالگی شباهت دارد. در روایتی آمده است که «ارذل‌العمر» زمانی است که عقل انسان در حد عقل کودک هفت ساله باشد: «وَرَوَى أَنَّ أَرْذَلَ الْعُمُرِ أَنْ يَكُونَ عَقْلُهُ عَقْلَ ابْنِ سَبْعِ سِنِينَ» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۴۶). بلکه بر اساس آیه شریفه «لَكِي لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا»، پایین‌تر از آن است؛ زیرا به مرحله‌ای می‌رسد که هیچ نمی‌داند. به همین دلیل، زندگی در این مرحله سخت و طاقت‌فرساست، به گونه‌ای که در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله از رسیدن به این مقطع سنی، به خدا پناه برده شده است: «وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ» (ورام‌بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷۲). البته اگر کسی به این مرحله از عمر برسد، اسیر خدا در زمین است و مورد لطف و رحمت الهی قرار می‌گیرد، و حسناش ثبت، و خطاهایش محو می‌گردد و گناهانش آمرزیده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۰۸).

نکس در خلق: تعبیر دیگر در خصوص پیری، «نکس» به معنای دگرگونی و برعکس شدن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۲۴). این واژه، تنها یک بار در مورد عمر انسان، آن هم در سوره یس به چشم می خورد: «وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ» (یس: ۳۸). در روایت آمده است که معنای «وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ» این است که کسی که عمرش طولانی شد و کهنسال گردید، به حالت کودکی برمی گردد. در این حال، نقص و ضعف بر تمام اعضا، جوارح و حالاتش مستولی می شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۳۶). قرشی در قاموس قرآن بیان می کند که «تنکس به معنی وارونه کردن است. تنکس در خلقت این است که شخص کاملاً پیر و از کار افتاده باشد، گویی همه چیزش وارونه شده است» (قرشی، ۱۳۷۱ق، ج ۷، ص ۱۱۱). این آیه، دلیل این است که انسان در رسیدن به این مرحله و اتفاقی که برای او می افتد، از خود اختیاری نداشته و عقل و درک درستی از اوضاع و شرایط خود ندارد، وگرنه به آن حال در نمی آمد.

هرم: یکی از واژه هایی که در مورد پیری آمده است، واژه «هرم» است. این واژه، اگرچه در قرآن نیامده، ولی در روایات به کار رفته است، مثل: «يَا عَلِيُّ بَادِرْ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَرْبَعِ شَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ...» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۵۷). طریحی آن را به کبر سن و کهنسالی معنی کرده است (طریحی، ۱۳۷۵ق، ج ۶، ص ۱۸۶) و در توضیح روایتی که در آن، از رسیدن به سن هرم به خدا پناه برده شده است، می گوید: «دلیل این استعاده آن است که هرم همان مقطع اذل العمر است که طی آن در عقل و حواس انسان اختلال ایجاد می شود و چهره زشت می گردد و در اکثر کارها و طاعات ناتوانی پدید می آید» (همان، ج ۳، ص ۱۸۴). در روایتی، در توصیف هرم، به وضعیت پیرمرد مسنی اشاره شده است که «از شدت پیری، کمرش خم گشته و خلقتش دگرگون شده، مویش سپید و رنگش تیره گردیده است و پوستش جمع و گام هایش کوتاه شده است. انسان در صد سالگی به این وضعیت می رسد که بعد از آن مرگ است» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۸۹). به هر حال، این وضعیت دردی است که به فرموده پیامبر ﷺ درمانی برای آن نیست (پاینده، ۱۳۸۲ق، ص ۳۱۴).

در یک جمع بندی می توان گفت: دوران پیری و ضعف ثانویه دارای دو مرحله است.

۱-۳-۳. مرحله اول، مرحله شیخوخت

این مرحله شامل ۶۰ تا ۷۵ سالگی است و شاخصه آن، شروع ضعف و ناتوانی جسمی و شناختی است؛ چراکه بر اساس برخی روایات، قدرت و قوت انسان، بخصوص قوت عقلی، همچنان تا ۶۰ سالگی ادامه دارد و پس از آن، رو به افول می رود و ضعف ثانویه آغاز می گردد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۴).

۳-۳-۲. مرحله دوم، مرحله ارذل‌العمر

مرحله ارذل‌العمر، مرحله‌ای است که آغاز آن از ۷۵ سالگی است و تا ۱۰۰ سالگی و بالاتر ادامه دارد. شاخصه آن، این است که فرد کهنسال، به حالت کودکی برمی‌گردد. در این حال، نقص و ضعف بر تمام اعضا، جوارح و حالاتش مستولی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۳۶)، و به لحاظ شناختی به جایی می‌رسد که به فرموده قرآن چیزی نمی‌داند (نحل: ۷۰).

نتیجه‌گیری

به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت: از منظر متون دینی، عمر انسان به نه مرحله تقسیم می‌گردد. مرحله حمل: از انعقاد نطفه تا تولد را شامل می‌شود، شاخصه این مرحله، شکل‌گیری سریع و تدریجی جسم و بدن و نیز قابلیت‌ها و استعدادهای مختلف در انسان است. مرحله رضاع: دو سال اول زندگی است. در این مرحله، اگرچه کودک در تمام ابعاد به شدت ضعیف است و هیچ نمی‌داند، ولی استعداد و امکانات دانستن و شناخت برای او فراهم است و با بازتاب‌های ذاتی و اولیه مثل شیر خوردن مسیر رو به رشد را آغاز می‌کند. مرحله صباوت: پیش از تمیز است و دوران بازی‌گوشی و کنجکاو و تلاش برای شناسایی محیط از طریق بازی است و معمولاً تا ۷ سالگی تداوم دارد. مرحله تمیز: معمولاً از ۶ تا ۷ سالگی آغاز می‌شود و تا بلوغ ادامه دارد. شاخصه این مرحله، تشخیص و تمیز خوب و بد و تفاوت‌های جنسیتی و نیز آمادگی برای آموزش و یادگیری است. مرحله بلوغ و نوجوانی: از ۱۳ تا ۱۴ سالگی آغاز و تا ۱۸ سالگی ادامه می‌یابد. شاخصه اصلی این مرحله از منظر متون دینی، بلوغ است که سن تکلیف و مسئولیت و فراگیری معیارهای ارزشی است. مرحله شباب و جوانی: از ۱۸ تا ۳۰ الی ۳۵ سالگی را دربر می‌گیرد و بهترین مقطع عمر انسان به حساب می‌آید؛ زیرا اوج قوت و قدرت و توان جسمی و عقلی شاخصه این دوران است. مرحله کهولت: مرحله کمال و پختگی عقل به حساب می‌آید. از ۳۰ الی ۳۵ سالگی آغاز می‌شود و تا حدود ۶۰ سالگی تداوم دارد. مرحله شیخوخیت یا پیری اول: از ۶۰ سالگی آغاز می‌شود و تا ۷۵ سالگی ادامه می‌یابد. شروع ضعف و ناتوانی جسمی و شناختی شاخصه این دوره است. مرحله هرم و ارذل‌العمر: از ۷۵ سالگی آغاز می‌شود و تا آخر عمر تداوم دارد. شاخصه آن، این است که فرد کهنسال به حالت کودکی برمی‌گردد. در این حال، نقص و ضعف بر تمام اعضا، جوارح و حالاتش مستولی می‌شود و به لحاظ شناختی به جایی می‌رسد که به فرموده قرآن چیزی نمی‌داند. جدول زیر ابعاد مختلف این مراحل را نشان می‌دهد.

منابع

- نهج البلاغه**، ۱۴۱۴ق، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.
- طب‌الرضا**، ۱۳۸۱، ترجمه نصیرالدین امیر صادقی، چ ششم، تهران، معراجی.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، **النهایه فی غریب الحدیث و الاثر**، قم، اسماعیلیان.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، **الخصال**، قم، جامعه مدرّسین.
- _____، ۱۴۱۳ق، **من لایحضره الفقیه**، قم، جامعه مدرّسین.
- _____، ۱۳۹۵ق، **کمال‌الدین و تمام النعمه**، تهران، اسلامیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، **تحف‌العقول**، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرّسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ق، **متشابه القرآن و مختلفه**، قم، بیدار.
- ابن فارس، احمد بن، ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت، دارالفکر.
- آذربایجانی، مسعود و محمدصادق شجاعی، ۱۳۹۳، **روان‌شناسی در نهج‌البلاغه؛ مفاهیم و آموزه‌ها**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۳۷۴، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم، مؤسسه بعثت.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، ۱۴۱۳ق، **عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الأقوال**، قم، مؤسسه الامام مهدی (عج).
- بلاغی نجفی، محمدجواد، ۱۴۲۰ق، **آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن**، قم، بنیاد بعثت.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، **نهج‌الفصاحه**، چ چهارم، تهران، دنیای دانش.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد، ۱۴۱۴ق، **فقه اللغة**، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۰، **روان‌شناسی رشد (۱)**، تهران، سمت.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۹۹۰، **الصحاح**، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، **وسائل‌الشیعه**، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حسینی، سیدمحمد، ۱۳۸۲، **فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی**، تهران، سروش.
- حسینی‌زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، **تاج‌العروس من جواهر‌القاموس**، بیروت، دارالفکر.
- دیس، مورس، ۱۳۶۸، **مراحل تربیت**، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، **ارشاد القلوب إلى الصواب**، قم، الشریف الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، **المفردات فی غریب القرآن**، دمشق، الدار الشامیه.
- سبحانی، جعفر، ۱۴۱۸ق، **البلوغ**، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع).
- سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، **فی ظلال القرآن**، بیروت، دار الشروق.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، ۱۳۶۸، **روان‌شناسی رشد**، تهران، اطلاعات.
- شعبانی ورکی، بختیار، ۱۳۷۷، «درآمدی بر مراحل تربیت در قرآن کریم»، **علوم انسانی - مطالعات اسلامی**، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۸۲.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، جامعه مدرّسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، ناصر خسرو.
- _____، ۱۳۷۷، **تفسیر جوامع الجامع**، تهران، دانشگاه تهران ۱۳۷۷.

- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسن، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سیدعبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام.
- عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، *کتاب التفسیر*، تهران، چاپخانه علمیه.
- فاکر، اعظم، ۱۳۹۲، *بررسی روند رشد جسمی انسان از نگاه قرآن با رویکرد پاسخ‌گویی به شبهات*، پایان‌نامه سطح سه، تفسیر و علوم قرآن قم، جامعه الزهراء.
- فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح‌الغیب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- فضل‌الله، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۹ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملك للطباعة و النشر.
- فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر*، چ دوم، قم، دارالهجرة.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، علی‌بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *کافی*، چ چهارم، تهران، اسلامیه.
- کاظمی، جوادبن سعید، ۱۳۶۵، *مسالك الأفهام الی آیات الاحکام*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ____، ۱۴۰۴ق، *مرآة‌العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ فارسی*، چ هشتم، تهران، چاپخانه سپهر.
- مفید، محمدبن محمد نعمان، ۱۴۱۳ق، *الاختصاص*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- منسوب به جعفرین محمد، امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، *مصباح الشریعه*، بیروت، اعلمی.
- منصور، محمود، ۱۳۷۳، *روان‌شناسی ژنتیک (تحول روانی از کودکی تا پیری)*، تهران، ترمه.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۴ق، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- ورام‌بن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰ق، *مجموعه ورام*، قم، مکتبه فقهیه.

جایگاه ثروت و زیبایی در انتخاب همسر از نگاه اسلام و ارتباط آن با رضامندی زناشویی

abbaspalouj@gmail.com

عباس پالوج / کارشناس ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

h.hosseinkhani@yahoo.com

هادی حسین‌خانی / استادیار روان‌شناسی تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

غلامرضا جندقی / دانشیار گروه مدیریت پردیس قم

فاطمه کیانی‌فر / کارشناس روان‌شناسی عمومی مرکز پیام‌نور بهشهر

دریافت: ۱۳۹۳/۳/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۳۰

چکیده

این پژوهش، درصدد بررسی نگاه اسلام به دو مقوله ثروت و زیبایی در انتخاب همسر و ارتباط آنها با رضامندی زناشویی است. بدین منظور، جایگاه ثروت و زیبایی میان ملاک‌های انتخاب همسر از دیدگاه منابع اسلامی، با روش نظری-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. سپس، به بررسی و پیش‌بینی رابطه متغیرهای پژوهش، به شیوه توصیفی از نوع همبستگی - رگرسیون پرداخته شد. بدین منظور، ۲۷۳ نفر از میان ۷۵۰ معلم شهرستان قم در سال تحصیلی ۹۱-۹۲، به روش ترکیبی خوشه‌ای-طبقه‌ای انتخاب شده‌اند و برای سنجش از پرسش‌نامه رضامندی زناشویی جدیری و جان‌بزرگی و سیاهه معیارهای انتخاب همسر (محقق ساخته) استفاده شد. برای محاسبات نیز آزمون t و آزمون همبستگی به کمک نرم‌افزار SPSS21 انجام شد. یافته‌ها نشان داد که دین اسلام به ثروت و زیبایی در انتخاب همسر توجه دارد، ولی ایمان، اخلاق و فرزندآوری در این زمینه از اولویت برخوردارند. همچنین ارتباطی میان اولویت دادن به ثروت و زیبایی و رضامندی زناشویی در شش سال اول زندگی وجود ندارد ($p > 0.05$).

کلیدواژه‌ها: انتخاب همسر، ثروت، زیبایی، رضامندی زناشویی.

مقدمه

خانواده نخستین کانون رشد و آرامش بشری است که مراقبت از آن مسئولیت سنگینی به شمار می‌آید و موجب نجات از رنج و عذاب اخروی می‌گردد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۳). ازدواج نیز در منطق قرآن کریم، زمینه‌ساز ایجاد آرامش‌بخش‌ترین رابطه‌ها و آغازگر زندگی خانوادگی همراه با مؤدت و رحمت است (روم: ۲۱). یکی از مهم‌ترین عواملی که در تغییر کارکرد خانواده و دورشدن آن از آرامش تأثیر دارد، ناآشنایی متقاضیان ازدواج با ویژگی‌هایی است که باید در انتخاب همسر مورد توجه قرار گیرد (حسین‌خانی، ۱۳۸۱، ص ۱۴).

در منابع اسلامی، با وجود توجه به دو مقوله ثروت و زیبایی در انتخاب همسر (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۵۳۳ و ۵۹۳)، از ترجیح این دو بر متغیرهایی چون ایمان، اخلاق و محیط خانوادگی مطلوب نهی شده است (محمدری‌شهری، ۱۳۹۰، ص ۸۵). درحالی‌که پژوهش‌ها، حاکی از گرایش و اولویت‌یافتن بیش از پیش ثروت و زیبایی در میان معیارهای انتخاب همسر در نگاه جوانان است (وود و برونباخ، ۲۰۰۹، ص ۹۶؛ میلار و آستلند، ۲۰۰۶؛ جیف و پویگناو، ۱۹۹۵). از سوی دیگر، یکی از عواملی که با سازگاری زوجین و در نتیجه، عدم‌شکست در زندگی رابطه معناداری دارد، رضامندی زناشویی است (نوری، ۱۳۸۸، ص ۷۰). رضایت زناشویی، میزان علاقه زوجین به یکدیگر و نگرش مثبت به متأهل بودن است که به عوامل بسیاری ازجمله تعریف آرمانی، مسائل شخصی، ارتباط، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی و جهت‌گیری مذهبی وابسته است که از زمره خرده‌مقیاس‌های رضامندی زناشویی محسوب می‌شوند (آقای و همکاران، ۱۳۸۳). برادبری و همکاران، عوامل مؤثر در رضامندی زناشویی را به دو دسته فرایندهای میان‌فردی و محیطی تقسیم کرده‌اند (اولیاء و همکاران، ۱۳۸۷).

رضایتی که همسران در ازدواج تجربه می‌کنند، از جوانب بسیار مهم نظام زناشویی است (آزاد فلاح و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از علل عمده و شاید مهم‌ترین علت طلاق نیز عدم‌رضایت از رابطه زناشویی است (حیدری، ۱۳۸۲، ص ۵۹). /الیس، رضایت زناشویی را احساسات عینی از خشنودی و لذت تجربه‌شده توسط زن و شوهر، زمانی که همه جنبه‌های ازدواجشان را در نظر بگیرند، می‌داند (ذوالفقاری و تبریزی، ۱۳۹۰). از منظر دین، رضایت زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و باهم بودن، احساس طمأنینه و آرامش داشته باشند (جدیری و جان‌بزرگی، ۱۳۸۸). درواقع می‌توان گفت: بین هسته اصلی معنای روان‌شناختی رضامندی و معنای اسلامی آن، تفاوت جدی

وجود ندارد (پسندیده و همکاران، ۱۳۹۱). شناخت عوامل مؤثر در روابط زناشویی و نیز کنترل و مدیریت آن، یکی از تکنیک‌های قابل توجه در حل مشکلات زناشویی و رسیدن به رضایت از زندگی زناشویی به‌شمار می‌رود (حسینی سده، ۱۳۸۷، ص ۳۳). در پژوهش‌های مختلفی، عوامل گوناگونی برای رضامندی مطرح شده است؛ عواملی چون ارتباط کلامی و غیرکلامی (جانسون و همکاران، ۲۰۰۵؛ جی و همکاران، ۲۰۰۲؛ برماس و همکاران، ۲۰۰۰)، روابط اجتماعی و خانوادگی (ارزج و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۲۱۸؛ بیردیت و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۱۱۹)، حل تعارض (رهمن و همکاران، ۲۰۱۱؛ گریف و دی بریان، ۲۰۰۰؛ رنشاو و همکاران، ۲۰۰۹)، فرهنگ (اینگ، ۱۹۹۱، ص ۲۹؛ اپستین و همکاران، ۲۰۰۵)، دین‌داری (فایس و تامجو، ۲۰۰۱)، اوقات فراغت (ثنایی ذاکر و باقریان‌نژاد، ۱۳۸۲)، مسائل جنسی (بریزنیاک و وایزمن، ۲۰۰۴؛ گو و هوآنگ، ۲۰۰۵، ص ۳۰؛ کیم، ۲۰۰۸، ص ۶۹؛ کلی و کانلی، ۱۹۸۷)، مسائل اقتصادی و اشتغال (اشمیت و همکاران، ۲۰۰۷؛ شوتلز و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۵۰۰)، شخصیت و مسائل روان‌شناختی (لو و کلونن، ۲۰۰۵، ص ۷۸؛ شیوتا و لونسن، ۲۰۰۷، ص ۲۳۷؛ دونلان و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۲۳۴)، سلامت جسمی و روانی (زراج و همکاران، ۲۰۱۰؛ فیشر و مگنولتی، ۲۰۰۸؛ کوک و همکاران، ۱۹۹۲)، تجربه هیجانات مثبت (گریف و مالهرب، ۲۰۰۱؛ بونک و ایبما، ۲۰۰۳)، عوامل جمعیت‌شناختی چون جنسیت (برونل و همکاران، ۱۹۹۹، ص ۵۵؛ وب و بالمن، ۱۹۹۸)، سن (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۴۴؛ لی و شی‌هان، ۱۹۸۹؛ لاورنس و همکاران، ۲۰۰۷)، تحصیلات (میراحمدی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۲)، هوش هیجانی (کارنی و همکاران، ۱۹۹۴)، فرزندپروری (تیچمن و همکاران، ۱۹۸۲؛ رولز و همکاران، ۲۰۱۲) و تفکرات غیرمنطقی (صالحی فدری، ۱۳۷۸)، ثبات و پایداری زندگی (رودی و همکاران، ۱۹۸۹؛ شیرفیلد و هاووز، ۲۰۰۱).

از جمله پیامدهای مطرح‌شده در متون روان‌شناسی، می‌توان به مواردی همچون بهزیستی جسمی و روانی (شاکیان، ۱۳۸۸)، تأثیر بر فرزندان (قدرتی و همکاران، ۱۳۹۰)، تأثیرات بر خانواده (مصلحی، ۱۳۹۰، ص ۴۷) و تأثیر بر جامعه (جدیری، ۱۳۸۷، ص ۱۶) اشاره کرد. از جمله پیامدهای مطرح‌شده در متون دینی نیز می‌توان مواردی چون آرامش روان و آسایش روح (تمیمی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲، ح ۴۶۴؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۷)، سپاس‌گزاری و مسئولیت‌پذیری (تغابن: ۳ و ۴؛ انسان: ۲ و ۳)، زیانگری و مثبت‌اندیشی (بقره: ۲۱۶؛ نساء: ۱۹) را نام برد.

ازدواج یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی انسان است؛ مرحله‌ای که اگر همراه با یک انتخاب مناسب باشد، لذت‌بخش و رو به رشد، و اگر با انتخاب نامناسب همراه باشد، زجرآور و مانع رشد و شکوفایی

استعدادهای انسان می‌شود (یاسان و گورگن، ۲۰۰۹، ص ۷۰؛ جاسبی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۵۰۰). از سوی دیگر، در نگرش به ارزش‌های ازدواج در طی سال‌های اخیر، چه در غرب و چه در ایران تغییراتی رخ داده است. نوع این تغییرات در ایران و سایر کشورها متفاوت است (صادقی فسایی و شریفی‌ساعی، ۱۳۹۰). فرایند تغییر ارزش‌ها در ایران، بازگوی فروپاشی خانواده نیست، بلکه بعکس نشانگر انطباق‌پذیری ساختار خانواده در محیط اجتماعی نوین و کوشش‌های طبیعی و خودانگیخته آن، بر کاهش تنش‌ها در شرایط تغییر کل نظام فرهنگی جامعه است (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۱).

اما در این میان، پژوهش‌های فراوانی حاکی از اهمیت یافتن دو مقوله ثروت و زیبایی در مقایسه با معیارهای دیگر و در نسل کنونی، در مقایسه با نسل‌های قبلی است (سپهری و حسن‌زاده توکلی، ۱۳۸۹). دارایی‌های انسان دوگونه است: پاره‌ای از آنها، ارزش بازاری نداشته و قابل مبادله با پول یا کالا نیست. درحالی‌که برخی دیگر از این ارزش برخوردار است مانند لوازم منزل. این دارایی‌های ارزشمند، که یا مالی است و یا انسانی مانند توان و مهارت‌های موجد درآمد «ثروت» نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، ثروت ذخیره‌ای از دارایی‌های مالی و انسانی است که قابل مبادله با پول یا کالای دیگر است. طبیعی است که دارایی انسانی، وقتی قابل مبادله است که به صورت خارجی و مادی خود مبدل گردد. در صورتی‌که ثروت برای ایجاد درآمد به کار افتد به آن «سرمایه» می‌گویند. منظور از «ثروت» در این پژوهش، ثروت مالی است و شامل ثروت انسانی نمی‌شود (آل صاحب‌فصول، ۱۳۷۹، ص ۲۲ و ۲۳). اما از آنجاکه در جوامع کنونی، ثروت با جایگاه اجتماعی فرد ارتباط تنگاتنگی دارد، مقوله موقعیت اجتماعی فرد نیز در سنجش مورد توجه قرار گرفته است.

در چستی و تعریف زیبایی، نظرهای گوناگونی مطرح است. برخی، به تعریف آن پرداخته‌اند، عده‌ای آن را تعریف‌ناپذیر می‌دانند و بعضی نیز بدون توجه به این مسئله، به محورهای دیگر موضوع اشاره کرده‌اند تا از چالش‌ها اعتراض‌های راجع به تعریف دور بمانند. در هریک از این گروه‌های سه‌گانه اندیشمندان اسلامی و غربی وجود دارند. به نظر می‌رسد، مناسب است زیبایی را این‌گونه تعریف کنیم تا همه انواع آن را دربر بگیرد: «زیبایی، توازن، هماهنگی، ملایمت و تناسب هرچیز با کمال مطلوب است» (رجبی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۴۱). در این پژوهش، نیز مراد از زیبایی، همان برداشت عرفی آن است که با تعریف مذکور نیز هماهنگ است.

در بررسی نگاه اسلام به جایگاه ثروت و زیبایی در مبحث انتخاب همسر و خانواده، درمی‌یابیم که اسلام به تأثیرات آنها در قوام‌بخشی به خانواده توجه داشته است. از این‌رو، در بعد دارایی، از فقر به خدا

پناه برده شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۶۷) و یا بزرگان دین فقر را کمرشکن قلمداد کرده‌اند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ص ۴۱۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۲). در بعد اهمیت زیبایی نیز از یکسو، در منابع دینی به جزئیات مرتبط با زیبایی همسر چون زیبایی چهره، مو، چشم، پوست و تناسب اندام پرداخته شده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۸؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۵). از سوی دیگر، نیز بزرگان دین وجود اراده و نیت نسبت به ازدواج با فرد موردنظر را از سوی هر دوطرف متقاضی ازدواج در صحت عقد ازدواج ضروری دانسته‌اند. حتی فقدان آن و اجبار در ازدواج را موجب بطلان عقد دانسته‌اند (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۰). روشن است که یکی از زمینه‌های مؤثر در خواست و اراده شخص نسبت به ازدواج با فرد موردنظر، مسئله زیبایی وی است. همچنان‌که در برخی روایات بدان اشاره شده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۹۲). در مقابل، روایاتی قرار دارند که از اولویت یافتن دو معیار ثروت و زیبایی، نسبت به معیارهایی چون ایمان و دین‌داری، اخلاق، توان باروری و صلاحیت خانوادگی منع کرده (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۲۳۲) و برای آن در بعد اولویت دادن به ثروت، عواقبی چون به طغیان کشیده‌شدن زن (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ص ۱۹۵، ح ۷۱۰)، واگذارشدن فرد به خود (همان، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۷۱۵)، نرسیدن به هدف خود (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۹۲، ح ۴۳۸۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۱۳) و در بعد اولویت دادن به زیبایی، عواقبی همچون واگذارشدن فرد به خویش (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۳)، نرسیدن به خواسته خویش (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۹۲، ح ۴۳۸۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۹۹، ح ۱۵۹۲)، مواجهه با بدی‌های فرد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۰۰، ح ۱۵۹۶)، ندیدن زیبایی فرد (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۷۴)، وبال‌شدن زیبایی برای فرد (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۷۵)، زیبایی زن عاملی برای طغیان زن (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۷۵، ح ۱۶۴۲۸) ذکر شده است. همچنان‌که در ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با حضرت خدیجه (بابایی‌آملی، ۱۳۸۱، ص ۵۴) و نیز ازدواج‌هایی که به توصیه اولیای الهی صورت گرفته، همچون ازدواج جویبر با زلفا و سایر موارد مشابه (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۹)، بر عدم اولویت ثروت و جایگاه اجتماعی افراد تأکید شده است.

بنابر آنچه گذشت، میان نگاه منابع اسلامی به مبحث معیارهای انتخاب همسر و آنچه که در جامعه دیده می‌شود، تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. علاوه بر این، با وجود پژوهش‌های گوناگون، رابطه ثروت و زیبایی با رضامندی زناشویی مورد بررسی قرار نگرفته است. ازاین‌رو، این پژوهش به دنبال آن

است که مشخص کند اصولاً از دیدگاه متون اسلامی، ثروت و زیبایی در میان معیارهای انتخاب همسر چه جایگاهی دارند؟ و آیا بین دو مؤلفه اولویت دادن به ثروت و زیبایی در انتخاب همسر و رضامندی زناشویی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل سازگاری و عدم شکست زندگی زناشویی، رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ و اینکه آیا جنسیت و تدریس در سطوح مختلف تحصیلی، با توجه به شرایط شغلی متفاوت حاکم در این سطوح، تغییری در این رابطه ایجاد می کند؟

فرضیه های تحقیق عبارتند از:

- بین اولویت دادن به ثروت و زیبایی و رضامندی زناشویی رابطه منفی وجود دارد؛
- تفاوت معناداری در دو جنس، در مورد رابطه بین اولویت دادن به ثروت و زیبایی در انتخاب همسر و رضامندی زناشویی بعدی وجود ندارد؛
- در چگونگی رابطه بین اولویت دادن به ثروت و زیبایی و رضامندی زناشویی بعدی در سطوح مختلف تحصیلی، تفاوت معناداری وجود ندارد؛
- اسلام به دو مقوله ثروت و زیبایی توجه دارد، ولی با اولویت یافتن آنها مخالف است؛

روش پژوهش

این پژوهش در قسمت اول، که در آن جایگاه ثروت و زیبایی میان ملاک های انتخاب همسر از دیدگاه منابع اسلامی با روش نظری- تحلیلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و با روش کتابخانه ای، اطلاعات مورد نیاز را از منابع اسلامی (قرآن و روایات) گردآوری می کند، تحقیق بنیادی نظری محسوب می شود. قسمت دوم آن نیز از نوع تحقیقات کاربردی است که در آن، به بررسی و پیش بینی رابطه متغیرهای پژوهش پرداخته می شود، که خود به شیوه توصیفی از نوع همبستگی- رگرسیون انجام خواهد شد.

روش گردآوری اطلاعات

برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش، از روش میدانی استفاده شده است. بدین منظور، از میان جامعه آماری مورد بررسی، یعنی آن دسته از فرهنگیان شهرستان قم که بین ۲۰ تا ۳۵ سال سن داشته و در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ در سطح شهر قم، بدون در نظر گرفتن شهرک های اطراف، مشغول تدریس در یکی از مقاطع پیش دبستانی، ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در مدارس دخترانه یا پسرانه بوده اند، با توجه به شرایط مختلف شغلی که برای معلمان مشغول تدریس در سطوح مختلف تحصیلی، همچون تفاوت در رتبه شغلی و اجتماعی و درآمدی وجود دارد. تعداد این

افراد، طبق اطلاعات موجود ۷۵۰ نفر است که طبق جدول کرجسی و مورگان، به ۲۵۴ نمونه نیاز است (کوهن و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۲۳۴). از این رو، در این تحقیق از ۲۷۳ نمونه استفاده شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، ترکیبی از خوشه‌ای و طبقه‌ای است؛ بدین شکل که نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهرستان قم و مقاطع چهارگانه تحصیلی، به عنوان طبقه و مدارس به عنوان خوشه قرار گرفته است. در هر خوشه نیز معلمان واجد شرایط، سرشماری شدند؛ در هر مدرسه، ویژگی‌های افراد موردنظر یعنی فرهنگی بودن فرد و سن بین ۲۰ تا ۳۵ سال، به مسئول مدرسه داده شد و افراد واجد شرایط توسط مسئولان و نیز افراد شرکت‌کننده معرفی شدند.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه رضامندی زناشویی (اسلامی): این پرسش‌نامه، توسط جدیری و جان‌بزرگی که در سال ۱۳۸۸ ساخته و هنجاریابی شده است. با مطالعه و بررسی منابع دینی، ده مؤلفه مرتبط با رضامندی زناشویی استخراج شد. برای هریک پنج پرسش در نظر گرفته شد. ضریب همسانی درونی گویه‌های پرسش‌نامه رضامندی زناشویی اسلامی، برابر با ۰/۸۷ می‌باشد. ضرایب /سپیرمن براون، در صورت تساوی و عدم تساوی تعداد گویه‌ها ۰/۸۱ و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۱ می‌باشد (جدیری و جان‌بزرگی، ۱۳۸۸). روایی محتوایی آزمون با استفاده از روش همبستگی /سپیرمن، در حدود ۰/۹۰ به دست آمده است که در سطح $p > ۰/۰۰۱$ معنادار است. همچنین روایی، وابسته به ملاک از نوع همزمان نیز با استفاده از تست معادل به دست آمد. برای بررسی این نوع روایی، ضریب همبستگی، میان نمره کل آزمون مزبور با نمره کل پرسش‌نامه رضامندی زناشویی /نریچ محاسبه شد. ضریب همبستگی بین این دو پرسش‌نامه ۰/۷۲ در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد (همان). این آزمون پنجاه پرسش و ده مؤلفه دارد که عبارتند از: ارتباط کلامی، پابندی مذهبی، حل تعارض، مدیریت مالی، روابط جنسی، فعالیت‌های اوقات فراغت، مسائل شخصیتی، فرزندپروری، نقش زن و مرد و صله ارحام.

برای هریک از پرسش‌های این پرسش‌نامه، پنج گزینه منظور شده است که عبارتند از: همیشه، اغلب اوقات، گاهی، به ندرت و هرگز، به‌جز پرسش‌های ۹، ۱۰، ۲۶، ۳۵، ۳۹ و ۴۰. نمره‌گذاری پرسش‌ها به صورت ۴، ۳، ۲، ۱ و ۰ است. حداکثر نمره آزمودنی در این پرسش‌نامه دویست است. نمره بالاتر، نشانه رضامندی بیشتر زناشویی است. پاسخ‌نامه به صورت یک برگ جدا در اختیار آزمودنی قرار می‌گیرد (همان).

سیاهه ملاک‌های انتخاب همسر: این سیاهه تهیه شده توسط محقق و برگرفته از پژوهش‌های انجام شده در زمینه انتخاب همسر می‌باشد. سیاهه از جهت محتوایی عبارت است از: فهرستی از ملاک‌های انتخاب همسر که با دو مقوله ثروت و زیبایی مرتبط است. در این سیاهه، به جای مطرح شدن گزاره یا پرسش، خود ملاک آورده شده که پاسخ‌دهنده میزان اهمیت این ملاک در انتخاب همسر از دیدگاه خود را در یک طیف یک (بیانگر فقدان اهمیت) تا ده (بیانگر بیشترین میزان اهمیت) علامت‌گذاری کند. از آنجاکه موارد مطرح شده در این پرسش‌نامه، از پژوهش‌های این حوزه بدون تغییر می‌باشد، روایی محتوای آن تأیید شده است. اما در مورد روایی شکل پرسش‌نامه، پس از ارائه به ۱۵ کارشناس و نظرخواهی از آنها، روایی شکلی این پرسش‌نامه معادل $76/47$ محاسبه شده است. در مورد محاسبه پایایی این پرسش‌نامه نیز پس از اجرا، آلفای کرونباخ پرسش‌نامه معادل $94/2$ به دست آمده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش گردآوری اطلاعات میدانی و روش آماری مورد نیاز نیز آزمون ضریب همبستگی، t برای مقایسه ضرایب همبستگی، و رگرسیون به کمک نرم‌افزار (SPSS21) و به شرح زیر خواهد بود:

- آزمون ضریب همبستگی برای آزمون همبستگی بین رضامندی زناشویی و اولویت دادن به زیبایی و ثروت؛

- آزمون t برای مقایسه همبستگی در دو جنس و بررسی تفاوت ضرایب همبستگی؛
- آزمون رگرسیون برای بررسی میزان رابطه و تأثیر همه متغیرهای مستقل در متغیر وابسته و احتمالاً پیش‌بینی.

تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس سؤالات پژوهش

در بخش اول این پژوهش، مشخص شد که در نگاه اسلام به دو مقوله ثروت و زیبایی در میان معیارهای انتخاب همسر، در عین حال که به این دو معیار توجه خاصی شده است و حتی در مواردی به جزئیات آنها نیز پرداخته شده است، اما از اولویت یافتن این دو معیار بخصوص نسبت به ایمان، دین‌داری، صلاحیت خانوادگی، فرزندان‌آوری و اخلاق با تعبیرات گوناگونی نهی شده است.

در بخش دوم و میدانی پژوهش نیز معلوم شد که میان اولویت‌دهی به ثروت و زیبایی نسبت به سایر معیارها، در مرحله انتخاب همسر و رضامندی زناشویی پس از ازدواج، ارتباط چندانی وجود ندارد. در جدول زیر جزئیات نحوه این ارتباط در دو جنس و سطوح مختلفی که معلمان در آن مشغول تدریس هستند، بیان شده است.

جدول ۱. رابطه اولویت یافتن ثروت و زیبایی با رضامندی زناشویی در بخش‌های مختلف

رضامندی زناشویی			ثروت و زیبایی در قسمت‌های مختلف
تعداد نمونه	Sig	همبستگی پیرسون	
۲۷۳	۰/۷۳۰	۰/۰۲۱	زیبایی در مجموع دو جنس
۲۷۳	۰/۷۸۱	۰/۰۱۷	ثروت در مجموع دو جنس
۱۷۶	۰/۲۱۵	۰/۰۹۳	ثروت در خانم‌ها
۱۷۶	۰/۸۵۲	۰/۰۱۴	زیبایی در خانم‌ها
۱۰۴	۰/۳۳۷	-۰/۰۱۰۶	ثروت در آقایان
۱۰۴	۰/۱۶۶	۰/۱۵۴	زیبایی در آقایان
۵۰	۰/۵۷۰	-۰/۰۸۲	ثروت در مقطع پیش‌دبستان
۵۰	۰/۰۴۰	-۰/۲۹۱	زیبایی در مقطع پیش‌دبستان
۱۰۲	۰/۵۱۷	۰/۰۶۵	ثروت در مقطع ابتدایی
۱۰۲	۰/۰۱۱	۰/۲۵۲	زیبایی در مقطع ابتدایی
۴۰	۰/۳۳۱	۰/۱۵۸	ثروت در مقطع راهنمایی
۴۰	۰/۷۲۷	-۰/۰۵۷	زیبایی در مقطع راهنمایی
۹۱	۰/۴۲۸	-۰/۰۸۴	ثروت در مقطع متوسطه
۹۱	۰/۳۸۳	-۰/۰۹۳	زیبایی در مقطع متوسطه

مطابق داده‌های جدول ۱، میان اولویت‌دادن به ثروت و زیبایی در انتخاب همسر و رضامندی زناشویی، رابطه معناداری وجود ندارد ($p > ۰۰۵$). همچنین این جدول نشان می‌دهد که این وضعیت در هر دو جنس، یکسان است.

جدول ۲. رابطه ثروت و زیبایی با رضامندی زناشویی و مقاطع مختلف تحصیلی

مقطع تحصیلی	ابتدایی		راهنمایی		متوسطه	
	رابطه ثروت و رضامندی	رابطه زیبایی و رضامندی	رابطه ثروت و رضامندی	رابطه زیبایی و رضامندی	رابطه ثروت و رضامندی	رابطه زیبایی و رضامندی
پیش‌دبستان	-۰/۸۳	-۳/۱۵	-۱/۱	-۱/۳۷	۰/۱۰	۰/۰۶
ابتدایی	-	-	۰/۴۹	-۰/۵۱	۱/۰۶	۱/۱۲
راهنمایی	-	-	-	-	۱/۲۹	۰/۱۸
متوسطه	-	-	-	-	-	-

جدول فوق، رابطه ثروت و زیبایی با رضامندی زناشویی در مقاطع مختلف تحصیلی را نشان می‌دهد. نمره Z در هیچ‌یک از نسبت‌ها به حد کافی نیست. این بدان معناست که طبق جدول ۲، تفاوت معناداری در بین مقاطع مختلف تحصیلی در نحوه رابطه اولویت‌دادن به ثروت و زیبایی و رضامندی زناشویی وجود ندارد. از آنجاکه میان اولویت‌دادن به ثروت و زیبایی در انتخاب همسر و رضامندی زناشویی، رابطه معناداری وجود ندارد، این دو نمی‌توانند پیش‌بینی نسبت به آن داشته باشند. لذا محاسبه رگرسیون ممکن نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

اسلام ضمن توجه به دو معیار ثروت و زیبایی و حتی توجه به جزئیات مرتبط با زیبایی همسر، از اولویت یافتن این دو ملاک بر دین، فرزندآوری، صلاحیت خانوادگی و اخلاق نهی کرده و عواقب متعددی نیز برای آن بیان شده است. این امر می‌تواند با انگیزه شکستن فرهنگ غلط حاکم بر آن زمان باشد که در برخی از روایات، مثل داستان ازدواج دختر زیاد نیز به آن اشاره شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۹). در تبیین این مسئله باید به چند نکته توجه داشت:

- اولویت یافتن زیبایی در انتخاب همسر، ناشی از نگاه جنسی به همسر و ازدواج است که می‌تواند مشکلات متعددی را به دنبال داشته باشد (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۸۸).

- زیبایی یک معیار و اندازه معین و قانون استاندارد ندارد که بتوان افراد را با آن سنجید (مظاهری، ۱۳۷۴، ص ۱۴۲). ازاین‌رو، تداوم این اولویت‌دهی و مقایسه مداوم همسر خود با زنان دیگر، می‌تواند در مسیر زندگی زناشویی مشکل‌آفرین باشد.

- افراد زیبای بی‌ایمان، معمولاً به زیبایی خود می‌بالند و غرور و نخوت خاصی نسبت به شوهر خود دارند. چنین حالتی سبب بروز ناهنجاری‌های اخلاقی و سردی در روابط خانوادگی شده و زندگی را تلخ می‌کند (پسندیده، ۱۳۹۱ الف).

- انسان زیبایی که از نیروی ایمان برخوردار نباشد، قدرت مهارکننده نیز ندارد. همین امر ممکن است او را به فساد بکشاند. این خود عاملی برای سردی روابط، بی‌اعتمادی و نارضایتی است (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۸۸؛ افروز، ۱۳۸۳، ص ۳۵). این همان چیزی است که در روایات دیگری، از آن به عنوان «دیدن آنچه ناخوشایند است»، یاد شده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۰۰، ح ۱۵۹۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۵۱، ح ۲۵۰۰۸).

اما در مقوله دارایی، باید توجه داشت که در شرایطی که همسران، ثروت را عامل خوش‌بختی می‌دانند و برای ثروت با یکدیگر ازدواج می‌کنند، دو پیامد وجود دارد: یکی اینکه در محبت و صمیمیت آنها اخلاص وجود ندارد. دیگر اینکه محبت آنها ناپایدار است و تداوم آن به وجود ثروت بستگی دارد. ازاین‌رو، پژوهش‌های متعددی حاکی از کاهش میزان رضامندی با افزایش دارایی هستند (جدیری، ۱۳۸۷، ص ۷۵؛ بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۹). اساساً ثروت، ظرفیت اعطای محبت سالم و پایدار را ندارد؛ زیرا ثروت همیشه در خطر نابودی است و با از بین رفتن آن، رضامندی به شدت متزلزل می‌شود. علاوه بر این، تأمین مخارج زندگی توسط زن ثروتمند، عزت نفس مرد را کاهش داده و

شخصیت او را خرد می‌کند. همین امر رضایت مرد را کاهش می‌دهد (پسندیده، ۱۳۹۱ ب، ص ۸۸). از این رو، انتظار می‌رفت میان توجه به ثروت و زیبایی و رضامندی رابطه منفی وجود داشته باشد، اما این فرضیه رد شد و مشخص شد که ارتباط معناداری میان این دو وجود ندارد. در تبیین این مسئله، چند نکته می‌توان اشاره کرد:

کسانی که در پژوهش شرکت کردند، بین ۲۰ تا ۳۵ سال هستند که انتظار می‌رود عمدتاً در ۶-۵ سال اول زندگی باشند. از این رو، طبق نتایج به دست آمده می‌توان گفت: میان اولویت یافتن ثروت و زیبایی در مرحله انتخاب همسر و رضامندی زناشویی در این چند سال رابطه‌ای وجود ندارد. پیامدهای مذکور در روایات احتمالاً به سال‌های بعد مربوط می‌شود.

چنانچه پژوهش‌های دیگری نیز کاهش رضامندی پس از ۵ سال را گزارش کرده‌اند (جدیری و جان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۴۳؛ سودانی و همکاران، ۱۳۹۱)، عواملی چون عدم وجود فرزند، یا کم‌سنی فرزندان و به تبع آن عدم وجود مشکلات فرزندپروری و یا به دلیل کم‌خرجی و کمی مشکلات مالی (جدیری، ۱۳۸۷، ص ۳۵) و همچنین توجه به جاذبه‌های بدنی و جنسی در ابتدای زندگی، از جمله عوامل مؤثر در این زمینه شمرده شده‌اند (شاکریان، ۱۳۸۸). تنش‌ها و عواقب منفی بیان شده در روایات نیز می‌تواند ناظر به سال‌های بعد از این باشد.

عامل دوم این اختلاف، می‌تواند جامعه آماری در نظر گرفته شده باشد؛ زیرا جامعه آماری مدنظر، معلمان شهر قم بوده‌اند. شهر قم، شهری مذهبی است. مذهب می‌تواند نقش یک متغیر تعدیل‌کننده را ایفا کرده (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۳) و از عواقب سوء این نوع اولویت‌دهی بکاهد. اختصاص نمره بالا توسط شرکت‌کنندگان به مقوله‌هایی همچون حجاب، ایمان، دین‌داری و ایمان نیز مؤید این مطلب است.

عامل دیگر نیز از جهت جامعه مدنظر قرار گرفته، شغل پاسخ‌دهندگان است. همه افراد شرکت‌کننده معلم هستند. از این رو، ممکن است خود این معلم بودن یا حتی خود شاغل بودن، نقش متغیر تعدیل‌کننده را ایفا کرده باشد و از آثار منفی این اولویت‌دهی‌ها و میزان کاهش رضامندی زناشویی جلوگیری کرده، یا از آن کاسته باشد (آقایی و همکاران، ۱۳۸۳). بعد دیگری از شغل معلمی، روابط زیاد اجتماعی در آن است. شواهد متعددی در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که روابط اجتماعی می‌تواند شادکامی و رضایت از زندگی را در افراد بهبود ببخشد (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۳۹).

پژوهشگران زیادی سعی خود را معطوف به یافتن شباهت‌های موجود میان دو جنس نموده‌اند (قناد و مظلوم خراسانی، ۱۳۸۵). یافته‌های این پژوهش نیز در راستای تأیید این پژوهش‌ها، نشان داد که در مورد نحوه اولویت‌دادن به ثروت و زیبایی در انتخاب همسر تفاوت معناداری میان دو جنس وجود ندارد. هر دو جنس، برای ثروت و زیبایی اهمیت زیادی قائلند و آنها را در زمره معیارهای با اهمیت تلقی کرده‌اند و فرضیه مطرح در این زمینه نیز تأیید گردید. در مورد علت این وضعیت، به چند نکته می‌توان اشاره کرد:

نخست اینکه، با توجه به فضای مذهبی شهر قم، انتظار می‌رود که افراد ساکن در این شهر از آموزه‌های دینی تأثیرپذیری بالایی داشته باشند. در آموزه‌های دینی هم ثروت و زیبایی منفی تلقی نشده‌اند. از این رو، طبیعی است که هر دو جنس، به ثروت و زیبایی نمره بالا بدهند. نمره بالای شرکت‌کنندگان به معیارهایی چون اخلاق، دین‌داری و ایمان در کنار ثروت و زیبایی، مؤید این مطلب است. علاوه بر این، پژوهش‌های بسیاری حاکی از اهمیت یافتن دو مقوله ثروت و زیبایی طی سال‌های اخیر در بحث انتخاب همسر است (رجبی و همکاران، ۱۳۹۰). معلمان شرکت‌کننده در این پژوهش نیز بخشی از همین نسل جوانی هستند که در این پژوهش‌ها از آنها صحبت شده است. طبیعی است که تأثیرپذیری زیادی از این وضعیت داشته باشند.

پژوهشگران متعددی در بررسی‌های خود دریافتند که معلمان مشغول تدریس در مقاطع گوناگون تحصیلی، شباهت‌های زیادی با هم دارند؛ شباهت‌هایی مانند میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی (قهرمانی و همکاران، ۱۳۹۲)، دغدغه رفع نیازهای مادی و معیشتی، امنیت شغلی و جایگاه اجتماعی (حکیمی و رودباری، ۱۳۸۵)، تفکر انتقادی (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۱)، برون‌گرایی و درون‌گرایی، گرایش به مشکلات روان‌شناختی، رضایت از حقوق ماهیانه، رضایت از ترفیعات و رضایت از همکاران (نظربور صمصامی، ۱۳۸۵) و هوش‌شناختی، هوش هیجانی و عملکرد شغلی مدیران مقاطع مختلف (دهنوی و همکاران، ۱۳۸۸).

در تأیید این پژوهش‌ها، یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد که در نحوه رابطه بین اولویت دادن به ثروت و زیبایی و رضامندی زناشویی، تفاوت معناداری میان مقاطع مختلف تحصیلی وجود ندارد و فرضیه موردنظر نیز تأیید گردید. در تبیین علت این هم‌گرایی، می‌توان به عواملی چون یکسانی در شغل، محل کار، مذهبی بودن شهر محل سکونت و زندگی در شهر اشاره کرد.

در مورد سؤال آخر پژوهش نیز از آنجاکه بین اولویت‌دادن به ثروت و زیبایی در انتخاب همسر و

رضامندی زناشویی، رابطه معناداری پیدا نشده، بحث از مدل رگرسیونی بی حاصل است. البته در تفسیر این نتایج، جانب احتیاط باید رعایت شود.

با توجه به روند رو به افزایش توجه جوانان به مقوله ثروت و زیبایی، نتایج این پژوهش در مشاوره‌های پیش از ازدواج، برنامه‌ریزی کلان فرهنگی و آشنایی افراد در شرف ازدواج، با معیارهای مطرح در این زمینه و رتبه‌بندی معیارها در نگاه فرد موردنظر می‌تواند کارایی زیادی داشته باشد.

برخی از محدودیت‌هایی که در مسیر اجرای این پژوهش وجود داشته، عبارت است از: فقدان اطلاعات کافی در مورد تاریخ و وضعیت زندگی معلمان متأهل، وجود متغیرهایی مزاحمی چون محیط مذهبی، یکسانی در شغل و فضای فرهنگی حاکم، اشتغال، درآمد و محدودیت در اجرای آزمون‌های کمکی.

مواردی چون دقت نظری بیشتر در دیدگاه دین به بحث معیارها، اجرا در محیط‌های فرهنگی دیگر، ساخت و هنجاریابی پرسش‌نامه‌های مشابه از جمله پیشنهادات مطرح در این زمینه‌اند.

منابع

- آل صاحب فصول، مرتضی، ۱۳۷۹، **تحقیقی در باب آیات قرآنی ناظر به توزیع مجدد ثروت**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۷۶، **الأمالی**، تهران، کتابچی.
- ، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، **من لا یحضره الفقیه**، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ابن حیون، نعمان‌بن محمد مغربی، ۱۳۸۵ق، **دعائم الإسلام**، تصحیح آصف فیضی، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- آزادارمکی، تقی و همکاران، ۱۳۸۱، «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، **فصل‌نامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء**، سال دوازدهم و سیزدهم، ش ۴۴ و ۴۵، ص ۸۵-۱۰۰.
- افروز، غلامعلی، ۱۳۸۳، **مبانی روان‌شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی**، تهران، دانشگاه تهران.
- آقایی، اصغر و همکاران، ۱۳۸۳، «رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در هنرمندان و مقایسه آن با افراد عادی»، **دانش و پژوهش در روان‌شناسی دانشگاه خوارسگان اصفهان**، ش ۲۱، ص ۱۶۹-۱۹۰.
- اولیاء، نرگس و همکاران، ۱۳۸۷، «تأثیر آموزش برنامه غنی‌سازی بر افزایش رضامندی زناشویی زوج‌ها»، **اندیشه‌های نوین تربیتی**، دوره چهارم، ش ۲، ص ۹-۳۰.
- ایروانی، شهین و همکاران، ۱۳۸۷، «چرا معلمان به آموختن فلسفه تعلیم و تربیت نیاز دارند؟»، **تعلیم‌وتربیت**، ش ۲۴، ص ۶۷-۳۳.
- بابایی آملی، ابراهیم، ۱۳۸۱، **داستان ازدواج معصومین**، قم، نجبا.
- برقی، احمدبن محمدبن خالد، ۱۳۷۱ق، **المحاسن**، تصحیح جلال‌الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامية.
- بستان، حسین، ۱۳۸۳، **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بنی‌هاشمی خمینی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۸، **توضیح المسائل مراجع**، چ چهارم، قم، انتشارات اسلامی.
- پسندیده، عباس، ۱۳۹۱الف، «بررسی و تحلیل شادکامی از منظر قرآن»، **مطالعات تفسیری**، سال سوم، ش ۱۰، ص ۶۴-۴۵.
- ، ۱۳۹۱ب، **رضایت زناشویی**، چ دوم، قم، دارالحديث.
- پسندیده، عباس و همکاران، ۱۳۹۱، «پایه نظری رضامندی از دیدگاه اسلام»، **روان‌شناسی و دین**، سال پنجم، ش ۴، ص ۸۷-۱۰۶.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۴۱۰ق، **غررالحکم و دررالکلم**، تصحیح سیدمهدی رجائی، قم، دارالکتاب الإسلامية.
- ثنايي ذاکر، باقر و زهرا باقریان‌نژاد، ۱۳۸۲، «بررسی ابعاد ناراضیاتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر اصفهان»، **دانش و پژوهش در روان‌شناسی**، ش ۱۵، ص ۶۱-۷۸.
- جاسبی، منیژه و همکاران، ۱۳۸۶، **بررسی رابطه بین میزان صمیمیت در خانواده اصلی و رضایت زناشویی زنان**، **تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جدیری، جعفر، ۱۳۸۷، **بررسی رابطه رضامندی زناشویی (براساس معیارهای دینی) با ثبات هیجانی در دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جدیری، جعفر، و مسعود جان‌بزرگی، ۱۳۸۸، «ساخت و اعتباریابی مقیاس رضامندی زناشویی اسلامی»، **روان‌شناسی و دین**، سال دوم، ش ۴، ص ۴۱-۷۰.

- جمشیدی، محمدعلی، ۱۳۹۰، *اثربخشی توانمندسازی کارکردی زوجین به صورت گروهی بر رضامندی زناشویی مبتنی بر رویکرد اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ❦
- جواد آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *مفاتیح الحیات*، چ سی و ششم، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۸ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت. ❦
- حسین خانی، هادی، ۱۳۸۱، *معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ❦
- حسینی سده، سیدمجتبی، ۱۳۸۷، *بررسی رابطه هوش هیجانی و رضامندی زناشویی در دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ❦
- حکیمی، رضا، و مسعود رودباری، ۱۳۸۵، «مقایسه جایگاه اجتماعی معلمان ابتدایی، راهنمایی و متوسطه استان سیستان و بلوچستان»، *علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال سوم، ص ۱-۱۴.
- حلوانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۸ق، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، قم، مدرسه الإمام المهدی. ❦
- حیدری، مجتبی، ۱۳۸۲، *بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضامندی زناشویی در خانواده های معلمان مرد شهر قم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ❦
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب إلى الصواب*، قم، الشریف الرضی.
- دهنوی، یدالله و همکاران، ۱۳۸۸، «مقایسه هوش هیجانی و شناختی مدیران مقاطع سه‌گانه آموزش و پرورش و رابطه آن با عملکرد شغلی آنها در منطقه لنجان اصفهان»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال یازدهم، ش ۴۰، ص ۵۱-۶۵.
- ذوالفقاری، داوود، سمیرا تبریزی، ۱۳۹۰، «مقایسه کیفی و کمی رضایت زناشویی در زنان شاغل با تأکید بر همسانی و عدم همسانی منزلت شغلی زوجین»، *خانواده‌پژوهی*، سال هفتم، ش ۲۸، ص ۴۲۱-۴۳۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم.
- رجبی‌نیا، داوود، ۱۳۹۱، *اسلام و زیبایی‌های زندگی رویکردی تحلیلی و تربیتی به سبک زندگی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ❦
- رجبی، غلامرضا و همکاران، ۱۳۹۰، «مقایسه و رتبه‌بندی ترجیحات همسرگزینی در بین گروهی از دانشجویان دختر و پسر و دانشجویان کرد، عرب و بختیاری دانشگاه شهید چمران اهواز»، *دانشور رفتار*، سال سوم، ش ۴، ص ۶۱-۷۴.
- سپهری، صفوره و محمدرضا حسن‌زاده توکلی، «بررسی اعتبار و روایی مقیاس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر»، *خانواده‌پژوهی*، سال هفتم، ش ۲۸، ص ۴۰۱-۴۱۹.
- سودانی، منصور و همکاران، ۱۳۹۱، «تأثیر آموزش‌های اسلامی خانواده بر افزایش رضامندی زناشویی زوجین»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره هشتم، ش ۳، ص ۲۱-۵۱.
- شاکریان، عطا، ۱۳۸۸، «بررسی عوامل مؤثر در رضامندی زناشویی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، دوره چهاردهم، ش ۴، مسلسل ۵۴، ص ۴۰-۴۹.
- شیورانی، منا و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه نستهوی و رضامندی زناشویی در زوج‌های جوان ایرانی»، *خانواده‌پژوهی*، سال هفتم، ش ۲۷، ص ۲۸۱-۲۹۵.
- صادقی فسایی، سهیلا و محمدحسین شریفی ساعی، ۱۳۹۰، «بازنمایی ازدواج در سریال‌های تلویزیونی»، *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال هفتم، ش ۲۲، ص ۶۷-۸۰.

صالحی فدری، جواد، ۱۳۷۸، «رضامندی زناشویی: گزارشی از تدوین و هنجاریابی پرسش‌نامه رضایت زناشویی بر روی نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، *تازه‌های روان‌درمانی (هیپنوتیزم)*، (۱۳ و ۱۴)، ص ۸۴-۱۰۸.

صفاری دهنوی، یدالله و همکاران، ۱۳۸۸، «مقایسه هوش هیجانی و شناختی مدیران مقاطع سه‌گانه آموزش و پرورش و رابطه آن با عملکرد شغلی آنها در منطقه لنجان اصفهان»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال یازدهم، ش ۴۰، ص ۵۲-۶۲.

طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، *مشکاة‌الأنوار فی غرر الأخبار*، نجف، المكتبة الحیدریه.

طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، *مجمع‌البحرین*، تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.

طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الأحکام*، تصحیح حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

قتال نیشابوری، محمدبن احمد، ۱۳۷۵، *روضة‌الواعظین و بصیرة‌المتعظین*، قم، رضی.

قاسمی، فرشید و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی و مقایسه مهارت تفکر انتقادی فرهنگیان دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی استان بوشهر و ارائه راه‌کارهایی جهت ارتقای تفکر انتقادی»، *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال چهارم، ش ۳، پیاپی ۱۵، ص ۱۹۳-۲۱۰.

قدرتی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۰، «تبیین خلاقیت دانش‌آموزان تیزهوش بر مبنای هوش، سن و رضامندی زناشویی والدین آنها»، *روان‌شناسی افراد استثنایی*، سال اول، ش ۳، ص ۱-۲۲.

قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲ق، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

قناد، مهدی و محمد مظلوم خراسانی، ۱۳۸۵، «بررسی و علل و انگیزه‌های مؤثر بر ازدواج افراد ۲۵-۴۵ سال شهر بیرجند و رابطه آن با میزان رضایت از زندگی در سال ۸۵»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال سوم، ش ۱۴، ص ۱۴۳-۱۷۴.

قهرمانی، جعفر و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی عوامل بازدارنده مؤثر بر میزان مشارکت معلمان زن مقاطع سه‌گانه تحصیلی در فعالیت‌های ورزشی شهر مرنده»، *پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزش*، سال دوم، ش ۲، ص ۵۷-۶۶.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار‌الأنوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

محمدری شهری، محمد، ۱۳۹۰الف، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ دوازدهم، قم، دارالحديث.

_____، ۱۳۹۰ب، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، با همکاری عباس پسندیده، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ سوم، قم، دارالحديث.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *تحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مصلحی، جواد، ۱۳۹۰، *رابطه همانندی/تضاد ویژگی‌های شخصیتی (درون‌گرایی/برون‌گرایی) و رضایت زناشویی با توجه به پابندی مذهبی زوجین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مظاهری، علی اکبر، ۱۳۷۴، *جوانان و انتخاب همسر*، چ سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۳ق، *المقنعه*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

میراحمدی‌زاده، علیرضا و همکاران، ۱۳۸۲، «رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، دوره هشتم، ش ۴، (پیاپی ۳۲)، ص ۵۶-۶۳.

نظرپور صمصامی، پروانه، ۱۳۸۵، «رابطه ویژگی‌های شخصیتی معلمان با رضایت شغلی آنان در سه مقطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در شهرستان مسجد سلیمان»، *دانش و پژوهش در علوم تربیتی*، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۲۶-۴۰.

نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک‌الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
نوری، نجیب‌الله، ۱۳۸۸، *بررسی رابطه بین خوش‌بینی سرشتی، خوش‌بینی از دیدگاه اسلام و رضایتمندی از زندگی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

- Bermas, BL, & et al, 2000, Marital satisfaction in couples with rheumatoid arthritis, *Arthritis Care Res*, v. 13(3), p. 149-155.
- Brezsnyak, M, & Whisman, MA, 2004, Sexual desire and relationship functioning: the effects of marital satisfaction and power, *J Sex Marital Ther*, v. 30(3), p. 199-217.
- Buunk, BP, & Ybema, JF, 2003, Feeling bad, but satisfied: the effects of upward and downward comparison upon mood and marital satisfaction, *Br J Soc Psychol*, v. 42(4), p. 613-628.
- Chipperfield JG, & Havens B, 2001, Gender differences in the relationship between marital status transitions and life satisfaction in later life, *J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci*, v. 56(3), p. 176-186.
- Cook JA, & et al, 1992, Marital satisfaction among parents of the severely mentally ill living in the community, *Am J Orthopsychiatry*, v. 62(4), p. 552-563.
- Epstein, NB, & et al, 2005, Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples, *J Marital Fam Ther*, v. 31(1), p. 59-74.
- Fiese, BH, & Tomcho, TJ, 2001, Finding meaning in religious practices: the relation between religious holiday rituals and marital satisfaction, *J Fam Psychol*, v. 15(4), p. 597-609.
- Fisher, TD, & McNulty, JK, 2008, Neuroticism and marital satisfaction: the mediating role played by the sexual relationship, *J Fam Psychol*, v. 22(1), p. 112-122.
- Flor H, Turk DC, Rudy TE., Relationship of pain impact and significant other reinforcement of pain behaviors: the mediating role of gender, marital status and marital satisfaction, *Pain*, v. 38(1), p. 45-50.
- Friedman MA, & et al, 1999, Marital status, marital satisfaction, and body image dissatisfaction, *Int J Eat Disord*, v. 26(1), p. 81-85.
- Gee CB, & et al, 2002, Predicting 2-year marital satisfaction from partners' discussion of their marriage checkup, *J Marital Fam Ther*, v. 28(4), p. 399-407.
- Gree, f. f., A. P. , de Bruyne, T., (2000), Conflict management style and marital satisfaction, *Journal of Sex & Marital Therapy*, 26(4):321-34.
- Greef, f, & de Bruyne, T, 2000, Conflict management style and marital satisfaction, *Journal of Sex & Marital Therapy*, v. 26(4), p. 321-34.
- Greeff, AP, & Malherbe, HL, 2001, Intimacy and marital satisfaction in spouses, *J Sex Marital Ther*, v. 27(3), p. 247-257.
- Jaffe, K, & Puignau, G, 1995, Assortative mating: sex differences in mate selection for married and unmarried couples, *Hum Biol*, v. 67(1), p. 111-120.
- Johnson, MD, & et al, 2005, Problem-solving skills and affective expressions as predictors of change in marital satisfaction, *J Consult Clin Psychol*, v. 73(1), p. 15-27.
- Jose O, & Alfons V, 2007, Do demographics affect marital satisfaction?, *J Sex Marital Ther*, v. 33(1), p. 73-85.
- Karney BR, & et al, 1994, The role of negative affectivity in the association between attributions and marital satisfaction, *J Pers Soc Psychol*, v. 66(2), p. 413-424.
- Kelly, EL, & Conley, JJ, 1987, Personality and compatibility: a prospective analysis of marital stability and marital satisfaction, *J Pers Soc Psychol*, v. 52(1), p. 27-40.

- Kohn, J, L, & et al, 2012, Changes in Marital Satisfaction Across the Transition to Parenthood: The Role of Adult Attachment Orientations, *Personality and Social Psychology Bulletin*, v. 38, p. 1506-1522.
- Kroth J, & et al, 2005, Dream reports and marital satisfaction, *Psychol Rep*, v. 96 (3), p. 647-50.
- Lawrence, E, & et al, 2007, Prenatal expectations and marital satisfaction over the transition to parenthood, *J Fam Psychol*, v. 21(2), p. 155-164.
- Lee, GR, & Shehan, CL, 1989, Retirement and marital satisfaction, *J Gerontol*, v. 44(6), p. 226-630.
- Lee JE, & et al, 2012, Middle-aged couples' exchanges of support with aging parents: patterns and association with marital satisfaction, *Gerontology*, v. 58 (1), p. 88-96.
- Millar, MG, & Ostlund, NM, 2006, The effects of a parenting prime on sex differences in mate selection criteria, *Pers Soc Psychol Bull*, v. 32(11), p. 145-168.
- O'Rourke N, & et al, 2011, Personality trait levels within older couples and between-spouse trait differences as predictors of marital satisfaction, *Aging Ment Health*, v. 15 (3), p. 344-53.
- Polonko KA, & et al, 1982, Childlessness and marital satisfaction: a further assessment, *J Fam Issues*, v. 3(4), p. 545-573.
- Rehman, US, & et al, 2001, Marital satisfaction and communication behaviors during sexual and nonsexual conflict discussions in newlywed couples: a pilot study, *J Sex Marital Ther*, v. 37(2), p. 94-103.
- Renshaw KD, & et al, 2009, Combat exposure, psychological symptoms, and marital satisfaction in National Guard soldiers who served in Operation Iraqi Freedom from 2005 to 2006, *Anxiety Stress Coping*, v. 22(1), p. 101-115
- Research Methods in Education, Louis Cohen, Lawrence Manion and Keith Morrison, Sixth edition, 2007, <http://knowledgeportal.pakteachers.org>.
- Rholes, W, & et al, 2012, Changes in Marital Satisfaction Across the Transition to Parenthood: The Role of Adult Attachment Orientations, *Personality and Social Psychology Bulletin*, v. 38, p. 1506-1522.
- Rudy TE, & et al, 1989, Relationship of pain impact and significant other reinforcement of pain behaviors: the mediating role of gender, *marital status and marital satisfaction*, v. 38 (1), p. 45-50.
- Schmitt, M, & et al, 2007, Marital interaction in middle and old age: a predictor of marital satisfaction? *nt J Aging Hum Dev*, v. 65(4), p. 283-300.
- Teachman, & et al, 1982, Childlessness and marital satisfaction: a further assessment, *J Fam Issues*, v. 3 (4), p. 545-573.
- Webb, FJ, & Bollman, SR, 1998, Gender and marital satisfaction: data from the National Survey of Families and Households, *sychol Rep*, v. 83(1), p. 319-327.
- Wood, D, & Brumbaugh CC, 2009, Using revealed mate preferences to evaluate market force and differential preference explanations for mate selection, *J Pers Soc Psychol*, v. 96 (6), p. 122-144.
- Yeh HC, & et al, 2006, Relationships among sexual satisfaction, marital quality, and marital instability at midlife, *J Fam Psychol*, v. 20 (2), p. 339-343.
- Ying, YW, 1991, Marital satisfaction among San Francisco Chinese-Americans, *nt J Soc Psychiatry*, v. 37 (3), p. 201-213.
- Zerach G, & et al, 2010, Posttraumatic symptoms, marital intimacy, dyadic adjustment, and sexual satisfaction among ex-prisoners of war, *J Sex Med*, v. 7(8), p. 27-39.
- Zhang, H, & et al, 2012, Does similarity breed marital and sexual satisfaction?, *J Sex Res*, v. 49 (6), p. 583-593.
- Zhou ES, & et al, 2011, Marital satisfaction of advanced prostate cancer survivors and their spousal caregivers: the dyadic effects of physical and mental health, *Psychooncology*, v. 20 (12), p. 1353-1357.

بررسی اثربخشی رویکرد گروه درمانی معنوی بر افزایش میزان تاب آوری دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان

Eghadampour@yahoo.com

t.rahimipour@gmail.com

salimyhosseini@gmail.com

عزت الله قدم پور / استادیار روان شناسی تربیتی دانشگاه لرستان

طاهره رحیمی پور / دانشجوی دکتری روان شناسی تربیتی دانشگاه لرستان

حسین سلیمی / دانشجوی دکتری روان شناسی تربیتی دانشگاه لرستان

دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۰

چکیده

این مطالعه، یک پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل است که با هدف بررسی اثربخشی رویکرد گروه درمانی معنوی بر افزایش میزان تاب آوری دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان صورت گرفت. جامعه آماری، شامل تمامی دانش آموزان دبیرستان های دخترانه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ می باشد. نمونه آماری، ۳۰ نفر که به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شده و به تصادف در دو گروه آزمون (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفته اند. درمان به مدت دوازده جلسه برای گروه آزمون انجام و پرسش نامه تاب آوری کونور و دیویدسون در جلسات پیش آزمون و پس آزمون در دو گروه اجرا گردید. سپس، داده های پژوهش با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس و به وسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های تحقیق نشان می دهند که معنویت درمانی به شیوه گروهی در سطح معناداری ($P < 0.05$) در افزایش تاب آوری دانش آموزان مؤثر می باشد.

کلیدواژه ها: روان درمانی، معنویت، معنویت درمانی، تاب آوری.

مقدمه

اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته به صورتی روزافزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب نموده است. پیشرفت علم روان‌شناسی از یک‌سو، و ماهیت پویا و پیچیده جوامع نوین از سوی دیگر، موجب شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی اهمیت بیشتری بیابند. به نظر می‌رسد، امروزه مردم جهان، بیش‌ازپیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش دارند و روان‌شناسان و روان‌پزشکان نیز به‌طور روزافزون درمی‌یابند که استفاده از روش‌های سنتی و ساده برای درمان اختلالات روانی کافی نیست (پارگامنت (Pargament)، ۲۰۰۷، ص ۳). معنویت یک تجربه انسانی و جهانی است، باوجود اینکه اعمال و تشریفات مذهبی و دیدگاه نسبت به خدا ممکن است در بین فرهنگ‌های مختلف متنوع باشد. با این حال، تمایل انسان‌ها به برقراری ارتباط با واقعیتی بزرگ و مقدس در طول زمان نیروی ثابتی بوده است (هاشمی و جوکار، ۱۳۹۰، ص ۵). درواقع معنویت، بُعدی از انسان است که ارتباط و یکپارچگی او را با عالم هستی نشان می‌دهد. این ارتباط و یکپارچگی، به انسان امید و معنا می‌دهد و او را از محدوده زمان و مکان و علایق مادی فراتر می‌برد (غباری‌بناب، ۱۳۸۸، ص ۷۸). معنویت، تلاش فرد برای ساختن معنای وسیعی از هدف نهایی مرگ و زندگی است؛ بدین معنا که انسان از مرگ و فناپذیری خود آگاه است. در نتیجه، تلاش می‌کند تا هدف و معنایی برای زندگی‌اش بیابد. او از خود می‌پرسد که هدف از وجود چیست و ارزش او برای جهانی که در آن سکنی گزیده است، چه می‌باشد (پایدمونت (Piedmont)، ۱۹۹۹، ص ۱۲). از نظر ریچاردز و برگین، معنویت عبارت است از: حس فرد از هویت و ارزش خود در رابطه با خداوند و جایگاه او در جهان هستی. این تعریف، پایه و مبنای رویکرد معنویت‌درمانی است. در این رویکرد، از معنویت به‌عنوان یک ملجأ استفاده می‌شود. معنویت‌درمانی به افراد کمک می‌کند تا به‌رغم بیماری، سوگ یا ناامیدی، بر از دست‌رفته‌ها تمرکز نکنند، بلکه در جست‌وجوی معنا باشند. در نتیجه، زندگی از نگاه معنویت‌درمانی تحت هر شرایطی معنادار است. معناداری، هدفمندی و امیدواری در زندگی از اجزای تحکیم‌بخش سلامت روان نمی‌باشند (میلر، ۲۰۰۳، ص ۵۳).

رویکردهای معنویت‌درمانی، درمانگران را تشویق می‌کنند که در درمان، مسائل مهم معنوی درمان‌جویان را در زمان مناسب مورد خطاب قرار دهند و در راستای استفاده از قدرت بالقوه ایمان و معنویت درمان‌جویان، در درمان و بهبودی از زبان و مداخله‌هایی استفاده کنند. این امر بیانگر احترام و ارزش قائل شدن درمانگر نسبت به مسائل معنوی درمان‌جو می‌باشد. در درمان معنویت‌گرا، درمانگر

درمان‌جو را به کاوش در موضوع‌ها و مسائل معنوی، که با بهبود و بازیابی سلامتی او مرتبط هستند، دعوت می‌کند. تأکید درمانگر بر مسائل معنوی به صورتی بی‌طرفانه و غیرقضاوت‌گرایانه است و در ضمن با حساسیت تمام مسائل معنوی را دنبال می‌کند (ریچاردز و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۶۸).

ادیات حوزه دین‌داری سرشار از عدم ثبات و تناقض در نظریات و یافته‌هاست. فروید (Freud) (۱۹۵۳) آیین‌های دینی را معادل آداب و سواسی در نظر می‌گرفت و افراد و سواسی را روان‌رنجور تلقی می‌کرد. ایس (۱۹۸۰) نیز دین‌داری را مترادف انعطاف‌ناپذیری، فقدان تحمل و عدم سلامت روانی در نظر می‌گرفت. در مقابل این نگاه خشن و بدبینانه نسبت به دین، فرانکل (Frankel)، راجرز (Rogers)، مازلو، بندورا و... نگرش مثبتی به مذهب داشته و بر رابطه میان دین‌داری و جنبه‌های مختلف سلامت روانی تأکید می‌ورزند و حتی آن را در رویکرد درمانی خود وارد کرده‌اند (برگین، ۱۹۹۱، ص ۱۱). یونگ (Jung) نیز با تأیید واقعیت روانی نیاز معنوی و مذهبی در انسان، معتقد است که رنج هر فرد روان‌رنجور را در نهایت می‌باید رنجی برای روح او به‌شمار آورد که هنوز معنای خود را درنیافته است (وست، ۱۳۸۳، ص ۴۳).

از سوی دیگر، از دهه ۱۹۷۰ به بعد، به‌تدریج تردیدهایی پیرامون رسالت روان‌شناسی به‌عنوان علم مطالعه مشکلات و اختلالات روانی پدید آمد. با بروز این تردیدها، رویکرد جدیدی تحت عنوان روان‌شناسی مثبت‌گرا شکل گرفت که به‌جای تأکید بر عوامل خطرزا، نابهنجاری‌ها و اختلالات روانی، توجه خود را معطوف به عواملی کرد که تأثیر عوامل خطرزا را تعدیل می‌کند و کودکان را در مقابل مبتلا شدن به مشکلات روان‌شناختی حمایت کند، یا به آنها کمک می‌کند سریع‌تر به بهبودی دست یابند (گراسمن و مور (Grossman & Moore)، ۱۹۹۴، ص ۷۸). بنیادی‌ترین سازه‌های مورد پژوهش این رویکرد، عواملی هستند که موجبات تطابق هرچه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدات زندگی را سبب می‌شوند. در این میان، تاب‌آوری جایگاه ویژه‌ای بخصوص در حوزه‌های روان‌شناسی تحول، روان‌شناسی خانواده و بهداشت روانی به خود اختصاص داده است. به‌طوری‌که هر روز بر شمار پژوهش‌های مرتبط با این سازه افزوده می‌گردد (جوکار، ۱۳۸۶، ص ۴). تاب‌آوری، یکی از مفاهیم و سازه‌های بهنجار مورد توجه و مطالعه روان‌شناسی مثبت‌گراست و به فرایند پویای انطباق مثبت با تجربه‌های تلخ و ناگوار اطلاق می‌شود (لاتار و سی‌چی‌تی (Luthar & Cicchetti)، ۲۰۰۰، ص ۲۱)، و فراتر از جان سالم به در بردن از استرس و ناملایمات زندگی است (بونانو (Bonanno)، ۲۰۰۴، ص ۶).

گارمرزی و ماستن (Garmezzy & Masten) (۱۹۹۱) تاب‌آوری را یک فرایند توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز، علی‌رغم شرایط تهدیدکننده تعریف نموده‌اند. درواقع، تاب‌آوری پدیده‌ای است که از پاسخ‌های

انطباقی طبیعی انسان حاصل می‌شود و علی‌رغم رویارویی فرد با تهدیدهای جدی، وی را در دستیابی به موفقیت و غلبه بر تهدیدها توانمند می‌سازد. تاب‌آوری صرف مقاومت منفعل در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست. بلکه فرد تاب‌آور مشارکت‌کننده فعال و سازنده محیط پیرامونی خود است. تاب‌آوری، قابلیت فرد در برابر برقراری تعادل زیستی- روانی- معنوی در مقابل شرایط مخاطره‌آمیز هست (کونور و دیویدسون (Connor & Davidson)، ۲۰۰۳، ص ۳). از این رو، نمی‌توان آن را معادل «بهبودی» دانست؛ زیرا در بهبودی، فرد پیامدهای منفی و مشکلات هیجانی و عاطفی را تجربه می‌کند (بونانو، ۲۰۰۴، ص ۶).

تاب‌آوری به وسیله پاسخ فرد به حوادث استرس‌زای زندگی و یا مواجهه مستمر با استرس مثل جنگ و بهره‌کشی جنسی مشخص می‌شود (پرکینز و جونز (Perkins & Jones)، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر، تاب‌آوری عاملی است که به افراد در رویارویی و سازگاری با موقعیت‌های سخت و تنش‌زای زندگی کمک می‌کند (ایزدیان و همکاران، ۲۰۱۰)، افسردگی را کاهش می‌دهد (وایت و همکاران، ۲۰۱۰) و از مشکلات روان‌شناختی جوانان پیشگیری کرده، آنها را در برابر تأثیرات روان‌شناختی حوادث مشکل‌زا محافظت می‌کند (پینکارت (Pinquart)، ۲۰۰۹).

محققان بسیاری در پی شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری بوده‌اند. مفروض بر این است که عوامل حمایت‌کننده‌ای وجود دارند که می‌توانند واکنش به تجارب استرس‌زا و بلایای مزمن را تبیین کنند (فراسر و همکاران، ۱۹۹۹). طی سال‌های اخیر، حجم وسیعی از پژوهش‌های نظری و تجربی، به شناسایی این عوامل حمایت‌کننده پرداخته‌اند. در این زمینه، تأثیر عواملی نظیر سبک‌های اسنادی مثبت (لاتار و گوشینگ، ۱۹۹۹)، مهارت‌های توسعه روابط صمیمانه و پیشرفت تحصیلی (ولتاین و فیناور، ۱۹۹۳)، سبک دلبستگی (هازان و شیور، ۱۹۹۳ و بلسکی، ۲۰۰۲)، عوامل فردی (جنسیت و عزت‌نفس)، عوامل خانوادگی (ساختار خانواده و حمایت خانواده) و عوامل اجتماعی (حمایت اجتماعی) (لافرومیس و همکاران، ۲۰۰۶)، با تاب‌آوری مورد مطالعه قرار گرفته است و معلوم شد که این متغیرها با تاب‌آوری رابطه‌ای مثبت دارند.

افزون بر این، یافتن معنا در زندگی، احساس هدفمندی و نگرش مذهبی از جمله عوامل حمایتی در افزایش تاب‌آوری هستند و اعتقاد به نیرویی برتر می‌تواند مایه تسلی در شرایط دردناک و تهدیدکننده باشد و تحمل شرایط دردناک را تسهیل بخشد (پرکینز و جونز، ۲۰۰۴، ص ۳). به اعتقاد یانگ و ماو (۲۰۰۷)، داشتن هدف و معنا در زندگی، احساس تعلق داشتن به معنای والا، امیدواری به یاری خداوند در موقعیت‌های مشکل‌زای زندگی و بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی، همگی از جمله

روش‌هایی هستند که افراد مذهبی با دارا بودن آنها می‌توانند در رویارویی با حوادث تنش‌زای زندگی آسیب کمتری را متحمل شوند. از این‌رو، تعدادی از تحقیقات نیز به بررسی تأثیر معنویت، باورهای معنوی و مذهب به‌عنوان عواملی حمایت‌کننده در سازگاری با موقعیت‌های مخاطره‌آمیز پرداخته‌اند. نتایج برخی از تحقیقات، نشان می‌دهد اعتقاد به وجود یک منبع، باور به وجود یک قدرت برتر و باور به اینکه شخص توانایی حل مسئله را دارد، یافتن معنا در تجارب منفی، دیدن تجارب منفی از دیدگاهی مثبت و نگاه کردن به آنها به‌عنوان تجارب ضروری زندگی و خوش‌بینی با تاب‌آوری و سازگاری با ضربه روانی همبستگی بالایی دارد (کالیل (Kalil)، ۲۰۰۳).

به اعتقاد فوتوتولاکیس و همکاران (۲۰۰۸)، باور به اینکه خدایی هست که بر موقعیت‌ها مسلط و ناظر بر بندگان است، تا حد بسیار زیادی، اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، این افراد معتقدند از طریق اتکای به خداوند می‌توان موقعیت‌های غیرقابل کنترل را در اختیار خود درآورد. یونگ معتقد بود: دین از ضمیر ناخودآگاه انسان ریشه می‌گیرد و اطمینان، امید و قدرت را در شخص تقویت و خصوصیات اخلاقی و معنوی را در او استحکام می‌بخشد و پایگاه بسیار محکمی در مقابل مشکلات، مصائب و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند (زاهد بابلان و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷). معنویت نقش عمده‌ای در افزایش تاب‌آوری و توانایی مقابله با مشکلات (کیم (kim) و همکاران، ۲۰۰۵؛ هاسر (Hauser)، ۲۰۰۶؛ کلایجیان و شاهینیان (kalaygian & shahinian)، ۱۹۹۸؛ پارگامنت و همکاران، ۱۹۹۶؛ یانگ (Yang)، ۲۰۰۶؛ گراهام و همکاران (Graham)، ۲۰۰۱؛ پارک، ۱۹۹۸؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۹؛ زاهد بابلان و همکاران، ۱۳۹۱؛ حمید و همکاران، ۱۳۹۱؛ حسین چاری و همکاران، ۱۳۸۹)، عملکرد بهتر سیستم ایمنی (بوئر (Bower) و همکاران، ۲۰۰۳)، افزایش بهزیستی روان‌شناختی و سلامت روان (کریچنر و پاتینو (Kirchner & Patino)، ۲۰۱۰؛ گراهام و همکاران، ۲۰۰۱؛ هالز، ۱۹۹۹؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴؛ بهرامی و رضائی‌فرانی، ۱۳۸۴؛ خدارحیمی و جعفری، ۱۳۷۸؛ هاشمی و جوکار، ۱۳۹۰)، افزایش رضایت زندگی (مارکوئن (Marcoen)، ۱۹۹۴) و کاهش افسردگی (مت برادزهاو و همکاران، ۲۰۱۰؛ بهرامی دشتکی و همکاران، ۱۳۸۵؛ حمیدیه و ترقی‌جاء، ۱۳۸۷) دارد. البته تعداد کمی از محققان هم، از جمله (برگین، ۱۹۸۳؛ مارجتیک و همکاران، ۲۰۰۵) درباره رابطه میان دین‌داری و سلامت روان به نتایج امیدوارکننده‌ای دست نیافتند.

با وجود اینکه، برخی تحقیقات کمی و کیفی انجام گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که باورهای معنوی و یافتن معنای شخصی در موقعیت‌های دردناک، بر توانایی شخص برای مقابله تأثیر می‌گذارد و با تاب‌آوری و مقابله با مشکلات رابطه مثبت دارد (یانگ، ۲۰۰۶؛ هاسر، ۲۰۰۶؛ کلایجیان و شاهینیان،

۱۹۹۸؛ پارگامنت و همکاران، ۱۹۹۶؛ پارک، ۱۹۹۸). با این حال، معنویت عامل اصلی مورد بررسی در این تحقیقات نبوده است. در ضمن، این تحقیقات غالباً مذهبی بودن را سنجیده‌اند و احتمالاً با توجه به تفاوت ماهوی بین این دو سازه، قادر نبوده‌اند تأثیر معنویت را مشخص نمایند. از این رو، با توجه به اینکه در جامعه ایرانی و اسلامی ما بسیاری از رفتارها در زندگی فردی و اجتماعی، مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از آموزه‌ها و باورهای معنوی بوده و اغلب با آنها ارزیابی می‌شوند، به همین دلیل و به علت کمی پژوهش‌ها در این زمینه در ایران و با توجه به ظرفیت فراوانی که مشاوره و روان‌درمانی و همچنین دین مبین اسلام و فرهنگ و ادبیات ایرانی دارد، پژوهشگر بر آن شد تحقیقی با هدف بررسی تأثیر مداخلات معنوی به شیوه گروهی بر تاب‌آوری افراد انجام دهد. در این زمینه، از تکنیک‌های خاص معنویت‌درمانی برای تعیین اثربخشی معنویت بر تاب‌آوری استفاده شده است. فرضیه تحقیق عبارت است از: رویکرد گروه‌درمانی معنوی در افزایش تاب‌آوری افراد تأثیر دارد.

روش پژوهش

مطالعه حاضر، یک پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش، تمامی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ را دربرمی‌گیرد. نمونه آماری شامل ۳۰ نفر می‌باشد که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب‌شده و به تصادف در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. روش کار بدین صورت بود: ابتدا پژوهشگر طی چند جلسه توجیهی آموزش‌های لازم را به تمام افراد نمونه داد تا هم با هدف تحقیق آشنا شده و هم انگیزه آنها برای پژوهش افزایش یابد. سپس، پرسش‌نامه تاب‌آوری کونور و دیویلسون به عنوان پیش‌آزمون بر روی هر دو گروه (آزمایش و کنترل) اجرا شد. در مرحله بعد، برای گروه آزمایش به مدت ۱۲ جلسه، کلاس‌های آموزشی برگزار شد و گروه کنترل در معرض هیچ آموزشی قرار نگرفت. یک هفته بعد از پایان آموزش، پس‌آزمون مجدداً برای هر دو گروه اجرا شد. سپس، داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس و به‌وسیله نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج مشخص گردید.

روش درمانی به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش، مبتنی بر الگوی روان‌درمانی معنوی - مذهبی برگین و ریچاردز (Bergin & Richards) (۲۰۰۴)، با تأکید بر آموزه‌های اسلام می‌باشد. این مداخلات شامل دعا و نیایش، عبادات و مناسک مذهبی، نوشتن در مورد احساسات معنوی، نوع‌دوستی و بخشش، ایمان و توکل به خدا، توبه، استفاده از سیستم حمایتی مذهبی شرکت‌کنندگان و... بود. روش درمانی در

یک دوره ۱۲ جلسه‌ای درمان گروهی، به‌منظور افزایش میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان در قالب جلسات هفتگی ۹۰ دقیقه‌ای اجرا شد. البته برای افزایش تأثیر مداخلات، با توجه به نتایج پژوهش‌هایی که در این زمینه در ایران و خارج از کشور صورت گرفته، از روش‌های یادگیری مختلفی چون یادگیری از طریق مشاهده و ترکیب متنوعی از مداخلات چون مداخلات مذهبی و ادبی، برای غنای معنوی مذهب و عرفان اسلامی و ادبیات فارسی، هنری برای افزایش تأثیر مداخلات معنوی یادگیری از طریق مشاهده استفاده شد. ابزارهای اعمال مداخله در زمینه‌های مختلف بدین قرار می‌باشند:

۱. مذهب: قرآن، احادیث معصومان و ادعیه؛ ۲. ادبیات: اشعار حافظ، مولوی، سهراب سپهری؛ ۳. هنر: فیلم‌هایی با محتوای معنوی فیلم «خدا می‌آید» و فیلم «بهار، تابستان، پاییز، زمستان و دوباره بهار»؛ ۴. نتایج پژوهش‌هایی که در این زمینه در ایران و خارج از کشور، در زمینه معنویت صورت گرفته است. خلاصه کلی شیوه اجرا در تمامی جلسه‌ها به این صورت بود: ابتدای هر جلسه با فن تن‌آرامی و ذهن‌آگاهی متمرکز (تمرکز بر تنفس خود و یا یک موضوع خاص) آغاز می‌شد (هارتز (Hartz)، ۱۳۸۷). سپس، به‌مرور تکالیف جلسه قبل آزمودنی‌ها و به دنبال آن بحث و آموزش مقوله موردنظر و تمرین در گروه پرداخته می‌شد. در نهایت هر جلسه، با جمع‌بندی از سوی درمانگر در خصوص موضوع جلسه و با تأکید بر استفاده از تن‌آرامی در طول روز و معرفی تکالیفی که می‌بایست آزمودنی‌ها در فاصله زمانی تا جلسه بعد انجام دهند، پایان می‌یافت.

جدول ۱. جلسه‌های اعمال‌شده بر گروه (آزمایش)

جلسه‌های درمان	عنوان جلسات
جلسه نخست	آشنایی اعضا با یکدیگر و گفت‌وگو در مورد مفهوم معنویت و دین و تأثیر آن در زندگی فرد
جلسه دوم	خودآگاهی و ارتباط با خود و گوش دادن به ندای درونی
جلسه سوم	خودآنگاره
جلسه چهارم	کلمه خدا و ارتباط با خدا و یا هر قدرت برتری که درمان‌جو به آن ایمان دارد و نیایش و گفت‌وگوی با خدا
جلسه پنجم	نوع‌دوستی (انجام کاری معنوی به‌صورت گروهی)
جلسه ششم	ارتباط با مقدسات
جلسه هفتم	رنجش و عدم بخشش و احساس گناه و بخشش خود
جلسه هشتم	بخشش
جلسه نهم	مرگ و ترس از مرگ و رنج
جلسه دهم	ایمان و توکل به خدا
جلسه یازدهم	قدردانی و شکرگزاری
جلسه دوازدهم	جلسه پایانی

ابزار پژوهش

مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویدسون: برای سنجش تاب‌آوری، مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویدسون (CD-RIS)، (۲۰۰۳)، به‌کار برده شد. کونور و دیویدسون، این پرسش‌نامه را با بازبینی منابع پژوهشی

۱۹۷۹-۱۹۹۱ در زمینه تاب‌آوری تهیه نمودند. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در شش گروه: جمعیت عمومی، مراجعه‌کنندگان به بخش مراقبت‌های اولیه، بیماران سرپایی روان‌پزشکی، بیماران با مشکل اختلال اضطراب فراگیر و دو گروه از بیماران مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه انجام شده است. سازندگان این مقیاس بر این باورند که این پرسش‌نامه به خوبی می‌تواند افراد تاب‌آور را از غیرتاب‌آور، در گروه‌های بالینی و غیربالینی جدا کند. همچنین می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی به‌کار برده شود (محمدی، ۱۳۸۴). مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویدسون، یک ابزار ۲۵ سؤالی است که سازه تاب‌آوری را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از صفر تا چهار می‌سنجد. حداقل نمره تاب‌آوری آزمودنی در این مقیاس، صفر و حداکثر نمره وی صد است. نتایج مطالعه مقدماتی مربوط به ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، پایایی و روایی آن را تأیید کرده است (بشارت، ۱۳۸۹) همسانی درونی، پایایی بازآزمایی و روایی همگرا و واگرایی مقیاس کافی گزارش شده‌اند. اگرچه نتایج تحلیل عاملی اکتشافی وجود پنج عامل (شایستگی/استحکام شخصی، اعتماد به غرایز شخصی/تحمل عواطف منفی، پذیرش مثبت عواطف/روابط ایمن، مهار، معنویت) را برای مقیاس تاب‌آوری تأیید کرده است؛ چون پایایی و روایی زیرمقیاس‌ها هنوز به‌طور قطع تأیید نشده‌اند، در حال حاضر فقط نمره کلی تاب‌آوری برای هدف‌های پژوهشی معتبر محسوب می‌شود (کونور و دیویدسون، ۲۰۰۳). این مقیاس، در ایران توسط محمدی (۱۳۸۴) هنجاریابی شده است. برای تعیین روایی این مقیاس، نخست همبستگی هر گویه با نمره کل مقوله محاسبه و سپس، از روش تحلیل عامل بهره گرفته شد. محاسبه همبستگی هر نمره با نمره کل، بجز گویه ۳ ضریب‌های بین ۰/۴۱ تا ۰/۶۴ را نشان داد. سپس، گویه‌های مقیاس به روش مؤلفه‌های اصلی مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند. پیش از استخراج عوامل بر پایه ماتریس همبستگی گویه‌ها، دو شاخص KMO و آزمون کروییت بارتلت محاسبه شدند. مقدار KMO برابر ۰/۸۷ و مقدار خی دو در آزمون بارتلت برابر ۵۵۵۶/۲۸ بود. هر دو شاخص کفایت خواهد برای انجام تحلیل عامل را نشان دادند. برای تعیین پایایی مقیاس خود تاب‌آوری کونور و دیویدسون، از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد و ضریب پایایی ۰/۸۹ به دست آمد (محمدی، ۱۳۸۴).

یافته‌های پژوهش

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار تاب‌آوری در گروه‌های آزمایش و کنترل

شاخص گروه	تعداد	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	۱۵	۶۱/۳۳	۶/۳	۷۷/۴۷	۶/۸۹۶
کنترل	۱۵	۵۸/۰۷	۶/۸۳	۵۸/۲	۷/۷۶۶
کل	۳۰	۵۹/۷	۶/۶۷	۶۷/۸۳	۱۲/۱۶۹

اطلاعات جدول، میانگین و انحراف معیار گروه‌های آزمایش و گواه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون تاب‌آوری را نشان می‌دهد. بر اساس این اطلاعات، میانگین گروه آزمایش پس از مداخلات افزایش داشته است. از آنجاکه برای بررسی این فرضیه از طرح آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است، برای جهت تحلیل نتایج حاصله، روش تحلیل کوواریانس به کار رفته است تا از این طریق آثار پیش‌آزمون به عنوان یک متغیر تصادفی کمکی کنترل شود. در این زمینه، تحلیل کوواریانس دارای مفروضه‌هایی است که باید تحقق یابد تا بتوان از روش مذکور برای مطالعه و تحلیل داده‌ها استفاده کرد. بنابراین، دو مفروضه اساسی تحلیل کوواریانس، یعنی همگنی رگرسیون و یکسانی واریانس‌ها را مورد بررسی قرار دادیم. پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها توسط آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. آزمون لوین جهت بررسی همسانی واریانس‌ها در متغیر تاب‌آوری

معنی‌داری	درجه‌ی آزادی بین گروهی	درجه‌ی آزادی درون‌گروهی	F
۰/۰۶۸	۱	۲۸	۳/۵۹۷

همان‌گونه که نتایج حاصله نشان می‌دهد، خطای واریانس گروه‌های مورد مطالعه همگن و برابر است چون مقدار F به دست آمده برابر ۳/۵۹۷ است که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنی‌دار نیست. بنابراین، می‌توان گفت: این مفروضه استفاده از تحلیل کوواریانس یعنی همگنی واریانس‌ها برقرار است و این پیش‌فرض رد نمی‌شود. همچنین مفروضه همگنی رگرسیون به وسیله آزمون فرض همگنی شیب‌ها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۴ مشهود است.

جدول ۴. نتایج آزمون فرض همگنی شیب‌ها برای متغیر تاب‌آوری

معنی‌داری	F	میانگین مجذورات	درجه‌ی آزادی
۰/۱۷	۱/۹۴	۳۷/۷۱	۱

نتایج این آزمون اشاره به این دارد که چون $p > ۰/۰۵$; $P = ۰/۱۷$ ؛ $F(۱,۲۷) = ۱/۹۴$ اثر متقابل معنی‌دار نیست، پیش‌فرض همگنی رگرسیون برقرار است.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به تأثیر معنویت درمانی بر تاب‌آوری

منابع	شاخص	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا	توان
مقدار ثابت	۶۹/۴۹	۱	۶۹/۴۹	۳/۴۶	۰/۰۷۴	۰/۱۱	۰/۴۳	
پیش آزمون	۹۶۷/۹۷	۱	۹۶۷/۹۷	۴۸/۲	۰/۰۰۱	۰/۶۴	۱	
گروه	۱۸۷۸/۷۱	۱	۱۸۷۸/۷۱	۹۳/۵۶	۰/۰۰۰۱	۰/۷۷	۱	
خطا	۵۴۲/۱۶	۲۷	۲۰/۰۸	-	-	-	-	
مجموع	۱۴۲۳۳۵	۳۰	-	-	-	-	-	

نتایج جدول نشان می‌دهد، مقدار F به‌دست‌آمده در سطح $p < 0/05$ معنی‌دار بوده است. بنابراین، می‌توان گفت: بین میانگین‌های گروه آزمایش و گواه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، به‌کارگیری رویکرد گروه‌درمانی معنوی موجب افزایش تاب‌آوری در گروه آزمایش گردیده است.

بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، می‌توان گفت: بین میانگین اصلاح‌شده گروه آزمایشی و گواه با مقدار $F = 93/56$ و درجه آزادی ۱ با سطح اطمینان ۹۵٪ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. میزان تأثیر ۰/۷۷ بوده است؛ یعنی ۷۷ درصد تغییرات موجود در نمرات پس‌آزمون با استفاده از متغیر کمکی پیش‌آزمون قابل تبیین است. به عبارت دیگر، تغییرات نمرات پس‌آزمون در مقایسه با نمرات پیش‌آزمون ناشی از شرکت در جلسات آموزشی بوده است. همچنین توان آماری ۱ درصد است. این امر حاکی از کفایت حجم نمونه دارد. بنابراین، از نتایج جدول فوق این‌گونه استنباط می‌شود که مداخلات رویکرد گروه‌درمانی معنوی بر افزایش تاب‌آوری مؤثر بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

فشار روانی، بخشی از زندگی انسان است. در بعضی موارد، ممکن است این فشارها نیروی زیادی بر تدابیر ما وارد کرده و اعمال سازمان‌یافته ما را مختل سازد. انسان‌ها در طول زمان، برای نظم بخشیدن به حالات رفتاری و عاطفی و افزایش میزان تاب‌آوری خود در برخورد با مسائل و مشکلات، راهبردهای زیادی را مورد استفاده قرار داده‌اند و آگاهانه روش‌هایی را به هدف تنظیم وضعیت روانی و رفتاری خود به کار گرفته‌اند (بامیستر و کاتلین، ۲۰۰۴، ص ۲۸). دلاگادو (۲۰۰۵) معتقد است: استرس شدید ممکن است موجب شود که فرد، درگیر جست‌وجو برای یافتن معنا و هدف در زندگی شود. یک بحران شدید ممکن است ادراک فرد از احتمالات (شدنی‌ها و ممکنات) را تغییر دهد و منجر به شناسایی و استفاده از راهبردهای مقابله‌ای جدید شود.

معنویت‌درمانی، به‌عنوان یکی از راهبردهای اساسی و یک روش درمانی مؤثر، موجب می‌شود که بشر از طریق آن بتواند از ابتلا به بیماری‌های جسمانی، روانی، عاطفی اجتماعی و... پیشگیری کند و با بهره‌گیری از دین، نماز و نیایش به منبع لایزال و نامتناهی قدرت الهی وابسته شده، و احساس امید و آرامش داشته باشد. پژوهش‌های تجربی مختلف به‌طور قطع نشان داده‌اند که باورهای معنوی - مذهبی را دیگر نمی‌توان صرفاً به‌عنوان روان‌رنجوری‌ها یا باورهای غیرمنطقی، که می‌باید معالجه شوند، نگریست، بلکه اکنون بسیاری از درمانگران، باورها و رفتارهای معنوی را به‌عنوان منابع قدرتمند تغییر، در روان‌درمانی‌های فردی، گروهی و یا خانواده در نظر می‌گیرند (غفوری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۹). هدف از این پژوهش، بررسی میزان اثربخشی معنویت درمانی در افزایش میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان می‌باشد.

همان‌گونه که در بخش یافته‌ها مشاهده شد، نتایج حاصل از انجام این پژوهش، نشان داد که معنویت‌درمانی منجر به افزایش تاب‌آوری و توان مقابله بیشتر با مشکلات می‌شود. این یافته‌ها، با نتایج چندین مطالعه دیگر در این زمینه، ازجمله پژوهش‌های گراهام و همکاران (۲۰۰۱)، هاسر (۲۰۰۶)، مت‌برادرها و همکاران (۲۰۱۰)، فونتولا کیس و همکاران (۲۰۰۸)، سمیت و همکاران (۲۰۰۹)، کریچنر و پاتینو (۲۰۱۰)، یانگ (۲۰۰۶)، زاهد باب‌لان و همکاران (۱۳۹۱)، حسین چاری و همکاران (۱۳۸۹)، حمید و همکاران (۱۳۹۱) و... همسو می‌باشد.

یکی از جنبه‌های جدید این پژوهش، نسبت به پژوهش‌های پیشین، این است که در پژوهش‌های مذکور، بیشتر بررسی رابطه کلی دو سازه مدنظر بوده و نقش و تأثیر معنویت و باورهای معنوی در این زمینه کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. درحالی‌که در این پژوهش، این مهم مدنظر بوده و نتایج تحقیق نشان داد که اعتقادهای معنوی، هدف زندگی را برای فرد روشن می‌کنند و مایه تسلی او در شرایط دردناک و تهدیدکننده هستند و موجب می‌شوند فرد رویدادهای غیرمنتظره را به‌عنوان رویدادهای کمتر تهدیدکننده، ارزیابی کند و قادر باشد رویدادهای غیرقابل تغییر را بپذیرد.

در تبیین نتایج حاصل از انجام مداخلات معنویت‌درمانی پژوهش، می‌توان به این نکته اشاره داشت که با توجه به مبانی نظری، نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق را نمی‌توان فقط حاصل یک عامل ویژه دانست؛ زیرا این امر جز به دلیل بافت به‌هم‌پیوسته و چند عاملی این برنامه درمانی امکان‌پذیر نمی‌باشد. به همین دلیل، در تبیین نتایج تحقیق می‌توان به عوامل گوناگونی اشاره کرد:

نخستین و مهم‌ترین عامل مربوط به تأثیر ویژه معنویت‌درمانی در بهبود نگرش و تفسیر فرد نسبت به زندگی است. اهمیت عامل فشارآور از طریق ارزیابی‌های شناختی، که تحت تأثیر باورها و ارزش‌های فردی، مانند کنترل فردی و باورهای وجودی و معنوی قرار دارد، تعیین می‌شود. افراد بر مبنای منابع در دسترس و از راه‌های گوناگون کنار آمدن، استرس خود را مدیریت می‌کنند. از این دیدگاه، می‌توان گفت: باورها، ارزیابی‌های شناختی مهم را در فرایند مقابله تحت تأثیر قرار می‌دهند. ازاین‌رو، معنویت می‌تواند به افراد کمک کند تا وقایع منفی را به شیوه متفاوتی ارزیابی نمایند. همچنین معنویت حس قوی‌تری از کنترل را ایجاد می‌نماید که از این راه، به سازگاری روانی کمک می‌کند (مارتون و همکاران، ۲۰۰۲؛ بواله‌ری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۰).

باورهای معنوی، فرد تاب‌آور را در برابر مشکلات جسمانی، روانی، اجتماعی و... مصونیت بخشیده و کارکرد زندگی مثبت را افزایش می‌دهند. از این دیدگاه، فرد زمانی که با نیروی بزرگ‌تری در ارتباط است

و اهداف و ارزش‌های والاتری دارد دارای عملکرد بهتری است. در این صورت، طبیعی است که هر رخدادی هرچند توان‌فرسا، همچون فشارهای شدید و بیماری‌های مرگ‌آور و... در این مسیر معنا یابد. در شرایط دشوار، معنویت ممکن است تنها منبع دست یافتن به آرامش یا پذیرش موقعیت باشد. رویکرد معنویت‌درمانی، برای رساندن فرد به آرامش روان، یک مجموعه راه‌کارهای ذهنی و بینشی مانند ارتقای معرفت، خداباوری، صبر، زهد، توکل، رشد تدریجی بینش الهی، دعا و نیایش، احیای فطرت الهی و همچنین راه‌کارهای گرایشی و کششی، مانند کاهش تعلقات دنیوی، آموزه‌های رفتار بهنجار، توبه، کاهش میزان پیشمانی از گذشته، تقویت اراده برای ترک گناه و... ارائه می‌کند.

در این زمینه، پژوهشگر نیز در طول دوره گروه‌درمانی معنوی، از روش‌های خاصی از قبیل: تأثیر ذهن‌آگاهی و تن‌آرامی، تأثیر استعاره، تأثیر ارتباط با خدا، دعا، نیایش، بخشش، توکل به خدا و واگذاری مشکلات به او، به‌عنوان قدرت برتر و... استفاده نموده است. به نظر می‌رسد، در این زمینه کمک‌کننده بوده و موجبات افزایش تاب‌آوری افراد را فراهم نموده باشند. از این رو، می‌توان استفاده از این روش‌ها و تکنیک‌های آموزشی را به‌عنوان عامل مؤثر دوم در به دست آوردن نتایج پژوهش برشمرد.

یکی از این روش‌های آموزشی، بررسی تأثیر ارتباط با خدا از طریق دعا، نیایش و آیین‌های معنوی می‌باشد. فرد از راه ارتباط با هسته و یا منبع قداست، به‌صورت خارق‌العاده‌ای خود نیز مقدس می‌شود و به آرامش و سلامت روان می‌رسد (پارگامنت، ۲۰۰۷). نماز، دعا، ذکر و پرداختن به فعالیت‌های معنوی هم جنبه شناختی دارد و فرد را متوجه نیازها و خواسته‌ها و ارزش‌هایش می‌کند و هم روشی رفتاری برای ابراز یک عقیده است. در نهایت، منجر به افزایش امید و آرامش درونی فرد می‌شود. به اعتقاد کارل فیزیولوژیست معروف، دعا کامل‌ترین امید و عالی‌ترین معنا برای زندگی به‌شمار می‌آید؛ زیرا دعا روح امید به آینده را زنده می‌کند و به زندگی معنا و مفهوم می‌بخشد (حجتی و همکاران، ۱۳۹۳). شرکت در مراسم مذهبی و عبادی، مثل نماز باعث کاهش تنش و رهایی از پریشانی‌های عاطفی می‌گردد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ آنها که ایمان آورده‌اند، دل‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد، به‌درستی که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. حالت آرامش روان، آرام‌سازی و آسودگی ناشی از مسائل مذهبی، نماز و دعا و نیایش، از این جهت است که فرد به‌گونه‌ای آگاهانه و خالصانه به آنها عشق می‌ورزد. در احوال بزرگان دین نیز آمده است که با نماز، قرآن و سایر اعمال مذهبی به آرامش می‌رسیدند. مانند روایت بیرون کشیدن تیر از پای حضرت علی علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله نیز زمانی که ناراحتی ایشان را فرامی‌گرفت، می‌فرمودند: «یا بلال اقم الصلاة أرحنا بها»؛ (سنن

أبی‌داود) ای بلال، اذان بگو و با آن ما را به آرامش برسان. مجموعه پژوهش‌های انجام شده در داخل یا خارج از کشور، بیانگر این است که هرچه فرد رابطه عمیق، نزدیک و خالصانه‌تری نسبت به خدا داشته باشد، دارای آرامش، اطمینان، اعتماد، صبر، توکل و... بیشتری است (غباری‌بناب، ۱۳۸۸).

هنگامی که انسان با مشکلات و دشواری‌ها مواجه می‌شود و احساس می‌کند که به‌تنهایی بر حل آنها توانا نیست، از فرد توانمند دیگری کمک می‌گیرد. بر اساس آموزه‌های دینی، چنین انسانی برای جبران ضعف خود، در عین استفاده از عوامل طبیعی و اسباب مادی، باید به نیروی غیبی و قدرت بی‌پایان خدا تکیه کرده و از او استمداد جوید. توکل به خدا عامل تقویت‌کننده روانی و یکی از مؤثرترین مقابله‌های مذهبی است. در تحقیقات روان‌شناختی نیز توکل به خدا یکی از مقابله‌های مذهبی دانسته شده است. افرادی که به خدا توکل ندارند و خود را به نیروی بی‌پایان الهی متصل نمی‌دانند، نیروها و توانمندی‌هایشان محدود است. بدین‌جهت، در مواجهه با مشکلات خود را ناتوان می‌بینند و نیرویی را در خود نمی‌بینند تا به آن اعتماد کنند، اما متوکلان امید به پشتیبانی خداوند دارند و اعتماد به نفس بالایی خواهند داشت. توکل به خدا، زمینه‌هایی از رنج و افسردگی و اضطراب را فراهم می‌سازد (باقری و همکاران، ۱۳۸۹).

در حدیثی امیرالمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «هرکس بر خدا توکل کند بی‌نیاز می‌شود». همچنین امام محمدتقی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که به غیر خدا توکل کند خداوند او را به وی واگذارد». مشاهدات تجربی نیز بیانگر این هستند که توکل به خدا موجب ایجاد جرأت، افزایش انگیزه، اعتماد به نفس، میزان ریسک‌پذیری، خوش‌بینی و موارد دیگر در افراد می‌گردد. همچنین موجب کاهش اضطراب و افسردگی و در درمان بسیاری از وسواس‌های فکری، روشی نافذ و کاراست (غباری، ۱۳۷۷).

برون‌ریزی احساسات به‌صورت نوشتن، روش دیگری بود که پژوهشگر از آن در طول دوره درمان استفاده نمود. نوشتن یک رویداد با بار هیجانی، آن را به‌صورت یک روایت درمی‌آورد. هیجانات و نکات ناگفته و نامفهوم در قالب کلمات و معنا درمی‌آیند که دیگر ناگفته و نامفهوم نیستند و احساسات ناگفته و ناخودآگاه، به عبارت‌های گفتاری آگاهانه تبدیل می‌شوند. هر آنچه ناگفته و نامفهوم و ناپیداست، واهمه و هراس بیشتری دارد. آگاهی یافتن نسبت به آنها از بحرانی بودن واقعه می‌کاهد و پیامد بهتری دارد (هریچی قدیم و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳). برای نمونه، در یکی از جلسات درمانی این پژوهش، تحت عنوان «نیایش، دعا و گفت‌وگو با خدا و یا هر قدرت برتری که درمان‌جو به آن ایمان دارد»، یکی از تکالیف دانش‌آموزان «نوشتن نامه‌ای به خدا و یا هر قدرت برتری که درمان‌جو به آن ایمان دارد» بود، به نظر می‌رسد، در این روش به تمامی ابعاد معنویت پرداخته می‌شود.

یکی دیگر از تکنیک‌های درمانی پژوهشگر، استفاده از تأثیر استعاره‌ها بود. نتایج بررسی عیسی‌زادگان (۱۳۸۷)، نشان داد که استعاره‌ها ممکن است نقشی مهم در تسهیل فرایندهای تغییر در مشاوری و روان‌درمانی داشته باشند. استعاره‌درمانی، روش خلاقیتی است که با استفاده از قدرت تصویرسازی‌اش، مراجع آسان‌تر به بینش و بصیرت می‌رسد. مثلاً، از استعاره رودخانه احساسات در درک و فهم احساسات و عدم تلاش برای کنترل کردن آنها استفاده شد. طبق گزارش درمان‌جویان، این استعاره بسیار خوشایند و کارا بود. به‌طوری‌که حتی بیرون از جلسه، به شوخی به یکدیگر این مطلب را می‌گفتند؛ در حال حاضر رودخانه‌ام خروشان است و یا آرام است. این امر در ابراز و درک احساساتشان بسیار کمک‌کننده بود. از این روش درمانی، در طول دوره درمان بیشتر برای آموزش بخشودگی و توکل به خدا استفاده شد.

بخشودگی، یک مداخله درمانی قوی است که افراد را از خشم و احساس گناهی که نتیجه خشم ناهشیار است، رها می‌کند، علاوه بر این، فردی که می‌بخشد از کنترل ظریف و ناآگاه متخلف رها می‌شود. رها کردن دیگران، به معنی رها کردن خود است (بنسون، ۱۹۹۲). کسانی که بخشودگی را انتخاب نمی‌کنند، درواقع به خود صدمه می‌زنند؛ زیرا به خود اجازه نمی‌دهند که روابط محبت‌آمیزی را که نیازمند آن هستند، داشته باشند (ورثینگتون و دیبلاسیو، ۱۹۹۰). بخشودگی، می‌تواند تغییرات مثبتی را در سلامت عاطفی ایجاد کند، سلامت جسمانی و روانی را افزایش دهد، حس قدرت و توان فردی را بازیابی کرده و بین صدمه‌دیده و صدمه‌زننده مصالحه ایجاد کند (فینچام و بیج، ۲۰۰۷). پیمودن فرایند عفو و گذشت و بخشش در کاهش افسردگی و اضطراب و بهبود روابط بین‌فردی، بارها مفید واقع شده است (غباری‌بناب، ۱۳۸۸).

تکنیک دیگر استفاده از ذهن، آگاهی و تن‌آرامی می‌باشد. ذهن‌آگاهی می‌تواند کاربردهای روان‌شناختی و معنوی فراوانی داشته باشد. بارنز و همکاران (۲۰۰۱)، در مطالعات خود نشان داده‌اند که ذهن‌آگاهی می‌تواند فشار خون، برانگیختگی سیستم عصبی سمپاتیک و همچنین، میزان کورتیزول را کاهش دهد. این امر خود، به کاهش اضطراب و استرس فرد کمک می‌کند (هارتز، ۱۳۸۷، ص ۴۹).

عامل مؤثر بعدی در به دست آوردن نتایج پژوهش، برگزاری دوره به‌صورت گروه‌درمانی می‌باشد. به نظر بسیاری از متخصصان، درمان بیماری به‌صورت گروهی بسیار مؤثر است. گروه، موجب بهبود مهارت‌های ارتباطی افراد می‌شود و سیستم حمایتی مفیدی را در اختیار آنها قرار می‌دهد. از سوی دیگر، فرد با مشاهده دیگران به منحصر‌به‌فرد نبودن مشکل خود پی می‌برد. این موضوع موجب امیدواری بیشتر او خواهد شد (کوری، ۱۳۹۱، ص ۶۴).

عوامل زیر را در پیشرفت درمان در گروه بسیار مهم می‌داند: ۱. عمومیت: فرد در گروه خود را تنها فرد مبتلا به مشکل نمی‌بیند؛ ۲. نوع دوستی: فرد در گروه از طریق حمایت کردن دیگران، احساس معنا و بودن در زندگی می‌کند؛ ۳. امید: فرد دیگرانی را می‌بیند که گرچه همان وضعیت را دارند و یا حتی وضعیتی بدتر و گرچه همان احساسات را تجربه می‌کنند، با این حال، می‌توانند احساس معنادار بودن زندگی را نیز تجربه کنند و کیفیت زندگی بهتری داشته باشند که این امر به فرد امید می‌دهد.

عامل دیگر، مربوط به برخی از ویژگی‌های بومی و فرهنگی جامعه ماست. بر اساس پژوهش رضایی و همکاران (۱۳۸۷)، مردم ایران برحسب شرایط فرهنگی، مردمی مذهبی بوده و برای سازگاری با شرایط بحرانی، بیشتر به مذهب روی می‌آورند. پژوهشگران بر این باورند که معنویت به‌وسیله اعمال و عقاید پذیرفته‌شده هر فرهنگ مشخصی، بیان شده و شکل می‌گیرد (فلاحی خشک‌ناب و مظاهری، ۱۳۸۷، ص ۵۱). این امر در جامعه ما، که مذهب و معنویت از جایگاهی ویژه برخوردارند، بیشتر برجسته است. در جامعه ما، مذهب از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به‌شمار می‌رود که قادر است معنای زندگی را در تمامی عمر فراهم سازد و فرد را از بی‌معنایی نجات دهد. به‌ویژه در مواقع سخت و بحرانی، می‌تواند کمک مهمی برای فرد باشد. بر همین اساس، برخی از تجارب و شواهد نشان می‌دهند که در کشور ما بسیاری از اختلالات روانی - عاطفی در تعامل با مسائل معنوی قرار دارند و بدون توجه به آنها، تشخیص و درمان موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

حال، با توجه به تحقیقات انجام‌شده در این زمینه، می‌توان گفت: عدم توجه به آموزه‌های دینی در زندگی خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به خانواده‌ها، آموزش و پرورش و جامعه وارد می‌سازد. پیشنهاد می‌شود مشاوران و روان‌درمانگران به نقش درمانی باورهای معنوی در سلامت روان افراد توجه بیشتری داشته باشند. مسئولان و برنامه‌ریزان آموزشی و فرهنگی کشور، به‌ویژه در مراکز مشاوره دانشگاه، به طراحی و تدوین کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی در زمینه آموزش صحیح معارف دینی اقدام کنند؛ چراکه یکی از علل اصلی گریز جوانان از دین، تعلیمات نادرستی است که به نام دین به آنان داده می‌شود. چنانچه نوجوانان و جوانان در مراحل اولیه زندگی خود، تحت آموزش‌های صحیح و شناخت درست از باطن دین قرار گیرند، بی‌تردید به سوی ارزش‌های دینی و معنوی گرایش پیدا می‌کنند و قطعاً این تعلیمات سبب سلامت فردی و سلامت خانواده و در نهایت، سلامت جامعه خواهد بود.

از سوی دیگر، طبق نظر بسیاری از متخصصان، گروه‌درمانی موجب بهبود مهارت‌های ارتباطی افراد شده و به دلیل ایجاد شرایط مطلوب برای افراد، گروه از حیث قرار گرفتن در محیطی امن، حمایت‌گر و پذیرا برای در میان گذاشتن تجارب خود، دریافت بازخورد، مشاهده اعضای دیگر گروه، منجر به

کسب بیش و آگاهی مناسب برای حل مشکلات و قبول مسئولیت بیشتر در قبال خود و دیگران و خودشناسی می‌شود. بررسی نتایج کیفی جلسات آموزش نیز نتایج فوق را مورد تأیید قرار می‌دهد. رضایت آزمودنی‌های گروه آزمایش از شرکت در جلسات آموزش و رغبت آنها نسبت به انجام تکالیف و رقابت بین فردی، برای بیان نظرات و ارائه تکالیف در ابتدای هر جلسه و فعالیت آموزشی آنان گواه این مطلب است. از این رو، پیشنهاد می‌شود با انجام مداخلات درمانی به صورت گروهی و شرکت دادن نوجوانان در کارهای جمعی آنها را با ارزش‌های دینی و اجتماعی و طرز اجرای آنها بیشتر آشنا نماییم. در پایان، بیشتر صاحب‌نظران بر این باورند که بافت و فرهنگ در انتخاب عوامل حمایت‌کننده توسط افراد آن جامعه نقش بسزایی دارد (سی‌چی‌تی، ۲۰۰۰، ص ۱۶). با توجه به اینکه بیشتر تحقیقات انجام گرفته در زمینه نحوه تأثیر حمایتی باورهای معنوی بر توانایی فرد برای سازگاری موفقیت‌آمیز با مشکلات و مقابله با اثرات مخرب موقعیت‌های خطرزا در بافتی متفاوت از بافت مذهبی کشور ما صورت گرفته‌اند، پیشنهاد می‌شود در این زمینه تحقیقات بیشتری انجام شود. این پژوهش نیز همانند سایر پژوهش‌ها، دارای محدودیت‌هایی است. عمده‌ترین آنها مسائل زیر می‌باشند:

۱. کمبود پیشینه پژوهش، به دلیل بکر و تازه بودن موضوع.
۲. قابل تعمیم نبودن نتایج حاصل از پژوهش، به دلیل انجام گرفتن تحقیق در سطح دبیرستان‌های ناحیه ۵ اصفهان.
۳. در دسترس نبودن امکانات، شرایط و برنامه‌های آموزشی کافی و مناسب. به منظور رفع این محدودیت‌ها پیشنهاد می‌شود:
۱. انجام پژوهش‌هایی با عناوین مشابه بر روی گروه‌ها و رده‌های سنی دیگر، با حجم نمونه بزرگ‌تر و در مقاطع زمانی مختلف در سراسر کشور.
۲. بررسی مقایسه تأثیر درمان‌شناختی رفتاری و معنویت‌درمانی در محیط‌های آموزشی و مشاوره‌ای.
۳. انجام تحقیقی فراگیر در سطح کشوری در این زمینه.
۴. کنترل عوامل مداخله‌گری همچون وضعیت اقتصادی، تأهل، پیشینه مذهبی، سبک فرزندپروری والدین و غیره.
۵. انجام تحقیقات پس‌رویدادی برای تعیین نقش‌های علی.

منابع

- باقری، حسین و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه بین توکل به خدا و سلامت روان بین دانشجویان دانشگاه آزاد واحد نکا»، *دین و سلامت*، دوره اول، ش ۱، ص ۵۸-۴۸.
- بشارت، محمدعلی و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه تاب‌آوری و سخت‌کوشی با موفقیت ورزشی و سلامت روانی در ورزشکاران»، *روان‌شناسی معاصر*، دوره سوم، ش ۲، ص ۴۹-۳۸.
- بوالهری، جعفر و همکاران، ۱۳۹۱، «اثربخشی رویکرد گروه‌درمانی معنوی بر کاهش میزان افسردگی، اضطراب و استرس در زنان مبتلا به سرطان سینه»، *جامعه‌شناسی زنان*، سال سوم، ش ۱، ص ۱۱۵-۸۵.
- بهرامی دشتکی، هاجر و همکاران، ۱۳۸۵، «اثربخشی آموزش معنویت به شیوه گروهی بر کاهش افسردگی در دانشجویان»، *پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، دوره پنجم، ش ۱۹، ص ۷۲-۴۹.
- بهرامی، فاضل و عباس رمضانی‌فرانی، ۱۳۸۴، «بررسی نقش باورهای مذهبی (درونی و بیرونی) در سلامت روان و میزان افسردگی سالمندان مقیم مراکز بهزیستی و غیر مقیم»، مرکز تحقیقات بهداشت روان انستیتو روان‌پزشکی تهران، سایت روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
- جوکار، بهرام، ۱۳۸۶، «هوش عاطفی، هوش شناختی، تاب‌آوری و رضایت از زندگی»، *روان‌شناسی معاصر*، ش ۴، ص ۱۲-۳.
- حجتی، حمید و همکاران، ۱۳۹۳، «ارتباط ابعاد مختلف دعا با سلامت معنوی بیماران تحت درمان با همودیالیز»، *پرستاری مراقبت ویژه*، دوره دوم، ش ۱، ص ۷-۴.
- حسین‌چاری، مسعود و مژگان محمدی، ۱۳۸۹، «پیش‌بینی تاب‌آوری روان‌شناختی بر اساس اعتقادات مذهبی در دانشجویان شهری و روستایی»، *روان‌شناسی معاصر*، ش ۶، ص ۵۶-۴۵.
- حمید، نجمه و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی رابطه سلامت روان و هوش معنوی با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه»، *جستارهای پرستاری*، دوره سوم، ش ۲، ص ۳۳۱-۳۳۸.
- حمیدیه، مصطفی و صدیقه ترقی‌جاه، ۱۳۸۷، «تأثیر گروه‌درمانی شناختی معنوی بر میزان افسردگی»، *مجله پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی تهران*، ش ۵، ص ۳۸۳-۳۸۹.
- خداحیمی، سیامک و سیدغلامرضا جعفری، ۱۳۷۸، «روان‌درمانی و مذهب (نقش مذهب بر فرایندهای بهداشت روان و روان‌درمانی در روان‌شناسی بالینی)»، *اصول بهداشت روانی*، سال اول، ش ۴، ص ۱۸۵-۱۹۷.
- رضایی، محبوبه و همکاران، ۱۳۸۷، «سلامت معنوی در بیماران مبتلا به سرطان تحت شیمی درمانی»، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران*، دوره چهاردهم، ش ۳-۴، ص ۳۳-۳۹.
- زاهد بابلان، عادل و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه دل‌بستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویان»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال سیزدهم، ش ۳، ص ۷۵-۸۵.
- عیسی‌زادگان، علی، ۱۳۸۷، «کاربرد استعاره در مشاوره و روان‌درمانی»، *پژوهش‌های مشاوره*، ش ۲۶.
- غباری‌بناب، باقر، ۱۳۷۷، «توکل به خدا»، *قیسات*، سال سوم، ش ۲ و ۳، ص ۱۰۵-۱۱۷.
- غباری‌بناب، باقر، ۱۳۸۸، *مشاوره و روان‌درمانگری با رویکرد معنویت*، تهران، آرون.
- غفوری، سمانه و همکاران، ۱۳۹۲، «اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشودگی در افزایش رضایتمندی زناشویی و کاهش تعارضات»، *اصول بهداشت روانی*، سال پانزدهم، ش ۱، ص ۵۷-۴۵.

فلاحی خشکناپ، مسعود و منیر مظاهری، ۱۳۸۷، *معنویت، مراقبت معنوی و معنویت درمانی*، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

کوری، جرالده، ۱۳۹۱، *نظریه‌ها و روش‌های مشاوره گروهی*، ترجمه فائزه عسکری و همکاران، تهران، شبنم. محمدی، مسعود، ۱۳۸۴، *بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد*، رساله دکتری تخصصی روان‌شناسی بالینی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

وست، ویلیام، ۱۳۸۳، *روان‌درمانی و معنویت*، ترجمه شهریار شهیدی و سلطان‌علی شیرافکن، تهران، رشد. هارتز، گری، ۱۳۸۷، *معنویت‌درمانی و سلامت روان، کاربردهای بالینی*، ترجمه امیر کامکار و عیسی جعفری، تهران، روان.

هاشمی، لادن و بهرام جوکار، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه بین تعالی معنوی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه»، *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ش ۱۳، ص ۱۲۳-۱۴۲.

هریچی قدیم، سپیده و همکاران، ۱۳۸۸، «بررسی تأثیر برون‌ریزی احساسات به‌صورت نوشتن بر میزان افسردگی اضطراب در بیماران مبتلا به مولتی پل اسکروزیس»، *علوم مغز و اعصاب ایران*، سال هشتم، ش ۲۵، ص ۴۶۵-۴۷۵.

Baumeister, R, & Kathleen D. U, 2004, *Handbook of self- regulation research, theory and applications*, New York: The Guilford press.

Belsky, J, 2002, Developmental origins of attachment styles, *Attachment and Human Development*, v. 4, p. 166-170.

Benson, CK, 1992, Forgiveness and the psychotherapeutic process, *Journal of psychology and Christianity*, v. 11 (1), p. 76-81.

Bergin, A.E, 1983, Religiosity and mental health: a critical revaluation and meta-analysis, *J Res Pract*, v. 14, p. 170-184.

Bergin, A. E, 1991, Values and Religious Issues in Psychotherapy and Mental Health, *Journal of American Psychologist*, v. 46, p. 394-403.

Bergin AE, & Richards PS, 2004, Casebook for a spiritual strategy of counseling and psychotherapy, 1st ed. Washington DC: *American Psychological Association*.

Bonanno, G. A, 2004, Loss, trauma, and human resilience, *American Psychologist*, v. 59, , p. 20-28.

Bower, J.E, & et al, 2003, Finding positive meaning and its association with natural killer cell cytotoxicity among participants in a bereavement -related disclosure intervention, *Annals of Behavioral Medicine*, v. 25, p. 146-155.

Cicchetti, D, 2000, The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future world, *Child Development*, v. 71, p. 543-562.

Connor, K. M, & Davidson, J. R. T, 2003, Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC) Depression and, *Anxiety*, v. 18, p. 76-82.

Delgado. C, 2005, A Discussion of the Concept of Spirituality, Instructor, School of Nursing. Cleveland State University, Cleveland. Ohio.

Fincham F, & Beach S, 2007, Forgiveness and marital quality: Precursor or consequence in well-established relationship, *J Posit Psychol*, v. 2 (4), p. 260-268.

Fountoulakis, K, N, & et al, 2008, Late-Life depression, religiosity, cerebral vascular disease, Cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly: Interpreting the data, *Medical hypotheses*, v. 70, p. 493-496.

- Francis, L.J, & et al, 2004, Religiosity and general health among undergraduate students: a response to O'Connor, Cobb and O'Connor, ***Personality and Individual Differences***, v. 37, p. 485-494.
- Fraser, M.W, & et al, 1999, Risk, Protection, and Resilience: Toward a Conceptual Framework for Social Work Practice, ***Social Work Research***, v. 23, p. 131-143.
- Garmezy, N, & Masten, A, 1991, The protective role of competence indicators in children at risk. In E. M. Cummings, A. L. Green, & K. H. Karraki(Eds.), *Life span developmental psychology: perspectives on stress and coping* (p151-174). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Graham, S, & et al, 2001, Religion and Spirituality in Coping with Stress, ***Counseling and Values***, v. 46(1), p. 2-13.
- Grossman, F.K, & Moore, R.P, 1994, Against the odds: Resilience in an adult survivor of childhood sexual abuse, In C.E. Franz & A.J. Stewart (Ed s.) *Woman creating lives* (p.71-82). San Francisco: West view Press. Karraki (Eds.) *Life span developmental psychology: perspectives on stress and coping* (p. 151-174).
- Hales, D, 1999, ***An invitation to health***, ***Pacific Grove***, CA: Brooks/Cole Publishing Company. U.S.A.
- Hauser, S.T, 2006, Understanding resilient outcomes: Adolescent lives across time and generations, ***Journal on Research on Adolescence***, v. 9, p. 1-24.
- Hazen, C, & Shaver, P, 1993, Romantic love conceptualized as an attachment: Process, ***Journal of Personality and Social Psychology***, v. 52, p. 511-522.
- Izadian, N, & et al, 2010, A study of relationship between suicidal ideas, depression, resiliency, daily stresses and mental health among Tehran university students, ***Proscenia Social and Behavioral Sciences***, v. 5, p. 1515-1519.
- Kalayjian, A, & Shahinian, S.P, 1998, Recollections of aged American survivors of the Ottoman Turkish genocide: Resilience through endurance, coping, and life accomplishments, ***The psychoanalytic Review***, v. 85, p. 489-504.
- Kalil, A, 2003, ***Family resilience and good child outcomes***, A review of literature, Centre for Social Research and Evaluation.
- Kim, T.H, & et al, 2005, Hope and the Meaning of Life as Influences on Korean Adolescents Resilience: Implications for Counselor, ***Asia Pacific Education Review***, N. 2, v. 6, p. 143-152.
- Kirchner, T, & Patino, C, 2010, Stress and depression in Latin American immigrants: the mediating role of religiosity, ***Eur Psychiatry***, v.25 (8), p. 479-484.
- LaFromboise, T.D, & et al, 2006, Family, community, and school influences on resilience among Native American adolescents in the upper Midwest, ***Journal of Community Psychology***, v. 34 (2), p. 193-209.
- Luthar, S. S, & Cicchetti, D, 2000, The construct of resilience: implications for interventions and social policies, ***Development and Psychopathology***, v. 12, p. 857-885.
- Luthar, S. S, & Gushing, G, 1999, Measurement issues in the empirical study of resilience: An overview. In: *Resilience and Development: Positive Life Adaptations*. Eds. M. D. Glantz & J. L. Johnson. New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers, p.129-160.
- Marcoen, A, 1994, Spirituality and personal well-being in old age, ***Ageing and Society***, v. 14, p. 521-536.

- Matt Brdshaw, A, & et al, 2010, Attachment to God, Images of God, and psychological Distress in a nationwide sample of Presbyterians, *International Journal for the psychology of Religion*, v. 20 (2), p. 130-147.
- Margetic, AB, & et al, 2005, Religiosity, depression and pain in patients with breast cancer, *Gen Hosp Psychiat*, v. 27, p. 250-255.
- Miller, G, 2003, Incorporating Spirituality in Counseling and Psychotherapy: Theory and Technique, New Jersey: Willey & Sons.
- Pargament, K.I, & et al, 1996, Religious coping with the Oklahoma City bombing: the brief RCOPE, Paper presented at the Annual Convention of the American Psychological Association, Toronto, ON.
- Pargament. K, I, 2007, Spirituality integrated psychotherapy: understanding and addressing the Sacred, New York: Guilford Press, p. 1-3.
- Park, C. L, 1998, Stress related growth and thriving through coping: The roles of personality and cognitive procrsses, *Journal of Social Issues*, v. 54, p. 267-277.
- Perkins, DF, & Jones KR, 2004, Risk behaviors and resiliency within physically abused adolescents, *Child Abuse & Neglectm*, v. 28, p. 547-563.
- Piedmont, R. L, 1999, Does spirituality represent the sixth factor of personality? Spiritual transcendence and the five-factor model, *Journal of personality*, v. 67, p. 985-1013.
- Pinquart, M, 2009, Moderating effect of dispositional resilience on association between hassles and psychological distress, *Journal of Applied Developmental Psychology*, v. 30, p. 1-8.
- Richards, PS, & Bergin, AE, 1990, *A spiriual strategy for counseling and psychotherapy*, 1st ed. Washington: DC: American Psychological Association.
- Richards, P. S, & et al, 2007, Spiritual Approaches in the Treatment of Women with Eating Disorders, *Washington: American Psychological Association*.
- Smith, B,W, & et al, 2009, The Role of Resilience and Purpose in Life in Habituation to Heat and Pain, *The Journal or Pain*, v. 10, N. 5, p. 493-500.
- Valentine. L, & Feinauer. l . l, 1993, Resilience factors associated with female survivors of childhood sexual abuse, *American journal of family therapy*, v. 21, p. 3-14.
- White, B, & et al, 2010, Resilience and indicators of adjustment during rehabilitation from a spinal cord injury, Department of kinesiology health promotion and recreation, University of north Texas, *Rehabilitation psychology*, v. 55, p. 23-32.
- Worthington, E, & Diblasio F, 1990, Promoting mutual forgiveness within the fractured relationship, *Psychology*, v. 27 (2), p. 219-223.
- Yang, KP, 2006, The spiritual intelligence of nurses in Taiwan, *J Nurs Res*, v. 14 (1), p. 24-35.
- Yang, K.P, & Mao, X.Y, 2007, A study of nurses' spiritual intelligence: A cross- sectional questionnaire survey, *Journal of Nursing Studies*, v. 144, p. 999-1010.

اثربخشی معنویت‌درمانی گروهی بر افزایش تاب‌آوری

فاطمه دهقان / پژوهشگر مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

Fateme.dehghan1368@gmail.com

مرضیه پیری کامرانی / دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

جهانگیر کرمی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه

دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۵

چکیده

مطالعات معنوی در روان‌شناسی، موضوعی اساسی است و توجه به آن، در بسیاری از کشورها در حال افزایش است. این پژوهش، با هدف تعیین اثربخشی معنویت‌درمانی بر افزایش تاب‌آوری در دانشجویان انجام گرفت. برای انجام پژوهش، از بین کلیه دانشجویان دانشکده فنی و حرفه‌ای سماء شهر کرمانشاه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده نمونه‌ای، با حجم ۵۰ نفر (۲۴ نفر گروه آزمایش و ۲۶ نفر گروه کنترل) انتخاب گردید. پژوهش آزمایشی، از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه بود. افراد گروه آزمایش ده جلسه در مداخلات معنویت‌درمانی گروهی شرکت کردند. پرسش‌نامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون، به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده گردید. داده‌های به‌دست‌آمده با روش آماری کوواریانس مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد، تفاوت بین میانگین نمره تاب‌آوری در مرحله پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل با کنترل تغییر پیش‌آزمون، معنی‌دار بوده است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، می‌توان گفت: معنویت‌درمانی گروهی در افزایش تاب‌آوری دانشجویان به‌طور چشم‌گیری مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: معنویت‌درمانی گروهی، تاب‌آوری، دانشجویان.

مقدمه

ورود به دانشگاه، تغییر عمده‌ای در زندگی اجتماعی، خانوادگی و فردی به وجود می‌آورد. در این دوره، فرد با تغییرات زیادی در روابط اجتماعی و انسانی روبه‌رو می‌شود و با انتظارات و نقش‌های جدیدی روبه‌رو می‌شود. قرار گرفتن در چنین شرایطی، غالباً با فشار و نگرانی توأم بوده، عملکرد و بازدهی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (شیریم و همکاران، ۱۳۸۷). انتقال از دوره متوسطه به دانشگاه، برای بیشتر افراد رخدادی تنش‌زا محسوب می‌شود؛ زیرا در این مرحله دانشجو با شرایط و الزامات جدیدی مواجه می‌شود که تجربه‌ای درباره آن ندارد. در غالب موارد، فاقد مهارت‌های لازم برای مقابله با آنها می‌باشد (میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۰).

ناتوانی دانشجو در این فرایند می‌تواند منبع مشکلات متعدد روانی برای او باشد. این مجموعه تغییرات، برای عده‌ای استرس حاد و جدی تلقی می‌شود (رک: فرح‌بخش، ۱۳۹۰). پایین بودن مؤلفه‌های شناختی، مثل تاب‌آوری بر روند سازگاری و انطباق با شرایط جدید تأثیر سوء دارد (دنيسون و همکاران، ۲۰۰۸؛ لوینسون و پونزتی، ۲۰۰۰). با توجه به این امر، سازگاری دانشجویان فرایندی است که همواره مورد توجه متخصصان و مشاوران برای کمک به آنان شده است.

تاب‌آوری عاملی است که به افراد در رویارویی و سازگاری با موقعیت‌های سخت و تنش‌زای زندگی کمک می‌کند (ایزدیان و همکاران، ۲۰۱۰)، افسردگی را کاهش می‌دهد (وایت و همکاران، ۲۰۱۰)، توانایی سازگاری با درد (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۹) و کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین تاب‌آوری از مشکلات روان‌شناختی در جوانان پیشگیری می‌کند، از آنها در برابر تأثیرات روان‌شناختی حوادث مشکل‌زا محافظت می‌کند (پینکارت، ۲۰۰۹).

تاب‌آوری ریشه در برخی از نظریه‌های روان‌شناسی دارد. توجه فروید به توانایی انسان جهت تفوق بر شرایط ناگوار (ماستن و کوتسورث، ۱۹۹۵)، مفهوم دلبستگی بالبی، مدل «تاب‌آوری من» بلاق و سازوکارهای دفاعی *وایلانت* (مگینس، ۲۰۰۷)، مفاهیمی مانند علاقه اجتماعی، اشتباه‌های اساسی، شجاعت ناکامل بودن و دلگرم‌سازی در نظریه *آدلر* و همکار او، *درایکورس* (میلیرن و همکاران، ۲۰۰۲؛ والش، ۲۰۰۶)، جایگاه انتظارات خودکارآمدی در تعیین رفتارهای انطباقی و میزان تلاش و مقاومت فرد در مواجهه با موانع و شرایط ناگوار در نظریه *بندورا* (بندورا، ۱۹۹۷)، نقش نظام باورها و نگرش‌های فرد از نظر *الیس* و *بک* (لایتسی، ۲۰۰۶)، همچنین نقش ارزیابی‌های شناختی در کنار آمدن فرد از دیدگاه *لازاروس* و *فولکمن* (لازاروس، ۱۹۹۳)، دیدگاه روش‌های بوم‌شناختی *برونفن برنر* و روشی که

عوامل و لایه‌های مختلف بر فرد، به‌ویژه کودک تأثیر می‌گذارند، سبک تفکر و تبیین افراد از دیدگاه سلیگمن (سلیگمن و همکاران، ۱۹۹۵) و درنهایت، نقش معنا دادن به زندگی برای باقی ماندن در شرایط ناگوار براساس نظر فرانکل (کوری، ۲۰۰۵، ص ۱۵۸)، نقطه پیوند این نظریه‌ها با مفهوم تاب‌آوری است (کاوه و همکاران، ۱۳۹۰).

تاب‌آوری خصیصه‌ای است که به‌صورت کاملاً طبیعی رخ می‌دهد و اشاره بر فرایندی پویا دارد که انسان‌ها در زمان مواجهه با شرایط ناگوار یا ضربه‌های روحی به صورت رفتار انطباقی مثبت از خود نشان می‌دهند. تاب‌آوری، به‌عنوان عاملی در جهت سازگاری موفقیت‌آمیز با تغییرات و توانایی مقاومت در برابر مشکلات شناخته‌شده است. تاب‌آوری، به فرد این امکان را می‌دهد که بتواند از مهارت سازگاران خود سود جسته و شرایط استرس‌زا را به فرصتی جهت یادگیری و رشد تبدیل کند و با تمرکز بر مشکل، استرس را در فرد کنترل کند. تاب‌آوری، تنها طریق سازگاری با استرس نیست، بلکه به معنی بهبود، انعطاف‌پذیری و برگشت به حالت اول می‌باشد. در تاب‌آوری، مقوله‌های تحمل، بهبودی و انعطاف‌پذیری مستتر است. شخص تاب‌آور با استرس‌ها، چالش‌ها و حوادث زندگی خود روبه‌رو شده و همچنین حضور فعالانه در محیط زندگی خود دارد (پورافضل و همکاران، ۱۳۹۲).

در سطح فردی، بررسی‌های اخیر نشان داده است که نگرش معنوی و امید به آینده، به‌عنوان پتانسیل‌های حمایتی برای تاب‌آوری می‌باشند (حمید و همکاران، ۱۳۹۱). چندین تحقیق نشان داده که معنوی بودن در افراد، احساس هدفمندی ایجاد می‌کند و برخی از افراد، علی‌رغم اینکه با مشکلاتی روبه‌رو هستند، از ایمانشان برای ایجاد امید به بهبود شرایط در آینده بهره می‌برند (کینگ، ۲۰۰۸، ص ۵۵). احساس هدفمندی و نگرش معنوی، از جمله عوامل حمایتی در تاب‌آوری هستند (پرکینز و جونز، ۲۰۰۴). طبق نظر گراهام و همکاران (۲۰۰۱)، کسانی که اعتقادات معنوی قوی‌تری دارند، در برابر تنش و فشار مصونیت بیشتر و سلامت بالاتری دارند. نقش معنا دادن به زندگی برای باقی ماندن در شرایط ناگوار، براساس نظر فرانکل، نقطه پیوند این نظریه با مفهوم تاب‌آوری است (کوری، ۲۰۰۵، ص ۱۵۸).

معنویت، دانش پایه‌ای است که فرایند سازگاری با محیط را افزایش می‌دهد و دست‌کم پنج کارایی دارد که می‌تواند به رفتارهای سازگاران با محیط بیانجامد؛ ظرفیت متعالی کردن کارها، به معنای توجه به یکپارچگی جهان آفرینش؛ تجربه سطح بالایی از خودآگاهی؛ بررسی و پالایش تجربه‌های روزانه در ارتباط شخص با احساس مذهبی و معنوی؛ به‌کارگیری منابع معنوی در حل مشکلات زندگی و انجام اعمال پرهیزکارانه مثل گذشت، فداکاری و مانند اینها (صمدی، ۲۰۰۶). پیشرفت روان‌شناسی و ماهیت

پیچیده و پویای جوامع نوین موجب شده نیازهای معنوی بشر در برابر نیازهای مادی قد علم کند و اهمیت بیشتری بیابد (غلامی و بشلیده، ۱۳۹۰). نخستین و مهم‌ترین عامل مربوط به تأثیر ویژه معنویت درمانی، در بهبود نگرش و تفسیر فرد نسبت به زندگی است. اهمیت عامل فشارآور از طریق ارزیابی‌های شناختی، که تحت تأثیر باورها و ارزش‌های فردی، مانند کنترل فردی و باورهای وجودی و معنوی تعیین می‌شود. افراد بر مبنای منابع در دسترس و از راه‌های گوناگون کنار آمدن، استرس خود را مدیریت می‌کنند (مارتون و همکاران، ۲۰۰۲).

یانگ و ماو (۲۰۰۷) معتقدند: داشتن هدف و معنا در زندگی، احساس تعلق داشتن به معنای والا، امیدواری به یاری خداوند در موقعیت‌های مشکل‌زای زندگی و بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی، همگی از جمله روش‌هایی هستند که افراد معنوی با دارا بودن آنها، می‌توانند در رؤیاری با حوادث تنش‌زای زندگی آسیب کمتری را متحمل شوند. همچنین به اعتقاد فونتولاکیس و همکاران (۲۰۰۸)، باور به اینکه خدایی هست، که بر موقعیت‌ها مسلط و ناظر بر بندگان است، تا حد بسیار زیادی، اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش می‌دهد.

زمان آن رسیده است که راهکارهای معنوی، با نظریه و روش علمی روان‌درمانی ترکیب شود (ریچارد و همکاران، ۲۰۰۷). در طول تاریخ، مکاتب گوناگون انسانی و روان‌شناسی، به دنبال ارائه راه‌حلی بوده‌اند و به انسان و نیازهای او توجه کرده‌اند. مطالعات معنوی در روان‌شناسی، در سطح موضوعی اساسی است. توجه به آن در بسیاری از کشورها در حال افزایش است (ریچارد و همکاران، ۲۰۰۷). معنویت شامل ادراکات حاصل از خود و ترکیبی از عوامل شخصیتی و باورهای بنیادین، در خصوص بودن و داشتن معنی در زندگی است که این باورها با جنبه‌های گوناگون زندگی از جمله جنبه‌های اجتماعی، جسمانی و روان‌شناختی در ارتباط می‌باشد (یانگ و ماو، ۲۰۰۷).

هدف عمده مطالعات علمی، در ارتباط با مسائل مذهبی-معنوی، روشن ساختن طبیعت تأثیرات عوامل مذهبی-معنوی بر سلامتی بوده است. فراتحلیل‌های اخیر گزارش داده‌اند که فرائض و دلبستگی‌های معنوی، به‌طور معنادار با سلامتی و طول عمر، همبسته هستند (فلانیلی و گالیک، ۲۰۱۰). بعضی از باورهای وجودی (ترس از خدا، اضطراب مرگ، باور مربوط به زندگی پس از مرگ)، با احساس بهزیستی رابطه دارد (کوهن و هال، ۲۰۰۹). فیسچر و همکاران (۲۰۱۰)، رابطه بین هویت مذهبی و استراتژی‌های مقابله‌ای ترجیح داده شده بین فردی و درون فردی در افراد مسلمان و مسیحی را سنجد و بیان کرد که وابستگی‌های معنوی، که برای کمک به کنار آمدن افراد با مشکلات و رویدادهای

استرس‌زا کمک‌کننده می‌باشند، در مورد مسیحیان و مسلمانان هر دو صدق می‌کند و هویت مذهبی انواع گوناگون روش‌های مقابله را پرورش می‌دهند. حمید و همکاران (۱۳۹۱)، طی پژوهشی بین‌هوش معنوی و تاب‌آوری رابطه مثبت به دست آوردند. *اژدری‌فرد* و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش عرفان و معنویت موجب افزایش سلامت روان و بهبود عملکرد جسمانی، اجتماعی و کاهش اضطراب و افسردگی دانش‌آموزان شده است. *غلامی و بشلیده* (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود، اثربخشی معنویت درمانی بر سلامت روان زنان مطلقه را نشان دادند. همچنین *تقی‌زاده و میرعلائی* (۱۳۹۲)، مؤثر بودن معنویت‌درمانی گروهی در افزایش تاب‌آوری زنان مبتلا به ام. اس را نشان داده‌اند. داشتن معنا در زندگی، امیداری به یاری خداوند در شرایط مشکل، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، از جمله روش‌هایی است که موجب می‌شود افراد در هنگام مواجهه با حوادث، مصائب و مشکلات آسیب کمتری دیده و سلامت روان خویش را در حد بهینه حفظ کنند. با توجه به مزایای تاب‌آوری برای افراد جامعه، به‌ویژه دانشجویان به‌عنوان نیروی جوان و آینده‌سازان جامعه، برخی از روان‌شناسان و پژوهشگران کوشیده‌اند روش‌هایی را برای افزایش میزان تاب‌آوری در افراد ارائه دهند. در همین راستا، این پژوهش به دنبال تعیین میزان اثربخشی معنویت‌درمانی گروهی بر تاب‌آوری بوده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع طرح‌های آزمایشی با پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه گواه است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشکده فنی و حرفه‌ای سماء شهر کرمانشاه، که در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌ای با حجم ۵۰ نفر (۲۴ نفر گروه آزمایش و ۲۶ نفر گروه کنترل) انتخاب گردید. پیش از اجرای متغیر مستقل (معنویت‌درمانی گروهی)، آزمودنی‌های انتخاب شده در هر دو گروه، در پیش‌آزمون اقدام به پر کردن ابزار پژوهش (پرسش‌نامه موردنظر) کردند. متغیر مستقل در این پژوهش عبارت است از: «معنویت‌درمانی گروهی» و متغیر وابسته تاب‌آوری بود. پس از اتمام جلسات آموزشی، پس‌آزمون روی دو گروه اجرا شد. با توجه به اینکه در طرح آزمایشی این پژوهش، پیش‌آزمون و پس‌آزمون، با گروه گواه بود، برای کنترل اثر عامل پیش‌آزمون، از روش آماری تحلیل کوواریانس استفاده گردید. همچنین عوامل احتمالی تأثیرگذار دیگر ویژگی‌های آزمودنی‌ها مانند جنسیت، معدل تحصیلی، سن و سال ورود به دانشگاه بود که از طریق

همتاسازی و جایگزینی تصادفی در گروه‌ها، سعی شد کنترل شود. متغیر احتمالی دیگر عامل رشد بود که از دانشجویان هر دو گروه تعهد گرفته شد تا طی دوره آموزش تحت آموزش دیگری قرار نگیرند. شرایط لازم برای شرکت‌کنندگان در جلسه‌های آموزش عبارت بودند از: ۱. دانشجو بودن؛ ۲. نداشتن ملاک‌های تشخیصی اختلالات بارز روان‌پزشکی؛ ۳. نداشتن بیماری جسمی که فرد را از شرکت در برنامه پژوهش باز دارد.

ابزار پژوهش

مقیاس تاب‌آوری (CD-RIS): این پرسش‌نامه راکونور و دیویلسون با مرور منابع پژوهشی ۱۹۷۹-۱۹۹۱ حوزه تاب‌آوری تهیه کردند (سامانی، ۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، در شش گروه جمعیت عمومی، مراجعه‌کنندگان به بخش مراقبت‌های اولیه، بیماران سرپایی روان‌پزشکی، بیماران با مشکل اختلال اضطراب فراگیر، و دو گروه از بیماران مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه انجام شده است. تهیه‌کنندگان این مقیاس، بر این عقیده‌اند که این پرسش‌نامه به خوبی قادر به تفکیک افراد تاب‌آور از غیرتاب‌آور در گروه‌های بالینی و غیربالینی بوده و می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی مورد استفاده قرار گیرد (همان).

محمادی (۱۳۸۴)، آن را برای استفاده در ایران انطباق داده است. بررسی پایایی در دانشجویان، به کمک ضریب آلفای کرونباخ برابر با $0/87$ به دست آمد. همچنین نتایج آزمون تحلیل عامل بر روی این مقیاس، بیانگر وجود یک عامل عمومی در مقیاس بود. مقدار ضریب KMO برای این تحلیل، برابر با $0/89$ و مقدار آزمون کروییت پارتلت برابر با $1893/83$ بود. مقدار ارزش ویژه برای این عامل عمومی، $2/67$ ٪ از واریانس کل مقیاس را تعیین می‌کند (سامانی و همکاران، ۱۳۸۶).

فرایند اجرا و روش مداخله

دانشجویان داوطلب شرکت در جلسات آموزشی در زمان ثبت نام، پرسش‌نامه تاب‌آوری را کامل کردند. پس از گمارش تصادفی آزمودنی‌ها در دو گروه آزمایش و کنترل، شرکت‌کنندگان در گروه آزمایش تحت روان‌درمانی مبتنی بر مداخلات معنوی مطرح شده توسط ریچاردز و برگین (۲۰۰۵)، ولی با رویکردی اسلامی قرار گرفتند (لطفی‌کاشانی و همکاران، ۱۳۹۱). تعداد جلسات با توجه به محتوای قابل آموزش، ۱۰ جلسه بود که هر جلسه حدود $1/5$ ساعت طول کشید. غیر از جلسه اول، ابتدا تکالیف مربوط به جلسه قبل بررسی شد و اعضا حالات و رفتار خود را تا این جلسه، برای همدیگر بیان کرده و بازخورد دریافت می‌نمودند. در چند جلسه اول، برخی مهارت‌ها علاوه بر آنکه بیرون از

جلسه تکلیف داده می‌شد، در جلسه نیز اجرا می‌شد. در انتهای جلسه، تکلیف متناسب با موضوع جلسه مطرح می‌شد تا اعضا در فاصله ما بین دو جلسه انجام دهند. در جلسه پایانی آموزش، به اجرای پس‌آزمون برای دو گروه پرداخته شد.

جدول ۱. جلسات آموزش معنویت درمانی

جلسات آموزش	عنوان جلسات
جلسه ۱	توزیع پرسش‌نامه تاب‌آوری
جلسه ۲	پله اول: خودشناسی، شناخت ماهیت خود، توانمندی‌ها و محدودیت و پذیرش مسئولیت الهی خود
جلسه ۳	پله دوم: پذیرش الوهیت الهی و رسالت انسان‌های برگزیده پله سوم: تعریف و تعیین سرنوشت و کیفیت زندگی و برنامه‌ریزی برای آن.
جلسه ۴	پله چهارم: اعتراف به گناهان نزد خداوند و پذیرش ضعف‌های خویش پله پنجم: شناسایی ستم‌هایی که بر خود و دیگران کرده‌ایم و تلاش برای احیای حقوق الهی، مردم و خود با رعایت تمام جوانب.
جلسه ۵	پله ششم: تفویض امور به خداوند و تقویت اراده فردی برای رشد معنوی و پاک شدن از ویژگی‌های منفی فکری و رفتاری و تلاش برای جایگزینی ویژگی‌های مثبت به جای ویژگی‌های منفی.
جلسه ۶	پله هفتم: یادگیری و باورمندی معنوی پله هشتم: تصمیم‌گیری برای رشد معنوی و معنوی شدن از مسیر درست برای رسیدن به آگاهی.
جلسه ۷	پله نهم: فضاسازی ذهنی و محیطی برای رشد معنوی پله دهم: الگوگیری از معنویات در نظر و عمل
جلسه ۸	پله یازدهم: آزدسازی احساسات و عواطف
جلسه ۹	پله دوازدهم: توانمند و مقتدر شدن جهت حل مشکلات خود و دیگران
جلسه ۱۰	پله سیزدهم: گسترش تجربه‌های معنوی و رسیدن به اوج لذت و ابراز عقاید و تجربه‌های معنوی
جلسه ۱۱	پله چهاردهم: ارزیابی مستمر از خود زیر نظر فردی معنوی و رشد یافته‌تر از خود و مرور و جمع‌بندی.
جلسه ۱۲	ارائه پرسش‌نامه تاب‌آوری به شرکت‌کنندگان در جلسات آموزشی و به موازات آن گروه کنترل.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۲ فراوانی اطلاعات دموگرافیک شرکت‌کنندگان ارائه شده است.

جدول ۲. فراوانی اطلاعات دموگرافیک

جنسیت (تعداد)	تأهل (تعداد)	سن	اشتغال
مرد ۳۳	مجرد ۴۲	کمترین ۱۷	شاغل ۱۲
زن ۱۷	متأهل ۸	بیشترین ۳۶	بیکار ۳۸
کل ۵۰	کل ۵۰	کل ۵۰	کل ۵۰

میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون تاب‌آوری، در دو گروه آزمایش و کنترل در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار نمره‌های تاب‌آوری

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
آزمایش	۵۸/۷۰	۱۱/۶۴	۷۶	۶/۶۶
گواه	۵۹/۶۹	۱۵/۲۳	۵۸/۵۷	۱۳/۱۵

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، میانگین نمرات تاب‌آوری گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون برابر ۵۸/۷۰ است. این مقدار پس از مداخله درمانی در مرحله پس‌آزمون، به ۷۶ افزایش پیدا کرده است. در گروه کنترل، میانگین نمرات تاب‌آوری در مرحله پیش‌آزمون ۵۹/۶۹ است و در مرحله پس‌آزمون، ۵۸/۵۷ بوده که تغییر محسوسی دیده نمی‌شود.

به منظور بررسی معناداری تفاوت میانگین‌ها، از روش آماری کوواریانس استفاده شد. در این تحلیل، تأثیر متغیر کنترل پیش‌آزمون برداشته و سپس، دو گروه با توجه به نمره‌های باقی‌مانده مقایسه شدند که در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس مقایسه میانگین‌های نمرات تاب‌آوری دو گروه در مرحله پس‌آزمون بعد از کنترل متغیر پیش‌آزمون

منبع	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
متغیر وابسته	۱	۴۵۱۹/۶۶	۲۵۵/۷۲	۰/۰۰۱	۰/۸۴
گروه	۱	۴۰۹۶/۶۳	۲۳۱/۶۱	۰/۰۰۱	۰/۸۳

برطبق نتایج جدول ۴، مقدار F در این آزمون برای گروه‌ها ۲۳۱/۶۱ بوده است که در سطح ($P < ۰/۰۰۱$) معنادار است. این بدان معناست که بین گروه آزمایش و گروه کنترل، از لحاظ تاب‌آوری تفاوت معناداری وجود دارد؛ یعنی معنویت‌درمانی در افزایش تاب‌آوری تأثیر معناداری داشته است. بنابراین، می‌توان گفت: که برنامه معنویت‌درمانی موجب تغییر تاب‌آوری دانشجویان در گروه آزمایش شده است. مجذور اتا برابر با ۰/۸۳ می‌باشد؛ یعنی ۸۳ درصد از تغییرات نمرات تاب‌آوری ناشی از اجرای روش درمانی می‌باشد. به عبارت دیگر، معنویت‌درمانی سبب ۸۳ درصد تغییر در نمرات تاب‌آوری گردیده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر روش معنویت‌درمانی به صورت گروهی، بر افزایش تاب‌آوری دانشجویان بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که معنویت‌درمانی به‌طور معناداری میزان تاب‌آوری را افزایش داده است. این نتایج، با یافته‌های اینگل سی و همکاران (۲۰۰۶)، فیسچر و همکاران (۲۰۱۰)، لیونز و همکاران (۲۰۰۴)، آلستر جی و کانینگهام (۲۰۰۵)، ریوهیم و گرینبرگ (۲۰۰۷)، بوالهیری (۱۳۷۹)، زاهد بابلان و همکاران (۱۳۹۱)، تقی‌زاده و میرعلائی (۱۳۹۲)، در خصوص تأثیر معنویت‌درمانی بر تاب‌آوری همسو بوده است.

مبانی نظری بیانگر این نکته هستند که نتایج به‌دست‌آمده را نمی‌توان حاصل یک عامل دانست. این امر به پیوسته و چندعاملی بودن این برنامه درمانی وابسته نیست. به همین دلیل، در تبیین نتایج به‌دست‌آمده می‌توان به عوامل گوناگونی اشاره کرد.

نخستین و مهم‌ترین عامل مربوط به تأثیر ویژه معنویت‌درمانی، در بهبود نگرش و تفسیر فرد نسبت به زندگی است. اهمیت عامل فشارآور از طریق ارزیابی‌های شناختی است که تحت تأثیر باورها و ارزش‌های فردی، مانند کنترل فردی و باورهای وجودی و معنوی تعیین می‌شود. افراد بر مبنای منابع در دسترس و از راه‌های گوناگون کنار آمدن، استرس خود را مدیریت می‌کنند. از این منظر می‌توان گفت: باورها، ارزیابی‌های شناختی مهم را در فرایند مقابله تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو، معنویت می‌تواند به افراد کمک کند تا وقایع منفی را به شیوه‌های متفاوتی ارزیابی نمایند. بنابراین، معنویت حس قوی‌تری از کنترل را ایجاد می‌نماید که از این راه، به سازگاری روانی کمک می‌کند (مارتون و همکاران، ۲۰۰۲).

یونگ معتقد بود: دین از ضمیر ناخودآگاه انسان ریشه می‌گیرد و اطمینان، امید و قدرت را در شخص قوت و خصوصیات اخلاقی و معنوی را در او استحکام می‌بخشد و پایگاه بسیار محکمی در مقابل مشکلات، مصائب و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند (زاهد بابلان و همکاران، ۱۳۹۱). یانگ و ماو (۲۰۰۷) معتقدند: داشتن هدف و معنا در زندگی، احساس تعلق داشتن به معنای والا، امیدواری به یاری خداوند در موقعیت‌های مشکل‌زای زندگی و بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی، همگی از جمله روش‌هایی هستند که افراد معنوی با دارا بودن آنها می‌توانند در رؤیاری با حوادث تنش‌زای زندگی آسیب کمتری را متحمل شوند. همچنین به اعتقاد فونتولاکیس و همکاران (۲۰۰۸)، باور به اینکه خدایی هست که بر موقعیت‌ها مسلط و ناظر بر بندگان است، تا حد بسیار زیادی، اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، این افراد معتقدند که از طریق اتکال به خداوند، می‌توان موقعیت‌های غیرقابل کنترل را در اختیار خود درآورد. در همین راستا، طبق نظر گرهام و همکاران (۲۰۰۱)، کسانی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، در برابر تنش و فشار مصونیت بیشتر و سلامت بالاتری دارند.

عامل دیگری که در اثربخشی معنویت‌درمانی بر افزایش تاب‌آوری دانشجویان مؤثر بود، دلبستگی به خدا بود که جلسات سوم تا ششم پکیج معنویت‌درمانی، مربوط به این عامل بود. به‌طور کلی، سبک دلبستگی به خدا، عمل مهم و مؤثری بر سازگاری روان‌شناختی و اجتماعی و توانایی مقابله با

بیماری هاست. یکی از انواع موضوعات، دلبستگی به خداوند است. به نظر می‌رسد، افراد دارای دلبستگی ایمن، از افراد دارای دلبستگی ناایمن اجتنابی و اضطرابی آن را نشان می‌دهد. دلبستگی ایمن به افزایش تاب‌آوری و توان مقابله با مشکلات منجر می‌شود (بلسکی، ۲۰۰۲). در این راستا، می‌توان گفت: افراد با دلبستگی بالا به خدا، به دلیل برخورداری از منابع حمایتی توانایی بیشتری برای مقابله با مشکلات دارند؛ یعنی در بین افراد، خداوند به‌عنوان منبع دلبستگی زمینه‌ای فراهم می‌کند که شخص احساس ایمنی بیشتری بکند و از این طریق، توان مقابله بالاتری با مشکلات روان‌شناختی و جسمانی داشته باشد. علاوه بر این، می‌توان گفت: معناداری زندگی به‌عنوان عامل میانجی عمل می‌کند؛ به این صورت که فرد دلبسته به خدا، زندگی هدفمند و معناداری دارد و بر این عقیده است که زندگی معنا و مفهومی دارد. از این‌رو، به شکل کارآمدتری قادر به سازگاری با مسائل و موانع روزمره خواهد بود (زاهد بابلان و همکاران، ۱۳۹۱).

عامل بعدی مربوط به برگزاری دوره، به صورت گروه‌درمانی است. به نظر بسیاری از متخصصان، درمان به صورت گروهی بسیار مؤثر می‌باشد. گروه، موجب بهبود مهارت‌های ارتباطی فرد می‌شود و سیستم حمایتی مفیدی در اختیار او قرار می‌دهد. از سوی دیگر، فرد با مشاهده دیگران، به منحصر به فرد نبودن مشکل خود پی می‌برد. این موضوع موجب امیدواری بیشتر او خواهد شد.

براساس تحلیل آماری، معنویت‌درمانی گروهی، روشی مناسب برای افزایش تاب‌آوری دانشجویان می‌باشد. با توجه به اینکه دانشجویان جامعه آماری این پژوهش بودند، تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت گیرد. هرچند تلاش شده که شرایط تا حد امکان کنترل گردد، اما نیازمند پژوهش‌های گسترده در همه زمینه‌ها و سایر جوامع آماری می‌باشد. درنهایت، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت: معنویت می‌تواند به افراد کمک کند تا وقایع منفی را به شیوه متفاوتی ارزیابی نمایند، بنابراین، معنویت حس قوی‌تری از کنترل را ایجاد می‌نماید که از این راه به سازگاری روانی کمک می‌کند.

منابع

- اژدری‌فرد، سیما و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی تأثیر آموزش عرفان و معنویت بر سلامت روان دانش‌آموزان»، *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۰۵-۱۲۵.
- بوالهری، جعفر و همکاران، ۱۳۷۹، «بررسی رابطه عوامل تش‌زا، میزان توکل به خدا و نشانگان استرس در دانشجویان پزشکی»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، ش ۲۱، ص ۲۵-۳۴.
- پورافضل، فرزانه و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی همبستگی استرس درک شده با تاب‌آوری در دانشجویان کارشناسی پرستاری»، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات)*، دوره نوزدهم، ش ۱، ص ۴۱-۵۲.
- تقی‌زاده، محمداحسان و مرضیه‌سادات میرعلائی، ۱۳۹۲، «اثربخشی معنویت‌درمانی گروهی بر تاب‌آوری زنان مبتلا به مالتیپل اسکروزیس شهر اصفهان»، *روان‌شناسی سلامت*، سال دوم، ش ۲.
- حمید، نجمه و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی رابطه سلامت روان و هوش معنوی با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه»، *جستاشیر*، دوره سوم، ش ۲، ص ۳۳۱-۳۳۸.
- رنجبر، فرخ‌حق و همکاران، ۱۳۹۰، «تاب‌آوری و کیفیت زندگی مادران دارای فرزندان کم‌توان ذهنی»، *سلامت و روان‌شناسی*، دوره اول، ش ۱، ص ۲۰-۲۹.
- زاهدی‌بالان، عادل و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویان»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، دوره سیزدهم، ش ۳، ص ۷۵-۸۵.
- سامانی، سیامک و همکاران، ۱۳۸۶، «تاب‌آوری، سلامت روان و رضایت از زندگی»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال سیزدهم، ش ۳، ص ۲۹۰-۲۹۵.
- شیربیم، زهرا و همکاران، ۱۳۸۷، «اثربخشی مهارت‌های مدیریت استرس بر سلامت روان دانشجویان»، *اندیشه و رفتار*، دوره دوم، ش ۸، ص ۷-۱۸.
- غلامی، علی و کیومرث بشلیده، ۱۳۹۰، «اثربخشی معنویت‌درمانی بر سلامت روان زنان مطلقه»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال اول، ش ۳، ص ۳۳۱-۳۴۸.
- فرحبخش، کیومرث، ۱۳۹۰، «تهیه آزمون سازگاری دانشجویان (اسد)، و تعیین پایایی، روایی و تعیین هنجار آن»، *اندازه‌گیری تربیتی*، سال دوم، ش ۶، ص ۲۳-۴۵.
- کاوه، منیژه و همکاران، ۱۳۹۰، «تدوین برنامه افزایش تاب‌آوری در برابر استرس و تأثیر آموزش آن بر مؤلفه‌های کیفیت زندگی والدین دارای کودک کم‌توان ذهنی خفیف»، *کودکان استثنایی*، سال یازدهم، ش ۲، ص ۱۱۹-۱۴۰.
- کوری، جرالده، ۲۰۰۵، *نظریه و کاربرد مشاوره و روان‌درمانی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران.
- لطفی کاشانی، فرح و همکاران، ۱۳۹۱، «اثربخشی مداخله معنوی بر ارتقای کیفیت زندگی مادران کودکان مبتلا به سرطان»، *فقه پزشکی*، سال چهارم، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۱۲۵-۱۴۹.
- محمدی، مسعود، ۱۳۸۴، *بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی بالینی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- میکائیلی منیع، فرزانه و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی مقایسه‌ای اثربخشی آموزش سه مهارت زندگی بر سلامت عمومی دانشجویان سال اول»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، دوره بیست‌ویکم، ش ۸۵، ص ۱۲۷-۱۳۷.

Alastair, J, & Cunningham, 2005, *Integrating Spirituality Into a Group Psychological Therapy Program for Cancer Patients published by*, SAGE4.

Bandura, A, 1997, *Self- Efficacy: The Exercise of Control*, NY: W H Freeman/ Times Books/ Henry Hohd and Co.

Belsky, J, 2002, Developmental origins of attachment styles, *Attachment and Human Development*, v.4, p. 166-170.

Carns, M, & et al, 1998, A review of the professional literature concerning the consistency of the definition, *The Journal of Individual Psuchology*, v. 54 (1), p. 72-89.

- Cohen, AB, & Hall, DE, 2009, Existential beliefs, social satisfaction, and well-being among Catholic, Jewish, and Protestant older adults, *Int J Psychol Relig*, v. 19 (1), p. 39-54.
- Dennison, L, & et al, 2008, A review of psychological correlates of adjusment in patient with multiple sclerosis, *Clinical psychology review*, v. 29, p. 141-153.
- Fischer, P, & et al, 2010, The Relationship Between Religious Identity and Preferred Coping Strategies: An Examination of Interpersonal and Christian Faiths Review of General Psychology, v. 14 (4), p. 365-381.
- Flannelly, KJ, & Galek, K, 2010, Religion, evolution, and mental health: attachment theory and ETAS theory, *J Relig Health*, Sep, v.49 (3), p. 337-350.
- Fountoulakis, K,N, & et al, 2008, Late- Life depression, religiosity, cerebralvascular disease, Cognitive impairment and attitudetowards death in the elderly: Interpreting the data, *Medical hypotheses*, v. 70, p. 493-496.
- Graham, S, & et al, 2001, Religion and Spirituality in Coping with Stress, *Counseling and Values*, v. 46 (1), p. 2-13.
- Ingle, C, & et al, 2006, Do religious/spiritual coping strategies affect illness adjusment inpatients with cancer? *A systematic review of the literature Social Science & Medicine*, v. 63, p. 151-164.
- Izadian, N, & et al, 2010, Astudy of relationship between suicidal ideas, depression, reiliency, daily stresses and mental health among Tehran university student, *Proscenia Social and Behavioral Sciences*, v. 5, p. 1515-1529.
- King, G, A, & et al, 2009, Belief Systems of Families of Children with autism spectrum disorders or Down syndrome, Focus on Autism and Other Developmental Disabilities, v. 20 (1), p. 50-64.
- Lazarus, R, 1993, Coping theory and research Past, present and future, *Journal of Psychometric Medicine*, v. 55, p. 234-247.
- Levinson, J.J, Jr, & Ponzetti P. f, (Eds), 2000, *Encyclopedia of human emotions*, New York: Oxford University Press.
- Lightsey, O.R, 2006, Resilience, meaning, and well-being, *Journal of the Counseling Psychologist*, v. 34 (10), p. 96-107.
- Livneh, H, & et al, 2004, Psychosocial Adaptation to Chronic Illness and Disability: A Preliminary Study of its Factorial Structure *Journal of Clinical Psychology in Medical Settings*, v. 13, N. 3, p. 250-260.
- Maginnes, A, 2007, *The development of resilience: A model*, Unpublished dissertation, University of Canterbury.
- Marton, M, G, & et al, 2002, Spirituality andpsychological adaptation among woman with HIV/AIDS: Implications forcounseling, *Journal of Counseling Psychology*, v. 49 (2), p. 139-147.
- Masten, A. S.& Coatsworth, J. D, 1995, *Competence, resilience, and psychopathology*.
- Milliren, A, & et al, 2002, Four phases of Adlerian counseling: Family resilience in action, *The Journal of Individual Psychology*, v. 58 (3), p. 225-234.
- Perkins, DF, & Jones, KR, 2004, Risk behaviors and resiliency within physically abused adolescents, *Child Abuse & Neglect*, v. 28, p. 547-563.
- Pinquart, M, 2009, Moderating effect of dispositionalresilience on association between hassles andpsychological distress, *Journal of Applied Developmental Psychology*, v. 30, p. 1-8.
- Revheim, N, Greenberg, W.M, 2007, Spirituality Matters: Creating a time and Place for Hope, *Psychiatric Rehabilitation Journal*, v. 30 (4), p. 307-310.
- Richards, P. S, & et al, 2007, Spiritual Approachesin the Treatment of Woman with Eating Disorders, Washington: American Psychological Association.
- Richards, S.P, & Bergin, A.E, 2005, Aspiritual strategy for counseling and psych, therapy, American psychological Association, (2nded.) U.S.A.
- Samadi, P, 2006, {Spiritual intelligence}, *Journal Modern Educational Thought*, v. 2 (3), p. 99-144.
- Seligman, M.E. P, & et al, 1995, *The optimistic child: A proven program to safeguard children against depression and build lifelong resilience*, New york Harper Perennial.
- Smith, B,W, & et al, 2009, The Role of Resilience and Purpose in Life in Habituation to Heat and Pain, *The Journal or Pain*, v. 10, N. 5, p. 493-500.
- Walsh, F, 2006, *Strengthening Family Resilience*, New York: The Guilford Press.
- White, B, & et al, 2010, Resilienceand indicators of adjustment during rehabilitation from a spinal cord injury, Department of kinesiology health promotion and recreation, University of northTexas, *Rehabilitation psychology*, v. 55, p. 23-32.
- Yang KP, & Mao XY, 2007, A study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey, *Int J Nurs Stud*, v. 44, p. 999-1010.

کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی در کاهش اضطراب وجودی

zeynivand22@yahoo.com

leilaaminijavid@yahoo.com

J.karami@razi.ac.ir

زهرا زینی‌وند / کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه رازی کرمانشاه

لیلا امینی جاوید / کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی دانشگاه الزهراء

جهانگیر کرمی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه

دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۵

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی کارآمدی آموزش معنویت اسلامی در کاهش اضطراب وجودی انجام گرفته است. طرح پژوهش، از نوع نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد. جامعه آماری، شامل همه دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه شهر کرمانشاه، در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، یک دبیرستان انتخاب و از جمعیت ۱۲۰ نفری دانش‌آموزان مذکور، تعداد ۳۰ نفر، که نمره اضطراب وجودی زیر خط برش را در مقیاس اضطراب وجودی گود کسب کرده بودند، انتخاب شده و به ۲ گروه ۱۵ نفری آزمایش و کنترل تقسیم شدند. برای گروه آزمایش، ۵ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش معنویت با رویکرد اسلامی برگزار گردید. پس از اجرای جلسات آموزشی، آزمون اضطراب وجودی گود بر هر ۲ گروه اجرا شد. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس تک‌متغیره (ANCOVA) استفاده گردید. نتایج به دست آمده نشان داد که بین گروه آزمایش و کنترل، از لحاظ اضطراب وجودی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی آموزش معنویت اسلامی در کاهش اضطراب وجودی تأثیر کارآمدی داشته است.

کلیدواژه‌ها: آموزش معنویت، اضطراب وجودی، رویکرد اسلامی، دانش‌آموزان دختر.

مقدمه

تغییرات عظیم جهان صنعتی، تأثیرات ژرفی بر روابط و تغییر سبک زندگی انسان‌ها داشته است. این تغییرات در دوره‌ای کوتاه، موجب عدم قطعیت و ابهام در افراد شده و این امر خود، در زمینه افزایش اضطراب، سردرگمی نقش‌ها و آسیب‌پذیری آنها نقش داشته است (غلامی و بشلیده، ۱۳۹۰). به‌گونه‌ای که از بزرگ‌ترین مشکلات عصر حاضر، دلهره و اضطراب و به دنبال آن، تهی بودن است، معنی تهی بودن انسان، خالی بودن فرد از احساس و توانایی احساسی نیست، بلکه به معنای ایستا بودن و بی‌خاصیت بودن است (می، ۱۳۹۲، ص ۲۵). رویکردهای مختلف، خاستگاه اضطراب را به عوامل متفاوتی نسبت داده‌اند. اسلام، ضعف ایمان، دوری از یاد خدا و از خودبیگانگی انسان را، منشأ اضطراب و استرس معرفی می‌کند (طه: ۱۲۴؛ رعد: ۲۸؛ بقره: ۳۸؛ زمر: ۲۲؛ طباطبائی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۳۴۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۲۸). رویکرد وجودگرایی، خاستگاه اضطراب را مسائل هستی‌شناسی، نیازهای پاس‌داشت وجود خود و نگرانی‌های نهایی تشکیل‌دهنده روان‌پویه‌های وجودی، چون مرگ، تنهایی و بی‌معنایی می‌داند، که اضطراب را فرامی‌خواند (می، ۱۳۹۲، ص ۳۲). هنگامی که انسان از روزمرگی‌ها فارغ و اشتغالاتش به امور جزئی کم و یا اساساً از بین می‌رود، در این هنگام، اگر به عالم و به موجودات توجه کند، در او، ابتدا حالت درونی «سرگشتگی» و سپس، نوعی حالت تشویش و اضطراب ایجاد می‌شود. این تشویش و اضطراب، از نوع تشویش و اضطرابی نیست که در فرد برای امور مادی و جزئی روی می‌دهد، بلکه ناشی از رابطه انسان با وجود و عالم است. این حالت را، که همراه با درک و تشویش و اضطراب است، «اضطراب وجودی» (Existential Anxiety)، می‌نامیم (نورعلیزاده و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹). می، معتقد است: همه انسان‌ها یک آگاهی کاملی از وجود خود دارند و به دلیل همین آگاهی، می‌دانند وجود پایان‌یافتنی است. بنابراین، عواملی که این وجود را تهدید می‌کند، اضطراب‌زاست (می، ۱۳۹۲، ص ۱۶). به اعتقاد کرکگارد، زمانی که ما انسان‌ها ارزش‌هایمان مورد تهدید قرار می‌گیرد، در نتیجه آن به از بین رفتن وجود تهدید می‌شویم (کرکگارد، ۱۹۸۰). البته بوگتال معتقد است: هر تجربه‌ای به هر شیوه‌ای موجب ترس و ایجاد اضطراب شود، به نحوی می‌تواند موجب تهدید وجود گردد (بوگتال، ۱۹۶۵). اضطراب وجودی احساس نگرانی از این موضوع است که انسان در جهان تنها و بی‌پناه است و باید با پدیده مرگ خود و اطرافیانش دست و پنجه نرم کند، همراه با احساس پوچی و یأس ناشی از بی‌معنا بودن و بی‌هدف بودن زندگی (کلینبل، ۱۹۶۵)، سه نوع تهدید مختلف موجب بروز اضطراب وجودی می‌شوند: مرگ و نیستی، تهی شدن از

معنی (پوچی)، و گناه و تقصیر (مرعشی، ۱۳۹۰، ص ۱۴). پژوهشگران بر این عقیده‌اند که اضطراب وجودی در جوان‌ترها در حال گسترش است (برمن، ۲۰۰۶)؛ زیرا دوران نوجوانی از مهم‌ترین و در عین حال آشفته‌ترین و پیچیده‌ترین مراحل حیات است. مسائل و دشواری‌های ناشی از بلوغ و جوانی، به‌گونه‌ای است که می‌توان نوجوانی را دوران بحران و فشار نامید (نیرماني و همکاران، ۱۳۹۱). دوره‌ای که با بروز تغییرات گوناگون در زمینه‌های متعدد همراه است، و یکی از بحرانی‌ترین ادوار زندگی به حساب می‌آید؛ زیرا به همراه تحولات جسمانی، یک سلسله دگرگونی‌ها در احساسات، تمایلات فرد به وجود می‌آید. از آن جمله می‌توان، به عدم تعادل و بی‌ثباتی، زودرنجی و مأیوس شدن در مقابله با ناکامی‌ها اشاره کرد (مصطفایی و بشیریان، ۱۳۹۱) در این میان، دانش‌آموزان دبیرستانی که بالغ بر دو میلیون نفر می‌باشند، به عنوان متصدیان آینده جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بررسی مشکلات و اقدام برای رفع آنان، انعکاس بسیار مثبتی بر کارکرد جامعه خواهد گذاشت (پرتو اعظم و همکاران، ۱۳۸۸). باتوجه به اینکه فرایند «هویت‌یابی» در یک نوجوان زمانی به هدف می‌رسد که نوجوان بتواند بگوید: «من کیستم» و رویکرد او متوجه آینده باشد، نوجوان به این هدف نائل نمی‌شود، مگر آنکه به نظام ارزشی، مذهب و عقاید سیاسی و اهداف حرفه‌ای متعهد شود و در رابطه با زندگی خود، شروع به ایجاد یک فلسفه کند (شکرکن و همکاران، ۱۳۸۰). از سوی دیگر، از آنجاکه امور جامعه در آینده به نوجوانان فعلی محول خواهد شد، مسئولیت‌های حساس و خطیر اجتماعی بر عهده دختران امروز خواهد بود و هریک نقش یکی از اعضای مهم خانواده را ایفا نموده، پرورش فرزندان و نسل‌های بعدی توسط آنها صورت می‌گیرد. همچنین طبق پژوهش‌های پیشین، بحران هویت در دانش‌آموزان دختر، بیش از پسر بوده است. در صورت عدم شناسایی مشکلات و ناراحتی‌های روحی و روانی در دوره نوجوانی، عواقب ناگواری برای نسل‌های بعدی و جامعه پیش خواهد آمد (دهشیری، ۱۳۸۴).

اهمیت معنویت و رشد معنوی در زندگی انسان، در چند دهه گذشته به صورت روزافزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. تا جایی که سازمان بهداشت جهانی، در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می‌کند (امینی‌جاوید، ۱۳۹۲، ص ۱۱). عدم توجه به بعد معنوی و خودشناسی در زندگی نوجوانان، طبق نظر نظریه‌پردازان و پژوهش‌های صورت گرفته، مانع رشد و شکوفایی آنان می‌شود (وست، ۱۳۸۸، ص ۳۶). در فرهنگ قرآن و حدیث، خاستگاه و جایگاه سلامت معنوی، «قلب» است. البته نه قلب صنوبری و جسمی، بلکه حقیقت قلب که با تعبیری چون روح، نفس، شخصیت و امثال آن تقریباً هم‌معنی

می‌باشد (ازدري فرد و همکاران، ۱۳۸۹). برای کاهش اضطراب و جلوگیری از پیامدهای آن، شیوه‌های متعدد درمان‌گری و مقابله با اضطراب شکل گرفته‌اند. در این میان، شیوه‌های معنوی تأثیرات مثبتی را به جا گذارده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۹۱). ریچاردز و برگین (۲۰۰۵)، دلایل زیر را برای استفاده از درمان معنوی بیان داشته‌اند:

۱. مذهب، یکی از ابعاد جدانشدنی مراجعان و مشاوران است که در فرهنگ‌های مختلف به انحاء گوناگون دیده شده است.

۲. در صورت پیدا کردن مهارت در درمان معنوی و مذهبی، روان‌درمانگران اعتماد مراجعان مذهبی خود را بهتر کسب می‌کنند و راحت‌تر با ایشان همدلی ایجاد می‌کنند.

۳. از نظر اخلاقی، وظیفه مشاوران و روان‌درمانگران است که در مورد مراجعان مذهبی، بتوانند شایستگی و توانمندی خود را در درمان‌های معنوی و مذهبی بالا ببرند.

۴. احراز شایستگی در ابعاد معنوی و مذهبی به مشاوران و روان‌درمانگران کمک می‌کند که منابع موجود در رشد معنویت را در جامعه تشخیص داده و از آنها برای درمان و شکوفایی مراجعان خود کمک گیرند. این منابع، در فرهنگ‌های مذهبی شامل رفتن به زیارتگاه‌ها، عبادتگاه‌ها، انجام مراسم مذهبی جمعی و پیوند دادن فرد بی‌پناه به خدا با توسل به ذکر و دعا به وفور یافت می‌شود. علاوه بر موارد فوق، که توسط ریچاردز و برگین (۲۰۰۵) بیان شده‌اند، همان‌طور که در عرفان اسلامی (مثلاً مولوی) یا در روان‌شناسی ناخودآگاه، به روشنی نشان داده شده است، انسان ذاتاً و فطرتاً موجودی معنوی و مذهبی است. تا زمانی که این بُعد معنوی فرد به ساختار روانی او پیوند نخورد و با آن منسجم و یکپارچه نگردد، درمان واقعی او صورت نمی‌گیرد (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۱).

پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با اضطراب و معنویت اندک می‌باشد. با وجود این، یافته‌های پژوهش‌های موجود در این زمینه، حاکی از ارتباط بین معنویت و سازه‌های مذهبی و معنوی و اضطراب است. به عنوان نمونه، پژوهش‌های کسبیر (۲۰۰۹) نشان داد که درک تقدس و روحانیت، که خود شامل تعالی یعنی درک یک حقیقت بزرگ‌تر و والا در ورای ظاهر و غایت‌گرایی یعنی درک ارزش و مقصدی نهایی می‌باشد، به افراد کمک می‌کند تا اضطراب وجودی خود را کنترل کنند. او در یک پژوهش تجربی، نشان داد کسانی که اعتقاد آنها به یک وجود مقدس و یک حقیقت برتر در ورای ظواهر مادی و وجود غایتی برای هستی، تقویت می‌شود، در هنگامی که به یاد مرگ خود می‌افتند، در مقایسه با گروه کنترل، کمتر دچار اضطراب وجودی می‌شوند. در برخی پژوهش‌ها هم به اعتقاد به خدا

و اضطراب مرگ همبستگی منفی یاد شده است. هاردینگ و همکاران (۲۰۰۵)، تمپلر و راف (۱۹۷۵) / اوشمن (۱۹۸۴)، تورسن (۱۹۱۱)، در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافتند که بین تردید نسبت به زندگی اخروی، با اضطراب وجودی رابطه مثبت و معنادار و بین اعتقاد به زندگی اخروی و اضطراب مرگ رابطه منفی و معنادار وجود دارد (هنری، ۲۰۱۰). جهت‌گیری مذهبی درونی، بر کاهش اضطراب وجودی و رگه اضطرابی مؤثر است (اشریو نیجر و ادلشتاین، ۲۰۰۴). / ژردری فرد و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که آموزش عرفان و معنویت، در افزایش سلامت روان و بهبود عملکرد جسمانی و عملکرد اجتماعی و کاهش اضطراب و افسردگی دانش‌آموزان تأثیر دارد. بوالهری و همکاران (۱۳۹۱)، نشان دادند که کارآمدی آموزش معنویت به شیوه گروهی در سطح معناداری در کاهش افسردگی زنان مبتلا به سرطان سینه مؤثر بوده است. همچنین کارآمدی آموزش معنویت موجب بهبود سلامت معنوی این بیماران گردیده است. در پژوهش مرعشی و همکاران (۱۳۹۱)، با موضوع تأثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی، اضطراب وجودی و هوش معنوی صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده تأثیر آموزش هوش معنوی بر کاهش اضطراب وجودی است. غلامی و بشلیده (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «اثربخشی کارآمدی آموزش معنویت بر زنان مطلقه»، به این نتیجه رسیده‌اند که کارآمدی آموزش معنویت به‌طور معناداری میزان سلامت عمومی زنان مطلقه را افزایش داده است. غباری‌بناب و همکاران (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که دانشجویان با سبک دلبستگی ایمن به خدا، اضطراب وجودی کمتری را از خود نشان می‌دهند. با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده، انتظار می‌رود آموزش کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی، بتواند موجب کاهش اضطراب وجودی در دانش‌آموزان گردد.

در اهمیت و ضرورت این تحقیق، بیان این نکته لازم است که در جامعه ایرانی و اسلامی ما، بسیاری از رفتارها در زندگی فردی و اجتماعی افراد، مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از آموزه‌ها و باورهای دینی بوده و اغلب با آن نیز ارزیابی می‌شود. با توجه به اینکه اسلام مبنای مناسبات اجتماعی قرار گرفته است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۱)، این پژوهش قصد دارد آثار و نتایج مذهب و معنویت را در زندگی روحی روانی و اجتماعی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داده، با روشن شدن نقش دین و مذهب در تمامی ابعاد زندگی، آن را روشی برای درمان مشکلات روحی و روانی نشان دهد (مرعشی و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به بررسی‌هایی که در این تحقیق صورت گرفت، مشاهده گردید که متأسفانه سطح معنویت و آموزش‌هایی بر این محور در دختران دبیرستانی اندک و نامناسب است. ازاین‌رو، نیاز به

اینچنین پژوهش‌های ضروری می‌نماید. با توجه به کمبود پژوهش میدانی مرتبط و وجود پژوهش‌های تجربی اندک در حوزه هستی‌نگری، و نیز اهمیت فوق‌العاده این موضوع اضطراب وجودی در آسیب‌شناسی روانی، و مطالعات اندک داخلی و خارجی درباره تأثیر کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی، ضروری است در این زمینه پژوهشی صورت پذیرد. بنابراین، با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش که آیا کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی در کاهش اضطراب وجودی مؤثر است یا خیر، بر آن شدیم تا پژوهشی با هدف بررسی کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی در کاهش اضطراب وجودی را انجام دهیم.

روش پژوهش

طرح این پژوهش، از نوع طرح‌های نیمه‌آزمایشی، پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای یک دبیرستان انتخاب و از جمعیت ۱۲۰ نفری دانش‌آموزان سال اول دبیرستان مذکور، تعداد ۳۰ نفر که نمره اضطراب وجودی زیر خط برش را در مقیاس اضطراب وجودی گود (۱۹۷۴) کسب کردند انتخاب شده و در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و کنترل گمارش شدند. پس از تقسیم تصادفی آزمودنی‌های شرکت‌کننده در گروه آزمایش و کنترل، بر اساس مداخلات روانی-معنوی ریچاردز و برگین (۲۰۰۵)، پنج جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش معنویت با رویکرد اسلامی برای گروه آزمایش برگزار گردید. در گروه کنترل، هیچ مداخله‌ای صورت نگرفت. هر دو گروه، یک بار پیش از مداخله آزمایشی و یک بار هم پس از پایان مداخلات مقیاس اضطراب وجودی را تکمیل کردند. نتایج با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شرح جلسات در پیوست آمده است.

ابزارهای پژوهش

مقیاس اضطراب وجودی گود و گود: این مقیاس ۳۲ ماده‌ای، توسط گود و گود (۱۹۷۴) ساخته شده که گنجی در سال ۱۳۸۸ آن را به فارسی ترجمه نمود. هالت (۱۹۹۴)، روایی این مقیاس را با همبسته کردن با آزمون‌های هدف‌مندی در زندگی، پیگردی اهداف معرفتی و افسردگی محاسبه کرد. یافته‌های پژوهش هالت (۱۹۹۴) نشان داد که این مقیاس روایی همگرا و واگرایی مطلوبی دارد و همبستگی نمره مقیاس اضطراب وجودی با ترکیب نمره سه مقیاس پیش‌گفته ۰/۶۶ بود. این

مقیاس، در پژوهش نورعلیزاده میانجی و جان بزرگی (۱۳۸۹)، به روش آلفای کرونباخ اعتباریابی گردیده که ضریب آلفای خوبی برابر ۰/۸۸ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیر اضطراب وجودی در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
آزمایش	۱۹/۷۸	۴/۰۵	۱۲/۷۸	۶/۱۴
کنترل	۱۸/۷۸	۵/۲۳	۱۷/۵۶	۶/۲۴

همان‌طور که در جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین نمرات اضطراب وجودی گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون برابر ۱۹/۷۸ است. این مقدار، پس از مداخله درمانی در مرحله پس‌آزمون به ۱۲/۷۸ کاهش پیدا کرده است. در گروه کنترل، میانگین نمرات اضطراب وجودی در مرحله پیش‌آزمون ۱۸/۷۸ است که در مرحله پس‌آزمون به ۱۷/۵۶ کاهش پیدا کرده است.

جدول ۲. آزمون لوین برای همسانی واریانس‌ها در متغیر اضطراب وجودی

متغیر	درجه آزادی (۱)	درجه آزادی کامل	Fنسبت	سطح معناداری
اضطراب وجودی	۱	۱۶	۱/۷۷	۰/۲۰

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نتایج آزمون همبستگی واریانس‌های گروه‌های آزمایش و کنترل در رابطه با متغیر وابسته نشان می‌دهد که نسبت پیش‌آزمون و پس‌آزمون متغیر اضطراب وجودی معنادار نیست. بنابراین، واریانس‌های گروه آزمایش و گروه کنترل یکسان است. این یافته، به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا فرض کند که واریانس‌ها برابر هستند.

جدول ۳. خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس کارآمدی آموزش معنویت در کاهش اضطراب وجودی در دو گروه آزمایش و گروه کنترل

متغیر	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	مجذور اپتا
پیش‌آزمون	۱	۴۷۷/۹۸	۵۲/۸۰	۰/۰۰۱	۰/۷۷
گروه	۱	۱۵۷	۱۷/۳۴	۰/۰۰۱	۰/۵۳

طبق نتایج مندرج در جدول ۳، مقدار F در این آزمون برای گروه‌ها ۱۷/۳۴ می‌باشد که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است. این بدان معناست که بین گروه آزمایش و گروه کنترل، از لحاظ اضطراب وجودی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی آموزش کارآمدی آموزش معنویت در کاهش اضطراب وجودی تأثیر معناداری داشته است. بنابراین، می‌توان گفت: برنامه آموزش کارآمدی آموزش معنویت موجب تغییر در اضطراب وجودی دانش‌آموزان در گروه آزمایش شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که آموزش معنویت با رویکرد اسلامی، می‌تواند در کاهش اضطراب وجودی تأثیر داشته باشد. اضطراب مستلزم مفهوم نایمینی یا تهدیدی است که فرد منبع آن را به روشنی درک نمی‌کند (دادستان، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۱). اضطراب وجودی، از جمله اضطراب‌های بنیادی و پایه‌ای است که می‌تواند منبعی برای بیماری‌های روانی باشد (نورعلیزاده میانجی و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹). امروزه نیز طیف وسیعی از درمانگران برای بارور کردن روان‌درمانی و افزایش اثربخشی آن، راه‌کارهای دینی و معنوی با نظریه‌ها و روش‌های علمی روان‌درمانی در چارچوب مذهب قرار می‌دهند؛ زیرا مفاهیمی مانند وجدان، آگاهی، عهد و پیمان، مثبت‌اندیشی، نوع‌دوستی، عشق، اعتراف، تنویر افکار و... که در ادیان اهمیت بسزایی دارند، عمیقاً در روان‌درمانی تأثیرگذارند (هادی و جان‌بزرگی، ۱۳۸۸) و علائق مذهبی و باورهای دینی در کاهش یا رفع بیماری‌های مختلف روحی و جسمی نقش بسزایی دارند. منظور از کارآمدی آموزش معنویت، درمان آلام و رنج‌های درونی و روانی انسان از طریق امور متعالی و ماوراءالطبیعی است. از این نظر، نگرشی تازه به یکی از کارکردهای گوناگون دین است (رودگر، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر، برخی بر این اعتقادند که هرگاه انسان دردمند، از دیگران برای درمان و تسکین دردهای بدنی یا روانی خویش مأیوس می‌گردد، و درمان‌های کلاسیک نمی‌توانند به او بهبودی ببخشند، کمک خواستن از ایمان و باور دینی، تنها راهی است که برای رهایی از اضطراب، افسردگی و دردهای جانکاه برای وی باقی می‌ماند (تبرائی و همکاران، ۱۳۸۷). معنویت از دیدگاه اسلام، پویا، کارآمد، رشددهنده، خلاقیت‌زا، و مولد خواهد بود و در هیچ ساحتی، انسان را تنها رها نمی‌کند و دارای محدوده وسیع و قلمرو جامع و کامل است، سرچشمه زندگی سعادت‌مند و ریشه فرهنگ و تمدن الهی - انسانی است و معنادهنده به همه ابعاد عبادی - اجتماعی و حیات فردی و جمعی می‌باشد (رودگر، ۱۳۸۸). از اهداف بسیار مهم اسلام، رها ساختن انسان از پوچ‌گرایی، ارائه تصویری روشن و با معنا از زندگی و حیات جاودان، تحریک به سوی گام برداشتن در مسیری هدفمند و معنادار و رسیدن به رشد، تعالی و خوشبختی است (نورعلیزاده میانجی و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹).

اساساً از اهداف عمده دین، رها ساختن انسان‌ها از چنگال پوچ‌گرایی «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ لَنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون: ۱۱۵) و «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا» (ص: ۲۷) و گرداب ترس از تنهایی: «ان اوحشتم الغربه آنسهم ذکرک»؛ راهنمایی آنها در گام برداشتن در

مسیر زندگی هدفمند، بامعنا و درست، رساندن به تعالی و خوشبختی است: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق: ۶)، مرگ در نظر افراد باایمان پایان زندگی نیست: «قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جمعه: ۸)، بلکه وسیله رجعت به سوی پروردگار و رسیدن به رستگاری است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (عنکبوت: ۵۷)؛ و مصیبت، درد و رنج زندگی دنیوی با اتکای الهی شیرین و با معناست: «ان صبت عليهم المصائب لجئو الى الاستجاره بک علما بان ازمه الامور بیدک و مصادرها عن قضائك». در حقیقت، قرآن در آیات اعتقادی خود، اصل معناداری زندگی، و در آیات احکام و اخلاقی، راه روش زندگی معنادار است: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲)؛ در احادیث هم، که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، آمده است، «رحم الله من عرف نفسه و علم من اين و في اين و الى اين» (نقوی قایینی خراسانی، ۱۲۹۲، ج ۵، ص ۳۳۶)؛ خدا رحمت کند کسی را که خودش را می شناسد و می داند از کجا آمده و در کجاست و به کجا می خواهد برود. همچنین وقتی از امام جواد علیه السلام، در مورد ترس مسلمانان آن زمان از مرگ سؤال شد، فرمودند: «چون بدان جهل دارند، پس آن را ناخوشایند می دارند، و اگر آن را می شناختند و از دوستان خداوند بودند بدان محبت می ورزیدند و می دانستند که آخرت برای آنان از دنیا بهتر است» (صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۲۹۰).

تصویری که ما از دنیا و خودمان داریم، تا حد زیادی در ابتلا یا مصونیت از اضطراب، نقش دارد. اگر دنیا را پوچ و بی هدف بدانیم و معتقد باشیم که انسان، بی هدف به دنیا آمده و روزی خواهد مُرد، در این صورت، نمی توان تصویر درستی از زندگی و جهان داشت. افرادی که تصورشان از جهان این گونه است، وقتی در موقعیت های سخت و دشوار زندگی قرار می گیرند، به شدت، خود را درمانده و ناتوان احساس می کنند و چشم امید به هیچ نیرویی ندارند که بتواند آنها را یاری رساند. تحقیقات تجربی نیز نشان داده است که میزان اضطراب و افسردگی در افراد غیر مذهبی، به مراتب، بیش از افراد مذهبی است. همچنین افرادی که از نظر مذهبی، ضعیف ترند و ایمان سطحی دارند، نسبت به افرادی که از ایمان قوی تری برخوردارند، بیشتر در معرض اختلالات روانی و اضطراب و افسردگی اند. سازمان جهانی بهداشت، با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده در سال ۱۹۸۹ توسط پژوهشگران خود، رسماً اعلام نمود که باید از توانمندی و ظرفیت باورهای دینی و اعتقادی افراد در پیشگیری و درمان اضطراب و ارتقای سلامت روانی آنان بهره گیری شود (شجاعی، ۱۳۸۳).

این پژوهش، با هدف بررسی کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی بر اضطراب وجودی دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه انجام گرفت. نتایج نشان داد که کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی بر کاهش اضطراب وجودی می‌باشد. این یافته، با نتایج پژوهش غباری‌بناب و همکاران (۱۳۸۸)، /ژدری‌فرد و همکاران (۱۳۸۹)، /مرعشی و همکاران (۱۳۹۱)، /کسبیر (۲۰۰۹)، /هاردینگ و همکاران (۲۰۰۵) /تمپلر و راف (۱۹۷۵)، /وشمن (۱۹۸۴)، /تورسن (۱۹۱۱) و /اشریو نیجر و /دلشتاین (۲۰۰۴)، همسو می‌باشد.

غباری‌بناب و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند دانشجویانی که سبک دلبستگی ایمن به خدا دارند، اضطراب وجودی کمتری را نشان می‌دهند. /ژدری‌فرد و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که آموزش عرفان و معنویت، در افزایش سلامت روان و بهبود عملکرد جسمانی و عملکرد اجتماعی و کاهش اضطراب و افسردگی دانش‌آموزان تأثیر دارد. در پژوهش /مرعشی و همکاران (۱۳۹۱)، با موضوع تأثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی، اضطراب وجودی، و هوش معنوی صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده تأثیر آموزش هوش معنوی بر کاهش اضطراب وجودی است. /غلامی و /بشلیده (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «اثر بخشی کارآمدی آموزش معنویت بر زنان مطلقه» به این نتیجه رسیده‌اند که کارآمدی آموزش معنویت، به‌طور معناداری میزان سلامت عمومی زنان مطلقه را افزایش داده است. پژوهش‌های /کسبیر (۲۰۰۹)، نشان داد که درک تقدس و روحانیت، که خود شامل تعالی یعنی درک یک حقیقت بزرگ‌تر و والا در ورای ظاهر و غایت‌گرایی یعنی درک ارزش و مقصدی نهایی می‌باشد، به افراد کمک می‌کند تا اضطراب وجودی خود را کنترل کنند و از آثار مخرب آن در امان باشند. او در یک پژوهش تجربی، نشان داد کسانی که اعتقاد آنها به یک وجود مقدس و یک حقیقت برتر در ورای ظواهر مادی و وجود غایتی برای هستی، تقویت می‌شود، هنگامی که به یاد مرگ خود می‌افتند، در مقایسه با گروه کنترل، کمتر دچار اضطراب وجودی می‌شوند. در برخی پژوهش‌ها هم، به اعتقاد به خدا و اضطراب مرگ همبستگی منفی یاد شده است. /هاردینگ و همکاران (۲۰۰۵)، /تمپلر و راف (۱۹۷۵)، /وشمن (۱۹۸۴)، /تورسن (۱۹۱۱)، در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافتند که بین تردید نسبت به زندگی اخروی، با اضطراب وجودی رابطه مثبت و معنادار و بین اعتقاد به زندگی اخروی و اضطراب مرگ رابطه منفی و معنادار وجود دارد (هنری، ۲۰۱۰). جهت‌گیری مذهبی درونی، بر کاهش اضطراب وجودی و رگه اضطرابی مؤثر است (اشریو نیجر و دلشتاین، ۲۰۰۴).

با توجه به نتایج پژوهش‌های صورت گرفته، که همگی بر نقش مؤثر سازه‌های معنوی و مذهبی در بهبود اضطراب در نمونه‌های مورد تحقیق خود صحنه می‌گذارند، در این پژوهش نیز تدوین و به‌کارگیری پروتکل مداخلات روانی-معنوی ریچاردز و برگین (۲۰۰۵)، با رویکرد معنویت اسلامی و با محوریت مباحثی چون هدفمند بودن خلقت، صبر و شکیبایی در برابر آزمون‌های الهی، توکل، شکر و رضایت، اضطراب مرگ، گناه و توبه، که از مباحث مورد تأکید در معنویت اسلامی است، موجبات کاهش اضطراب وجودی را در گروه نمونه فراهم نموده است.

این پژوهش، با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. از جمله اینکه متأسفانه با توجه به منویات مکرر مقام معظم رهبری در مورد اسلامی کردن علوم انسانی، اقدامات مؤثری در جهت اسلامی کردن برخی دستورالعمل‌های جلسات درمانی، که توسط روان‌شناسان غربی تدوین شده‌اند، برای هم‌وطنان مسلمانان تربیت داده نشده است. پیشنهاد می‌شود کارگروه‌های منجمی متشکل از روان‌شناسان و کارشناسان علوم دینی، این دستورالعمل و چارچوب‌های درمانی را براساس منابع اسلامی تجزیه و تغییر دهند تا این مضامین قابلیت و کاربرد عملی برای روان‌شناسان متعهد و اسلام‌گرای ما پیدا کند. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که در مورد کارآمدی آموزش معنویت و نیز آموزش کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی در کشور ما یافت نشد. انجام این پژوهش، در محیط پژوهشی با نمونه‌ای که شامل دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه بوده است، تعمیم نتایج را به سایر افراد با جنسیت مخالف و در سنین و مقاطع تحصیلی دیگر محدود می‌نماید. از این رو، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی جنس مخالف و سایر مقاطع تحصیلی بخصوص دانشجویان سال اول دانشگاه، مورد توجه قرار گیرد. همچنین با توجه به تأثیر مثبت آموزش کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی بر کاهش اضطراب وجودی توصیه می‌شود، امر تقویت مبانی معنوی در مدارس مورد عنایت بیشتر آموزش و پرورش قرار گیرد.

پیوست

جلسه اول (معارفه)

روش: معارفه محققان و فراگیران. آشنایی با موضوع و اهمیت آن. ارائه برنامه زمان‌بندی شده جلسات آموزشی، تعداد و فاصله زمانی جلسات، اجرای پیش‌آزمون.

جلسه دوم (هدفمند بودن خلقت)

تعریف هدف و معنای زندگی، صحبت در مورد هدفمند و معنادار بودن خلقت از دیدگاه اسلام «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون: ۱۱۵)، تعاریف سختی‌های زندگی دنیوی به مثابه آزمون‌های الهی و صبر در برابر آنها، و توجه به دو رکن: اول اینکه، در ذهن ما باید باشد که بدانیم که با توجه به آیات قرآن آمده‌ایم تا با پشت سر گذاشتن سختی و امتحانات الهی ایمان و تسلیم خود را در معرض آزمایش قرار دهیم: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت: ۲). رکن دومی که باید در ارتباط با حیات بدانیم، این است که برای زندگی خوب داشتن در میان این سختی‌ها چه باید کرد؟!

جلسه سوم (توکل و شکر و رضا)

تعریف توکل و جایگاه آن در اسلام و کاربرد آن در زندگی، شکر و رضایت و اینکه انسان نسبت به بلاها، که بر وی نازل می‌شود، نه تنها صبر داشته باشد و راضی باشد، بلکه با الگوگیری از مضامین تربیتی حادثه کریم، همه را زیبا ببیند.

جلسه چهارم (اضطراب مرگ، گناه و توبه)

صحبت در مورد اضطراب مرگ. سر بقا بی‌بردن به فتنای دنیا است، یکی از گمشده‌های فطری انسان‌ها بقاست. ما به گونه‌ای خلق شده‌ایم که از همان لحظه اول به دنبال جاودانگی و بقا می‌گردیم. حتی شادترین لحظات زندگی را می‌گویند خوش گذشت؛ یعنی می‌گذرد. این در فطرت ما نهفته است که به دنبال چیزی بگردیم که برای ما بقا دارد و نیز بحث در مورد رحمانیت خدا و توبه‌پذیر بودن حضرت حق.

جلسه پنجم (نیایش و ارتباط با خدا)

صحبت در مورد لزوم نیایش با خدا و درخواست از دانش‌آموزان برای نوشتن نامه‌ای برای خدا و اهدای جایزه به بهترین دست‌نوشته. جمع‌بندی مباحث و اجرای پس‌آزمون، تقدیر و تشکر از شرکت‌کنندگان و مسئولین دبیرستان به سبب یاری در حسن اجرای جلسات.

منابع

- ابوالقاسمی، محمدجواد، ۱۳۹۱، «مفهوم‌شناسی سلامت معنوی و گستره آن در نگرش دینی»، *اخلاق پزشکی*، سال ششم، ش ۲۰، ص ۴۷-۶۹.
- اژدری‌فرد، پری‌سیما و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی تأثیر آموزش عرفان و معنویت بر سلامت روان دانش‌آموزان»، *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۰۵-۱۲۵.
- امینی‌جاوید، لیلا، ۱۳۹۲، «تأثیر ارتقای هوش معنوی بر افسردگی و شادکامی دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء.
- بوالهروی، جعفر و همکاران، ۱۳۹۱، «کارایی رویکرد گروه درمانی معنوی بر کاهش میزان افسردگی، اضطراب و استرس در زنان مبتلا به سرطان سینه»، *جامعه‌شناسی زنان*، سال سوم، ش ۱، ص ۱۰۵-۱۱۲.
- پرتو اعظم، حمیده و همکاران، ۱۳۸۸، «فراوانی و شدت افسردگی در دختران نوجوان دبیرستان‌های دخترانه شهر خوی در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶»، *فصلنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، دوره هفتم، ش ۲، ص ۸۹-۹۳.
- تبرایی، رامین و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی سهم تأثیر جهت‌گیری مذهبی بر سلامت روان در مقایسه با عوامل جمعیت‌شناختی»، *روان‌شناسی و دین*، سال اول، ش ۳، ص ۳۷-۶۲.
- دادستان، پریخ، ۱۳۷۶، *روان‌شناسی مرضی تحولی*، تهران، سمت.
- دهشیری، غلامرضا، ۱۳۸۴، «بررسی رابطه دینداری و بحران هویت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان یزد»، *تعلیم و تربیت*، ش ۱۹، ص ۲۵-۳۶.
- رودگر، محمدجواد، ۱۳۸۸، «معنویت‌گرایی در قرآن (مبانی، مؤلفه‌ها و کارکردهای معنویت قرآنی)»، *علوم اسلامی*، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۱-۱۷.
- رضایی، امیرموسی و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی ارتباط جهت‌گیری مذهبی با اضطراب و افسردگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان»، *تحقیقات علوم رفتاری*، دوره دهم، ش ۶، ص ۵۰۹-۵۱۹.
- شکرکن، حسین و همکاران، ۱۳۸۰، «بررسی و مقایسه انواع هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین‌فردی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز»، *مجله تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره سوم، سال هشتم، ش ۲، ص ۷۳-۹۸.
- شجاعی، محمدحسین، ۱۳۸۳، «ایمان و اضطراب»، *حدیث زندگی*، ش ۱۸، ص ۳۳-۴۴.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۶ق، *معانی الاخبار*، بیروت، موسسه الاعلمی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۱، *المیزان*، قم، اسماعیلیان.
- غباری‌بناب، باقر و همکاران، ۱۳۸۸، «رابطه دلبستگی به خدا و اضطراب وجودی در دانشجویان»، *کنگره بین‌المللی روان‌شناسی دین و فرهنگ*.
- غلامی، علی و کیومرث بشلیده، ۱۳۹۰، «کارایی معنویت درمانی بر سلامت روان زنان مطلقه»، *مشاوره و روان‌درمانی*، سال اول، ش ۳، ص ۳۳۱-۳۴۸.
- گنجی، حمزه، ۱۳۸۸، *ارزشیابی شخصیت*، تهران، ساوالان.
- مرعشی، سیدعلی و همکاران، ۱۳۹۱، «تأثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی، اضطراب وجودی، و هوش معنوی»، *دستاوردهای روان‌شناختی*، دوره چهارم، سال سوم، ش ۱، ص ۶۳-۸۰.

- مرعشی، سیدعلی، ۱۳۹۰، *تأثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی، اضطراب وجودی و هوش معنوی در دانشجویان دانشکده نفت اهواز*، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی عمومی، اهواز، دانشگاه شهید چمران.
- مصطفایی، محمدرضا و سعید بشیریان، ۱۳۹۱، «بررسی مقایسه‌ای میزان افسردگی در نوجوانان مبتلا به بیماری‌های خاص و سالم شهر همدان»، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی همدان*، دوره بیستم، ش ۲، ص ۶۵-۷۱.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- می، رولو، ۱۳۹۲، *انسان در جست‌وجوی خویشتن*، ترجمه سیدمهدی ثریا، چ سوم، تهران، دانژه.
- وست، ویلیام، ۱۳۸۸، *روان‌درمانی و معنویت*، ترجمه شهریار شهیدی و سلطانعلی شیرافکن، تهران، رشد.
- نیریمانی، محمد و همکاران، ۱۳۹۱، «اکارایی آموزش ایمن‌سازی روانی بر کاهش استرس، اضطراب و افسردگی دانش‌آموزان دختر مقطع پیش‌دانشگاهی»، *روان‌شناسی مدرسه*، سال اول، ش ۳، ص ۱۰۱-۱۱۱.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود و مسعود جان‌بزرگی، ۱۳۸۹، «رابطه اضطراب وجودی و اضطراب مرضی و مقایسه آنها در سه گروه افراد بزهکار، عادی و مذهبی»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۲، ص ۲۹-۴۴.
- نقوی قائی خراسانی، سیدمحمدتقی، ۱۲۹۲، *مفتاح السعاده فی شرح نهج البلاغه*، تهران، مکتبه المصطفوی.
- هادی، مهدی و مسعود جان‌بزرگی، ۱۳۸۸، «اکارایی درمان یکپارچه توحیدی بر مؤلفه‌های شخصیت و بالینی»، *روان‌شناسی و دین*، سال دوم، ش ۲، ص ۷۱-۱۰۴.
- یعقوبی، حسن، و همکاران، ۱۳۹۱، «مقایسه تأثیر رفتاردرمانی شناختی و روان‌درمانی معنوی-مذهبی بر کاهش اضطراب پنهان»، *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، سال دوم، ش ۷، ص ۱۴۶-۱۶۳.
- Berman, S. L., C. F. & stickle, T. R, 2006, Existential anxiety in adolescents: prevalence, Structure, association with psychological symptoms and identity development, *Journal of youth and adolescence*, v. 35, N. 2, p. 303-310.
- Bugental, J, F, T, 1965, *The Search Authenticity*, Holt, Rineart, and Wilson, inc, London: new York.
- Clinebell, H. J, 1965, *The Christian message and mental health*, Rethrieved from: <http://faculty.plts.edu/gpence/html/mental.htm>.
- Henrie, J. A, Religiousness, 2010, Future time Perspective, and Death Anxiety among Adults. Thesis, Master of Science in Psychology.
- Hullett, Michael. A, 1994, A Validation Study of the Existential Anxiety scale, paper presented at: Middle Tennessee Psychological Association Nashville, Tennessee, April 30.
- Kesebir, P, 2009, *Perceiving the world in sacred terms: it s buffering function against death anxiety*. Dissertation, doctor of philosophy, University of Illinois at Urbana- Champaign.
- Kierkegaard, S, 1980, *The Concept of Dread Princeton*, Princeton University Press, new Hersy.
- Richards, S.P, & Bergin, A. E. A, 2005, spiritual strategy for counseling and psychotherapy, U.S.A: American Psychological Association.
- Shreve-Neiger, A. K, & Edelstein, B, A, 2004, Religion and anxiety: A critical review of the literature, Tn Sturgeon, R. S & Hamley, R.W, Religiosity and anxiety, *Journal of Social Psychology*, v. 108, p. 379-397.

بررسی التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض زناشویی به عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق

talaieian_r@yahoo.com

dr_zahrakar@yahoo.com

رضوانه طلائیان / کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه خوارزمی

کیانوش زهرا کار / استادیار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی

دریافت: ۱۳۹۳/۴/۷ - پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۶

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض بین فردی (زناشویی)، به عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق در بین زوجین متقاضی طلاق انجام شده است. در این پژوهش توصیفی - همبستگی، تعداد ۲۷۸ نفر از مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره واقع در منطقه ۷ شهرداری شهر تهران، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، عبارت است از: شاخص بی‌ثباتی ازدواج (MII)، مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی و پرسش‌نامه سبک‌های اداره تعارض بین فردی (ICMSI). برای تحلیل داده‌های پژوهش، از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون (همبستگی چندگانه) استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان دادند که التزام عملی به اعتقادات اسلامی پیش‌بینی‌کننده طلاق است و نیز سبک‌های اداره تعارض زناشویی می‌تواند پیش‌بین خوبی برای احتمال طلاق باشد ($p < 0/01$).

کلیدواژه‌ها: التزام عملی به اعتقادات اسلامی، سبک‌های اداره تعارض زناشویی، پیش‌بینی‌کننده طلاق.

مقدمه

خانواده نظام ارتباطی منحصر به فردی دارد که با روابط دوستی و روابط کاری متفاوت است. ورود به چنین نظام ارتباطی سازمان‌یافته‌ای، صرفاً از طریق تولد یا ازدواج صورت می‌گیرد. قدرت خانواده به حدی است که به‌رغم فرسنگ‌ها فاصله میان اعضا و حتی مرگ برخی از آنان، باز هم تأثیر آن همچنان پابرجاست. ارزش اصلی خانواده، حاصل شبکه‌ی روابطی است که توسط اعضای آن به وجود آمده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۵، ص ۲۷).

ازدواج یکی از رویدادهای مهم زندگی انسانی است که می‌تواند در آغاز برای هر دو جنس زن و مرد با تجارب شیرین و خاطره‌انگیزی همراه باشد و با احساس صمیمیت، وفاداری و وابستگی و امنیت‌خاطر در کنار یکدیگر، سال‌ها تداوم یابد. اما بهره‌گیری از این مواهب در جهت ایجاد احساس آرامش روانی همسران، مستلزم رعایت اصول و قواعدی در شکل‌دهی ساختار مطلوب زندگی خانوادگی است. همان‌طور که اگر در ساخت فیزیکی خانه، اصول ایمنی رعایت نشود و بر طبق اصول و قواعد معماری و ساختمان‌سازی نباشد، ساختمان از بین خواهد رفت، زندگی هم باید بر مبنای عشق و علاقه، اما با چشم باز و دیدن موانع و مشکلات در ابتدای راه همراه باشد؛ چراکه اگر از ابتدا موانع شناسایی شوند، برای مقابله و کنار زدن آنها گام برمی‌داریم. اگر نتوانیم کاملاً آنها را از پیش پای خویش برداریم، حداقل با شناخت آنها، استرس‌هایی که در طول زندگی می‌تواند برای ما ایجاد شوند، قابل پیش‌بینی‌تر و قابل تحمل‌تر خواهند بود و تا حدی قادر خواهیم بود با کنترل آنها، زمینه‌های آسیب‌پذیری زندگی تازه پا گرفته را کاهش و یا تصدیق نماییم (جباری، ۱۳۸۵، ص ۶۳).

انسان به حکم فطرت و طبیعت اجتماعی و روانی خود، نیازمند همدلی است که با او زندگی کند و در کنار او، آرامش و سکون یابد. کانون خانواده همواره تجلی‌گاه عشق و زندگی است. طلاق بحرانی است که موجب از هم گسستن این کانون می‌شود و درصد آن در تمامی کشورهای جهان رو به افزایش است (ظهیرالدین و خدایی‌فر، ۱۳۸۲). طلاق شایع‌ترین جلوه‌ی تعارض شدید است که سرانجام، بالغ بر نیمی از زوج‌هایی که درصدد مشاوره هستند، طلاق می‌گیرند (ورثینگتون، ۲۰۰۵). طلاق به هر دلیلی، درست یا نادرست، پیامدهایی هم برای فرد و هم برای جامعه دارد. همچنین برای زن و مرد مشکلات روانی، عاطفی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌کند (صادقی‌فر، ۱۳۷۵، ص ۲۳). طلاق یکی از پیامدهای اختلافات زناشویی و یکی از پراسترس‌ترین وقایع زندگی محسوب می‌شود و با اختلالات جسمی و روانی در ارتباط است (کریستنسن و هوی، ۱۹۹۹).

امروزه انتظارهای زوجین از رابطه زناشویی بیشتر، گسترده‌تر و در بسیاری از موارد، غیرمنطقی‌تر شده‌اند و حتی توانسته‌اند زمینه سرخوردگی از زندگی زناشویی را فراهم آورند (لاوینگر و هاستون، ۱۹۹۰، ص ۱۹). از همسران انتظار می‌رود تا یک رابطه انحصاری توأم با صداقت، علاقه، عاطفه و نیز صمیمیت و حمایت از خود نشان دهند. تقریباً همه زوج‌ها در ابتدای زندگی زناشویی، سطح بالایی از رضایت را گزارش می‌کنند (مارکمن و هالوگ، ۱۹۹۳). اما این رضایت، در خلال زمان کاهش می‌یابد. معتبرترین شاخص این عدم رضایت و آشفته‌گی، طلاق است (برادبری، ۱۹۹۵).

طلاق پدیده‌ای چند عاملی است؛ به این معنا که عوامل سبب‌ساز آن چندبعدی و دارای پیچیدگی خاص خود هستند. بدین سبب، می‌توان این معضل را از دیدگاه‌های مختلفی بررسی کرد. از دیدگاه روان‌شناختی، اگر طلاق را نوعی رفتار بپذیریم؛ یعنی طلاق به عنوان واکنشی رفتاری در برخورد با مشکلات و ناسازگاری‌های زناشویی (الیس، ۱۳۷۵، ص ۲۴)، عوامل متعددی در بروز این رفتار و استرس‌های ناشی از آن نقش داشته دارند. در این زمینه، التزام عملی به اعتقادات اسلامی، تعارضات زناشویی و سبک‌های اداره و مدیریت تعارض نیز می‌توانند در فرایند طلاق تأثیرگذار باشد.

از آنجاکه، دین و دین‌داری و التزام عملی به اعتقادات اسلامی می‌تواند در وقوع یا عدم وقوع طلاق مؤثر باشد، پس حائز اهمیت است. دین به شکل خاصی در هر فرهنگ شناخته شده‌ای وجود دارد. همچنین، دین یک واقعیت مشخص عینی است که مورخان آن را مطالعه می‌کنند. دین را می‌توان از دیدگاه آیین‌ها، شخصیت‌های نمادین و انواع دعاها بررسی کرد. فرد دیندار، به نوعی با یک منبع الهی و منبع آفرینش، که بر زندگی بشر و امور طبیعی تأثیر دارد، ارتباط برقرار می‌کند (آرین، ۱۳۸۷، ص ۵۰). به گفته گورساج (۱۹۸۸)، آگاهی درباره مذهب به اندازه سایر ضمایم پایگاه اطلاعاتی روان‌شناختی ارزشمند است و نیازی نیست که اهمیت مذهب را در زندگی افراد نشان داد.

منظور از دین‌داری، اعتقاد راسخ به دین در عمل به فرایض آن است؛ یعنی افرادی که ظاهری دینی دارند، اگر از حقایق دین، آگاهی نداشته باشند، دیندار نیستند. بر اساس مطالعات انجام شده، وجود باورهای مذهبی در پیشگیری از بیماری‌های روحی و روانی مؤثر است. فقدان چنین باورهایی، موجب ایجاد آنها می‌گردد. باورهای مذهبی قوی موجب می‌شود که افراد، کمتر در معرض فشارهای روانی و آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق قرار گیرند (بهرامی‌احسان، ۱۳۸۱). اسلام طلاق را آخرین راه می‌داند، تا جایی که از آن به عنوان مبعوض‌ترین حلال خداوند

یاد نموده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «ازدواج کنید و طلاق ندهید؛ زیرا عرش الهی از طلاق به لرزه در می‌آید» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۰۴). معمولاً در بیشتر جوامع، باورهای دینی به عنوان یک ارزش مسلم محسوب می‌شود و سایر ارزش‌های انسانی تحت تأثیر باورهای دینی قرار دارند. التزام عملی به اعتقادات دینی، به عنوان عامل بازدارنده بسیاری از بیماری‌های روانی، توجه روان‌شناسان و دانشمندان را به خود جلب کرده است. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد، اعتقاد و التزام عملی به مذهب تأثیر عمیقی در زندگی فردی و اجتماعی افراد دارد. این مهم موجب ارتقای سطح سلامت روانی و کاهش آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق می‌شود. سلامت افراد به شدت با رفتارهایی که در بافت اجتماعی - فرهنگی یاد گرفته می‌شود، ارتباط دارد. به درستی ثابت شده است که یادگیری‌های اجتماعی و فرهنگی، از جمله گرایش‌های مذهبی بر سلامت روانی افراد تأثیرگذار است (رو و ونگ، ۲۰۰۶).

التزام عملی به وظایف و عقاید دینی، یعنی فرد انجام تکالیف دینی را بر خود بایسته بداند. در اصطلاح دینی، ایمان به معنای باور قلبی و التزام به مقام عمل آمده است. ایمان نمی‌تواند منشأ عمل نگردد و هر دو، یعنی ایمان و عمل، دو جلوه از یک حقیقت هستند. اگر عمل بدون اعتقاد قلبی و باور به حقانیت آن از فرد صادر شود، نشان ایمان او نیست، تنها عملی مقبول در درگاه الهی خواهد بود که متکی به ایمان باشد (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۷۶ و ۳۲۰). اعمال و رفتار دینی، به چند دسته تقسیم می‌شوند که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱. رفتار فردی: منظور از «رفتار فردی»، کلیه اعمالی است که در محدوده رابطه انسان با خود و خدای خود مطرح می‌شود. فرد بر حسب معارف و شرایع دینی، خود را موظف به انجام آنها می‌داند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: نماز، روزه، ذکر، توکل، اطاعت از خدا، تقوا و اجتناب از گناه، اخلاص، سپاس و شکر، حفظ عزت نفس، تقویت اراده یا تصمیم‌گیری مناسب، رعایت بهداشت روانی و جسمی، پرورش نیروی عقلانی، پرهیز از تبعیت وهم، حدس و گمان، کسب علوم و معرفت، فضیلت‌جویی، رفع نیازها به صورت متعادل، پرهیز از لغو، صبر (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۵).

۲. رفتار اجتماعی - سیاسی: رفتار اجتماعی - سیاسی عبارت از: کلیه اعمال و رفتار اجتماعی است که فرد دیندار براساس شرایع اسلام ملزم به رعایت آنها می‌باشد که عبارتند از: تعاون و همکاری، سازگاری، وفای به عهد، سخاوتمندی، حلم، احسان، ایثار، پاسداری از شخصیت مؤمن، اطاعت از

قانون، خوش‌اخلاقی و نیکوسازی رفتار، امر به معروف و نهی از منکر، عفو و گذشت، اصلاح بین افراد، ابراز همدردی با مؤمن، ابراز مخالفت با مفسدان، جهاد و یاری مظلوم، حج، کوشش برای برقراری حکومت دینی و پشتیبانی از حکومت صالحان، اطاعت از ولی امر.

۳. رفتار اقتصادی: منظور از «رفتار اقتصادی» بایدها و نبایدهایی است که در شریعت اسلام، برای رشد سالم اقتصادی و کسب معاش در جامعه مطرح می‌شود. فرد مؤمن با توجه به تمایلات و نیازهای خود، ملزم به رعایت آنها شده است. آنها عبارتند از: کار اقتصادی و تولید، توزیع عادلانه، مصرف مناسب، ادای حقوق مالی، تقدیر در معیشت، پرهیز از اسراف و تبذیر، پرهیز از حرص (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۷۴، ۲۶۴، ۳۱۶ و ۴۸۲).

تعارض جزء لاینفک زندگی انسان و امری کاملاً طبیعی است که در طول تاریخ همواره با زندگی انسان همزاد بوده است. داستان‌ها و تمثیلات قرآن کریم و بیان عناوین خیر و شر، حق و باطل، عدل و ظلم، نور و ظلمت و نیز داستان‌هایی چون موسی علیه السلام و فرعون، یوسف علیه السلام و برادران، اصحاب کهف و... همه نشانگر وجود تعارض می‌باشند (شاهرکنی، ۱۳۸۰).

منابع تعارض عبارتند از:

زمینه‌های اجتماعی، شامل تغییر روابط افراد، به دلایل مختلف و تغییرات اجتماعی ناشی از دوره‌های مختلف زندگی زناشویی، تقسیم مسئولیت‌های والدین، فشارهای اقتصادی و بی‌ثباتی‌های اجتماعی می‌باشد.

فشارهای موقعیتی، شامل حوادث غیرقابل پیش‌بینی و قابل پیش‌بینی، بیماری‌های کهنه، مرگ والدین و... است.

تفاوت‌های ادراکی، شامل متفاوت دیدن موقعیت برای شروع و ادامه زندگی از سوی زن و همسر. مشکلات رفتاری، شامل ناهمبندی‌های رفتاری، مشکلات مربوط به نحوه گفت‌وگو به دلیل تدابیر توافقی ناقص و اختلاف به دلیل تغییر بر اثر مراحل رشدی خانواده که موجب تغییر در چرخه رشد خانواده می‌شود (پاترسون و همکاران، ۱۹۸۵).

تعارضات زناشویی، دارای هفت بعد کاهش همکاری، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، کاهش رابطه جنسی و جدا کردن امور مالی از یکدیگر می‌باشد (ثنایی‌ذاکر و همکاران، ۱۳۸۷). گرچه انسان و تعارض همچون دو برادر (همزاد) با هم زاییده شده و رشد

یافته‌اند، اما با همهٔ قدمتی که تعارض در زندگی بشر دارد، تنها در چند دههٔ اخیر، به صورت علمی مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. در میان زوجین و افراد یک خانواده نیز تعارض تا حدی طبیعی به نظر می‌رسد. زن و مرد، که هریک دارای ویژگی‌های شخصیتی، نیازها، باورها، ارزش‌ها، انتظارات و ادراکات متفاوتی هستند، این عوامل سبب بروز اجتناب‌ناپذیر تعارض در بین آنها شده است. هر چند بسیاری از افراد، وجود تعارض، تضاد و اختلاف را به عنوان یک پدیدهٔ منفی تلقی می‌کنند، اما کنترل دقیق و مدیریت صحیح آن موجب می‌شود تعارض به پدیده‌ای سازنده و مثبت تبدیل گردد (حقیقی، ۲۰۰۲، ص ۱۱۰).

سبک‌های تعارض، پاسخ‌ها یا مجموعه‌ای از رفتارهای الگوبرداری شده هستند که افراد در هنگام تعارض از آنها استفاده می‌کنند. در مقابل، تاکتیک‌ها، حرکات فردی هستند که افراد برای عملی کردن دید کلی خود انجام می‌دهند. بنابراین، سبک‌ها تصویر بزرگی را توصیف می‌کنند، درحالی‌که تاکتیک‌ها گوشه‌های ارتباطی خاصی از این تصویر بزرگتر را توصیف می‌کنند. تاکتیک‌ها چنین به ذهن می‌آورند که هر حرکتی برنامه‌ریزی شده است، اما اکثر مردم حرکات خود را طراحی نمی‌کنند، بلکه فقط عمل می‌کنند. وقتی از تاکتیک‌های زیاد استفاده شود، تبدیل به سبک، یعنی پاسخ برنامه‌ریزی شده، می‌شود (ویلموت و هاکر، ۲۰۰۰، ص ۳۹).

این پژوهش، بر آن است که رابطهٔ بین احتمال طلاق و دو عامل، التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های ادارهٔ تعارض زناشویی را بررسی کند. پرسش اصلی این پژوهش، عبارت است از: آیا التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های ادارهٔ تعارض زناشویی، می‌توانند پیش‌بینی‌کنندهٔ طلاق باشند؟ بنابراین، در این پژوهش فرضیهٔ زیر بررسی می‌شود:

التزام عملی به اعتقادات اسلامی، پیش‌بینی‌کنندهٔ طلاق است.

سبک‌های ادارهٔ تعارض زناشویی، پیش‌بینی‌کنندهٔ طلاق است.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع پژوهش‌های توصیفی - همبستگی است.

جامعهٔ آماری در این پژوهش، مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاورهٔ واقع در منطقهٔ ۷ شهرداری شهر تهران می‌باشد. حجم جامعه ۱۰۰۰ نفر است که براساس آن، تعداد نمونه از طریق جدول مورگان انتخاب شده‌اند. شیوهٔ نمونه‌گیری در دسترس و همچنین جامعهٔ آماری به صورت در دسترس انتخاب شد.

مراکز مشاوره منطقه هفت تهران، از طریق اطلاعات مندرج در کتاب *کتاب اول* و نیز جست‌وجو در اینترنت مشخص شدند. تعداد آنها ۲۵ مرکز بود. به صورت تصادفی با ۱۰ مرکز تماس برقرار شد و آمار مراجعان روزانه با شکایت «مشکلات زناشویی» به صورت تخمینی جمع‌آوری شد. در حال حاضر، تعداد مراجعان مراکز مشاوره منطقه ۷ تهران، با شکایت «مشکلات زناشویی» حدوداً ۴۰ نفر در روز محاسبه شد. این عدد ضرب در ۲۵ مرکز مشاوره، برابر با ۱۰۰۰ می‌شود که این عدد برابر با حجم جامعه مورد پژوهش است. طبق این تعداد حجم جامعه و بر اساس جدول مورگان، تعداد حجم نمونه ۲۷۸ نفر برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS 21 استفاده شده است.

ابزارهای پژوهش

الف. شاخص بی‌ثباتی ازدواج (MII): در این پژوهش، برای اندازه‌گیری بی‌ثباتی ازدواج یا احتمال طلاق از پرسش‌نامه «بی‌ثباتی ازدواج» استفاده شد. این پرسش‌نامه ابزاری ۱۴ سؤالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات زناشویی، بخصوص مستعد طلاق بودن تدوین شده است. این ابزار، متکی بر این نظر است که برای ارزیابی بی‌ثباتی و خطر بالقوه طلاق زن و شوهر، باید هم شناخت و هم رفتار به حساب آورده شود. این مقیاس در دو قسمت آورده شده است: قسمت اول، در کنار سنجش چند عامل دیگر ریسک ازدواج که در قسمت دوم آمده، می‌تواند دقت مشاور را افزایش دهد. این آزمون در ایران توسط یاری‌پور (۱۳۷۹) بر روی ۵۰ زوج متقاضی طلاق در محاکم دادگستری استان قم که به مرکز مداخلات مشاوره خانواده ارجاع داده شده بودند (به عنوان گروه آزمایشی) و ۵۰ زوج غیرارجاعی براساس احتمال طلاق بالا (به عنوان گروه کنترل) اجرا شد. روش نمونه‌گیری این پژوهش، نمونه‌گیری در دسترس بود. جامعه آماری را زوجین متقاضی طلاق ساکن قم (۴۰۰ نفر) با حداقل سه سال زندگی مشترک تشکیل می‌دادند (یاری‌پور، ۱۳۷۹).

روایی آزمون: «شاخص بی‌ثباتی ازدواج» از روایی پیش‌بین بسیار خوبی برخوردار است. از گروه نمونه‌ای که در سال ۱۹۸۰ هیچ نشانه‌ای از بی‌ثباتی روانی نشان نداده بودند، فقط ۳٪ در سال ۱۹۸۳ به ازدواج خود پایان دائمی دادند. درحالی‌که ازدواج اشخاصی که نمره آنها در نهایت مقابل آن بود، ۲۷٪ یعنی، نه برابر گروه اول از هم پاشید. تحقیقات بعدی نشان داد که این شاخص، از روایی سازه خوبی برخوردار است. با مقیاس‌های مربوط به مشکلات و اختلافات زناشویی

همبستگی مثبت، و با مقیاس‌های مربوط به تعامل و خرسندی زناشویی همبستگی منفی دارد (ثنایی‌ذاکر و همکاران، ۱۳۸۷). در پژوهش یاری‌پور (۱۳۷۹)، برای ارزیابی روایی محتوایی آزمون «شاخص بی‌ثباتی ازدواج»، از نظرات چندین تن از استادان متخصص استفاده شد که جملگی بر روایی سؤالات آزمون صحه گذاشتند.

پایایی آزمون: «شاخص بی‌ثباتی ازدواج»، با ضریب آلفای ۰/۹۳ از یک همسانی درونی عالی برخوردار است. در پژوهش یاری‌پور (۱۳۷۹)، برای محاسبه ضریب پایایی این ابزار از روش دو نیمه کردن استفاده شد که برای تعیین هماهنگی درونی آزمون به کار می‌رود. ضریب قابلیت پایایی برای کل آزمودنی‌ها $F11 = 0/70$ به دست آمد. توضیح اینکه، پژوهش مذکور بر روی زوج‌هایی به عمل آمد که از طریق دادگاه قم، به مرکز مداخلات مشاوره خانواده ارجاع داده شده بودند.

ب. مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی: در این پژوهش، برای اندازه‌گیری متغیر التزام عملی به اعتقادات اسلامی، از «مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی» استفاده شد.

روایی آزمون: برای بررسی روایی ابزار اندازه‌گیری التزام عملی به اعتقادات اسلامی، از نظر متخصصان استفاده شد. تعدادی از روحانیون و اندیشمندان مسلمان و تعدادی از استادان دانشگاه «مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی» را ابزاری نسبتاً مناسب برای اندازه‌گیری التزام عملی افراد به اعتقادات اسلامی دانستند (نویدی و عبداللهی، ۱۳۷۷). روایی «مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی»، به طریق دیگری نیز بررسی شد. تعداد ۳۵ نفر از دانش‌آموزان در مطالعه مقدماتی، به پرسش‌نامه موردنظر پاسخ دادند. همین افراد، در یک مصاحبه انفرادی شرکت کردند و توسط پژوهشگران از لحاظ میزان پایبند بودن به اعتقادات اسلامی بر روی یک مقیاس ۲۰ درجه‌ای رتبه‌بندی شدند. افزون بر این، همان دانش‌آموزان توسط مسئولان واحد آموزشی از لحاظ التزام به اعتقادات اسلامی، در روی یک مقیاس ۲۰ درجه‌ای رتبه‌بندی شدند. سپس، همبستگی بین پاسخ‌های کتبی دانش‌آموزان و امتیاز مصاحبه، محاسبه شد. ضریب همبستگی بین امتیازی که مصاحبه‌گر به میزان پایبند بودن به هر دانش‌آموز اختصاص داده بود، و نمره‌ای که دانش‌آموز از طریق پاسخ دادن به پرسش‌نامه کسب کرده بود، برابر با ۸۶٪ به دست آمد (همان). همچنین ضریب همبستگی بین پاسخ کتبی دانش‌آموزان به پرسش‌نامه موردنظر و رتبه‌بندی اولیای واحد آموزشی محاسبه شد. ضریب همبستگی مربوط برابر با ۵۷٪ بود. بنابراین، به نظر می‌رسد ابزار اندازه‌گیری التزام عملی به اعتقادات اسلامی، از روایی کافی برخوردار است (همان).

پایایی آزمون: برای بررسی پایایی مقیاس خودسنجی التزام عملی به اعتقادات اسلامی نیز از روش بازآزمایی استفاده شد. مدت زمان فاصله بین اجرای دو آزمون یک هفته بود. ضریب پایایی به دست آمده بر اساس روش بازآزمایی برابر با $r_{xx} = .81$ بود. بنابراین، درباره پایایی ابزار اطمینان کافی وجود دارد (همان).

ج. پرسش‌نامه سبک‌های اداره تعارض بین فردی (ICMSI): در این پژوهش، برای سنجش سبک‌های اداره تعارض زناشویی از پرسش‌نامه «سبک‌های اداره تعارض بین فردی (ICMSI)» استفاده شد. این پرسش‌نامه را رحیم (۱۹۸۳) برای سنجش پنج سبک اداره تعارض بین فردی ابداع کرد. محققان زیادی رویکرد پنج سبکی را به کار گرفته‌اند و از کاربرد آن حمایت کرده‌اند (گریف و بریونه، ۲۰۰۰). فرم اولیه پرسش‌نامه‌ای که برای سنجش سبک‌های مدیریت تعارض در این پژوهش به کار رفته، در اصل ساخته رحیم (۱۹۸۳) بوده است که دارای ۲۸ سؤال بوده است و سبک‌های مدیریت تعارض رحیم را مورد سنجش قرار می‌داد. اما به دلیل اینکه سبک‌های مدیریت تعارض کیلمن و توماس (۱۹۷۵)، پرکاربردترین و رایج‌ترین سبک‌های مورد استفاده شناخته شده بود، ویلموت و هاکر (۲۰۰۰) پرسش‌نامه رحیم (۱۹۸۳) را مطابق با سبک‌های کیلمن و توماس (۱۹۷۵) بازسازی کردند و با اندکی تغییر در سؤالات، به شکل کنونی تبدیل نمودند (ویلموت و هاکر، ۲۰۰۰، ص ۸۸). این پرسش‌نامه، شامل ۲۵ سؤال با طیف لیکرت است که پنج سبک اداره تعارض بین فردی (زناشویی) را می‌سنجد. سبک‌های این مقیاس به شرح زیر است: سبک اجتناب، سبک رقابت، سبک مصالحه (سازش)، سبک مدارا (همسازی)، سبک همکاری. هر سبک دارای ۵ سؤال است. مجموع نمرات پنج سبک بیانگر نمره کل سبک‌های اداره تعارض بین فردی است. هر سؤال آزمون دارای یک مقیاس پنج درجه‌ای است. نمره بالا در این آزمون، حاکی از سبک‌های ترجیحی رایج و نمره پایین، دال بر سبک ترجیحی نادر در اداره تعارض بین فردی است. دامنه نمرات کل پرسش‌نامه، بین ۲۵ تا ۱۲۵ است. در مواردی نمرات شخص در دو سبک همسان می‌باشد. در این صورت، سبک‌های تلفیقی مطرح است که براساس پاسخ آزمون‌شوندگان، می‌تواند ترکیب‌های متفاوتی به خود بگیرد. سبک‌های تلفیقی احتمالی بین زوج‌ها عبارتند از: سبک رقابت و اجتناب، سبک همکاری و اجتناب، سبک اجتناب و مدارا، سبک مصالحه و مدارا (بهاری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). در این پرسش‌نامه، هر سبک توسط پنج گویه به ترتیبی که در زیر آمده است، سنجیده می‌شود:

- سبک اجتناب: ۱-۶-۱۱-۱۶-۲۱

- سبک رقابت: ۲-۷-۱۲-۱۷-۲۲

- سبک مصالحه (سازش): ۳-۸-۱۳-۱۸-۲۳

- سبک مدارا (همسازی): ۴-۹-۱۴-۱۹-۲۴

- سبک همکاری: ۵-۱۰-۱۵-۲۰-۲۵

پایایی و روایی آزمون: این پرسش‌نامه، ابتدا روی ۵۷ زوج اجرا شد که مدت ازدواج آنها از ۲۰ سال تا بالای ۳۰ سال بود. میانگین سبک‌های اداره تعارض بین فردی (زناشویی)، برای افراد مؤنث برابر با ۸۳/۸۸ و برای افراد مذکر ۸۳/۳۰ بود. پرسش‌نامه سبک‌های اداره تعارض بین فردی، با ضریب آلفای ۰/۷۱ از همسانی خوبی برخوردار است (بهراری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲). این ابزار، از نظر همسانی درونی و اعتبار بازآزمایی با ابزارهای دیگر مقایسه شده است. به نظر می‌رسد، روش اختیار-اجبار در اعتبار سازه آزمون نقش دارد. پایایی حاصل از بازآزمون به میزان متوسطی (تقریباً) بالا و در سایر سبک‌ها همسان هستند. متوسط همبستگی برای ICMSI، ۰/۶۴ است (گریف و بریونه، ۲۰۰۰). برای تعیین روایی محتوایی، سؤالات به چند تن از استادان نشان داده شد، بعد از بررسی روایی محتوایی آن تأیید شد. به منظور تعیین پایایی، این پرسش‌نامه در یک مطالعه مقدماتی روی یک گروه ۶۰ نفری از زنان و مردان عادی اجرا و پایایی این ابزار با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ، به ترتیب برای سبک اجتناب برابر با ۰/۷۳، برای سبک رقابت ۰/۷۷، برای سبک مصالحه ۰/۶۴، سبک مدارا ۰/۶۸، برای سبک همکاری ۰/۷۲ و برای کل مقیاس‌های سبک‌های اداره تعارض برابر با ۰/۸۷ به دست آمد (همان).

یافته‌های پژوهش

پس از بررسی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری به تحلیل اطلاعات پرداخته شد. یافته‌های به دست آمده در جداول زیر به طور خلاصه آورده می‌شود:

جدول ۱. همبستگی پرسون بین احتمال طلاق و التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض زناشویی

التزام عملی به اعتقادات اسلامی		سبک‌های اداره تعارض زناشویی (نمره کلی)
احتمال طلاق	-۰/۳۰۶***	-۰/۳۱۹***

p < 0/01***

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌گردد، بین احتمال طلاق و التزام عملی به اعتقادات اسلامی، در سطح معناداری ۰/۰۱، رابطه منفی برقرار است. همچنین بین احتمال طلاق و سبک‌های اداره تعارض زناشویی رابطه منفی وجود دارد (۰/۰۱ < p).

جدول ۲. همبستگی پیرسون بین احتمال طلاق و ریزمقیاس‌های متغیر سبک‌های اداره تعارض زناشویی

سبک اجتناب	سبک رقابت	سبک مصالحه	سبک مدارا	سبک همکاری
۰/۱۴۷*	۰/۰۷۰	۰/۳۱۶**	۰/۲۵۶**	۰/۴۳۰**

$$p < ۰/۰۵ \quad p < ۰/۰۱$$

با توجه به نتایج موجود در جدول ۲، از میان خرده‌مقیاس‌های سبک‌های اداره تعارض زناشویی، بین احتمال طلاق و سبک‌های اجتناب، مصالحه، مدارا و همکاری، رابطه منفی وجود دارد. همچنین بین احتمال طلاق و سبک رقابت رابطه معناداری وجود ندارد. علاوه بر تحلیل همبستگی، برای تعیین دقیق‌تر رابطه و همچنین تشخیص سهم متغیر پیش‌بین و خرده‌مقیاس‌های آن در تبیین متغیر ملاک از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. در این تحلیل، التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض زناشویی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و مؤلفه احتمال طلاق، به‌عنوان متغیر ملاک، وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج این تحلیل در جداول بعد گزارش شده است.

جدول ۳. ضریب همبستگی چندگانه (ضریب رگرسیون) برای پیش‌بینی احتمال طلاق از روی التزام عملی به اعتقادات اسلامی

و سبک‌های اداره تعارض زناشویی و خرده‌مقیاس‌های آن

مدل	R	R ²	R ² تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۱	۰/۴۸۲	۰/۲۳۲	۰/۲۱۲	۱۰/۹۵۴

در جدول ۳ مقادیر R، R² و R² تعدیل شده مشاهده می‌گردد. در این جدول، مقدار R² تعدیل شده بسیار مهم بوده و میزان برازندگی مدل را نشان می‌دهد. مقدار این ضریب، بین صفر تا یک می‌باشد؛ هرچه به یک نزدیک‌تر شود، دقت بیشتر مدل را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، این مقدار در تحلیل فوق برای کل نمونه برابر با ۰/۲۱۲ می‌باشد که بیانگر ۲۱ درصد تغییرات احتمال طلاق به متغیرهای پیش‌بین وابسته است.

جدول ۴. تحلیل واریانس نمرات احتمال طلاق بر التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض زناشویی

کل نمونه	شاخص آماری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری (P)
	رگرسیون	۹۷۹۲/۴۲۱	۷	۱۳۹۸/۹۱۷	۱۱/۶۵۸	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۳۲۳۹۹/۹۵۳	۲۷۰	۱۲۰/۰۰۰		
	مجموع	۴۲۱۹۲/۳۷۴	۲۷۷			

در جدول ۴ مقدار ANOVA گزارش شده که آن مقدار اعتبار آماری مدل را ارزیابی می‌کند. با توجه به اینکه سطح معناداری در این جدول، کمتر از ۰/۰۰۱ می‌باشد، می‌توان تأثیر متغیرهای پیش‌بین در متغیر ملاک را از لحاظ آماری پذیرفت. حال از آنجاکه مقدار ضریب رگرسیون معنادار می‌باشد، می‌توان به وسیله جدول ضرایب رگرسیون استاندارد شده و استاندارد نشده میزان اهمیت و معناداری هریک از مؤلفه‌های متغیر پیش‌بین را در تعیین متغیر ملاک به تفکیک مشخص نمود.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون استاندارد شده و استاندارد نشده

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	
		Beta	خطای استاندارد	B	متغیر
۰/۰۰۰	۸/۵۸۷		۵/۵۷۹	۴۷/۹۱۱	(Constant)
۰/۰۰۱	-۳/۲۶۳	-۰/۱۹۷	۰/۰۲۳	-۰/۰۷۶	التزام عملی به اعتقادات
۰/۰۰۰	-۴/۴۷۰	-۰/۲۵۱	۰/۰۵۸	-۰/۲۵۹	سبک‌های اداره تعارض
۰/۱۳۰	۱/۵۱۹	۰/۱۸۷	۰/۴۵۳	۰/۶۸۹	سبک اجتناب
۰/۰۸۷	۱/۷۲۰	۰/۲۲۸	۰/۴۳۷	۰/۷۵۲	سبک رقابت
۰/۸۹۷	۰/۱۳۰	۰/۰۱۶	۰/۴۸۷	۰/۰۶۳	سبک مصالحه
۰/۴۰۸	۰/۸۲۹	۰/۱۱۳	۰/۴۴۵	۰/۳۶۹	سبک مدارا
۰/۱۷۳	-۱/۳۶۵	-۰/۱۸۹	۰/۴۴۲	-۰/۶۰۴	سبک همکاری

بر اساس جدول ۵ و با توجه به سطوح معناداری، التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض زناشویی (نمره کلی)، می‌توانند میزان احتمال طلاق را پیش‌بینی کنند. با توجه به ضریب بتا می‌توان گفت: تغییری به اندازه یک انحراف معیار التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض زناشویی (نمره کلی)، به ترتیب، موجب $-۰/۱۹۷$ و $-۰/۲۵۱$ - انحراف معیار تغییر در نمره احتمال طلاق می‌شود. با توجه به جدول بالا و بر اساس متغیرهای پیش‌بین معنادار معادله رگرسیون به صورت زیر می‌باشد.

$$(-۰/۲۵۹ \times \text{سبک‌های اداره تعارض زناشویی}) + (-۰/۰۷۶ \times \text{التزام عملی به اعتقادات اسلامی}) + ۴۷/۹۱۱ = \text{احتمال طلاق}$$

در کل نمونه، به عنوان مثال عدد $۴۷/۹۱۱$ مقدار عدد ثابت (Constant) و $-۰/۰۷۶$ - ضریب نوشته شده برای التزام عملی به اعتقادات اسلامی و $-۰/۲۵۹$ - ضریب نوشته شده برای سبک‌های اداره تعارض زناشویی، در ستون B می‌باشد. علامت منفی قبل این ضرائب، نشان‌دهنده رابطه منفی و معکوس این متغیر با احتمال طلاق می‌باشد؛ یعنی با افزایش نمره التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض زناشویی میزان احتمال طلاق کمتر می‌شود (و بعکس).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه حاکی از این است که التزام عملی به اعتقادات اسلامی و می‌تواند پیش‌بین خوبی برای احتمال طلاق باشد. بنابراین، فرضیه اول یعنی «التزام عملی به اعتقادات اسلامی پیش‌بینی‌کننده طلاق است»، تأیید شد.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت: اسلام با آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی، مدلی را برای روابط همسران تبیین می‌کند که با آگاهی و رعایت این آموزه‌ها از سوی همسران، ارتباط سازنده متقابل بین آنها بیشتر برقرار می‌شود و متقابلاً طلاق و جدایی را کاهش می‌دهد. اساس اسلام، توحید و یگانگی خداوند متعال است (طباطبائی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۴۴). اعتقاد به یگانگی خدا و قدرت بی‌نهایت و اراده مؤثر او، که فوق همه اراده‌هاست، به یکپارچگی و انسجام شخصیت زوجین کمک می‌کند. وقتی همسری معتقد باشد که تمام رویدادها و حوادث از سوی خداست (حدید: ۲۲ و ۲۳؛ نساء: ۷۸)، رزق به دست اوست (آل عمران: ۳۸؛ نور: ۳۷)، مصلحت و خیر امور توسط او رقم می‌خورد (بقره: ۲۱۶)، در برابر بسیاری از حوادث زندگی، که مانع از برقراری ارتباط متقابل زوجین شده و موجب تعارض و طلاق می‌شود، مقاومت می‌کند و با توکل بر خداوند، صبوری، مدارا، بخشش، تقوا و ورزیدن، قناعت‌ورزی، رعایت حقوق متقابل و تدبیر صحیح برای حل مشکلات، اقدام می‌کند. اعتقادات مذهبی و باورهای دین اسلام، به زندگی و جزئیات آن معنا و مفهوم می‌بخشد، از این رو، زندگی و عناصر مربوط به آن رنگ تقدس و دینی به خود می‌گیرد. برای نمونه، ازدواج در فرهنگ دینی فقط ارضای تمایلات جنسی و غریزی نیست، بلکه عبادتی است که در پرتوی آن انسان به تعالی و قرب الهی نائل می‌شود. آنچه در قرآن و روایات از این عبادت نقل شده، حکایت از این دارد که ازدواج یکی از آیات الهی است (روم: ۲۱)، که خداوند سکونت انسان را در آن قرار داده و خود، مودّت را بین زوجین برقرار کرده، تا جایی این عبادت را متعالی می‌شمارد که حتی ارزش و فضیلت نماز که ستون دین معرفی شده، به وسیله ازدواج افزایش می‌یابد (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱).

مذهب راهنمایی‌هایی کلی در اختیار بشر قرار می‌دهد که اگر انسان‌ها بدان‌ها عمل نمایند، منجر به استحکام پیوند زناشویی می‌گردد. این راهنمایی‌ها، شامل قوانینی در مورد روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی، از خودگذشتگی و حل تعارضات در روابط زناشویی می‌باشد. یکی از دلایلی که نشان می‌دهد مذهب می‌تواند دیدگاه فکری زوجین را تحت تأثیر قرار دهد، این است که، احتمال اینکه افراد مذهبی‌تر ازدواج خود را دارای کیفیتی معنوی ببینند، بیشتر می‌باشد (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۳).

از سوی دیگر، التزام عملی به وظایف دینی و اسلامی از سوی زوجین پایبند به مذهب، می‌تواند در پایبندی آنها به زندگی و دوری از طلاق، تأثیر مهمی داشته باشد؛ بدین صورت که زوجین مؤمن خود را موظف به انجام دستورات دینی و اخلاقی دانسته و معتقدند که در صورت انجام دادن تکالیفشان به خدای خویش نزدیک‌تر شده‌اند. رحمت او را به سمت خود جذب می‌کنند. اما در صورت انجام ندادن

و سرکشی از وظایفشان از خدای خویش دور شده، زمینه غضب او را فراهم می‌کنند. برای نمونه، خانمی که می‌داند رضای الهی در پرتوی اطاعت شوهر است، از همسرش اطاعت می‌کند. یا شوهری که می‌داند رضای الهی در پرتوی مدارا نمودن با همسرش، معاشرت نیکو با او و رعایت حقوق او محقق خواهد شد. سعی می‌کند که روابط خود را به این سمت جهت دهد. به نظر می‌رسد، تعبیر اسلام از تعامل بین همسران، لباس بودن زوجین برای همدیگر است (بقره: ۱۸۷). باور به اعتقادات دینی و رعایت آموزه‌های اسلام، به زن و شوهر کمک می‌کند که در روابط زناشویی خود چنین تعاملی را داشته باشند (جان‌بزرگی، ۱۳۷۸، ص ۷۱).

بنابراین، می‌توان احتمال طلاق را از طریق پایبندی مذهبی و التزام عملی به اعتقادات اسلامی پیش‌بینی کرد. در صورتی که زوجین پایبند به مذهب و اعتقادات اسلامی باشند، میزان مستعد بودنشان برای طلاق کمتر است. در مقابل، هرچه پایبندی‌شان به اعتقادات اسلامی کمتر باشد، بی‌ثباتی ازدواجشان بیشتر خواهد بود.

پژوهش حاضر با یافته‌های تحقیق کال و هیتون (۱۹۹۷)، که نشان داده‌اند مذهب و معنویت بر پایداری رابطه زناشویی مؤثر است و می‌تواند روابط زناشویی را تقویت نموده، استحکام بخشد و توضیح و تبیین نماید، هم‌سو است؛ زیرا این نتایج بیان می‌کند، در صورتی که زوجین پایبند به مذهب باشند، رابطه زناشویی آنها پایدار خواهد شد. در نتیجه، روابط آنها استحکام می‌یابد.

یافته‌های این پژوهش، با یافته‌های مارگارت و همکاران (۱۹۹۰)، سولیوان (۲۰۰۱)، هانلر و گنچوز (۲۰۰۵) و اورتینگال و ونستیوگن (۲۰۰۶)، همسویی دارد. کلیه این پژوهش‌ها نیز به وجود رابطه مثبت بین دین‌داری و رضایت زناشویی صحه داشته و دینداری را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر احساس رضایت از زندگی زناشویی در نظر گرفته‌اند.

در تحقیق الیسون (۱۹۸۳)، مشاهده شد که افراد دارای گرایش مذهبی بالا دارای خشنودی بیشتری از زندگی هستند و شادمانی و نشاط بیشتری دارند و در برخورد با رویدادهای رنج‌آور زندگی مانند مرگ، طلاق و...، پیامدهای روانی-اجتماعی منفی کمتری را نشان می‌دهند. یافته پژوهش الیسون با یافته‌های این پژوهش همسویی دارد.

در تحقیقی که برگین (۱۹۸۳) انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که دانشجویان مذهبی اغلب در دامنه بهنجار مقیاس‌های اضطراب و افسردگی، مفهوم خود، باورهای غیرعقلانی و سایر اندازه‌های عینی ارزشیابی شخصیت و سلامت روانی قرار می‌گیرند. این یافته‌ها و تحقیقات دیگری که از دهه ۸۰ به بعد

انجام شد، نشان می‌دهند که اعتقادات مذهبی عملاً در خدمت سلامت روانی هستند. شواهد پژوهشی به صورت روزافزون از این موضوع حمایت می‌کنند.

همچنین در مطالعه میتون (۱۹۸۹)، رابطه میان ارتباط با خدا و کاهش اثرات موقعیت‌های ضربه‌آمیز اساسی مثل مرگ فرزند و تأثیر مثبت بر افسردگی، میزان سازگاری و حرمت خود گزارش شده است. این یافته‌ها، با پژوهش/حمادی و همکاران (۱۳۸۵) هم‌گرایی دارد؛ زیرا آنها در مطالعه خود به این نتیجه رسیده‌اند که میزان سازگاری زناشویی در بین زوجینی که تقیدات مذهبی زیادی دارند، به طور معناداری بیشتر از کسانی است که تقیدات مذهبی کمتری دارند.

مطالعه یوسفی و بشلیه (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که از روی خوش‌بینی و بدبینی و باورهای مذهبی افراد می‌توان احتمال طلاق را پیش‌بینی کرد. نتایج این مطالعه، مبنی بر این است که در بین زوج‌هایی که دارای باورهای مذهبی ضعیفی هستند، طرد از همسر، خیانت و به طبع آن طلاق بیشتر دیده می‌شود. این نتایج، با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش، با یافته‌های پژوهش ثناگویی و همکاران (۱۳۹۰)، در یک راستا قرار دارد. نتایج آن پژوهش بیانگر است که پابندی زوجین به مذهب موجب برگزیدن بهترین الگوهای ارتباطی متقابل و موجب پیشگیری از بحران طلاق خواهد شد. بنابر نتایج این پژوهش و سایر پژوهش‌های ذکرشده، می‌توان نتیجه گرفت که التزام عملی به اعتقادات اسلامی می‌تواند پیش‌بین خوبی برای احتمال طلاق باشد و می‌توان از روی میزان پابندی به اعتقادات اسلامی، میزان مستعد بودن برای طلاق را تخمین و پیش‌بینی کرد.

نتیجه دیگر این مطالعه، حاکی از این است که سبک‌های اداره تعارض زناشویی، می‌تواند پیش‌بین خوبی برای احتمال طلاق باشد. بنابراین، فرضیه دوم یعنی «سبک‌های اداره تعارض زناشویی پیش‌بینی‌کننده طلاق است»، تأیید شد.

لازم به یادآوری است این نتیجه، مربوط به نمره کلی سبک‌های اداره تعارض زناشویی است و خرده‌مقیاس‌های این شاخص، که شامل پنج سبک مختلف اداره تعارض است، نمی‌تواند پیش‌بین خوبی برای احتمال طلاق باشد. با توجه به آنچه که در این پژوهش به دست آمد، از میان خرده‌مقیاس‌های سبک‌های اداره تعارض زناشویی، سبک‌های اجتناب، مصالحه، مدارا و همکاری، با احتمال طلاق رابطه منفی دارند. همچنین سبک رقابت رابطه معناداری با احتمال طلاق ندارد. این بدان معناست که در فرهنگ ما، هنگام به وجود آمدن تعارضات زناشویی، هرچه زوجین از سبک‌های اجتناب، مصالحه، مدارا و همکاری استفاده کنند، از رفتن به سمت طلاق و جدایی جلوگیری کرده‌اند. در این پژوهش، درباره مزایا و معایب هر سبک توضیحاتی ارائه شد که می‌توان با آگاهی بیشتر از هر

سبک، از هریک از آنها در موقعیت مناسب خود استفاده کرد. در نتیجه، هم تعارض مدیریت می‌شود و هم ازدواج ثبات پیدا کرده، احتمال طلاق کاهش می‌یابد.

در تبیین نتیجه پژوهش، می‌توان به این نظریه استناد کرد که معمولاً در سال‌های اولیه ازدواج، تعارض از آنجا شروع می‌شود که هر کدام از زوجین، سعی دارند قواعد، اصول و الگوهای مرزهای خانوادگی خود را به خانواده جدید منتقل نمایند. درحالی که آنها باید این مهارت و توان را داشته باشند که قواعد و انتظارات و الگوهای رفتاری خود را به نحوی تغییر دهند که مستقل از خانواده پایه و متناسب با نیازها، انتظارات و قواعد همسر خود باشد (قادری و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین، آگاهی از دانش و مهارت‌های مدیریت تعارض، به منظور استفاده از آن امری ضروری به نظر می‌رسد. چنان‌که حتی برخی معتقدند: دانش اینکه چگونه تعارضات خود را مدیریت کنید، به اندازه اینکه بدانید چگونه بخوانید، بنویسید و صحبت کنید، مهم است (شاهرکنی، ۱۳۸۰).

تعارض هنگامی سازنده است که منجر به تبیین مسایل و مشکلات شود. منجر به حل مسئله شود. افراد را در حل اموری که برای آنها اهمیت دارد درگیر کند، موجب ارتباطات شود. به افراد در توسعه و ادراک و مهارت‌هایشان کمک کند و موجب ایجاد مشارکت در میان افراد، از طریق یادگیری بیشتر درباره یکدیگر، شود (افخمی و همکاران، ۱۳۸۶).

شاب و همکارانش (۱۹۸۸) پی بردند که تمام سبک‌های اداره تعارض با رضایت زناشویی همبستگی منفی دارند. غیر از حل مسئله (سبک همکاری)، که به نظر می‌رسد سبک ویژه ازدواج‌های رضایت‌آمیز باشد. یافته پژوهش شارپ، از جهتی با یافته‌های پژوهش حاضر همسو و از جهتی در تضاد است. والنیر و کارنر سبک اجتناب از سبک‌های اداره تعارض را مضر می‌دانند؛ زیرا مذاکره‌ای در آن انجام نمی‌شود و هیچ یادگیری در آن وجود ندارد، اما این عقیده، با یافته‌های این پژوهش مغایر است (کوان، ۲۰۰۴).

گریف و بریونه (۲۰۰۰)، در مطالعه‌ای درباره سبک‌های اداره تعارض و رضایت زناشویی نتیجه گرفتند که رایج‌ترین سبک مورد استفاده اداره تعارض در مردان، اجتناب است و سبک همکاری، سبکی است که مردان کمتر از آن استفاده می‌کنند. همچنین در زنان، سبک همسازی بیشترین و سبک رقابت کمترین استفاده را دارد. یافته پژوهش زیر با نتایج مطالعه حاضر کاملاً همسو است. به عقیده وانگ (۲۰۰۶)، اجتناب می‌تواند یک استراتژی با انگیزه دلخواه برای حفظ روابط در بعضی زمینه‌های بین فردی باشد. نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از این است که تحت شرایط خاص، استفاده استراتژیک از اجتناب به حفظ هماهنگی رابطه و صمیمیت و نزدیکی رابطه کمک می‌کند (کاملین و گولیش، ۲۰۰۲؛ دایلی و پالوماس، ۲۰۰۴؛ وانگ، ۲۰۰۶، ص ۹).

یافته‌های پژوهش حسینی‌نسب و همکاران (۱۳۸۸)، از این قرار است: سبک همکاری و مصالحه با سازگاری زناشویی همبستگی مثبت و معناداری دارد. بین سبک اجتنابی و سلطه‌گرانه، با سازگاری زناشویی رابطه معناداری دیده نشد. نتایج این پژوهش، با بعضی از نتایج این پژوهش در تضاد و با برخی دیگر همسو است.

در پژوهش **رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت‌مندی زناشویی زنان**، که توسط دیباجی فروشانی و همکاران، بر روی ۲۵۰ زن متأهل ساکن تهران (۱۳۸۸) انجام شد، نشان داد که سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی اشتغالی، پیش‌بینی‌کننده رضایت‌مندی زناشویی است. سبک دلبستگی ایمن با رضایت‌مندی زناشویی، رابطه مثبت و سبک اشتغالی با رضایت‌مندی زناشویی، رابطه منفی دارد. همچنین راهبردهای حل تعارض غفلت زن، کلامی شوهر، سوء رفتار شوهر و خاتمه دادن، به ترتیب پیش‌بینی‌کننده رضایت‌مندی زناشویی بود. به‌طوری‌که راهبردهای حل تعارض کلامی شوهر با رضایت‌مندی زناشویی رابطه مثبت، اما راهبردهای غفلت، سوء رفتار شوهر و خاتمه دادن با رضایت‌مندی زناشویی رابطه منفی دارد.

پژوهش **رزاقی الوندی**، با موضوع **نقش ذهن آگاهی، باورهای غیرمنطقی و سبک‌های حل تعارض بین فردی در رضایت زناشویی زوجین**، بر روی کارکنان واحدهای اداری دانشگاه تبریز انجام شده است. این پژوهش، نشان داد که بین ذهن آگاهی، باورهای غیرمنطقی و سبک‌های حل تعارض با رضایت زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد. در متغیر باورهای غیرمنطقی، زیرمؤلفه‌های درماندگی نسبت به تغییر، نگرانی توأم با اضطراب، اجتناب از مشکل و وابستگی، و در متغیر سبک‌های حل تعارض، شیوه‌های همدلانه، مهربانانه و سلطه‌طلبانه بیشترین ارتباط را با رضایت زناشویی داشتند.

در مطالعه **اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر حل تعارض‌های زناشویی و کاهش میل به طلاق در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان بندرعباس**، توسط فاطمه سلیمانی احمدی (۱۳۹۱) انجام شده است، نتایج زیر حاصل آمد: میانگین نمرات تعارض زناشویی و بی‌ثباتی ازدواج در پس‌آزمون گروه آزمایش به طور معناداری از میانگین نمرات پس‌آزمون گروه کنترل پائین‌تر است و بین دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر اثربخشی زوج درمانی هیجان‌مدار، بر حل تعارض‌های زناشویی و کاهش میل به طلاق در زوجین مورد تأیید قرار گرفت.

بنابر نتایج این پژوهش و سایر پژوهش‌های ذکرشده، می‌توان گفت: سبک‌های اداره تعارض زناشویی می‌تواند پیش‌بین خوبی برای احتمال طلاق باشد.

منابع

- آرین، خدیجه، ۱۳۸۷، *بررسی رابطه بین دین‌داری و روان‌درستی ایرانیان متقیم کانادا*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- احمدی، خدابخش و همکاران، ۱۳۸۵، «بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی»، *خانواده‌پژوهی*، سال دوم، ش ۵، ص ۵۵-۶۷.
- افخمی، ایمانه و همکاران، ۱۳۸۶، «بررسی رابطه بین میزان بخشودگی و تعارض زناشویی زوجین در استان یزد»، *خانواده‌پژوهی*، سال سوم، ش ۹، ص ۴۳۱-۴۴۲.
- الیس، آلبرت، ۱۳۷۵، *زوج‌درمانی*، ترجمه جواد صالحی، تهران، میثاق.
- بهارى، فرشاد، ۱۳۸۸، *مقایسه تأثیر مداخله‌های امیدمحور، بخشش‌محور و ترکیبی از این دو بر تعارض زناشویی و تحریف‌های شناختی بین فردی زوج‌های متقاضی طلاق شهر اصفهان*، پایان‌نامه دکتری مشاوره، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- بهرامی‌احسان، هادی، ۱۳۸۱، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود»، *روان‌شناسی*، سال ششم، ش ۴، ص ۳۳۶-۳۴۷.
- ثناگوی، محمد و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه پابندی مذهبی با الگوهای ارتباطی زوجین»، *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۴، ص ۱۰۳-۱۲۰.
- ثناپی ذاکر، باقر و همکاران، ۱۳۸۷، *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران، بعثت.
- حسینی‌نسب، سیدداوود و همکاران، ۱۳۸۸، «رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز»، *تحقیقات مدیریت آموزشی*، ش ۲، ص ۵۷-۷۸.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۷۸، *بررسی اثربخشی روان‌درمانگری کوتاه‌مدت «آموزش خودمهارگری» با و بدون جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) بر مهار اضطراب و تنیدگی*، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- جباری، کیومرث، ۱۳۸۵، *بررسی رابطه باورهای غیرمنطقی با رضایت‌مندی زناشویی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی بالینی، رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی.
- خدایاری‌فرد، محمد و همکاران، ۱۳۸۵، *آماده‌سازی و اعتباریابی مقیاس سنجش دین‌داری در جامعه دانشجویی کشور*، طرح پژوهشی با همکاری انستیتو روان‌پزشکی تهران و مرکز تحقیقات بهداشت روان، تهران، دانشگاه تهران.
- دیباچی‌فروشانی، فاطمه‌سادات و همکاران، ۱۳۸۸، «رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت‌مندی زناشویی زنان»، *اندیشه و رفتار*، دوره سوم، ش ۱۱، ص ۸۷-۱۰۱.
- رزاقی‌الوندی، ابراهیم، ۱۳۹۰، *نقش ذهن آگاهی، باورهای غیرمنطقی و سبک‌های حل تعارض بین فردی در رضایت زناشویی زوجین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، تبریز، دانشگاه تبریز.
- سلیمانی‌احمدی، فاطمه، ۱۳۹۱، *اثربخشی زوج درمانی هیجان‌مدار بر حل تعارض‌های زناشویی و کاهش میل به طلاق در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان بندرعباس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، هرمزگان، دانشگاه هرمزگان.
- شاهرکتی، سیدحسین‌الله، ۱۳۸۰، «راه‌کارهای رویارویی با تعارض»، *توسعه مدیریت*، ش ۳۴، ص ۲۲-۲۶.
- صادقی‌فر، مریم، ۱۳۷۵، *بررسی و مقایسه باورهای غیرمنطقی در زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های عمومی خانواده با زنان عادی شهر بندرعباس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۲، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی. ظهورالدین، علیرضا و فاطمه خدایی‌فر، ۱۳۸۲، «بررسی نیم رخ‌های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده تهران»، *فیض*، ش ۲۵، ص ۷-۱.

قادری، زهرا و همکاران، ۱۳۸۸، «اثر بخشی خانواده درمانی ستیر بر تغییر سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی»، *اندیشه و رفتار*، دوره سوم، ش ۱۱، ص ۶۷-۷۶.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۹، *اصول کافی*، ترجمه حاج سیدجواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی. گلدنبرگ، ایرنه و هربرت گلدنبرگ، ۱۳۸۵، *خانواده درمانی*، ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی و همکاران، تهران، روان.

مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳، *بحارالانوار*، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، تهران، الاسلامیه. نویدی، احد و حسین عبداللهی، ۱۳۷۷، «بررسی رابطه بین افسردگی و التزام عملی به اعتقادات اسلامی در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه»، *تعلیم و تربیت*، ش ۶۶، ص ۹-۳۰.

یاری‌پور، علی، ۱۳۷۹، *بررسی تأثیر طرح مداخلات مشاوره خانواده بر میزان ثبت طلاق در محاکم دادگستری شهر قم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی بالینی، رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی.

یوسفی، ناصر و کیومرث بشلیده، ۱۳۹۰، «خوش‌بینی و بدبینی و باورهای مذهبی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق»، *مشاوره کاربردی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره اول*، سال اول، ش ۲، ص ۷۳-۹۶.

Bergin, A. E, 1983, Religiosity and mental health: A critical revaluation and meta-analysis, *Professional Psychology: Research and Practice*, v. 14, p. 170-184.

Bradbury, Thomas. N, 1995, Assessing the four fundamental domains of marriage, *Family Relations*, v. 44, p. 459-468.

Call, V. R. A, & Heaton, T. B, 1997, Religious influence on marital stability, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 36, p. 382-392.

Coan, S, 2004, The impact of residential experience on the Division of Household labor, conflict patterns, differentiation, and marital satisfaction. Unpublished Doctoral Dissertation.

Christensen, A, & Heavey, C. L, 1999, Interventions for couples, *Annual Review of Psychology*, v. 50, p. 90-165.

Ellison, 1983, Spiritual maturity Index, The measures of religiosity, chapter 4, p. 201-205.

Haghighi, M. A, 2002, *Organizational Behavior Management*, Tehran: Termeh Publications.

Gorsuch, R.L, 1988, Psychology of religion, *Annual review psychology*, v. 39, p. 201-221.

Greeff, P. A, & De Bruyne, T, 2000, Conflict Management Style and Marital Satisfaction, *Journal of Sex and Marital ataherapy*, v. 26, p. 321-334.

Hanler, O. S, & Genc,oz, T. I, 2005, The effect of religiousness on marital satisfaction:testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction, *Contemporary Family Therapy*, v. 27(1), p. 123-136.

Levinger, G, & Huston, T. L, 1990, *The social psychology of marriage*, In F. D.

Mahoney, A, & et al, 2003, Religion and the sanctification of family relationships, *Review of Religious Research*, v. 44, p. 220-236.

Maton, K. I, 1989, The stress-buffering role of spirtual support: Cross-sectional and prospective investigations, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 28, p. 310-323.

- Margaret, G, & et al, 1990, Religiosity and marital satisfaction: A research note, **Review of Religiosity Research**, v. 32 (1), p. 78-86.
- Markman, H. J, & Hahlweg, K, 1993, The Prediction and prevention of marital distress: An international Perspective, **Clinical Psychology Review**, v. 13, p. 29-43.
- Orathinkal, J, & Vansteewegen, A, 2006, Religiosity and Marital satisfaction, **Contemporary Family Therapy**, v. 28, p. 497-504.
- Paterson, G, & et al, 1985, Interpersonal skills training for couples in early stage of conflict, **Journal of Marriage and the Family**, v. 39, p. 265-303.
- Rahim, M. A, 1983, A measure of styles of handling conflict, **Academy of Management journal**, v. 26, p. 368-376.
- Rew, L, & Wong, J, 2006, "A systematic review of associations among religiosity/spirituality and adolescent health attitudes and behaviors", **Journal of Adolescent Health**, v. 38, p. 433-442.
- Schaap, C, & et al, 1988, Marital conflict resolution. In P. Noller M.A. Fitzpatrick (Eds), perspectives on Marital Interaction, Clevedon: Multilingual Matters.
- Sullivan, T, 2001, Understanding the relationship between religiosity and marriage: an investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples, **Journal of Family Psychology**, v. 15, p. 610-628.
- Wang. Q, 2006, Linking Goals to Avoidance in Interpersonal Conflict Situation: A Cognitive Approach. Doctoral Dissertation for philosophy, Submitted to the faculty of the Graduate School of University of Maryland.
- Wilmot. W.W, & Hocker. L. J, 2000, Interpersonal Conflict. Mc Graw Hill humanities/ Social Sciences Lang ages.
- Worthington EL, Jr, 2005, Hope-Focused Marriage Counseling Recommendations for Researchers, Clinicians and Church workers, **Journal of Psychology and Theology**, v. 31 (3), p. 231-239.

رابطه جهت گیری مذهبی و هوش معنوی با میزان تاب آوری دانشجویان

fas@kashanu.ac.ir

hoseinzadeh1340@yahoo.com

nadi.edu1391@yahoo.com

فریبرز صدیقی ارفعی / دانشیار گروه روان شناسی دانشگاه کاشان

علی حسین زاده / استادیار گروه معارف دانشگاه کاشان

مریم نادی راوندی / کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی دانشگاه کاشان

دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۸

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی رابطه میان جهت گیری مذهبی، هوش معنوی با میزان تاب آوری دانشجویان انجام شده است. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بود که با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای (تعداد ۲۲۸ دانشجو) انتخاب شدند. ابزار پژوهش، شامل پرسش نامه جهت گیری مذهبی آلپورت، پرسش نامه هوش معنوی و مقیاس تاب آوری بود. نتایج نشان داد که جهت گیری مذهبی درونی، با هوش معنوی و میزان تاب آوری دانشجویان رابطه مثبت معنی دار دارد. از سوی دیگر، بین دانشجویان دختر و پسر در جهت گیری مذهبی، هوش معنوی و تاب آوری تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین بین دانشجویان و دین پژوهان در جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی تفاوت معناداری دیده شد، اما در هوش معنوی و میزان تاب آوری در این دو گروه تفاوتی مشاهده نگردید. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که هوش معنوی، بیشترین سهم را در تبیین تاب آوری دانشجویان دارد. در نهایت، می توان گفت: افراد دارای جهت گیری مذهبی درونی، که تنها برای منافع شخصی تظاهر به دین داری نمی کنند و افراد دارای هوش معنوی بالا، از تاب آوری بالاتری برخوردارند.

کلیدواژه ها: جهت گیری مذهبی، هوش معنوی، تاب آوری، دانشجویان، دین پژوه.

مقدمه

یکی از مسائل مطرح در روان‌شناسی مثبت‌نگر، میزان تاب‌آوری افراد است. «تاب‌آوری» از جمله سازه‌هایی است که در حوزه پژوهش‌های روان‌شناختی، به‌ویژه در عرصه روان‌شناسی سلامت، روان‌شناسی خانواده، روان‌شناسی تحول و بهداشت روانی جایگاه ویژه‌ای یافته است، به‌طوری‌که هر روز بر شمار پژوهش‌های مرتبط با این سازه افزوده می‌شود (کمبل و همکاران، ۲۰۰۶). بی‌تردید تحولات عظیمی که در جهان کنونی در گستره فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخ داده است، مسائل و مشکلات نوینی را برای انسان‌های عصر حاضر فراهم ساخته که رویارویی با این مسائل، قطعاً نیازمند انسان‌هایی هوشمند و تاب‌آور می‌باشد. انسان‌هایی که در برابر موقعیت‌های استرس‌زا، می‌توانند از تمام توانش‌های خود بخصوص توانش‌های شناختی استفاده نمایند (ترخان، ۱۳۹۲).

تاب‌آوری توانایی افراد در سازگاری مؤثر با محیط، علی‌رغم قرار داشتن در معرض عوامل خطرآفرین است. عوامل خطرآفرین، آن دسته شرایط و موقعیت‌های منفی هستند که با پیامدهای منفی و مشکلات رفتاری مرتبط می‌شوند (گومز و مک‌لارن، ۲۰۰۶). امی ورنر، از جمله نخستین دانشمندانی بود که در دهه ۱۹۷۰ از اصطلاح «تاب‌آوری» استفاده کرد. بسیاری از پژوهشگران، تاب‌آوری را به عنوان توانایی غلبه و گذر از حوادث ناگوار تعریف و از آن به عنوان یک ایده خوب، با ارزش کاربردی بالا برای کمک به افراد هنگام مواجهه با ناملایمات و محافظت آنان در برابر خطراتی که در طول زندگی‌شان به وجود می‌آید، یاد کرده‌اند (هارت و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۳۰۰). دو مؤلفه رایج در اغلب تعاریف «تاب‌آوری» وجود دارد: الف. فرد/ خانواده به موقعیت ناگوار پاسخ مثبت نشان دهد. ب. فرد/ خانواده در این هنگام احساس قدرتمندی، کاردانی بیشتر، اعتماد بیشتر و رشد بالاتری دارد (سیمون و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین، تاب‌آوری علاوه بر سازگاری یا حل مسئله، شامل تغییر یا رشد مثبت نیز می‌شود (والش، ۲۰۰۶، ص ۵۵). هرچند برخی از ویژگی‌های مرتبط با تاب‌آوری به صورت زیستی و ژنتیکی تعیین می‌شوند، اما مهارت‌های مربوط به تاب‌آوری را می‌توان یاد داد و تقویت نمود (صیدی سارویی و همکاران، ۱۳۹۲).

یکی از زمینه‌های احتمالی رشد تاب‌آوری افراد، اعتقادات مذهبی است. بشر در تاریخ خود، فارغ از دغدغه‌های دینی و پرستش نبوده است. در قدیمی‌ترین آثار به‌جامانده از دوره‌های باستان، عنصر پرستش و نمادهای وابسته به آن یافت می‌شود. بررسی سیر تمدن انسانی نیز نشان می‌دهد که با پیشرفت دانایی بشر، نیاز به معنویت و توجه به دنیای فرامادی نیز بیشتر شده است. از روزهای آغازین ظهور علم روان‌شناسی، ویلیام جیمز، در نوشته‌های خود به ارتباط خویشتن

انسانی با عالم ماوراء اشاره نموده است. با مطالعه جوامع انسانی و تاریخ تمدن‌ها، همواره با رگه‌هایی از باورهای دینی مواجه می‌شویم (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۷۹).

پارگامنت (۱۹۹۷)، «مذهب» را این‌گونه تعریف می‌کند: «جست‌وجو برای معنا و ارزشی که مقدس شمرده می‌شود». در این تعریف، سه واژه کلیدی وجود دارد: ارزش، جست‌وجو و مقدس. در اینجا فرض بر این است که مردم در پی چیزی می‌روند که در زندگی‌شان ارزش و معنا داشته باشد. همچنین در این تعریف از مذهب، بر این تکیه شده است که انسان‌ها موجودهایی فعال و هدف‌مدار هستند (حسینی قمی و سلیمی بجنستانی، ۱۳۹۰). فروید، مذهب را به عنوان پدیده‌ای برخاسته از نیازهای بشر معرفی کرده و بر این اعتقاد بود که یگانه هدف آن، کمک به بشر برای غلبه بر ترس‌هایی است که در طول زندگی با آنها روبه‌رو می‌شود (فروید، ۱۹۰۷، ص ۲۷).

به نظر می‌رسد، مذهب برای افراد نقش سپر دفاعی را بازی کرده و مجموعه وسیعی از آثار مثبت روان‌شناختی را در افراد ایجاد می‌کند (حسینی قمی و سلیمی بجنستانی، ۱۳۹۰). از جمله مفاهیمی که در حوزه روان‌شناسی دین مورد نگرش پژوهشگران قرار گرفته، انگیزه‌های مذهبی یا جهت‌گیری مذهبی بوده است (البرزی و جوکار، ۱۳۸۴). در حوزه روان‌شناسی، آلپورت نخستین محقق‌ای است که جهت‌گیری مذهبی را مورد بررسی قرار داده است. مقصود اصلی آلپورت از جهت‌گیری مذهبی، ترکیبی از باورهای مذهبی، رفتارها و انگیزه بود (مک کرمیک، ۲۰۰۹، ص ۲۲-۲۴).

به‌طورکلی آلپورت (۱۹۶۷)، جهت‌گیری مذهبی افراد را به دو دسته درونی و بیرونی طبقه‌بندی کرده، معتقد است: افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی درونی می‌باشند، مذهب در آنها احساس راحتی، امنیت و سودمندی و خودسازگاری را به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر، افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی در هماهنگی با اعتقادات و شعائر مذهبی‌شان زندگی می‌کنند. این امر موجب امنیت و ثبات اجتماعی بیشتر در آنها می‌شود (فر و همکاران، ۲۰۰۷). براساس نظریه آلپورت مذهب درونی، مذهبی فراگیر و دارای اصول سازمان‌یافته و درونی شده است. درحالی‌که مذهب بیرونی، امری است خارجی و ابزاری که برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، منظور آلپورت از جهت‌گیری مذهبی درونی، عبارت‌اند از: یک تعهد انگیزشی فراگیر که غایت و هدف است، نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف فردی (جان‌بزرگی، ۱۳۷۸، ص ۲۰).

سازه هوش معنوی، یکی از مفاهیم جدید، جذاب و بحث‌انگیزی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی محققان، صاحب‌نظران، و به‌ویژه روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا

کرده است. این مفهوم، در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط /ستیونس مطرح شد. به موازات این جریان، گارنر مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی قرار داد و پذیرش این مفهوم ترکیبی از معنویت و هوش را به چالش کشید (گاردنر، ۱۹۹۹، ص ۸۷). «هوش معنوی»، بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و منابع معنوی می‌باشد که کاربست آنها در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انطباق‌پذیری فرد شود. در تعریف‌های موجود از هوش معنوی، به‌ویژه بر نقش آن در حل مسائل وجودی و یافتن معنا و هدف در اعمال و رویدادهای زندگی روزمره تأکید شده است (ولمن، ۲۰۰۷، ص ۷۳). از نظر /مونز، هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی در جهت حل مسئله در زندگی روزانه و فرایند دستیابی به هدف می‌باشد (امونز، ۲۰۰۰).

هوش معنوی، شامل نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و... شامل می‌شود. فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند. این هوش، به فرد بینشی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب‌بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق می‌بخشد (غباری‌بناب و همکاران، ۱۳۸۵).

حد/یاری فرد و همکاران (۱۳۷۹)، در پژوهشی با عنوان «آماده‌سازی مقیاس نگرش مذهبی دانشجویان» به این نتیجه دست یافتند که میانگین نمرات نگرش مذهبی طلاب حوزه علمیه قم، به‌طور معنارداری بالاتر از میانگین نمرات دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و دانشجویان هنرهای زیبای دانشگاه تهران است.

آذربایجانی (۱۳۸۰)، در پژوهشی با عنوان آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، جهت‌گیری مذهبی طلاب، دانشجویان دانشگاه تهران و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی را با هم مقایسه کرد و نتایج نشان داد که میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی در گروه حوزه علمیه، بالاتر و در دانشگاه آزاد اسلامی دارای پایین‌ترین مقدار است.

/سمیت (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای نشان داد که هوش معنوی، لازمه سازگاری بهتر با محیط است و افرادی که از هوش معنوی بالاتری برخوردارند، تحمل آنها در مقابل فشارهای زندگی بیشتر بوده و توانایی بالاتری را در جهت سازگاری با محیط از خود بروز می‌دهند (اسمیت، ۲۰۰۵، ص ۴۴).

با توجه به اینکه هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی، شکل‌دهنده رفتارهای فرد در اجتماع و مجموعه‌ای از توانایی‌ها، برای بهره‌گیری از منابع دینی و معنوی هستند و در حل مشکلات روزانه تأثیرگذار می‌باشند،

هدف این پژوهش روشن ساختن اهمیت مذهب و هوش معنوی بر زندگی انسان‌هاست. برای اولین بار، این پژوهش ارتباط سه متغیر جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی را با تاب‌آوری مطالعه می‌کند. از این رو، این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها است که آیا بین جهت‌گیری مذهبی و تاب‌آوری دانشجویان رابطه وجود دارد؟ آیا بین هوش معنوی و تاب‌آوری دانشجویان رابطه وجود دارد؟ سهم جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی در پیش‌بینی تاب‌آوری چقدر است؟ آیا بین دانشجویان دختر و پسر، از نظر هوش معنوی و میزان تاب‌آوری تفاوت وجود دارد؟ آیا بین دانشجویان و دانشجویان دین‌پژوه از نظر جهت‌گیری مذهبی، هوش معنوی و تاب‌آوری تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش، از آنجاکه رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی با تاب‌آوری را بررسی می‌کند، از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان پسر و دختر مقطع کارشناسی دانشگاه کاشان و دانشجویان دین‌پژوه حوزه علوم اسلامی شهید بهشتی دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، متناسب با حجم و با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۲۲۸ نفر از آنها به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی: پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی درونی - بیرونی توسط آلپورت ساخته شده است. این پرسش‌نامه مذهبی، پرسش‌نامه ۲۰ ماده‌ای است که ۱۱ ماده آن مربوط به جهت‌گیری مذهبی بیرونی و ۹ ماده آن نیز به جهت‌گیری مذهبی درونی اختصاص دارد. فگین در سال ۱۹۶۳، یک نسخه ۲۱ ماده‌ای ارائه نمود که تمام گزینه‌های پرسش‌نامه آلپورت را به علاوه یک گزینه دیگر، (مذهب همان کاری را می‌کند که عضویت من در گروه دوستان و آشنایان می‌کند؛ یعنی کمک می‌کند که زندگی‌م را متعادل و پایدار نگه دارم) دربر می‌گیرد. این گزینه، همبستگی بالایی (۰/۶۱) با جهت‌گیری مذهبی بیرونی داشت. از آن به بعد، این پرسش‌نامه بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. در مطالعات فگین، همبستگی بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی (۰/۲۰) بود که به همبستگی محاسبه شده آلپورت (۰/۲۱) بسیار نزدیک می‌باشد.

برای سنجش روایی این آزمون در ایران، مقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی فگین به فارسی ترجمه شده و صحت ترجمه آن با بازخوانی توسط متخصصان دیگر و ترجمه دوباره آن به انگلیسی تصحیح گردید. سپس، با بازنویسی متعدد سعی در متناسب نمودن آن با بافت فرهنگی و

مذهبی ایران گردید. گزینه‌ها براساس مقیاس لیکرت تنظیم گردید (مختاری و همکاران، ۱۳۸۰). اعتبار این پرسش‌نامه، توسط جان‌بزرگی (۱۳۷۸) در یک نمونه ۲۳۵ نفری از دانشجویان استان تهران، براساس آلفای کرانباخ با اعتبار ۰/۷۳ مورد آزمون قرار گرفته است. در پژوهشی دیگر نیز که توسط مختاری و همکاران (۱۳۷۹) در یک نمونه ۱۰ نفری از دانشجویان دانشگاه تهران صورت گرفت، اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرانباخ محاسبه گردید که ضریب آلفای معادل ۰/۷۱ به دست آمد.

پرسش‌نامه هوش معنوی: پرسش‌نامه هوش معنوی، توسط عبدالله‌زاده و همکاران ساخته و هنجاریابی شده است. این پرسش‌نامه، شامل ۲۹ سؤال و دو عامل می‌باشد. عامل اول با ۱۲ سؤال «درک و ارتباط با هستی» نام‌گذاری شد و عامل دوم با ۱۷ سؤال «زندگی معنوی با هسته درونی» نامیده شد. عبدالله‌زاده و همکاران، گروه هنجاری را که شامل ۲۸۰ نفر بودند و ۲۰۰ نفر از آنان دانشجوی دانشگاه منابع طبیعی گرگان و ۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر بود، مورد بررسی قرار داد. از این تعداد، ۱۸۴ نفر دختر و ۹۶ نفر پسر بودند. ابتدا پرسش‌نامه مقدماتی، ۳۰ سؤالی توسط سازندگان آزمون تدوین گردید و روی ۳۰ نفر از دانشجویان اجرا گردید. پایایی این آزمون، در مرحله مقدماتی به روش آلفا برابر ۰/۸۷ بود. در تحلیل سؤال به شش لופ، ۱۲ سؤال حذف شد و پرسش‌نامه نهایی با ۲۹ سؤال تنظیم شد. در مرحله نهایی، پرسش‌نامه روی ۲۸۰ نفر گروه نمونه اجرا شد. پایایی در این مرحله ۰/۸۹ به وسیله آلفای کرانباخ بود. برای بررسی روایی، علاوه بر روایی محتوایی صوری که سؤال‌ها بالای ۰/۳ بود. در چرخش به روش واریماکس، برای کاهش متغیرها ۲ عامل اصلی به دست آمد که عامل اول، با ۱۲ سؤال «درک و ارتباط با سرچشمه هستی» نام‌گذاری شد و عامل دوم، با ۱۷ سؤال «زندگی معنوی با هسته درونی» نامیده شد (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون (CD-RIS): کانر و دیویدسون (۲۰۰۳)، (CD-RIS)، این پرسش‌نامه را با بازبینی منابع پژوهشی ۱۹۹۱-۱۹۷۹ در زمینه تاب‌آوری تهیه نمودند. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، در شش گروه جمعیت عمومی، مراجعه‌کنندگان به بخش مراقبت‌های اولیه، بیماران سرپایی روان‌پزشکی، بیماران با مشکل اختلال اضطراب فراگیر و دو گروه از بیماران مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه، انجام شده است. سازندگان این مقیاس بر این باورند که این پرسش‌نامه، به خوبی می‌تواند افراد تاب‌آور را از غیرتاب‌آور در گروه‌های بالینی و غیربالینی جدا کند. همچنین می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی به کار برده می‌شود (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰). پرسش‌نامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون، ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) تا پنج (همیشه

درست)، با دامنه ۲۵-۱۲۵ نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس در ایران، توسط محمدی (۱۳۸۴) هنجاریابی شده است. برای تعیین روایی این مقیاس، نخست همبستگی هر نمره با نمره کل بجز گویه ۳، ضریب‌های بین ۰/۴۱ تا ۰/۶۴ را نشان داد. سپس گویه‌های مقیاس، به روش مؤلفه اصلی مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند. برای تعیین پایایی مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویدسون از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد و ضریب پایایی ۰/۸۹ به دست آمد (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۲). این مقیاس، اگرچه ابعاد مختلف تاب‌آوری را می‌سنجد، ولی دارای یک نمره کل می‌باشد. روایی (به روش تحلیل عوامل و روایی همگرا و واگرا) و پایایی (به روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ)، مقیاس توسط سازندگان آزمون در گروه‌های مختلف (عادی و در خطر) احراز گردیده است (سامانی و همکاران، ۱۳۸۶).

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. شاخص توصیفی نمرات متغیرهای پژوهش

متغیر	N	M	SD	حداقل	حداکثر
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۲۲۸	۳۲/۱۴	۶/۳۶	۱۶	۵۱
جهت‌گیری مذهبی درونی	۲۲۸	۳۱/۰۸	۵/۶۶	۱۴	۴۲
هوش معنوی	۲۲۸	۱۱۳/۵۲	۱۴/۶۳	۷۳	۱۴۵
تاب‌آوری	۲۲۸	۶۴/۳۲	۱۲/۶۸	۱۵	۹۸

جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد، میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی بیرونی دانشجویان برابر با ۳۲/۱۴ و میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی درونی آنها برابر با ۳۱/۰۸ می‌باشد. همچنین میانگین نمرات هوش معنوی دانشجویان دانشگاه کاشان، برابر با ۱۱۳/۵۲ می‌باشد و میانگین نمرات تاب‌آوری دانشجویان دانشگاه کاشان برابر با ۶۴/۳۲ می‌باشد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۱			
جهت‌گیری مذهبی درونی	-۰/۰۴	۱		
هوش معنوی	۰/۰۰۱	۰/۴۹**	۱	
تاب‌آوری	-۰/۰۶	۰/۲۵**	۰/۵۸**	۱

جدول ۲، تحلیل همبستگی رابطه متغیرهای پژوهش را به دست می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد از بین متغیرهای پژوهش هوش معنوی با جهت‌گیری مذهبی درونی و تاب‌آوری، با جهت‌گیری مذهبی درونی و هوش معنوی رابطه مثبت معنی‌دار دارند.

جدول ۳. خلاصه رگرسیون جهت‌گیری مذهبی بیرونی، جهت‌گیری مذهبی درونی و هوش معنوی بر تاب‌آوری

متغیر ملاک						متغیرهای پیش بین
تاب‌آوری						
SE	B	سطح معناداری	F	R2	R	
۰/۱۳	-۰/۱۲	۰/۲۲	۰/۸۷	۰/۰۰۴	-۰/۰۶	جهت‌گیری مذهبی بیرونی
۰/۱۴	۰/۵۵	۰/۳۹	۱۵/۳۹	۰/۰۶	۰/۲۵	جهت‌گیری مذهبی درونی
۰/۰۴۶	۰/۴۹	۰/۰۰	۱۱۸/۵۹	۰/۳۴	۰/۵۸	هوش معنوی

از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه، برای تعیین سهم هوش معنوی، جهت‌گیری مذهبی بیرونی و جهت‌گیری مذهبی درونی در پیش‌بینی تاب‌آوری دانشجویان استفاده شد. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی بیرونی و جهت‌گیری مذهبی درونی به ترتیب ۰/۰۰۴ و ۰/۰۶ از واریانس تاب‌آوری را پیش‌بینی کرده است. به همین ترتیب، هوش معنوی ۰/۳۴ واریانس تاب‌آوری را پیش‌بینی کرده است. بنابراین، هوش معنوی، بیشترین سهم را در تبیین تاب‌آوری دانشجویان دارد. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۳ آمده است.

جدول ۴. شاخص توصیفی متغیرهای پژوهش در دانشجویان دختر و پسر و دانشجویان و دین‌پژوهان

SD	M	N	جنسیت	متغیر
۶/۱۳	۳۱/۵۵	۱۰۷	دختران	جهت‌گیری مذهبی بیرونی
۶/۵۳	۳۲/۶۶	۱۲۱	پسران	
۵/۴۵	۳۱/۷۱	۱۰۷	دختران	جهت‌گیری مذهبی درونی
۵/۸۰	۳۰/۵۲	۱۲۱	پسران	
۱۴/۵۱	۱۱۵/۳۵	۱۰۷	دختران	هوش معنوی
۱۴/۴۹	۱۱۲/۳۰	۱۲۱	پسران	
۱۲/۰۲	۶۴/۸۴	۱۰۷	دختران	تاب‌آوری
۱۲/۹۹	۶۴/۱۵	۱۲۱	پسران	
۵/۷۶	۳۶/۱۶	۱۸	دین‌پژوهان	جهت‌گیری مذهبی بیرونی
۶/۱۵	۳۲/۶۵	۲۱۰	دانشجویان	
۳/۷۷	۳۵/۱۱	۱۸	دین‌پژوهان	جهت‌گیری مذهبی درونی
۵/۶۷	۳۰/۷۴	۲۱۰	دانشجویان	
۱۱/۳۷	۱۱۹/۱۶	۱۸	دین‌پژوهان	هوش معنوی
۱۴/۹۲	۱۱۳/۲۷	۲۱۰	دانشجویان	
۱۰/۱۱	۶۶/۱۶	۱۸	دین‌پژوهان	تاب‌آوری
۱۲/۷۲	۶۴/۳۳	۲۱۰	دانشجویان	

جدول ۴، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را با توجه به جنسیت و دین‌پژوهان و دانشجویان نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد، میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی بیرونی در دانشجویان دختر برابر با ۳۱/۵۵ و در دانشجویان پسر برابر با ۳۲/۶۶ می‌باشد. میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی درونی در دانشجویان دختر، برابر با ۳۱/۷۱ و در دانشجویان پسر، برابر با ۳۰/۵۲ می‌باشد. همچنین میانگین نمرات هوش معنوی در دانشجویان دختر، برابر با ۱۱۵/۳۵ و در دانشجویان پسر، برابر با ۱۱۲/۳۰ می‌باشد و میانگین نمرات تاب‌آوری در دانشجویان دختر برابر با ۶۴/۸۴ و در دانشجویان پسر برابر با ۶۴/۱۵ می‌باشد.

میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی بیرونی در دین‌پژوهان، برابر با ۲۶/۱۶ و در دانشجویان برابر با ۳۲/۶۵ می‌باشد. میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی درونی در دین‌پژوهان، برابر با ۳۵/۱۱ و در دانشجویان، برابر با ۳۰/۷۴ می‌باشد. همچنین میانگین نمرات هوش معنوی در دین‌پژوهان، برابر با ۱۱۹/۱۶ و در دانشجویان برابر با ۱۱۳/۲۷ می‌باشد و میانگین نمرات تاب‌آوری در دین‌پژوهان، برابر با ۶۶/۱۶ و در دانشجویان برابر با ۶۴/۳۳ می‌باشد.

جدول ۵. مقایسه دوجنس در متغیرهای پژوهش

t	میانگین (انحراف معیار)		متغیرها
	دانشجویان پسر	دانشجویان دختر	
۱/۳۲	۳۲/۶۶ (۶/۵۳)	۳۱/۵۵ (۶/۱۳)	جهت‌گیری مذهبی بیرونی
-۱/۵۸	۳۰/۵۲ (۵/۸۰)	۳۱/۷۹ (۵/۴۵)	جهت‌گیری مذهبی درونی
-۱/۵۶	۱۱۲/۳۰ (۱۴/۸۴)	۱۱۵/۳۵ (۱۴/۵۱)	هوش معنوی
-۰/۴۱	۶۴/۱۵ (۱۲/۹۹)	۶۴/۸۴ (۱۲/۰۲)	تاب‌آوری

اجرای آزمون t نشان می‌دهد که در متغیر جهت‌گیری مذهبی بیرونی دانشجویان پسر، نمرات بالاتری نسبت به دانشجویان دختر کسب کرده‌اند، اما در سایر متغیرهای مورد بررسی، دانشجویان دختر نمرات بالاتری نسبت به دانشجویان پسر به دست آورده‌اند ولی تفاوت مشاهده‌شده بین دانشجویان دختر و پسر، از نظر آماری در هیچ یک از متغیرها معنادار نیست.

جدول ۶. مقایسه دو گروه دانشجویان و دین‌پژوهان در متغیرهای پژوهش

T	میانگین (انحراف معیار)		متغیرها
	دانشجویان	دین‌پژوهان	
۴/۳۱**	۳۲/۶۵ (۶/۱۵)	۲۶/۱۶ (۵/۷۶)	جهت‌گیری مذهبی بیرونی
-۳/۲۰*	۳۰/۷۴ (۵/۶۷)	۳۵/۱۱ (۳/۷۷)	جهت‌گیری مذهبی درونی
-۱/۶۳	۱۱۳/۲۷ (۱۴/۹۲)	۱۱۹/۱۶ (۱۱/۳۷)	هوش معنوی
-۰/۵۹	۶۴/۳۳ (۱۲/۷۲)	۶۶/۱۶ (۱۰/۱۱)	تاب‌آوری

اجرای آزمون t نشان می‌دهد که در دو گروه دین‌پژوهان و دانشجویان در جهت‌گیری مذهبی بیرونی و جهت‌گیری مذهبی درونی تفاوت معنی‌دار وجود دارد، ولی در متغیرهای هوش معنوی و تاب‌آوری بین دو گروه دانشجویان دین‌پژوه و دانشجویان سایر رشته‌ها، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف بررسی رابطه هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی با تاب‌آوری دانشجویان انجام شده است. شاخه جدید علم روان‌شناسی و دیدگاه نوینش تحت عنوان «رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر»، درصدد بررسی ظرفیت‌ها و قدرت‌های روان‌شناختی، به جای آسیب‌شناسی روانی است. اعتقاد اساسی در دیدگاه جدید، این است که ویژگی‌های مثبت قابل اندازه‌گیری می‌توانند به عنوان سپری افراد را در برابر حوادث نامطلوب خطرزا محافظت نمایند (سلیگمن و سزیکزنت مهالی، ۲۰۰۰). این پژوهش، در پی آن بوده که دریابد آیا جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی، می‌توانند نقشی در تاب‌آوری داشته باشند؟

یافته‌های پژوهش نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی با تاب‌آوری رابطه مثبت معنادار دارد. این نتیجه، با یافته‌های پژوهشی *خداپناهی و خاکسار بلداچی* (۱۳۸۴)، *رحمانی* (۱۳۹۰)، *کرمی و همکاران* (۱۳۹۱)، *دهقان‌زاده و همکاران* (۱۳۹۱)، *چوکی چونگ و پینگ کونگ کام* (۲۰۱۲) همخوانی دارد. آلپورت در سال ۱۹۶۸، بر اهمیت رابطه بین تدین درونی و سلامت روانی تأکید می‌کند و می‌گوید: «مطمئناً جهت‌گیری مذهبی درونی برخلاف جهت‌گیری مذهبی بیرونی باعث سلامت روانی می‌شود» (ماتیوزتردوی، ۱۹۹۶).

در تبیین رابطه جهت‌گیری مذهبی درونی، با تاب‌آوری با استناد به آیه شریفه «آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد» (رعد: ۲۸)، می‌توان گفت: یکی از ثمره‌های ایمان به خداوند متعال و عمل به اقتضای این ایمان، آرامش درون و تاب‌آوری در برابر مشکلات است. افراد تاب‌آور، با احتمال بیشتری در رویارویی با شرایط دشوار، در جست‌وجوی معنا هستند. داشتن مذهب درونی، که همان ایمان واقعی است، تحمل افراد را در برابر سختی‌ها افزایش داده و آنها را برای غلبه بر چالش‌ها و مشکلات در زندگی یاری می‌دهد. همچنین به قدرت بزرگتری ایمان داشتن و ارتباطات فرامعنوی، به عنوان عوامل حمایتی فردی در جهت ایجاد و تسهیل تاب‌آوری یاد شده است. اعتقادات مذهبی به عنوان تکیه‌گاه و پشتیبان برای سازگاری بیشتر فرد، عمل می‌کند. مذهب می‌تواند در مراحل ارزیابی اولیه

تهدیدکننده زندگی و موجودیت شخص، دخالت و به‌عنوان یک عامل میانجی عمل کند. همچنین در مراحل ارزیابی مجدد و پس از وقوع مشکل، مذهب می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و امیدواری و معنی‌جویی بیشتری را در فرد ایجاد کند. علاوه بر این، مذهب در مرحله تفسیر رویدادها می‌تواند بر روی نتایج و پیامدهای حاصل از عوامل استرس‌زا اثر بگذارد.

یافته‌های این تحقیق با نتایج کروک (۲۰۰۸) نیز همخوانی دارد که نشان می‌دهد افرادی که از نظر مذهبی در سطوح بالاتری قرار دارند، سعی می‌کنند مسائل خود را به شیوه حل مسئله و با حمایت اجتماعی مرتفع کنند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که هوش معنوی با تاب‌آوری رابطه مثبت معناداری دارد. این نتیجه، با یافته‌های پژوهش کشاورزی و یوسفی (۱۳۹۱)، دهقانی و رجبی (۱۳۹۲)، پورنسایی و همکاران (۱۳۹۲)، خرمایی و همکاران (۱۳۹۲)،/سمیت (۲۰۰۴) همخوانی دارد. دانشجویان با هوش معنوی بالا، هنگام مواجهه با حوادث ناگوار زندگی، بیشتر از توکل به خدا سود می‌جویند. زهر و مارشال (۲۰۰۰) معتقدند: هوش معنوی موجب می‌شود که فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی، بینش عمیق بیابد و از سختی‌های زندگی نترسد و با صبر و تفکر با آنها مقابله نموده، راه‌حل‌های منطقی و انسانی برای آنها بیابد. مک شری و همکاران (۲۰۰۲)، تأکید می‌کنند که هوش معنوی زیربنای باورهای فرد است که سبب اثرگذاری بر عملکرد وی می‌شود. به‌گونه‌ای که شکل واقعی زندگی را قالب‌بندی می‌کند. هوش معنوی موجب افزایش قدرت انعطاف‌پذیری و خودآگاهی انسان شده است، به‌طوری‌که در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی، بردباری و صبوری بیشتری دارند. در واقع، هوش معنوی ظرفیتی برای الهام است و با شهود و نگرش کل‌نگر به جهان هستی، در جست‌وجوی پاسخی برای پرسش‌های بنیادی زندگی و نقد سنت‌ها و آداب و رسوم می‌باشد.

الکینز و کاونانش (۲۰۰۴) بر این باورند که حوزه هوش معنوی موجب می‌شود که انسان با ملایمات و عظوفت بیشتری به مشکلات نگاه کند. تلاش بیشتری برای یافتن راه‌حل داشته باشد. سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند و به زندگی خود پویایی و حرکت دهد.

همچنین نتایج حاصل از این پژوهش، نشان داد بین دانشجویان دختر و پسر در جهت‌گیری مذهبی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این نتیجه، با یافته‌های جلیلونند (عظیمی (۱۳۸۱)، عمران‌نسب (۱۳۷۷)) همسو می‌باشد. پژوهشگرانی که از نظر نگرش‌های دینی تفاوت معناداری بین دو جنس به دست نیآورده‌اند، اعتقاد دارند که این تفاوت، ویژه فرهنگ‌های غربی است.

چنین تفاوتی در فرهنگ ما به دلایلی، از جمله نفوذ بسیار زیاد و گسترده مذهب در همه اعصار و دوران‌ها مشاهده نمی‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۸۸).

همچنین بین دانشجویان دختر و پسر در هوش معنوی، تفاوت وجود ندارد. این امر با یافته‌های پژوهشی رقیب و همکاران (۱۳۸۷)، فرهنگ‌پور و همکاران (۱۳۸۹)، آقابابایی و همکاران (۱۳۹۰)، نورزاد قراملکی و همکاران (۱۳۹۰)، حمیدی و صداقت (۱۳۹۱)، ضمیری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲) همخوانی دارد. با توجه به اینکه دانشجویان مورد مطالعه پیرو دین اسلام هستند و دین اسلام نیز بر رشد معنویت تأکید نموده و در آموزه‌های خود، انسان‌ها را به تفکر در وجود انسان و عالم، هدفمند بودن، معنابخش بودن زندگی و توجه به ابعاد غیرمادی مانند روح تشویق می‌کند، می‌توان گفت: یکی از دلایلی که منجر به عدم وجود تفاوت در هوش معنوی دانشجویان دختر و پسر شده است، وجود اعتقادات و باورهای مذهبی مشترک بین آنها می‌باشد. از طرف دیگر، عدم وجود تفاوت از لحاظ هوش معنوی در بین دانشجویان دختر و پسر، می‌تواند بیانگر وجود فرصت‌های رشد برابر در بین مردان و زنان جامعه باشد که دستیابی به سطوح برابری از هوش معنوی را برای آنها ممکن می‌سازد (نورزاد قراملکی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸). همچنین لازم به یادآوری است که سؤالات جدی در مورد اینکه از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم و هدف اصلی زندگی چیست، از نمودهای هوش معنوی است. این مسئله، همچون فطرت ذاتی است و در همه انسان‌ها، صرف‌نظر از جنسیت، رنگ، نژاد، مذهب، تحصیلات، تأهل و یا تجرد وجود دارد. همچنان‌که در آیه فطرت آمده است: «فَاقِم وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)؛ روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده. دگرگونی در آفرینش خدا نیست. این است دین و آیین محکم و استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

بین دانشجویان دختر و پسر، از نظر میزان تاب‌آوری تفاوت معنادار وجود ندارد. این موضوع با یافته‌های پژوهشی خلعتبری و بهاری (۱۳۸۹)، جلیلی و حسین‌چاری (۱۳۹۰)، کشاورزی و یوسفی (۱۳۹۱)، پورنسایی و همکاران (۱۳۹۲)، پورافضل و همکاران (۱۳۹۲)، دهقانی و رجبی (۱۳۹۲)، هنلی (۲۰۱۰)، وتر و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد. در توجیه این یافته، باید گفت: یکی از تجارب مشترک و فراگیر افراد بررسی‌شده در این پژوهش، داشتن تحصیلات عالی یا حضور در محیط‌های دانشگاهی است. به نظر می‌رسد، داشتن چنین تجربیاتی می‌تواند به عنوان یک عامل باقوه، تفاوت نداشتن دو جنس را تا حدودی تبیین کند. پاسخ‌گویی مستدل و تجربی به چنین مسئله‌ای، نیازمند انجام

پژوهش‌های بیشتر است. همچنین با توجه به فطرت خداجوی انسان و زمینه و بافت مذهبی و فرهنگی قوی در کشور ما و وجود ریشه‌های عمیق معنویت و باورهای مذهبی و همچنین سنبل‌ها و نمونه‌های صبر و استقامت، مانند حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) و احادیث و آیه‌های مختلف در این زمینه، به عنوان نمونه (طلاق: ۶؛ یوسف: ۸۷) و همچنین (بقره: ۱۵۴-۱۵۵) می‌تواند به عنوان منبع حمایتی مهمی به حساب آید که تأمین‌کننده سلامت روان و حفظ آرامش فردی و افزایش توان مقابله و کنار آمدن کارآمد در شرایط سخت زندگی باشد (حسینی قمی و سلیمی بجمستانی، ۱۳۹۰).

یکی از یافته‌های دیگر پژوهش، حاکی از آن بود که بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی دین‌پژوهان و دانشجویان تفاوت وجود دارد که با یافته‌های پژوهشی آذربایجانی (۱۳۸۰)، خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۷۹) همخوانی دارد.

در تفسیر روان‌شناختی این تفاوت، به چند موضوع می‌توان اشاره کرد:

الف. از نظر انگیزشی، طلاب به‌ویژه در سال‌های اولیه تحصیل، با انگیزه خاص فراگیری اصول دین‌داری به محیط حوزه وارد می‌شوند و البته مطابق نظریه میدانی لوین، رفتار (و همچنین باورها و بازخوردها) به واسطه میدانی که در آن وجود دارد، شکل می‌گیرد (خدایانهی، ۱۳۷۶، ص ۵۹).

ب. مطابق نظریه یادگیری اجتماعی باندورا، طلاب بیشتر در معرض مشاهده، تقلید و الگوگیری از رفتارها و افرادی هستند که از نظر جهت‌گیری مذهبی و دینداری در سطح بالاتری قرار دارند (همان).

ج. برخی از پدیدارشناسان دینی مانند دیلتای، دین‌پژوهی را مشغله‌ای می‌دانند که به رشد دینی پژوهشگران هم مدد می‌رساند (خرمشاهی، ۱۳۷۲، ص ۳۲). از این رو، اگر حوزه علمیه و محل تحصیل طلاب را محل پژوهش‌های دینی بدانیم، می‌توان گفت همین امر در شرایط مساوی به دین‌داری بیشتر طلاب می‌انجامد.

بین هوش معنوی و تاب‌آوری دین‌پژوهان و دانشجویان تفاوت وجود ندارد. این امر نشان‌دهنده این است که هوش معنوی و تاب‌آوری در رشته‌های متفاوت یکسان است و تفاوتی در دانشجویان و دین‌پژوهان در هوش معنوی و میزان تاب‌آوری وجود ندارد. این یافته، با پژوهش‌های جلیلی و حسین چاری (۱۳۹۰) و ضمیری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲) هم‌سو می‌باشد. در تبیین این یافته، می‌توان گفت: تاب‌آوری فرایندی پویاست که در آن تأثیرات محیطی و شخصیتی در تعاملی متقابل بر یکدیگر اثر می‌گذارند. فطرتی بیولوژیک برای رشد و کمال در هر انسان وجود دارد - طبیعت خوداصلاح‌گری ارگانیسم انسانی - که به‌طور طبیعی و تحت شرایط معین محیطی می‌تواند آشکار شود. همان‌گونه که

ماستین می‌گوید: هنگامی که فاجعه از سر بگذرد و نیازهای اولیه انسانی تأمین گردد، آن‌گاه تاب‌آوری احتمال ظهور می‌یابد (سامانی و همکاران، ۱۳۸۶).

هوش معنوی نیز در میان دو گروه یکسان است در تبیین این یافته، باید اذعان نمود که /مؤنر معتقد است هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دینی و مفهومی است. درحالی‌که، معنویت جست‌وجو برای یافتن عناصر مقدس، معنایابی، هشیاری بالا، تعالی است. هوش معنوی، شامل توانایی برای استفاده از چنین موضوعات است که می‌تواند کارکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی کند و منجر به تولید و نتایج ارزشمندی گردد (زارعی و احمدی سرخونی، ۱۳۹۱). هوش معنوی همان مذهب و معنویت نیست که در هر زمینه فرهنگی و مذهبی متفاوت باشد (فرهنگی و همکاران، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر، تجزیه تحلیل یافته‌ها نشان داد که هوش معنوی، بیشترین سهم را در تبیین تاب‌آوری دانشجویان دارد. این یافته با پژوهش حمید و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد. هوش معنوی مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که علاوه بر لطافت و انعطاف‌پذیری در رفتار، سبب خودآگاهی و بینش عمیق فرد نسبت به زندگی و هدفدار نمودن آن می‌شود. به‌گونه‌ای که اهداف فراتر از دنیای مادی ترسیم می‌گردد و همین فرایند موجب سازگاری فرد با محیط به خاطر خشنودی و رضایت دیگران شده است؛ زیرا وی با این سازگاری درصدد جلب رضایت خداوند متعال است. بنابراین، ارتباط مستقیمی بین هوش معنوی و تاب‌آوری وجود دارد.

این پژوهش در دانشجویان دانشگاه کاشان و دانشجویان حوزه علوم بهشتی دانشگاه کاشان انجام شده است بنابراین، در تعمیم نتایج باید احتیاط لازم را لحاظ کرد. از آنجاکه یکی از عوامل تأثیرگذار بر تاب‌آوری هوش معنوی و مذهب درونی است، ضروری است افرادی مانند روان‌شناسان و مشاوران خوابگاه‌های دانشجویی، مدرسان و... کارگاه‌هایی برگزار کنند تا گامی در راه ارتقا تاب‌آوری باشد. همچنین دانشگاه بایستی تمهیداتی را ایجاد کند تا هوش معنوی در دانشجویان تقویت شود؛ محیط‌های غنی که سؤالات معنوی را برانگیزاند، می‌تواند موجب افزایش و تقویت هوش معنوی گردد. بدین جهت، با ایجاد سمینار و کارگاه‌هایی در این زمینه برای دانشجویان امکان دستیابی به این هدف میسر می‌گردد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۰، «آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»، *حوزه و دانشگاه*، سال هفتم، ش ۲۹، ص ۳۵-۶۰.
- آقابابایی، ناصر و همکاران، ۱۳۹۰، «هوش معنوی و بهزیستی فاعلی»، *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۳، ص ۸۳-۹۶.
- البرزی، محبوبه و بهرام جوکار، ۱۳۸۴، «مقایسه خودگردانی مذهبی دانش‌آموزان تیزهوش با دانش‌آموزان عادی در شهرستان شیراز»، *مطالعات روان‌شناختی*، ش ۲ و ۳، ص ۸۴-۹۶.
- پورافضل، فرزانه و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی همبستگی استرس ادراک شده با تاب‌آوری در دانشجویان کارشناسی پرستاری»، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات)*، دوره ۱۹، ش ۱، ص ۴۱-۵۲.
- پورنسایی، غزل سادات و همکاران، ۱۳۹۲، «*رابطه سلامت روان و هوش معنوی با تاب‌آوری در بین دانش‌آموزان پایه ششم شهرستان بندر انزلی*»، در: ششمین کنگره بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان: دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- ترخان، مرتضی، ۱۳۹۲، «اثربخشی آموزش گروهی تفکر انتقادی بر خود اثرمندی اجتماعی و تاب‌آوری»، *شناخت اجتماعی*، سال دوم، ش ۲، ص ۱۰۰-۱۱۰.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۷۸، *بررسی اثربخشی روان‌درمانگری با و بدون جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) بر مهار اضطراب و تنیدگی*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- جلیلی، علی و مسعود حسین چاری، ۱۳۹۰، «تبیین تاب‌آوری روان‌شناختی در دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار»، *رشد و یادگیری حرکتی-ورزشی*، ش ۶، ص ۱۳۱-۱۵۳.
- حسینی قمی، طاهره و حسین سلیمی بجستانی، ۱۳۹۰، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و تاب‌آوری در بین مادران دارای فرزندان مبتلا به بیماری»، *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۳، ص ۶۹-۸۲.
- حمید، نجمه و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی رابطه سلامت روان و هوش معنوی با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان»، *جنتاشاپیر*، دوره سوم، ش ۲، ص ۳۴۷-۳۵۵.
- حمیدی، فریده و حسین، ۱۳۹۱، «بررسی مقایسه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان دوره متوسطه براساس جنسیت و پایه تحصیلی»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۴، ش ۴، ص ۷۵-۸۸.
- حیدری، اسفندیار و همکاران، ۱۳۸۸، «رابطه مذهب با اضطراب مرگ و هیجان‌خواهی»، *روان‌شناسی*، سال سیزدهم، ش ۳، ص ۱۸۳-۱۹۸.
- خداپناهی، محمدکریم و محمدعلی خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی»، *روان‌شناسی*، ش ۳ (۹۸)، سال نهم، ص ۳۱۰-۳۲۰.
- خداپناهی، محمدکریم، ۱۳۷۶، *انگیزش و هیجان*، سمت.
- خداپناری‌فرد، محمد و همکاران، ۱۳۷۹، «آماده‌سازی مقیاس نگرش مذهبی دانشجویان»، *روان‌شناسی*، ش ۴، ص ۲۶۸-۲۸۵.

- خرمایی، فرهاد و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه تاب‌آوری، هوش معنوی و هوش اجتماعی در نوجوانان»، در: ششمین کنگره بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان: دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۲، «دین‌پژوهی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- خلعتبری، جواد و صونا بهاری، ۱۳۸۹، «ارتباط بین تاب‌آوری و رضایت از زندگی»، *روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن*، سال اول، ش ۲، ص ۸۳-۹۴.
- دهقان‌زاده، حسین و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با تاب‌آوری و سلامت روان در دانشجویان کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی»، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین.
- دهقانی، یوسف و سوران رجبی، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه تاب‌آوری با سلامت روان و هوش معنوی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر»، در: ششمین کنگره بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان، دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- رحمانی، مهری، ۱۳۹۰، «بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با سازگاری اجتماعی- تحصیلی/ شغلی و عزت نفس اجتماعی- تحصیلی شغلی دانشجویان شهر اراک»، در: اولین کنگره روان‌شناسی اجتماعی ایران، تهران.
- رقیب، مانده سادات و همکاران، ۱۳۸۷، «تحلیل میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی»، *پژوهش‌نامه مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ش ۸، ص ۳۹-۵۶.
- زارعی، اقبال و طاهره احمدی سرخونی، ۱۳۹۱، «نقش پیش‌بینی‌کننده‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر بندرعباس»، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ش ۲ (۲)، ص ۱۰۱-۱۱۶.
- سامانی، سیامک و همکاران، ۱۳۸۶، «تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایتمندی از زندگی»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال سیزدهم، ش ۳، ص ۲۹۰-۲۹۵.
- صیدی سارویی، محمد و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و ویژگی‌های شخصیتی با بهزیستی روان‌شناختی با واسطه‌گری تاب‌آوری در بیماران ام.اس»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال سوم، ش ۱۱، ص ۱۷-۳۸.
- ضمیری‌نژاد، سمیه و همکاران، ۱۳۹۲، «پیش‌بینی شادکامی دانشجویان براساس هوش معنوی»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، دوره بیستم، ش ۵، ص ۷۳۳-۷۸۱.
- عبدالله‌زاده، حسن و همکاران، ۱۳۸۸، «هوش معنوی (مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن)، تهران، روان‌سنجی.
- عظیمی، حمیده و مهران ضرغامی، ۱۳۸۱، «بررسی مقابله مذهبی و میزان اضطراب در دانشجویان علوم پزشکی مازندران در سال تحصیلی ۷۹-۷۸»، *مجله علمی- پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، سال دوازدهم، ش ۳۴، ص ۳۷-۴۶.
- غباری‌بناب، باقر و همکاران، ۱۳۸۵، «هوش معنوی»، *اندیشه نوین دینی*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۱۲۵-۱۴۷.
- فراهنک‌پور، فرناز و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه هوش معنوی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۹۰-۸۹»، *زن و مطالعات خانواده*، سال سوم، ش ۹، ص ۹۷-۱۱۹.
- فرهنگی، علی‌اکبر و همکاران، ۱۳۸۸، «هوش پیش‌بینی‌کننده رهبری تحول‌آفرین: بررسی روابط میان هوش معنوی، هوش عاطفی و رهبری تحول‌آفرین»، *علوم مدیریت ایران*، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۳۱-۵۷.

کرمی، جهانگیر و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با میزان تاب‌آوری و امیدواری در دانشجویان دانشگاه رازی»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۳، سال دوم، ش ۲، ص ۲۴۳-۲۵۶.

کشاوری، سمیه و فریده یوسفی، ۱۳۹۱، «رابطه بین هوش عاطفی، هوش معنوی و تاب‌آوری»، *روانشناسی*، سال شانزدهم، ش ۳، ص ۲۹۹-۳۱۸.

محمدی، مسعود، ۱۳۸۴، *بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی بالینی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

مختاری، عباس و همکاران، ۱۳۸۰، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با میزان تیدگی»، *روانشناسی*، ش ۱۷ (۵)، ص ۵۶-۶۷.

نورزاد قراملکی، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه هوش معنوی با شیوه‌های مقابله مذهبی در دانشجویان دانشگاه تبریز»، در: اولین همایش ملی یافته‌های علوم شناختی در تعلیم و تربیت.

- Allport, G. W, & Ross, M. G, 1967, Personal Religious Orientation and Prejudice, *Journal of Personality and Scioal psychology*, v. 5, p. 432-443.
- Campbell-Sills, L, & et al, 2006, Relationship of resilience to personality, coping and psychiatric symptoms in young adults, *Behaviour Research and Therapy*, v. 44, p. 585-599.
- Chau-kiu Cheung, Ping KwongKam, 2012, Resiliency in older Hong Kong Chinese: Using the grounded theory approach to reveal social and spiritual conditions, *Journal of Aging Studies*, v. 26, Issue 3, Special Section: Innovative Approaches to International Comparisons, p. 355-36.
- Crook, G, 2008, The negative relationship between religion and substance use/abuse, Gulifordpress, v. 66, p. 122-129.
- Elkins, M, & Cavendish, 2004, "Developing a plan for pediatric spiritual care", *Holistic Nursing Practice*, v. 18 (4), p. 179-186.
- Emmons, R. A, 2000, Is spirituality intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern, *The International Journal for the Psychology of Religion*, v. 10 (1), p. 3-26.
- Freud, S, 1907, Obsessive Acts and Religious Practices (J. Riviera, Trans), In E. Jones (Ed.), Sigmund Freud Collected Papers (p. 25-35), New York, Basic Books.
- Furr, K, A, & et al, 2007, "Effects of L.D.S Doctrine versus I.D.S Culture on Self-Esteem", *Intuition: by Undergraduate Journal of Psychology*, v. 3, p. 23-28.
- Gardner, H, 1999, *Intelligence reframed: Multiple Intelligence for the new millennium*, New York, Basic Books.
- Gomes R, & McLaren S, 2006, The association of avoidance coping style, and perceived Mather and farther support with anxiety/Depression among late adolescents, *Applicability of resiliency models personality and Individual Differences*, v. 40, p. 1165-1176.
- Gomes R, & McLaren S, 2006, The association of avoidance coping style, and perceived Mather and farther support with anxiety/Depression among late adolescents, *Applicability of resiliency models personality and Individual Differences*, v. 40, p. 1165-1176.

- Hart, A, & et al, 2007, ***Resilient therapy: working with children and families***, Hove, East Sussex: Rutledge.
- Henley, R, 2010, Resilience enhancing psychosocial programs for youth in different cultural contexts: Evaluation and research, ***Progress in Development Studies***, v. 10 (4), p. 295-307
- Matthews Treadway, K, 1996, "Religion and Optimism: Models of the Relationship", ***The Student Journal of Psychology***, v. 2, p. 1-13.
- McCormick, J, 2009, Religious orientation and locus of control, Presented at the Australian Association for Research in Education Annual Conference, 4-7 December, Sydney, p. 22-24.
- Mcsherry, W, & et al, 2002, "The construct validity of a rating scale designed to assess spirituality and spiritual care", ***International Journal of Nursing Studies***, v. 39(7), p. 723-734.
- Seligman, M. E.P, & Csikszentmihalyi, M, 2000, Positive Psychology: An introduction, ***American Psychologist***, v. 55, p. 5-14.
- Simon, J. B, & et al, 2005, Understanding and Fostering Family Resilience, ***The Family Journal***, v. 13, p. 427-436.
- Smith, M, 2005, ***Spiritual quotient questionnaire: (SQQ)***, www.myskillsprofile.Com.
- Smith, S, 2004, "Smith, Exploring the interaction of emotional Intelligence and spirituality", ***Traumatology***, v. 10 (4), p. 231-243.
- Vetter, S, & et al, 2010, Impact of resilience enhancing programs on youth surviving the Beslan school siege, ***Child Adolesc Psychiatry Ment Health***, v. 22, p. 4-11.
- Walsh, F, 2006, ***Strengthening family resilience***, New York: Guilford Press.
- Wolman, R, N, 2007, ***Spiritual quotient questionnaire***, Retrieved from internet: www.conscious pursuits.com.
- Zohar, D, & Marshall, 2000, SQ: spiritual intelligence, the ultimate intelligence, the ultimate intelligence, London, Bloomsbury.

نمایه الفبایی مقالات و پدیدآوردگان سال ششم (شماره‌های ۲۹-۳۲)

الف نمایه مقالات

اثربخشی شناخت درمانی مذهب‌محور بر کاهش نشانه‌های روان‌شناختی بیماران مبتلا به سرطان، مهری مولایی، ستاره جانی، مجید محمودعلیلو، اصغر پوراسماعلی، ش ۲۹، ص ۸۵.

اثربخشی معنویت درمانی بر کیفیت زندگی و سلامت روان زنان مبتلا به دیابت شهرستان نجف‌آباد؛ زهرا بابایی، زهره لطیفی، مریم اسماعیلی، ش ۳۰، ص ۳۷.

اثربخشی معنویت‌درمانی گروهی بر افزایش تاب‌آوری؛ فاطمه دهقان، مرضیه پیری‌کامرانی، جهانگیر کرمی، ش ۳۲، ص ۸۱.

احساس تنهایی معنوی/ مذهبی: ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش ابعاد مثبت و منفی احساس تنهایی، فاطمه قابضی، شهلا پاکدامن، جلیل فتح‌آبادی، محمدرضا حسن‌زاده توکلی، ش ۲۹، ص ۶۳.

آزارگری و مبارزه با آن از دیدگاه دین اسلام و روان‌شناسی؛ محمدعلی قاسمی‌نژاد، نادر حاجلو، سروین انصار حسین، ش ۳۰، ص ۱۹.

بررسی اثربخشی رویکرد گروه‌درمانی معنوی بر افزایش میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان ...، عزت‌الله قدم‌پور، طاهره رحیمی‌پور، حسین سلیمی، ش ۳۲، ص ۶۱.

بررسی التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های ادارهٔ تعارض زناشویی ...، رضوانه طلائیان، کیانوش زهرا کار، ش ۳۲، ص ۱۰۷.

بررسی تفاوت تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی والدین دارای یک و چندفرزند؛ عباسعلی هراتیان، سیدعباس ساطوریان، محمد زارعی، مسعود جان‌بزرگی، مژگان آگاه هریس، ش ۳۱، ص ۹۳.

بررسی تفاوت ویژگی‌های شخصیتی و امید در میان دانش‌آموزان مرتبط و غیرمرتبط با جنس مخالف؛ محمد زارعی توپخانه، سیده‌خدیجه مرادیانی گیزه‌رود، محمود گلزاری، ش ۳۰، ص ۵۱.

بررسی مراحل تحول بر اساس منابع اسلامی، محمدرضا قائمی‌مقدم، محمود نودری، محمد داوودی، مسعود آذربایجانی، ش ۳۲، ص ۲۳.

پیش‌بینی بلوغ شغلی بر اساس سبک‌های هویت و دین‌داری در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی؛ طویه مدنی‌فر، کیومرث فرحبخش، محمود گلزاری، مرضیه مدنی‌فر، ش ۳۱، ص ۱۲۹.

- پیش‌بینی قدردانی بر اساس سلامت معنوی، حمایت اجتماعی و استرسی در دختران نوجوان، شیوا کدخدازاده، حسینعلی مهربانی، مهرداد کلانتری، ش ۲۹، ص ۹۹.
- پیش‌بینی کاهش مصرف مواد در دانش‌آموزان دبیرستانی براساس دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی؛ حسن رضایی جمالویی، سعید آریان، محسن کچویی، حسین مرادی، مهدی طاهری، ش ۳۰، ص ۷۹.
- پیش‌بینی مؤلفه‌های شناختی و عاطفی شادمانی براساس تجارب معنوی روزانه؛ مریم بردبار، محمد مزیدی شرف‌آبادی، ش ۲۹، ص ۲۵.
- جایگاه ثروت و زیبایی در انتخاب همسر از نگاه اسلام و ارتباط آن با رضامندی زناشویی، عباس پالوج، هادی حسین‌خانی، غلامرضا جندقی، فاطمه کیانی‌فر، ش ۳۲، ص ۴۳.
- رابطه جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان و تحول اخلاقی؛ حسن اعتصامی‌نیا، رحیم ناروئی نصرتی، محمدرضا احمدی، ش ۲۹، ص ۱۱۵.
- رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی با میزان تاب‌آوری دانشجویان، فریبرز صدیقی ارفع‌ی، علی حسین‌زاده، مریم نادی راوندی، ش ۳۲، ص ۱۰۷.
- رابطه عمل به باورهای دینی و سرمایه اجتماعی با وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه؛ محمد قمری، ابراهیم اسماعیلی، محمود اعظمی، ش ۳۰، ص ۹۷.
- رابطه میزان عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی در دانشجویان دختر؛ فریده حسین‌ثابت، مهرنوش مومی‌پور، ش ۳۱، ص ۱۴۵.
- راهبردهای مقابله مذهبی مثبت و منفی: تحلیل روان‌سنجی مقیاس مقابله مذهبی در بین دانشجویان ایرانی؛ فرزانه داودوندی، امید شکری، ش ۲۹، ص ۴۱.
- ساخت آزمون مقدماتی قدردانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی؛ ابراهیم سالاروند، محمدرضا احمدی، سیدمحمدرضا موسوی‌نسب، ش ۳۰، ص ۶۷.
- ساخت و اعتباریابی آزمون اولیه باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی، علی صادقی سرشت، محمدرضا احمدی، رحیم میردیکوندی، ش ۳۲، ص ۵.
- ساخت و اعتباریابی و رواسازی پرسش‌نامه پایبندی زنان به آموزه‌های همسرمداری اسلام؛ سیدابوالفضل قدوسی، محمدرضا احمدی، صادق کریم‌زاده، ش ۳۱، ص ۵۳.
- ساخت و روان‌سنجی مقیاس هویت اخلاقی - اسلامی نوجوانان ایرانی، فرهاد شقاقی، زهرا مردانی ولدانی، مرضیه عزیزیان، زهرا عاصمی، ش ۳۱، ص ۲۷.

شناسایی مؤلفه‌های معنای زندگی، ازدواج و زناشویی در زوجین رضایت‌مند زناشویی؛ زهرا گیتی‌پسند، کیومرث فرح‌بخش، معصومه اسمعیلی، محمد سعید ذکایی، ش ۳۰، ص ۵.

کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی در کاهش اضطراب وجودی، زهرا زینی‌وند، لیلا امینی‌جاوید، جهانگیر کرمی، ش ۳۲، ص ۹۳.

الگوی پیش‌بینی هوش معنوی بر پایه سبک‌های اسنادی و خودکنترلی؛ ملیحه آرین‌پور، فاطمه شهابی‌زاده، عبدالمجید بحرینیان، ش ۲۹، ص ۵.

الگوی مفهومی ابعاد تصور از خدا بر اساس اسماء حسنا مبنایی برای مطالعات سبک زندگی اسلامی و روان‌شناسی دین؛ حسین احمد برابادی، معصومه اسمعیلی، حسین سلیمی بجستانی، سیدمحمد کلانتر کوشه، ش ۳۱، ص ۵.

مقایسه بهزیستی معنوی، بهزیستی روان‌شناختی و کارآمدی خانواده در میان دانشجویان و طلاب؛ جعفر هوشیاری، محمدمهدی صفورایی پاریزی، بهشته نیوشا، ش ۳۱، ص ۷۱.

نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در تبیین حالت‌های هیجانی منفی؛ یوسف رضاپور، بهزاد شالچی، مهرناز دادخواه، یوسف زینی‌وند، ش ۳۱، ص ۱۱۳.

ب. نمایه پدیدآورندگان

ابراهیم سالاروند، محمدرضا احمدی، سیدمحمدرضا موسوی‌نسب، ساخت آزمون مقدماتی قدردانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، ش ۳۰، ص ۶۷.

جعفر هوشیاری، محمدمهدی صفورایی پاریزی، بهشته نیوشا، مقایسه بهزیستی معنوی، بهزیستی روان‌شناختی و کارآمدی خانواده در میان دانشجویان و طلاب، ش ۳۱، ص ۷۱.

حسن اعتصامی‌نیا، رحیم ناروئی نصرتی، محمدرضا احمدی، رابطه جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان و تحول اخلاقی، ش ۲۹، ص ۱۱۵.

حسن رضایی جمالویی، سعید آریان، محسن کچویی، حسین مرادی، مهدی طاهری، پیش‌بینی کاهش مصرف مواد در دانش‌آموزان دبیرستانی براساس دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی، ش ۳۰، ص ۷۹.

حسین احمد برابادی، معصومه اسمعیلی، حسین سلیمی بجستانی، سیدمحمد کلانتر کوشه، الگوی مفهومی ابعاد تصور از خدا بر اساس اسماء حسنا مبنایی برای مطالعات سبک زندگی اسلامی و روان‌شناسی دین، ش ۳۱، ص ۵.

رضوانه طلائیان، کیانوش زهرا کار، بررسی التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های ادارهٔ تعارض زناشویی ...، ش ۳۲، ص ۱۰۷.

زهرا بابایی، زهره لطیفی، مریم اسماعیلی، اثربخشی معنویت درمانی بر کیفیت زندگی و سلامت روان زنان مبتلا به دیابت شهرستان نجف‌آباد، ش ۳۰، ص ۳۷.

زهرا زینی‌وند، لیلا امینی جاوید، جهانگیر کرمی، کارآمدی آموزش معنویت با رویکرد اسلامی در کاهش اضطراب وجودی، ش ۳۲، ص ۹۳.

زهرا گیتی‌پسند، کیومرث فرح‌بخش، معصومه اسمعیلی، محمد سعید ذکایی، شناسایی مؤلفه‌های معنای زندگی، ازدواج و زناشویی در زوجین رضایتمند زناشویی، ش ۳۰، ص ۵.

سیدابوالفضل قدوسی، محمدرضا احمدی، صادق کریم‌زاده، ساخت و اعتباریابی و رواسازی پرسش‌نامه پایبندی زنان به آموزه‌های همسرمداری اسلام، ش ۳۱، ص ۵۳.

شیوا کدخدازاده، حسینعلی مهرابی، مهرداد کلانتری، پیش‌بینی قدردانی بر اساس سلامت معنوی، حمایت اجتماعی و استرسی در دختران نوجوان، ش ۲۹، ص ۹۹.

طیبه مدنی‌فر، کیومرث فرح‌بخش، محمود گلزاری، مرضیه مدنی‌فر، پیش‌بینی بلوغ شغلی بر اساس سبک‌های هویت و دین‌داری در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۳۱، ص ۱۲۹.

عباس پالوج، هادی حسین‌خانی، غلامرضا جندقی، فاطمه کیانی‌فر، جایگاه ثروت و زیبایی در انتخاب همسر از نگاه اسلام و ارتباط آن با رضامندی زناشویی، ش ۳۲، ص ۴۳.

عباسعلی هراتیان، سیدعباس ساطوریان، محمد زارعی، مسعود جان‌بزرگی، مژگان آگاه‌هریس، بررسی تفاوت تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی والدین دارای یک و چندفرزند، ش ۳۱، ص ۹۳.

عزت‌الله قدم‌پور، طاهره رحیمی‌پور، حسین سلیمی، بررسی اثربخشی رویکرد گروه‌درمانی معنوی بر افزایش میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان ...، ش ۳۲، ص ۶۱.

علی صادقی سرشت، محمدرضا احمدی، رحیم میردریگوندی، ساخت و اعتباریابی آزمون اولیه باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی، ش ۳۲، ص ۵.

فاطمه دهقان، مرضیه پیری کامرانی، جهانگیر کرمی، اثربخشی معنویت‌درمانی گروهی بر افزایش تاب‌آوری، ش ۳۲، ص ۸۱.

فاطمه قابضی، شهلای پاکدامن، جلیل فتح‌آبادی، محمدرضا حسن‌زاده توکلی، احساس تنهایی معنوی/ مذهبی: ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش ابعاد مثبت و منفی احساس تنهایی، ش ۲۹، ص ۶۳.

- فرزانه داوودوندی، امید شکری، راهبردهای مقابله مذهبی مثبت و منفی: تحلیل روان‌سنجی مقیاس مقابله مذهبی در بین دانشجویان ایرانی، ش ۲۹، ص ۴۱.
- فرهاد شقاقی، زهرا مردانی ولندانی، مرضیه عزیزیان، زهرا عاصمی، ساخت و روان‌سنجی مقیاس هویت اخلاقی - اسلامی نوجوانان ایرانی، ش ۳۱، ص ۲۷.
- فریرز صدیقی ارفعی، علی حسین‌زاده، مریم نادی راوندی، رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی با میزان تاب‌آوری دانشجویان، ش ۳۲، ص ۱۰۷.
- فریده حسین‌ثابت، مهرنوش مومی‌پور، رابطه میزان عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی در دانشجویان دختر، ش ۳۱، ص ۱۴۵.
- محمد زارعی توپخانه، سیده‌خدیجه مرادیانی گیزه‌رود، محمود گلزاری، بررسی تفاوت ویژگی‌های شخصیتی و امید در میان دانش‌آموزان مرتبط و غیرمرتبط با جنس مخالف، ش ۳۰، ص ۵۱.
- محمد قمری، ابراهیم اسماعیلی، محمود اعظمی، رابطه عمل به باورهای دینی و سرمایه اجتماعی با وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه، ش ۳۰، ص ۹۷.
- محمد رضا قائمی مقدم، محمود نوذری، محمد داوودی، مسعود آذربایجانی، بررسی مراحل تحول بر اساس منابع اسلامی، ش ۳۲، ص ۲۳.
- محمدعلی قاسمی‌نژاد، نادر حاجلو، سروین انصار حسین، آزارگری و مبارزه با آن از دیدگاه دین اسلام و روان‌شناسی، ش ۳۰، ص ۱۹.
- مریم بردبار، محمد مزیدی شرف‌آبادی، پیش‌بینی مؤلفه‌های شناختی و عاطفی شادمانی براساس تجارب معنوی روزانه، ش ۲۹، ص ۲۵.
- ملیحه آری‌پور، فاطمه شهابی‌زاده، عبدالمجید بحرینیان، الگوی پیش‌بینی هوش معنوی بر پایه سبک‌های اسنادی و خودکنترلی، ش ۲۹، ص ۵.
- مهری مولایی، ستاره جانی، مجید محمودعلیلو، اصغر پوراسمعی، اثربخشی شناخت درمانی مذهب‌محور بر کاهش نشانه‌های روان‌شناختی بیماران مبتلا به سرطان، ش ۲۹، ص ۸۵.
- یوسف رضاپور، بهزاد شالچی، مهرناز دادخواه، یوسف زینی‌وند، نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در تبیین حالت‌های هیجانی منفی، ش ۳۱، ص ۱۱۳.

راهنمای اشتراک نشریات تخصصی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۱. اشتراک به صورت آونمان پذیرفته می‌شود؛ ۲. در صورت تمایل به اشتراک وجه اشتراک را به حساب ۰۱۰۵۹۷۳۰۰۱۰۰۰ به نام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره واریز و اصل فیش بانکی یا فتوکی آن را به همراه فرم اشتراک و مشخصات کامل خود به نشانی مجله ارسال نمایید؛ ۳. در صورت تغییر نشانی، اداره نشریات تخصصی را از نشانی جدید خود مطلع نمایید؛ ۴. کلیه مکاتبات خود را با شماره اشتراک مرقوم فرمایید؛ ۵. بهای اشتراک خارج از کشور با احتساب هزینه پست سالانه ۲۰ دلار و یا معادل آن می‌باشد؛ ۶. لطفاً در ذیل نوع نشریه و مبلغ واریزی و نیز مدت اشتراک خود را مشخص فرمایید.

فروشگاه الکترونیک <http://eshop.iki.ac.ir>

ردیف	عنوان نشریه	رتبه	تک‌شماره (ریال)	یک‌ساله (ریال)	از شماره تا شماره
۱.	دوفصل‌نامه «معرفت اقتصاد اسلامی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۲.	دوفصل‌نامه «تاریخ اسلام در آینه پژوهش»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۳.	دوفصل‌نامه «قرآن‌شناخت»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۴.	دوفصل‌نامه «معرفت سیاسی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۵.	دوفصل‌نامه «معرفت کلامی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۶.	فصل‌نامه «روان‌شناسی و دین»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۷.	فصل‌نامه «معرفت ادیان»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۸.	فصل‌نامه «معرفت فرهنگی اجتماعی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۹.	فصل‌نامه «معرفت فلسفی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۱۰.	دوفصل‌نامه «اسلام و پژوهش‌های تربیتی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۱.	دوفصل‌نامه «اسلام و پژوهش‌های مدیریتی»	علمی - ترویجی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۲.	دوفصل‌نامه «معارف عقلی»	علمی - ترویجی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۳.	دوفصل‌نامه «معرفت اخلاقی»	علمی - ترویجی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۴.	ماهنامه «معرفت»	علمی - ترویجی	۳۵,۰۰۰	۴۲۰,۰۰۰	
۱۵.	دوفصل‌نامه «عیار پژوهش در علوم انسانی»	علمی - تخصصی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۶.	دوفصل‌نامه «حکمت عرفانی»	علمی - تخصصی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۷.	دوفصل‌نامه «معارف منطقی»	علمی - تخصصی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۸.	دوفصل‌نامه «اندیشه‌های حقوق عمومی»	علمی - تخصصی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۹.	فصل‌نامه «پویایی در علوم انسانی»	علمی - تخصصی	۳۵,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۲۰.	Semiannual «Horizons of Thought»	علمی - تخصصی	۱۵ دلار	۳۰ دلار	

نام نشریه: و و و و

مدت اشتراک: و و و و

مبلغ واریزی: و و و و

فرم درخواست اشتراک

اینجانب:	استان:	شهرستان:
خیابان / کوچه / پلاک:		
کد پستی:	صندوق پستی:	تلفن (ثابت):
متقاضی دریافت مجله / مجلات فوق می‌باشم.		
لطفاً از شماره‌های ذکر شده مجلات به مدت:		
به آدرس فوق ارسال فرمایید.		
در ضمن فیش بانکی به شماره: مبلغ: ریال به پیوست ارسال می‌گردد.		

ملخص المقالات

تصميم الاختبار الأولي للمعتقدات المنطقية عند الزوجين وقياس مدى مصداقية وثباته اعتماداً على المصادر الإسلامية

على صادقي سرشت / ماجستير علم النفس العام بمؤسسة الإمام الخميني للتعليم والبحث
sad13566@gmail.com
محمد رضا أحمدي / أستاذ مساعد في قسم علم النفس بمؤسسة الإمام الخميني للتعليم والبحث
رحيم ميردريكوندي / أستاذ مساعد في قسم علم النفس بمؤسسة الإمام الخميني للتعليم والبحث
الوصول: ٣ صفر ١٤٣٦ - القبول: ١٣ رجب ١٤٣٦

الملخص

جاءت هذه المقالة بهدف تصميم الاختبار الأولي للمعتقدات المنطقية للزوجين على أساس المبادئ النظرية للإسلام واعتماداً على تقنية تحليل المضمون لدراسة المصادر الإسلامية، كما استخدمنا المنهج الاستقصائي وأسلوب انتقاء العينات العشوائية الطبقي لقياس مدى مصداقية الاختبار وثباته، إذ اختبر ١٠٠ طالب من بين طلاب مؤسسة الإمام الخميني للتعليم والبحث وطلاب العلوم الدينية في عام ١٣٩٣-١٣٩٤ الدراسي كعينة للدراسة. إن الهيكل المستنبط من المصادر الإسلامية للمعتقدات المنطقية للزوجين يتمثل في مجال المعاش، والجنس، والتعامل، وحل المشاكل، والدعم، كما أن موافقة ٩٥,٥ بالمائة من العينات المختارة على البنود و ٩٤,٥ بالمائة منهم على الفقرات تدل على المصداقية المناسبة لمضمون هذا الاختبار. إن الارتباط الإيجابي وذات الدلالة الإحصائية لهذا الاختبار بمعدل يساوي $(p > 0.01, r = 0.76)$ مع اختبار المعتقدات الاتصالية للزوجين، يحكي عن المصداقية المعيارية لهذا الاختبار، كما أن الترابط الوثيق بين المؤشرات مع كل الاختبار وكذلك بين فقرات الاختبار تكشف عن المصداقية التركيبية له. إن ثبات الاختبار الذي حصلنا عليه من خلال دراسة مدى الاتساق الداخلي للاستبيان باستخدام معامل ألفا كرونباخ يساوي ٠,٩٢. أما نتائج معامل ألفا للجزء الأول للاستبيان فتساوي ٠,٨٦ وللجزء الثاني تساوي ٠,٨٩، كما أن معامل الارتباط بين الجزئين يساوي ٠,٧٧ ومعامل التجزئة النصفية لغاتمان تساوي ٠,٨٦، مما يدل على أن الاستبيان يحظى بمصداقية وثبات مطلوئين. كلمات مفتاحية: المعتقدات المنطقية، الزوجين، التصميم، الاختبار، المصداقية والثبات.

دراسة مراحل العمر في ضوء المصادر الإسلامية

✍ محمد رضا قائمی مقدّم / طالب دكتوراه في فرع فلسفة التعليم والتربية بمركز بحوث الحوزة والجامعة

mnowzari@rihu.ac.ir

محمود نوذرى / أستاذ مساعد في قسم العلوم التربوية بمركز بحوث الحوزة والجامعة

mdavoudi@rihu.ac.ir

محمد داوودی / أستاذ مساعد في قسم العلوم التربوية بمركز بحوث الحوزة والجامعة

مسعود آذربایجانی / أستاذ مشارك في قسم علم النفس بمعهد دراسات الحوزة والجامعة

الوصول: ١٨ جمادى الثاني ١٤٣٦ - القبول: ٢٢ ذى القعدة ١٤٣٦

الملخص

تمرّ دورة حياة الإنسان بمراحل مختلفة وتتميّز بتطور تدريجيّ، وتختلف البنية النفسية للإنسان وخصائصه وسلوكياته في كلّ مرحلة مقارنة بالمراحل السابقة. وتحظى معرفة هذه المراحل وتسييل الضوء عليها بأهمية بالغة، إذ يمكن من خلالها تصميم أساليب تربوية محدّدة واستخدام المبادئ المختلفة للتربية والمناهج المتنوّعة لها تختصّ كلّ منها بمرحلة من مراحل تطوّر حياة الإنسان. استقطبت دراسة هذه المراحل ومعرفة اهتمام الكثير من الباحثين، لذلك، فإنّ تقصّي الموضوع في النصوص الدينية وتحديد مراحل نموّ الإنسان وتطوّره من زاوية رؤية الديانة الإسلامية الحنيفة يحظى بأهمية بالغة في الأوساط العلمية والدينيّة. أمّا السؤال الذي يفرض نفسه هنا وتسعى المقالة إلى الإجابة عنه، فهو: كيف تصنّف النصوص الدينيّة عمر البشر وحياته؟ وكيف تصفه؟ تشير النتائج المتحصّلة إلى أنّ الدين يقسّم عمر الإنسان إلى ثلاث مراحل أصليّة وتسع مراحل فرعية وهي عبارة عمّا يلي:

مرحلة الفتور الأولى: وهي تنقسم إلى مرحلة الحمل، والرضاع، ومرحلة ما قبل التمييز ومرحلة التمييز.

مرحلة القوّة: وهي تضمّ مراحل المراهقة، والشباب، والكهولة.

مرحلة الفتور الثانية: وهي تشمل على مراحل الشيخوخة وأرذل العمر وهو الهرم والخرف.

كلمات مفتاحية: النموّ، التطوّر، العمر، المرحلة، الضعف والفتور، القوّة، الطفل، سن البلوغ، الشباب، الشيخ، أرذل العمر.

مكانة الثراء والجمال في اختيار الزوج من منظار الإسلام وعلاقتهما بالرضا الزوجي

عباس بالوج / ماجستير علم النفس في مؤسسة الإمام الخميني عليه السلام للتعليم والبحث

هادي حسين خاني / أستاذ مساعد في فرع علم النفس التربوي بمؤسسة الإمام الخميني عليه السلام للتعليم والبحث

غلامرضا جندقي / أستاذ مشارك في برديس قم

فاطمة كياني فر / بكالوريوس في فرع علم النفس العام

الوصول: ١٧ شعبان ١٤٣٥ - القبول: ٢٧ محرم ١٤٣٦

الملخص

تهدف المقالة التي بين يدي القارئ الكريم إلى دراسة رؤية الإسلام إلى مؤشري الثراء والجمال في اختيار الزوج وعلاقتهما بمستوى الرضا الزوجي. ولتحقيق هذا الغرض، فقد درس الباحثون مكانة الثراء والجمال بين معايير اختيار الزوج في رحاب المصادر الإسلامية، وذلك عبر استخدام المنهج النظري - التحليلي، ومن ثم قاموا بدراسة وتنبؤ العلاقات بين متغيرات الدراسة من خلال المنهج الوصفي من نوع الترابط - الانحدار، إذ اختير ٢٧٣ معلماً من بين ٧٥٠ معلّم في مدينة قم في عام ٩١-٩٢ الدراسي باستخدام المنهج التركيبي المسمّى بالعنقودي - الطبقي، ثم أجابوا عن الأسئلة المطروحة في استبيان الرضا الزوجي لجديري وجان بزركي وقائمة معايير اختيار الزوج (المصمّمة من قبل الباحث). اعتمد الباحثون على اختبار t واختبار الترابط من خلال استخدام برنامج SPSS21 الإحصائي لتحليل البيانات. وكشفت النتائج المتحصّلة عن اهتمام الدين الإسلامي الحنيف بمؤشري الثراء والجمال في اختيار الزوج، إلّا أنّ بعض المؤشرات كالإيمان، والأخلاق، والإنجاب تتمتع بالأولوية والارجحية في عملية اختيار الزوج، كما لا توجد أي علاقة ذات دلالة إيجابية بين الثراء والجمال وبين الرضا الزوجي في الأعوام الستة الأولى للحياة المشتركة ($p > 0.05$).

كلمات مفتاحية: اختيار الزوج، الثراء، الجمال، الرضا الزوجي.

دراسة حول مدى تأثير مقارنة العلاج الجماعي الروحاني في رفع مستوى التحمل النفسي عند طالبات المرحلة المتوسطة بمدينة إصفهان

عزت الله قدم بور / أستاذ مساعد في فرع علم النفس التربوي بجامعة لرستان

t.rahimipour@gmail.com

طاهرة رحيمي بور / طالبة دكتوراه في فرع علم النفس التربوي بجامعة لرستان

حسين سليمي / طالب دكتوراه في فرع علم النفس التربوي بجامعة لرستان

الوصول: ١٧ رمضان ١٤٣٥ - القبول: ١٨ ربيع الاول ١٤٣٦

الملخص

تعتمد هذه المقالة على المنهج شبه تجريبي وتهدف إلى دراسة مدى تأثير مقارنة العلاج الجماعي الروحاني في رفع مستوى التجلّد عند طالبات المرحلة المتوسطة بمدينة إصفهان عبر استخدام مشروع الاختبار القبلي - البعدي والمجموعة المرجعية. أمّا المجموعة الإحصائية للدراسة، فقد شملت طالبات المدارس المتوسطة كافة في مدينة إصفهان في عام ١٣٩٢-١٣٩٣ الدراسي، إذ اختيرت ٣٠ طالبةً من بينهنّ على أساس منهج أخذ العينات العرضيّة وانقسمن عشوائياً في مجموعتين هما مجموعة الاختبار (١٥ شخصاً) والمجموعة المرجعية (١٥ شخصاً). واستغرق العلاج لمجموعة الاختبار ١٢ حصّة وأجاب المجموعتان عن الأسئلة المطروحة في استبيان التحمل النفسي لكونور وديفيدسون في حصص الاختبار القبلي والبعدي. ومن ثمّ حلّلت معطيات البحث باستخدام المناهج الإحصائية كاختبار تحليل التباين المشترك وبرنامج SPSS. وتشير نتائج الدراسة إلى أنّ العلاج الجماعي الروحاني يؤثر في رفع مستوى التحمل النفسي عند الطالبات تأثيراً ذا دلالة إحصائية على مستوى ($P < 0.05$).

كلمات مفتاحية: العلاج النفسي، الروحانية، العلاج الروحاني، التحمل النفسي.

فاعلية العلاج الروحاني الجماعي في رفع مستوى التحمل النفسي

فاطمة دهقان / الباحث في مركز بحوث التنمية الاجتماعية والصحية بجامعة العلوم الطبية في كرمانشاه

Fateme.dehghan1368@gmail.com

جهانگیر کرمی / أستاذ مشارك في قسم علم النفس بجامعة رازی في کرمانشاه

مرضیة بیرى کامرانى / طالبة دكتوراه في فرع الاستشارة بجامعة العلامة الطباطبائي

الوصول: ١١ رجب ١٤٣٥ - القبول: ١١ ذى الحجة ١٤٣٥

الملخص

تعدّ الدراسات الروحانيّة موضوعاً أساسياً في مجال علم النفس وبدأت تستحوذ على اهتمام الباحثين في كثير من بلدان العالم. أمّا هذه المقالة، فتهدف إلى دراسة مدى فاعليّة العلاج الروحاني في رفع مستوى التحمل النفسي عند الطّلاب، ولهذا الغرض استخدم الباحثون المنهج التجريبي من نوع الاختبار القبلي والبعدي باستخدام المجموعة المرجعية، وبلغت عيّنة الدراسة ٥٠ طالباً (٢٤ طالباً في مجموعة الاختبار و٢٦ طالباً في المجموعة المرجعية)، إذ تمّ اختيارهم من بين المجتمع الإحصائي المتمثّل في جميع طّلاب كليّة "سما" المهنيّة بمدينة کرمانشاه وذلك عبر الأسلوب العشوائي البسيط لأخذ العيّنات. أمّا الطّلاب المتمثلون في مجموعة الاختبار، فشاركوا في عشر حصص للعلاج الروحاني الجماعي وأجابوا عن الأسئلة المطروحة في استبيان التحمل النفسي لكونور وديفيدسون كأداة لجمع المعطيات، حيث حلّلت معطيات الدراسة من خلال استخدام اختبار تحليل التباين المشترك الإحصائي. وقد أسفرت نتائج الدراسة عن وجود اختلاف ملحوظ وذى دلالة إحصائية بين معدّل درجة التحمل النفسي في مرحلة الاختبار البعدي في مجموعتي الاختبار والمرجعية وبين متغيّر الاختبار القبلي، واعتماداً على نتائج الدراسة، فيمكن القول أنّ العلاج الروحاني الجماعي يؤثّر في رفع مستوى التحمل النفسي عند الطّلاب تأثيراً ملحوظاً.

كلمات مفتاحية: العلاج الروحاني الجماعي، التحمل النفسي، الطّلاب.

دراسة حول مدى فاعلية تعليم الروحانية فى تخفيف القلق الكيانى بمقاربة إسلامية

زهراء زينى وند / ماجستير علم النفس العام من جامعة رازى بكرمانشاه

leilaaminijavid@yahoo.com

ك ليلى أمينى جاويد / ماجستير الاستشارة والارشاد من جامعة الزهراء ع

جهانكير كرمى / أستاذ مشارك فى قسم علم النفس بجامعة رازى فى كرمانشاه

الوصول: ٦ شوال ١٤٣٥ - القبول: ٣ ربيع الثانى ١٤٣٦

الملخص

جاءت المقالة التى بين يدى القارئ الكريم بهدف دراسة مدى فاعلية تعليم الروحانية الإسلامية فى تخفيف القلق الكيانى. تعتمد المقالة على المنهج الشبه تجريبى وتستخدم الاختبار القبلى والبعدى إضافة إلى المجموعة المرجعية. أما المجتمع الإحصائى للدراسة، يتمثل فى جميع طالبات السنة الأولى للمرحلة المتوسطة بمدينة كرمانشاه فى عام ١٣٩٣-١٣٩٢ الدراسى. إذ اختار الباحثون مدرسة متوسطة من بين جميع المدارس باستخدام منهج أخذ العينات العنقودى، ومن ثم اختاروا ٣٠ طالبة تجاوزن درجة الانقطاع فى مقياس غود للقلق الكيانى من بين ١٢٠ طالبة يدرسن فى هذه المدارس، وانقسمن فى مجموعتين هما مجموعة الاختبار (١٥ شخصاً) والمجموعة المرجعية (١٥ شخصاً). وأقيمت ٥ حصص لتعليم الروحانية بمقاربة إسلامية استغرقت كل حصّة ٩٠ دقيقة، ومن ثم أجبن عن أسئلة القلق الكيانى حسب قواعد غود. استخدم الباحثون من اختبار تحليل التباين المشترك أحادى الاتجاه (ANCOVA)، إذ إنّ النتائج المتحصّلة تشير إلى أنّ هناك اختلاف ذو دلالة إحصائية بين مجموعة الاختبار والمجموعة المرجعية؛ بعبارة أخرى، فإنّ تعليم الروحانية الإسلامية يؤثّر فى تخفيف القلق الكيانى تأثيراً واضحاً.

كلمات مفتاحية: تعليم الروحانية، القلق الكيانى، المقاربة الإسلامية، الطالبات.

دراسة فى الالتزام العملى بالمعتقدات الإسلامية وأساليب إدارة المشاكل الزوجية بصفقتها العوامل المتنبة للطلاق

talaeian_r@yahoo.com

رضوانه طلائيان / ماجستير الاستشارة العائلية من جامعة خوارزمى

كيانوش زهراكار / أستاذ مساعد فى قسم الاستشارة بجامعة خوارزمى

الوصول: ٢٩ شعبان ١٤٣٥ - القبول: ٢٣ محرم ١٤٣٦

الملخص

أجريت المقالة التى بين يدى القارئ الكريم بين الأزواج المطالبين بالطلاق بهدف دراسة الالتزام العملى بالمعتقدات الإسلامية وأساليب إدارة المشاكل بين الأفراد (الزوجية) بصفقتها العوامل المتنبة للطلاق، تعتمد المقالة على المنهج الوصفى - الترابطى، وشملت عينة الدراسة ٢٧٨ شخصاً من مراجعى مركز الاستشارة فى بلدية المنطقة ٧ لأمانة طهران، تم اختيارهم عبر الأسلوب العرضى لانتقاء العينات. استخدم الباحثان مؤشر عدم الاستقرار فى الزواج (MII)، ومقياس التقدير الذاتى للالتزام العملى بالمعتقدات الإسلامية، واستبيان أساليب إدارة المشاكل بين الأفراد (ICMSI) لجمع البيانات، كما اعتمدا على معامل الترابط لبيرسون واختبار تحليل الانحدار (متعدد المتغيرات) لتحليلها، أسفرت النتائج عن تنبؤ الالتزام العملى بالمعتقدات الإسلامية بالطلاق، كما أن أساليب إدارة المشاكل الزوجية يمكن أن تنبأ احتمال الطلاق تنبؤاً واضحاً بنسبة تساوى ($P < 0/01$).

كلمات مفتاحية: الالتزام العملى بالمعتقدات الإسلامية، أساليب إدارة المشاكل الزوجية، التنبؤ بالطلاق.

علاقة الاتجاه نحو الالتزام الديني والذكاء الروحي بمدى التحمل النفسي عند طلاب الجامعات

fas@kashanu.ac.ir

فريرز صديقي أرفعي / أستاذ مشارك في قسم علم النفس بجامعة كاشان

علي حسين زاده / أستاذ مساعد في قسم المعارف بجامعة كاشان

مريم نادى راوندی / ماجستير علم النفس التربوي بجامعة كاشان

الوصول: ٤ رجب ١٤٣٥ - القبول: ١٤ ذى الحجة ١٤٣٥

الملخص

جاءت هذه المقالة بهدف دراسة علاقة الاتجاه نحو الالتزام الديني والذكاء الروحي بمدى التحمل النفسي عند طلاب الجامعات. أما المجتمع الإحصائي للدراسة، فيشمل جميع طلاب جامعة كاشان في عام ٩٣-٩٢ الدراسي، حيث اختيروا ٢٢٨ طالباً من خلال المنهج الطبقي لأخذ العينات. وأجاب المجتمع الإحصائي عن أسئلة استبيان الاتجاه نحو الالتزام الديني للبورتر واستبيان الذكاء الروحي ومقياس التحمل النفسي. وتوصلت الدراسة إلى وجود علاقة إيجابية وذات دلالة إحصائية بين الاتجاه الجوهري نحو الالتزام الديني ومدى التحمل النفسي لطلاب الجامعات، إضافة إلى أن هناك لا يوجد اختلاف ملحوظ وذو دلالة إحصائية بين الطلاب والطالبات في الاتجاه نحو الالتزام الديني والذكاء الروحي ومدى التحمل النفسي. كما تكشف النتائج عن وجود اختلاف ملحوظ بين الطلاب والدارسين في مجال الدين من ناحية الاتجاه الجوهري والخارجي نحو الالتزام الديني دون وجود هذا الاختلاف في الذكاء الروحي ومدى التحمل النفسي بين هاتين المجموعتين. أما النتائج المتحصلة من اختبار تحليل الانحدار تدلّ على أن الذكاء الروحي يساهم في بيان التحمل النفسي عند الطلاب إسهاماً كبيراً، وفي نهاية المطاف يمكن أن نستنتج: إن الذين يتحلون بالاتجاه الجوهري نحو الالتزام الديني ولا يراثون بغية الوصول إلى مصالحهم الشخصية، والذين يحفظون بالذكاء الروحي الأكثر، فإنهم يتمتعون بالتحمل النفسي أكثر من غيرهم.

كلمات مفتاحية: الاتجاه نحو الالتزام الديني، الذكاء الروحي، التحمل النفسي، الطلاب، الدارس في مجال الدين.

The Relationship of Religious Orientation and Spiritual Intelligence with the Degree of Students' Resilience

✉ **Fariburz Seddighi Arfae'I** / Associate professor of psychology department, Kashan University

fas@kashanu.ac.ir

Ali Hossein Zadeh / Assistant professor of Maa'ref Department, Kashan University

Maryam Nadi Ravandi / MA student of educational psychology, Kashan University

Received: 2014/05/05 - **Accepted:** 2014/10/10

Abstract

This research aims to investigate the relationship of religious education and spiritual intelligence with the degree of students' resilience. The population sample consists of all the students of Kashan University in the academic year 92-93 (solar). 228 students were chosen by means of classified sampling. The research techniques are: Allport questionnaire on religious orientation, a questionnaire on spiritual intelligence and Scale of Resilience. The results show that the inner religious orientation has a significant positive relationship with spiritual intelligence and degree of students' resilience and there is no significant relationship between female students and male students concerning religious orientation, spiritual intelligence and resilience. Furthermore, there is a significant difference between students and researchers in religion concerning the inner and outer religious orientation, but in as far as spiritual intelligence and degree of resilience are concerned, no difference is detected between these two groups. The results of regression analysis show that spiritual intelligence has the most contribution to the interpretation of students' resilience. Finally, we can concluded that those who have inner religious orientation; that is, they do not pretend to be pious merely out of selfish interest, and those with high spiritual intelligence have high resilience.

Key words: religious orientation, spiritual intelligence, resilience, students, researchers religion.

A Review of Practical Adherence to Islamic Beliefs and Marital Conflict Management Styles as Predictors of Divorce

✉ **Rezvaneh Talaiyan** / MA in family counseling, University of Kharazmi

talaeian_r@yahoo.com

Kiyanush Zahra Kar / assistant professor of counseling group, University of Kharazmi

Received: 2014/06/28 - **Accepted:** 2014/11/17

Abstract

This study aims to expound adherence to Islamic beliefs and interpersonal (marital) conflict management styles as predictors of divorce among the couples petitioning for divorce. In this descriptive-correlational study, 278 people who visit counseling centers located in the 7th region of municipality of Tehran were chosen through available sampling. The data collection techniques are: marriage instability index (MII), self-rating scale of adherence to Islamic beliefs and the inventory of interpersonal conflict management styles, (ICMSI). Pearson correlation and regression analysis (multiple regression) were used for analyzing the data. The findings show that practical adherence to Islamic beliefs is one of the predictors of divorce, and marital conflict management styles can be a good predictor of divorce ($P < 0/01$).

Key words: practical adherence to Islamic beliefs, marital conflict management styles, predictor of divorce.

The Efficiency of Cultivating Islamic Spirituality in Reducing Existential Anxiety

Zahra Zaeinivand / MA student of general psychology, Kermanshah, Razi University

✉ **Leila Amini Javid** / MA student of counseling and guidance, Al-zahra University

leilaaminijavid@yahoo.com

Jahangir Karami / Associate professor of psychology department, Kermanshah, Razi University

Received: 2014/08/03 - **Accepted:** 2015/01/25

Abstract

The aim of this research is to investigate the efficiency of cultivating Islamic spirituality in reducing existential anxiety. The research project is a kind of semi-pilot survey conducted on a control group who sat a pre-test and a post-test. The population sample consists of female students at the first level of high school in Kermanshah for the academic year 1392-93(solar). They were chosen from among the students of one high school through a cluster sampling method. From among 120 students, 30 students were chosen for the survey. They were suffering from existential anxiety with a grade under the cutting line in the Scale of existential anxiety arena. They were divided into two groups: a test group (15 students) and a control group (15 students). The test group were offered 5 ninety-minute training sessions on spirituality according to an Islamic approach. After the training sessions, the two groups sat an existential anxiety arena test. A univariate co-variance analysis (ANCOVA) was used for analyzing the data. The obtained results show that there is a significant difference between the test group and the control group with regard to existential anxiety, that is, cultivating Islamic spirituality has a practical effect on reducing existential anxiety.

Key words: cultivating spirituality, existential anxiety, Islamic approach, female students.

The Effectiveness of Group Spiritual Therapy on Increasing Resilience

✉ **Fatemeh Dehghan** / Researcher of the center for social and health development, medical university of kermanshah

Fateme.dehghan1368@gmail.com

Jahangir Karami / Associate professor of psychology department, Razi University, Kermanshah

Marziyeh Piri Kamrani / PhD student of counseling, Allamah Tabatabai University

Received: 2014/05/12 - Accepted: 2014/10/07

Abstract

In psychology spiritual studies are among the basic questions and increasing attention is given to this question by many countries. The aim of this research is to determine the effectiveness of spiritual therapy on the increase in resilience among students. From among all the students of Samma Technical College of Kermanshah, 50 students were chosen through a simple random sampling and divided into: a test group (24 students) and a control group (26 students). The experimental research which was in the form of pre-test and post-test was conducted on control group. The test group took part in ten group spiritual therapy sessions. Connor and Davidson questionnaire on resilience was used for gathering the data. Statistical Covariance method was used for analyzing the data. The results show that there is a significant difference between the average grade of resilience of the test group and control group in the post-test and the variant control in the pre-test. Given the research results, we can conclude that group spiritual therapy is significantly effective in increasing students' resilience.

Key words: group spiritual therapy, resilience, students.

The Effectiveness of Group Spiritual Therapy Approach on Increasing the Resiliency Degree of the Female High School Students in Isfahan

Ezatollah Ghadam Poor / Assistant professor of educational psychology, Lorestan University

✉ **Tahere Rahimi Pour** / PhD student of educational psychology, Lorestan University

t.rahimipour@gmail.com

Hossein Salimi / PhD student of educational psychology, Lorestan University

Received: 2014/07/16 - **Accepted:** 2015/01/10

Abstract

This study is a semi-pilot research conducted on a control group on the basis of pre-test and post-test planning, the aim of which is to investigate the effectiveness of group spiritual therapy approach on increasing the resilience degree of the female high school students in Isfahan. The population sample consists of all the female high school students of Isfahan for the academic year 1392-1393 school. The sample comprises 30 students who were randomly chosen through available sampling and divided into two groups: a test group (15 students) and a control group (15 students). The test group attended twelve therapy sessions. Then, the two groups took part in pre-test and post-test sessions in which Connor and Davidson questionnaire on resilience was distributed. The statistical method of co-variance analysis and SPSS software were used for analyzing the data. The findings of research show that the group spiritual therapy at a meaningful level ($P < 0.05$) is effective in increasing students' resilience.

Key words: psychotherapy, spirituality, spiritual therapy, resilience.

The Position of Wealth and Beauty in the Choice of Marriage Partner in the View of Islam and Their Relationship with Marital Satisfaction

✉ **Abbas Paluj** / MA in psychology, IKI

abbaspalouj@gmail.com

Hadi Hossein khani / Assistant professor of educational psychology, IKI

Gholam Reza Jandaghi / Associate Professor, University of Qom

Fatemeh Kiyanifar / BA in general psychology

Received: 2014/06/16 - **Accepted:** 2014/11/21

Abstract

This study aims to examine the Islamic position from wealth and beauty in spouse selection from the choice of marriage partner and their relationship with marital satisfaction. To this end, using a theoretical analytical method and resting on Islamic sources, this paper reviews the position of wealth and beauty in the choice of marriage partner. Then, the relationship between the variables in the research is investigated and predicted by using a descriptive correlation-regression method. In the academic year 91-92, 273 teachers were chosen from among 750 teachers in Qom through stratified cluster sampling. Jadiri and Janbozorgy questionnnare on marital satisfaction and researcher-developed inventory on spouse selection criteria were used for the assessment .T-test and correlation test as well as SPSS21 software were used for analyzing the data. The results show that in Islam, wealth and beauty are taken into account in the choice of marriage partner, but faith, morality and having offspring have priority in this regard and that there is no relationship between marital satisfaction and giving priority to wealth and beauty in the first six years of spouses married life ($p > 0/5$).

Key words: choice of marriage partner, wealth, beauty, marital satisfaction.

A Review of the Stages of Life Based on the Islamic Sources

✉ **Mohammad Reza Ghaemi Moghaddam** / PhD student in philosophy of education, Hawzah and Daneshgah research center

Mahmoud Nozari / assistant professor of department of education, Hawzah and Daneshgah research center
mnowzari@rihu.ac.ir

Mohammad Davudi / assistant professor of department of education, Hawzah and Daneshgah research center
mdavoudi@rihu.ac.ir

Masoud Azerbaijani / associate professor of department of psychology, Hawzah and Daneshgah research center

Received: 2015/04/09 - Accepted: 2015/09/07

Abstract

Human growth and development is gradual and stepwise. Man's mental structure, characteristics and behavior differ in each stage of life. Knowledge of these stages is important because it can help us to define and to design certain types of training and to use different training principles and methods. Many scientists have focused their research on investigating and identifying these steps. Therefore, analysis of this issue in religious texts and identifying the stages of human development and growth from the perspective of religion is of great importance for the scientific and religious community. This research deals with the division, staging and description of age and life in religious texts. The findings show that religion divides human life into three stages and nine sub-stages. The stage of initial weakness includes the sub-stages of development inside the womb, breast feeding, pre-discretion and discretion stage. The stage of strengths comprises adolescence, youth and middle age, and the stage of secondary weakness includes old age and Arzal al-Omr (the vilest state of life).

Key words: growth, development, life, stage, weakness, strength, child, puberty, youth, elderly, the vilest state of life.

Abstracts

Setting and Validating an Initial Test on Spouses Rational Beliefs according to Islamic Sources

✉ **Ali Sadeghi Seresht** / MA in general psychology, IKI

sad13566@gmail.com

Mohammad Reza Ahmadi / assistant professor of Department of Psychology, IKI

Rahim Mirderikvandi / assistant professor of Department of Psychology, IKI

Received: 2014/11/27 - Accepted: 2015/05/03

Abstract

This study aims at setting an initial test on spouses' rational beliefs according to the theoretical foundations of Islam. For studying Islamic sources content analysis was used, and for assessing the validity and reliability of the test a survey based on random stratified choice, and the population sample consists of 100 scholars and seminarians of Imam Khomeini Educational and Research Institute in the academic year 1393-1394. The initial test on spouses' rational beliefs aimed to examine financial, sexual, communicative, conflict resolution and supportive is based on Islamic sources. The 95/5 and 94 /5 percent approval of experts to the components and items shows the content validity of this test. The meaningful and positive correlation of the test ($r = 0.01, 0.01p$) with the test on the beliefs about the relations between spouses indicate the criterion validity of this test. Moreover, the high correlation of the components with the whole test confirms the construct validity. The internal consistency of the questionnaire checked through Cronbach's alpha coefficient (0.92) proves the reliability of the test. In split half, the alpha coefficients of the first half is 0.86 and the coefficient of the second half is 0.89. The correlation coefficient between the two halves is 0.77 and the coefficient of Guttman split-half is 0.86. Therefore, this test is quite valid and reliable.

Key words: rational beliefs, spouses, setting, test, validity and reliability.

Table of Contents

Setting and Validating an Initial Test on Spouses Rational Beliefs according to Islamic Sources / Ali Sadeghi Seresht / Mohammad Reza Ahmadi / Rahim Mirderikvandi /	5
A Review of the Stages of Life Based on the Islamic Sources / Mohammad Reza Ghaemi Moghaddam / Mahmoud Nozari / Mohammad Davudi / Masoud Azerbaijani	23
The Position of Wealth and Beauty in the Choice of Marriage Partner in the View of Islam and Their Relationship with Marital Satisfaction / Abbas Paluj / Hadi Hossein khani / Gholam Reza Jandaghi / Fatemeh Kiyaniyar	43
The Effectiveness of Group Spiritual Therapy Approach on Increasing the Resiliency Degree of the Female High School Students in Isfahan / Ezatollah Ghadam Poor / Tahere Rahimi Pour / Hossein Salimi.....	61
The Effectiveness of Group Spiritual Therapy on Increasing Resilience / Fatemeh Dehghan / Jahangir Karami / Marziyeh Piri Kamrani.....	81
The Efficiency of Cultivating Islamic Spirituality in Reducing Existential Anxiety / Zahra Zaeinivand / Leila Amini Javid / Jahangir Karami	93
A Review of Practical Adherence to Islamic Beliefs and Marital Conflict Management Styles as Predictors of Divorce / Rezvaneh Talaiyan / Kiyannush Zahra Kar.....	107
The Relationship of Religious Orientation and Spiritual Intelligence with the Degree of Students' Resilience / Fariburz Seddighi Arfae'I / Ali Hossein Zadeh / Maryam Nadi Ravandi.....	127

Concessionary: *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

Manager: *Mohammad Naser Saqaie Bi-Ria*

Editor in chief: *Mohammad Reza Ahmadi*

Executive manager: *Sajad Solgi*

Translation of Abstracts: *Language Department of IKI*

Editorial Board:

▣ **Hujjat-ul Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *Assistant Professor, IKI*

▣ **Hujjat-ul Islam Ali Reza Araf:** *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*

▣ **Dr. Qulam Ali Afruz:** *Professor, Tehran University*

▣ **Dr. Muhammad Karim Khoda panahi:** *Professor, Beheshti University*

▣ **Hujjat-ul Islam Dr. M. J. Zarean:** *Assistant Professor, Mustafa International University*

▣ **Hujjat-ul Islam Dr. N.Saghaye Biria:** *Assistant Professor, IKI*

▣ **Hujjat-ul Islam Dr. Abas Ali Shameli:** *Assistant Professor, Mustafa International University*

▣ **Hujjat-ul Islam Seyyid Muhammad Qaravi:** *Assistant Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*

▣ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Professor, Baqiat Allah Medical University*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +982532113480

Fax: +982532934483

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir
